

مجموعه آثار و رسائل دعوی دکتر محمد العریفی (۱۹)



جهان آخرت

رویدادهای بزرگ و کوچک قیامت و تحولات پس از آن

برگرفته از قرآن و سنت

ترجمه: محمد حنیف حسین زائی

وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی

www.Arefe.com

عنوان کتاب:	جهان آخرت
عنوان اصلی:	العالم الأخير
نویسنده:	دکتر محمد العریفی
مترجم:	محمد حنیف حسین زائی
موضوع:	معاد (حیات بعد از مرگ و قیامت)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	سایت فارسی دکتر محمد العریفی Arefe.com/fa



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱
داستان	۱۳
جهان آخرت ... چرا؟	۱۶
چرا به روز آخرت ایمان داشته باشیم؟	۱۸
داستان	۲۰
قیامت	۲۳
قیامت صغری	۲۳
قیامت کبری	۲۳
قیامت صغری	۲۴
این مرگ است	۲۵
لحظه‌های احتضار و در افتادن در کام مرگ	۲۷
مرگ پیامبرمان، محمد ﷺ	۲۷
بیماری وفات رسول الله ﷺ	۲۸
نماز جماعت	۲۹
سکرات موت پیامبر ﷺ	۳۰
وفات سیدنا عمر رضی الله عنه	۳۱

- ۳۳ آیا مردم نماز خواندند؟
- ۳۴ تعریف و مدح ابن عباس از حضرت عمر
- ۳۴ نصیحت بر بستر مرگ
- ۳۶ ابوبکره رضی الله عنه
- ۳۶ عامر بن زبیر رضی الله عنه
- ۳۶ عبدالرحمن بن اسود رضی الله عنه
- ۳۷ یزید الرقاشی
- ۳۸ اندرزهایشان به هنگام احتضار
- ۳۸ هارون الرشید
- ۳۹ عبدالملک بن مروان
- ۴۰ انواع دیگری از حالت‌های احتضار
- ۴۱ داستان فرد می‌خوار
- ۴۲ بی نمازان
- ۴۲ آیا جایز هست که انسان به خاطر ضرر جانی یا مالی که به وی رسیده است، آرزوی مرگ کند؟
- ۴۴ ایمان به مرگ
- ۴۴ مرگ چیست؟
- ۴۵ «ملک الموت» فرشته مرگ کیست؟
- ۴۶ هیچ کس نمی‌داند اجلش کجا فرا می‌رسد
- ۴۶ یادآوری مرگ
- ۴۷ آیا ناگوار دانستن مرگ، به معنای ناگوار دانستن دیدار با خداست؟
- ۴۸ آمادگی برای مرگ
- ۴۸ درآمد
- ۴۸ اعمالی که پس از مرگ نیز سودآور خواهند بود
- ۴۹ نوشتن وصیت نامه

۵۰	رابطه مرگ با روح
۵۱	احکام میت
۵۱	نشانه‌های مرگ
۵۲	بردن جنازه به سوی قبرستان
۵۲	سه چیز میت را همراهی می‌کنند
۵۴	عالم برزخ
۵۴	قبر
۵۵	داستان
۵۷	حال انسان در قبر
۵۷	حال مؤمن
۵۸	سفری به آسمان
۵۹	حال کافر و گناهکار
۶۲	رابطه روح و جسد
۶۲	درآمد
۶۲	محل استقرار ارواح کجاست؟
۶۲	ارواح انبیا
۶۳	ارواح شهدا
۶۳	تفصیل احوال شهدا
۶۴	رفتن جعفر به غزوه موته
۶۵	خبر شهدا در مدینه
۶۷	حمزه نیز این گونه است
۶۷	برخی از ارواح شهیدان در بهشت
۶۷	ارواح مؤمنان غیر شهدا
۶۷	آیا ارواح مؤمنان همدیگر را در بهشت می‌بینند؟
۶۸	شهدا

- دلائل عذاب و نعمت قبر ۷۱
- درآمد ۷۱
- دلائل عذاب و نعمت قبر ۷۱
- چه کسانی از نعمت‌های قبر برخوردار می‌شوند؟ ۷۳
- چه افرادی در قبر عذاب می‌بینند؟ ۷۳
- آیا گذاشتن شاخه‌تر از عذاب قبر نجات می‌دهد؟ ۷۴
- چه زمانی در قبر از میت سوال آغاز می‌شود؟ ۷۴
- آیا مردم صدای عذاب قبر را می‌شنوند؟ ۷۵
- آیا مرده صدای زندگان را می‌شنود؟ ۷۵
- آیا مرده به گریه‌ اهلش عذاب می‌بیند؟ ۷۵
- احوال مردم در عالم برزخ و حیات برزخی ۷۷
- درآمد ۷۷
- اسباب عذاب قبر ۸۱
- درآمد ۸۱
- شرک و کفر ۸۱
- پرهیز نکردن از ادرار ۸۲
- سخن چینی ۸۲
- خیانت در اموال غنیمت ۸۳
- افطار کردن رمضان بدون عذر ۸۴
- نجات از عذاب قبر ۸۵
- درآمد ۸۵
- نماز ۸۵
- زکات ۸۵
- روزه ۸۵
- انجام کارهای نیک ۸۶

۸۶ صدقه و صلۀ رحم
۸۶ کار نیک و معروف
۸۶ احسان و خوش رفتاری با مردم
۸۷ پناه بردن به الله از عذاب قبر
۸۸ افرادى که از عذاب قبر نجات مى یابند
۸۸ شهید
۸۹ کسی که در راه خدا مرزبانى مى کند
۸۹ فردى که با بیماری شکم بمیرد
۸۹ خواندن سوره ملک در هر شب
۹۰ هر کسی که در قبر دفن شود، قبر به او مى چسبید
۹۱ مخلوقاتى که از بین نمى روند
۹۱ درآمد
۹۱ آخرین استخوان ستون فقرات (دنبالیچه)
۹۱ ارواح
۹۲ بهشت و دوزخ
۹۲ عرش
۹۳ کرسی
۹۳ حورالعین
۹۳ لوح
۹۳ قلم
۹۵ هفت مسأله در مورد قبر
۹۵ درآمد
۹۵ مسأله اول
۹۶ مسأله دوم
۹۶ مسأله سوم

- ۹۷ مسأله چهارم
- ۹۸ مسأله پنجم
- ۹۸ مسأله ششم
- ۹۹ مسأله هفتم
- ۱۰۰ ساختن مسجد به نزد قبرها و مزارها جایز نیست
- ۱۰۳ جایگاه ایمان به روز آخرت**
- ۱۰۳ درآمد
- ۱۰۳ معنای ایمان به روز آخرت
- ۱۰۵ اوصاف و ویژگی‌های روز آخرت**
- ۱۰۵ درآمد
- ۱۰۵ روزی که در برپایی آن تردیدی وجود ندارد
- ۱۰۵ برای کافران روزی دشوار خواهد بود
- ۱۰۶ روزی که هر انسان جزای کامل عملکرد خویش را دریافت می‌کند
- ۱۰۶ روزی که زمان وقوع آن از جانب الله مشخص شده است
- ۱۰۶ آن روزی نزدیک است
- ۱۰۷ به صورت ناگهانی خواهد آمد
- ۱۰۷ روزی بزرگ است
- ۱۰۷ خورشید به بندگان نزدیک می‌شود
- ۱۰۸ روزی که هیچ کس بدون اجازه خداوند سخن نمی‌گوید
- ۱۰۹ روزی که شاهی فقط از آن خداوند خواهد بود
- ۱۰۹ روزی که روی گردانان و اعراض کنندگان پشیمان می‌شوند
- ۱۱۰ قیامت کی برپا می‌شود؟**
- ۱۱۰ درآمد
- ۱۱۱ آیا این که زمان برپایی قیامت را بدانیم، سودی به ما می‌رسد؟
- ۱۱۱ قیامت در چه روزی برپا می‌شود؟

۱۱۲ طول آن روز
۱۱۳ نام‌های روز قیامت
۱۱۳ درآمد
۱۱۴ الیوم الآخر (روز آخرت)
۱۱۴ یوم الدین (روز جزا)
۱۱۴ یوم الجمع (روز گردآوری)
۱۱۴ یوم الفتح (روز بازگشایی)
۱۱۴ واقعه
۱۱۵ یوم الفصل (روز قضاوت و فیصله)
۱۱۵ الصاخة (گوش خراش)
۱۱۵ الطامة الكبرى (بلاى سخت و طاقت فرسا)
۱۱۵ قارعه (کوبنده و بلاى بزرگ)
۱۱۵ حاقه (رخداد راستین)
۱۱۵ ساعه
۱۱۶ یوم الآخرة (روز آخرت)
۱۱۶ یوم التغابن (روز حسدورزی)
۱۱۶ یوم الحسره (روز حسرت)
۱۱۶ ایستگاه‌های روز قیامت
۱۱۹ دمیدن در صور
۱۱۹ درآمد
۱۱۹ مسؤل دمیدن در صور
۱۲۰ دلایلی از قرآن و حدیث بر نفخ صور
۱۲۱ تعداد دفعات دمیدن در صور
۱۲۱ نفخه اول
۱۲۱ نفخه دوم

- ۱۲۲ مدّت زمان بین دو نفخه
- ۱۲۳ در چه روزی در صور دمیده می‌شود؟
- ۱۲۳ نخستین کسی که نفخه اول را می‌شنود
- ۱۲۴ رحمت و شفقت خداوند بر مؤمنان
- بعث و نشور**
- ۱۲۶ در آمد
- ۱۲۶ دلایل وقوع بعث
- ۱۲۷ دلایلی بر ممکن بودن بعث و برانگیختن
- ۱۲۸ استدلال به آغاز آفرینش بر اعاده آن
- ۱۲۹ زنده گردانیدن برخی از مردگان در دنیا
- ۱۳۰ از کمال قدرت الهی این است که چیزی را از ضد آن بیرون می‌آورد
- ۱۳۱ قدرت خداوند بر آفرینش آسمان‌ها و زمین
- ۱۳۱ وضعیت کسانی که در قبرها قرار نگرفتند
- کیفیت و چگونگی بعث**
- ۱۳۲ اجساد به‌سان گیاهان می‌رویند
- ۱۳۴ آیا بندگان از آفرینش نخستین‌شان متفاوت آفریده می‌شوند؟
- ۱۳۵ نخستین کسی که زمین از وی شکافته می‌شود
- حکم کسی که زنده شدن پس از مرگ را انکار می‌کند**
- ۱۳۷ هول و هراس‌های روز قیامت
- ۱۳۸ وضعیت آسمان‌ها و زمین در روز رستاخیز
- ۱۳۹ وضعیت زمین
- ۱۴۰ از بین رفتن کوه‌ها
- ۱۴۱ منفجر شدن و آتش گرفتن کوه‌ها
- ۱۴۲ جنبش و شکاف برداشتن آسمان
- ۱۴۲ در آن روز آسمان چه رنگی خواهد داشت؟

- ۱۴۲ درهم پیچیده شدن خورشید
- ۱۴۳ وضعیت ماه
- ۱۴۳ سیارات و ستارگان
- ۱۴۴ کدام ستارگان گرفتار این فاجعه خواهند شد؟
- ۱۴۵ **حشر**
- ۱۴۵ درآمد
- ۱۴۶ دلایل حشر
- ۱۴۷ صفت سرزمین محشر
- ۱۴۷ محل سرزمین محشر
- ۱۴۷ مقدار زمان روز قیامت
- ۱۴۹ انواع حشر
- ۱۴۹ نوع اول، حشر زندگان
- ۱۵۱ نوع دوم، حشر مردگان
- ۱۵۲ کیفیت حشر مخلوقات
- ۱۵۳ آیا حیوانات هم محشور خواهند شد
- ۱۵۴ مراد از وحشت بزرگ‌تر (الفزع الاکبر) چیست؟
- ۱۵۵ پرچم پیامبر ﷺ در میدان محشر
- ۱۵۵ حال و وضع انسان‌ها در میدان محشر
- وقتی انسان‌ها عریان حشر می‌گردند، آیا می‌توانند به همدیگر بنگرند یا خیر؟
- ۱۵۷
- ۱۵۷ شدت وحشت مردم
- ۱۵۸ در آن روز مؤمنین چه وضعیتی خواهند داشت؟
- ۱۵۹ چگونگی حشر کفار
- ۱۶۰ نخستین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می‌شود
- ۱۶۰ نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می‌شود
- ۱۶۱ اعمالی که سختی محشر را آسان می‌کند

- کسانی که فقط برای خوشنودی الله با هم دوستی و رفاقت برقرار می کنند ۱۶۲
- تاجری که به تنگدست مهلت می دهد یا قرضش را می بخشد ۱۶۲
- کسی که بر تنگدست آسان می گیرد..... ۱۶۲
- هر کسی که در صدد برآورده ساختن نیاز برادرش است ۱۶۳
- دادگران..... ۱۶۴
- فرو بردگان خشم..... ۱۶۴
- مؤذنان ۱۶۵
- کسانی که در اسلام پیر شوند ۱۶۶
- وضو گیرندگان ۱۶۶
- اهل قرآن ۱۶۷
- نیکوکاران..... ۱۶۸
- یاری دهندگان ضعفا ۱۶۹
- حال نافرمانان در روز قیامت ۱۶۹
- آنان که زکات مالشان را نمی پردازند ۱۶۹
- متکبر ۱۷۱
- گناهانی که خداوند با مرتکب شوندگانشان سخن نمی گوید ۱۷۲
- علما، دانشمندان و راهبان ۱۷۲
- کسی که شلوارش از شتالنگ پایین تر است..... ۱۷۳
- کسی که کالایش را به سوگند دروغین می فروشد ۱۷۳
- مئان ۱۷۳
- کسی که به آب بخل می ورزد..... ۱۷۴
- کسی که بیعت را می شکند ۱۷۴
- پیرمرد زناکار..... ۱۷۵
- فرمانروای دروغگو ۱۷۵
- فقیر متکبر ۱۷۶
- گناهانی که خداوند به انجام دهندگانشان نمی نگرد ۱۷۶
- کسی که از روی تکبر شلوارش را از شتالنگ پایینتر می کند ۱۷۷
- کسی که از پدر و مادرش نافرمانی می کند ۱۷۷

۱۷۸	زنی که خود را با مردان شبیه سازد
۱۷۸	دیوث
۱۷۹	کسی که از راه پشت با همسرش نزدیکی می کند
۱۷۹	گناهانی که انجام دهندگان خود را لگام می کند
۱۷۹	افرادی با خداوند ملاقات می کنند در حالی که الله نسبت به آنان خشمگین است
۱۸۰	ثروتمندان در ناز و نعمت
۱۸۰	حالت خیانت‌گر در روز قیامت
۱۸۱	خیانتکار زمان جاهلیت
۱۸۲	خیانتگر در اموال غنیمت
۱۸۴	زمین خوار
۱۸۴	کسی که تکدی گری می کند، بدون آن که نیاز داشته باشد
۱۸۵	کسی که پایبند نماز نیست
۱۸۶	غیبت کننده و سخن چین
۱۸۶	دورو
۱۸۶	تصویربرداران
۱۸۸	گشایش صحیفه‌ها
۱۸۸	در آمد
۱۸۹	گروهی نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می کنند
۱۸۹	گروهی نامه اعمالشان را با دست چپ و از پشت سرشان دریافت می کنند
۱۸۹	
۱۹۱	عرض و حساب اعمال
۱۹۱	در آمد
۱۹۱	۱- عرضه شدن همه مخلوقات به بارگاه خداوند،
۱۹۲	۲- عرض و حساب
۱۹۲	معنای حساب

- انواع حساب در روز رستاخیز ۱۹۲
- آیا همه مؤمنان مورد محاسبه قرار می گیرند؟ ۱۹۵
- قانون محاسبه بندگان ۱۹۶
- قاعده اول: عدالتی کامل که هیچ ستمی با آن همراه نخواهد بود ۱۹۷
- قاعده دوم، هیچ کس به گناه دیگری مواخذه نمی شود ۱۹۹
- قاعده سوم: آگهی یافتن بندگان از اعمالی که از پیش فرستاده اند ۲۰۰
- قانون چهارم: نیکی ها افزوده می گردند، اما بدی ها خیر ۲۰۲
- قاعده پنجم: اقامه شهود ۲۰۳
- اموری که بندگان از آن ها سؤال خواهند شد ۲۰۶
- بنده از هر عملی که در دنیا انجام می دهد، پرسیده می شود ۲۰۷
- از نعمت هایی که برخوردار بوده است، پرسیده می شود ۲۰۸
- آدمی از نعمت چشم، گوش و قلب پرسیده می شود ۲۰۹
- کدام امت قبل از همه مورد محاسبه قرار می گیرد؟ ۲۰۹
- اولین گناهی که در میان مردم انجام شده و محاسبه آن انجام می گیرد ۲۰۹
- حال و وضع بندگان در روز داوری و محاسبه ۲۱۱
- آثار به جا مانده ۲۱۲
- انواع حقوقی که در روز قیامت ادا شوند ۲۱۳
- حقوق الله تعالی ۲۱۳
- حقوق بندگان ۲۱۴
- حقوق حیوانات و چهارپایان ۲۱۷
- گواهان دادگاه قیامت ۲۱۸
- پیامبر ما ﷺ و امتش بر دیگر امت ها گواهی می دهند ۲۱۸
- پیامبرمان ﷺ بر امتش گواهی می دهد ۲۲۰
- گواهی اعضای بدن علیه انسان ۲۲۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

داستان

بارها برایم تماس گرفت؛ اما من به علت تراکم کارها در پاسخ تماس‌هایش موفق نشدم.

مرتب به موبایلم sms می‌داد.

لذا برایش تماس گرفتم، ابتدا آرام به نظر می‌رسید، اما صدا و زمزمه‌اش از اندوه درونی عمیقی حکایت داشت.

با آرامی از من پرسید: جناب شیخ! مسیرمان پس از مرگ، به کجا خواهد انجامید؟
گفتم: شگفتا! می‌میریم، وانگهی زنده می‌شویم، سپس محشور خواهیم شد و از آن پس به دیدار الله خواهیم شتافت و ...

سخن‌انم را قطع نمود و با استرس گفت: باورم همیشه! باورم همیشه!
از شیوه سخنانش دریافتم که این جوان به خواندن برخی کتاب‌ها و مقالات روی آورده یا به برخی سایت‌ها در اینترنت دسترسی داشته است که امر را بر وی مشتبه ساخته و او را از مسیر منحرف کرده‌اند، یا چه بسا با افراد لائیک خیال گفتگوهایی داشته و چون از دانش و علم تهی بوده، مغلوب افکار آنان گشته است.

لذا به وی گفتم: فرزندم! چرا باور نمی‌کنی؟

گفت: جناب شیخ! وارد برخی از سایت‌هایی شده‌ام که در مورد زندگانی دنیا و آخرت بحث می‌کنند و با افرادی در این موضوع گفتگو کرده‌ام، لذا به باورهایی که بر آن‌ها تربیت شده و بزرگ شده‌ام، از قبیل: بهشت، دوزخ، پل صراط، حساب، کیفر و... به اندیشه فرو رفته‌ام که این‌ها چه باورهایی هستند؟

گفتم: فرزندم! آرام باش، و در موضوعی به بحث و گفتگو به پرداز که در مورد آن علم و آگاهی داری. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ [الإسراء: ۳۶]. «از چیزی دنباله روی مکن که از آن ناآگاهی».

چه بسا افرادی در موضوعی به بحث و مناقشه پرداخته‌اند که در آن فن و موضوع، علم و آگاهی نداشته و در نتیجه دچار سردرگمی و استرس قرار گرفته و کار بر آنان مشتبه گشته و در نتیجه در تیررس افرادی قرار گرفته‌اند که آنان قصد گمراهی و تخریب فکر و اندیشه‌اش را داشته‌اند.

فرزندم! عقیده و باور توحید، اصل و اساس آفرینش ماست و روان آدمی جز با آن به آرامش دست پیدا نمی‌کند، از این رو می‌بینی که گروندگان به دین اسلام، رو به افزایش اند نه کاهش، و علاوه بر عامه مردم، در میان آنان اساتید دانشگاهها، مخترعین بزرگ، سفرا و وزیران به چشم می‌خورند!

چه چیزی باعث شده که این افراد به دینی گرایش پیدا کنند که اهل آن به بهشت، دوزخ، حساب و کیفر معتقدند؟ بدون این که کسی آنان را وادار به این کار نموده یا آنان را به دریافت جزا و پاداشی در قبال ورودشان به این دین بفریباند؟!.

قطعا این چیزی جز توحید و فطرت، و آرامش روان و راحتی درون و اطمینان قلب نخواهد بود.

خداوند هم ما را از یک جنس، یعنی از پدرمان آدم آفریده، سپس مادرمان را پدید آورده و پس از آن سایر انسان‌ها را از این دو نفر پراکنده ساخته است، تا این جهان را آباد کنیم، با مردم خوشرفتاری کنیم، و زندگی‌ای شاد و خرم داشته باشیم، و باز بمیریم و دوباره زنده شویم، مورد حساب و کتاب قرار گیریم، و در این مورد دلایلی در حدّ کافی از عقل و نقل وجود دارد.

جوان، با توجه تمام به سخنانم گوش فرا می‌داد تا جایی که در اثر سکوت مُفْرِطش، گمان بردم که تلفنش را خاموش کرده و به دنبال کارش رفته است، از این رو، هر چند بار، به وی می‌گفتم: گوش می‌دهی؟ درسته؟

او نیز با آرامش تاّم گوش می‌داد و غرق در اندیشه‌هایش بود!

لذا من متوجه شدم که او و امثال وی به کتابی نیاز دارند که در مورد رویدادهای قیامت سخن گفته و در عین حال با زبان روز سخن بگوید، از این رو به نگارش این کتاب که در پیش روی تان است، (جهان آخرت) اقدام نمودم.

از الله می‌خواهم که آن رو سودمند، مفید و خالصانه در جهت رضای خود قرار دهد. آمین.

محمد بن عبدالرحمن العریفی
استاد دانشگاه ملک سعود ریاض
دکتر در عقیده و ادیان
عضو اتحادیه علمای جهان اسلام
عضو سازمان جهانی رسانه‌های اسلامی
عضو هیئت عالی رشد و ترقی بشری
۹ ذوالحجه ۱۴۳۲ هـ .

جهان آخرت ... چرا؟

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين، وعلى آله الطيبين، واصحابه الغر الميامين، ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين، وبعد:

همهٔ ادیان اتفاق دارند مبنی بر این که انسان‌ها می‌میرند و سپس برای روزی که جزا و پاداش اعمالشان را بیابند، برانگیخته می‌شوند؛ در آن روز ستمکار، کیفر ستمگری و نیکوکار، پاداش نیکوکاری‌اش را دریافت می‌کند. بنابراین، زندگی دنیا پایان مسیر نیست.

خداوند می‌فرماید: ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ [ص: ۲۸]. «آیا (با حکمت و عدالت ما سازگار است) کسانی را که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، همچون تباهکاران (و فساد پیشگان در زمین) به شمار آوریم؟ و یا این که پرهیزگاران را با بزهکاران برابر داریم؟»

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: ۷]. «کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگرم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهایی که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است.»

از این جهت، ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ایمان است و هر کس بعث و حساب را تکذیب نماید، او به خداوند بزرگ کافر شده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ [الأعراف: ۴۵]. «همان کسانی که (مردمان را) از راه خدا باز می‌داشتند، و (بر راستای خداشناسی سدها و مانع‌ها ایجاد می‌کردند، و در دل‌های مردمان شک‌ها و گمان‌ها می‌انداختند تا آنان را منحرف سازند و بدیشان) راه خدا را کج و نادرست نشان دهند، و آنانی که به آخرت کفر می‌ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند)».

بنابراین،

- ایمان به آخرت یعنی چه؟
- مرگ چیست؟
- در قبر چه اتفاقی می‌افتد؟
- حوض و میزان چه هستند؟
- پل صراط و نامه اعمال یعنی چه؟
- ویژگی‌های بهشت و دوزخ کدامند؟
- شگفتی‌های آخرت چه اموری خواهند بود؟ در آن روز، انسان‌ها چه وضعیتی خواهند داشت؟
- چه زمانی در آخرت پروردگاران را رؤیت خواهیم کرد؟

با ما باش تا به مقصد جهان آخرت همسفر شویم

چرا به روز آخرت ایمان داشته باشیم؟

خواست خداوند چنین بوده است که پس از زندگی دنیا، جهان دیگری باشد، از رویدادهای آن به ما خبر داده و با وقوعش ما را موعظه کرده و بر ما واجب گردانیده که به آن ایمان داشته و خود را برای آن روز آماده کنیم.

زیرا یادآوری روز آخرت، انسان را وادار به انجام اعمال و کردار نیک و پسندیده کرده و استرس و دلهرهٔ درونی را از آدمی سلب می‌نماید و او را از انجام ستمگری و غلبهٔ بر ضعفا و مستمندان برحذر می‌دارد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۷]. «و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کم‌ترین ستمی نمی‌شود، و اگر به اندازهٔ دانهٔ خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم (و سزا و جزای آن را می‌دهیم) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسان‌ها) باشیم».

و در آیهٔ دیگری فرموده است: ﴿وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ [طه: ۱۱۱]. «(در آن روز همه) چهره‌ها در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و گرنش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر (دنیای خود) را بر دوش کشد، ناامید (از لطف خدا و بی‌بهره از نجات و ثواب) می‌گردد».

آن حضرت ﷺ در حدیثی می‌فرماید: هر کس بر برادرش ستمی روا داشته، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشته، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش درهم یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشته باشد، به عوض ستمش از

آن برداشته می‌شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بر وی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می‌شود.^۱

ایمان به رستاخیز، از فساد و الحاد نیز جلوگیری می‌کند، اما کسی که به رستاخیز ایمان ندارد، از انجام اعمال زشت و منکر باز نمی‌آید. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيْبُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۴]. «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه (راست) منحرف هستند».

همچنین ایمان به روز رستاخیز، اخلاق آدمی را زیبا نموده و در برابر مصایب و سختی‌ها او را وادار به صبر و شکیبایی می‌نماید و بر آنچه از دست داده است، حسرت نمی‌خورد؛ چون می‌داند که در برابر آن، در روز رستاخیز پاداش بزرگی را دریافت می‌کند.

۱- صحیح بخاری. یکی از موارد رحمت و مهربانی خداوند بر بندگانش این است که در میان اختلاف کنندگان صلح و آشتی برقرار می‌کند تا ستمگر مورد عفو قرار گرفته و ستم‌دیده راضی شود. چنان که حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: ما در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که ناگهان آن حضرت صلی الله علیه و آله به خنده آمد تا جایی که دندان‌های پیشینش ظاهر گردید. اصحاب پرسید: یا رسول الله! برای چه می‌خندید؟ فرمود: دو نفر از امت من در پیشگاه خداوند به زانو افتاده‌اند و یکی از آن دو نفر می‌گوید: خدایا! حقم را از برادرم بگیر. خداوند می‌فرماید: حق برادرت را که در حقش ستم کرده‌ای، بده. او جواب می‌دهد: خدایا! از نیکی‌هایم چیزی باقی نمانده است، برادرش می‌گوید: خدایا! از گناهانم بر دوش او بگذار! در این هنگام چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله از اشک جاری شدند و فرمود: آن روز، روزی است که مردم نیاز دارند تا گناهان دیگران بر دوش آنان گذاشته شود.

آن‌گاه خداوند به صاحب حق می‌گوید: چشمانت را بالا بگیر و نگاه کن، او نگاهش را به بالا می‌اندازد و می‌گوید: خدایا! کاخ‌هایی از طلا می‌بینم که با مروارید آراسته شده‌اند، خدایا! این کاخها متعلق به کدام پیامبر، یا کدام راستگو و یا کدام شهید هستند؟ الله می‌گوید: اینها متعلق به کسی هستند که قیمت آنها را پردازد. آن فرد می‌گوید: خدایا! چه کسی می‌تواند قیمت اینها را پردازد؟ الله می‌گوید: تو می‌توانی! او جواب می‌دهد: به چه چیزی؟ می‌گوید: با بخشیدنت از برادرت. آن‌گاه او می‌گوید: خدایا! برادرم را بخشیدم. الله می‌گوید: حالا دست برادرت را بگیر و او را وارد بهشت گردان. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از خدا بترسید و صلح و آشتی را در میانتان برقرار نمایید؛ زیرا الله در روز رستاخیز در میان مؤمنان صلح و آشتی می‌کند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مسلمان، دچار هیچ گونه گرفتاری و مصیبتی نمی‌شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خلد»^۱.

کسی که به روز رستاخیز ایمان داشته باشد، به گناه و جنایتش اعتراف می‌کند و می‌خواهد تا خود را از آن پاک گرداند.
صحابه بزرگوار الگوی نیکویی در برابر محاسبه و طهارت نفس بودند.

داستان

ماعز، یکی از یاران پیامبر ﷺ بود که شیطان به قلبش وسوسه انداخت و او را به کنیز یکی از انصار فریب داد، لذا با او خلوت نموده و شیطان شخص سوم آنان قرار گرفت و هر کدام را برای دیگری مزین نمود تا این که مرتکب زنا شدند.

وقتی ماعز از این جنایت فارغ شد و شیطان از او کنار رفت، گریه نموده و خود را مورد ملامت و سرزنش قرار داد و از عذاب الله ترسید و دنیا به رویش تنگ آمد تا جایی که تنفر و انزجار آن گناه قلبش را می‌آزرد؛ لذا به نزد طیب دل‌ها آمد و در برابرش ایستاده و از گرمای آنچه احساس می‌کرد، فریاد زده و گفت:

یا رسول الله! دورتر^۲ زنا کرده است، مرا پاک گردان. آن حضرت ﷺ به او توجه نکرد. باز از جهتی دیگر آمد و گفت: یا رسول الله! مرا پاک گردان. پیامبر ﷺ فرمود: «وای بر تو! برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن».

راوی می‌گوید: ماعز اندکی دور شد و دو مرتبه آمد و عرض نمود: یا رسول الله! مرا پاک گردان. باز رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن». باز او مقدار اندکی دور رفت و بار چهارم همان جمله را تکرار فرمود.

تا این که رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا وی دیوانه است؟» مردم جواب دادند که وی دیوانه نیست. پرسید: «آیا شراب نوشیده است؟» آن گاه مردی برخاست و دهانش را بویید، و بوی شرابی از وی استشمام نکرد، آن گاه فرمود: «آیا تو زنا کرده‌ای؟» گفت:

۱- بخاری.

۲- منظور از دورتر خودش است که در لحظه ارتکاب گناه، از خوف و ترس الله بسیار دور بوده و فاصله داشته است.

آری. پرسید: آیا می‌دانی زنا یعنی چه؟ گفت: بله، با زنی چنان عمل حرامی را انجام داده‌ام که فرد با زنش از راه حلال آن عمل را انجام می‌دهد.

آن حضرت علیه السلام فرمود: با این سخت چه می‌خواهی؟ گفت: می‌خواهم پاکم گردانی. آن حضرت علیه السلام دستور داد تا رجمش کند و در نتیجه جان داد.

چون از نماز و دفنش فارغ شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با برخی از یارانش، از کنار محل وی رد شد، از دو نفر از یارانش شنید که در مورد وی اظهار نظر نموده و می‌گویند: به این نگاه کنید، خداوند رازش را پنهان نموده بود، اما خودش آن را فاش کرد تا این که مانند سگ‌ها سنگسار گردید.

آن حضرت علیه السلام اندکی خاموش شد تا این که از کنار الاغ مرده‌ای رد شد که تپش آفتاب آن را سوخته و باد کرده بود تا جایی که پایش بلند شده بود.

آن حضرت علیه السلام فرمود: آن دو نفر کجایند؟ آن دو جواب دادند که ما حاضریم. فرمود: فرود آیید و از لاشه این الاغ بخورید! آن دو گفتند: یا رسول الله! خدا تو را ببخشد، چه کسی می‌تواند از این الاغ بخورد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه را که الان شما در مورد برادران گفتید: از خوردن لاشه این الاغ سخت‌تر بود، او چنان توبه‌ای کرده است که اگر در میان کل امت تقسیم شود، همه را کفایت می‌کند. سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، او اینک در نهرهای بهشت فرو می‌رود.

پس خوشا به حال ماعز، آری، او زنا کرد و پرده‌ای که بین او و خداوند بود را درید، اما وقتی از گناه فارغ شد، لذت آن از بین رفت و حسرتش باقی ماند، ولی چنان توبه‌ای کرد که اگر در میان کل امت تقسیم گردد، همه را کفایت می‌کند.

در پایان...

ایمان به الله و روز قیامت، انسان را وادار می‌کند تا امانت را حفاظت نموده و او را از ریا باز می‌دارد، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ [التوبة: ۱۸]. «تنها کسی حق دارد مساجد خدا را (با تعمیر یا عبادت) آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد. امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشند».

روشنگری...

ایمان به روز رستاخیز،

مایه آرامش دنیا

و سعادت آخرت است.

قیامت

قیامت، به دو چیز اطلاق می‌گردد: یکی آن که پیش روی ماست و ما آن را می‌بینیم. دوم آن که یک بار اتفاق می‌افتد و همه موجودات را به وحشت می‌اندازد. بنابراین، قیامت بر دو نوع است: قیامت صغری و قیامت کبری.

قیامت صغری

قیامت صغری، یک قیامت و رستاخیز ویژه‌ای است، زیرا هر کس بمیرد، قیامتش برپا می‌شود.

چنان که مغیره بن شعبه گفته است: می‌گویند: قیامت، قیامت، قیامت، قطعاً قیامت هر کس، مرگ اوست.

قیامت صغری آن است که حضرت عایشه در حدیثی آن را بیان کرده است: افرادی خشن از بادیه نشینان نزد نبی اکرم ﷺ می‌آمدند و می‌پرسیدند: قیامت کی برپا می‌شود؟ رسول خدا ﷺ با نگاه کردن به کوچکترین آن‌ها می‌فرمود: «اگر این شخص، زنده بماند، قبل از این که پیر شود، قیامت شما برایتان برپا خواهد شد»^۱.

یعنی قبل از این که این کوچکترین فرد از شما پیر شود، همگی شما می‌میرید و این کوچک از میان شما آخرین فردی خواهد بود که می‌میرد.

قیامت کبری

قیامت کبری، رستاخیز عمومی است و با آن زندگی دنیا پایان می‌یابد و خداوند بندگان را برای حساب و جزا و بهشت و دوزخ زنده می‌گرداند.

خداوند در قرآن کریم، از هر دو قیامت صغری و کبری یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾ ﴿۱۹﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿۲۰﴾ [عبس: ۲۱-۲۲]. «بعد او را می‌میراند و وارد گورش می‌گرداند. * سپس هر وقت خواست او را زنده می‌گرداند».

مراد از ﴿أَمَاتَهُ﴾ قیامت صغری است.

و مراد از ﴿أَنْشَرَهُ﴾ بعث و نشور برای قیامت کبری است.

اینک ما از قیامت صغری، یعنی مرگ سخن می‌گوییم.

درگوشی...

هر کس خود را برای قیامت صغری آماده کند،

قیامت کبری برایش آسان می‌شود.

قیامت صغری

قیامت صغری، یعنی مرگ و جدا شدن روح از جسد است و همه موجودات به آن می‌رسند و موجودات در این مورد اخبار و اسراری دارند و زمان احتضار، مایه پند و اندرز است.

- پس وضعیت مردم در وقت احتضار چگونه خواهد بود؟
- داستان‌های افراد افتاده در کام مرگ چگونه است؟
- علامات حسن خاتمه و سوء خاتمه چیست؟
- حقیقت روح چیست؟

این مرگ است

گفته‌اند که داود، وزیری گرانمایه داشت و چون وفات کرد، وزیر سلیمان قرار گرفت.

روزی سلیمان به اتفاق وزیرش، چاشتگاه در مجلسش نشسته بود که مردی وارد شد و سلام گفت.

آن مرد با سلیمان سخن گفت و با تندى به آن وزیر نگاه می‌کرد. وزیر سراسیمه شد و سخت ترسید.

وقتی آن مرد بیرون شد، وزیر به سلیمان گفت: این مرد که اینک از نزد تو بیرون رفت، چه کسی بود؟ سوگند به الله که منظری هولناک داشت و مرا ترسانید! سلیمان گفت: این ملک الموت بود که خود را به صورت انسان در آورده بود و نزد من آمده بود. وزیر سراسیمه شد و به گریه افتاد و گفت: ای پیامبر خدا! به خاطر خدا از تو می‌خواهم تا به باد دستور دهی تا مرا به مکان دور دستی ببرد، دستور بده تا مرا به هند ببرد.

سلیمان به باد دستور داد تا او را به هندوستان ببرد.

روز بعد ملک الموت به نزد سلیمان آمد تا مثل همیشه به سلیمان سلام گوید. سلیمان پرسید: دیروز دوست مرا ترساندی، چرا با تندى به او نگاه کردی؟ گفت: دیروز چاشتگاه، من به نزد تو آمدم و خداوند دستور داده بود که بعد از ظهر، جان او را در هند بگیرم و از این که به نزد تو بود، تعجب کردم. سلیمان پرسید: آن گاه چکار کردی؟ گفت: چون بعد از ظهر به هند رفتم، او را آنجا دیدم که منتظرم است، لذا جانش را گرفتم.

آری، مرگ بزرگترین تحدی و مبارزه طلبی از جانب الله است که مخلوقات را به چالش کشیده و به مبارزه می‌طلبد.

﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجمعة: ۸] «بگو: قطعاً مرگی که از آن می‌گریزید، سرانجام با شما رویاروی می‌گردد و شما را در می‌یابد، بعد از آن به‌سوی کسی

برگردانده می‌شوید که از پنهان و آشکار آگاه است، و شما را از آنچه کرده‌اید باخبر می‌گرداند».

پادشاهان و امرا، دربانان و وزیران، بزرگان و افتادگان، ثروتمندان و فقیران، حتی فرشتگان با عظمت و شیاطین و جنیان، حیوانات و پرندگان، همگی ناتوان گشته‌اند تا در برابر این تحدی و چالش مقاومت کنند.

﴿قُلْ فَأَدْرَعُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۶۸].

«بگو: پس مرگ را از خود بدور دارید اگر راست می‌گویید».

﴿أَيِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ [النساء: ۷۸].

«هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، اگر چه در برج‌های محکم و استوار جایگزین باشید».

کجایند لشکریان و سربازان؟ کجایند پادشاهان و جاه و مرتبه‌شان؟

کجایند فرمان‌روایان فارس و حاکمان روم؟

کجایند رهبران؟ کجایند تجار و بازرگانان؟ کجایند طبیبان و پزشکان؟

أتی علی الكل أمر لا مرد له حتی قضوا فکان القوم ما کانوا

وصار ما کان من مُلکٍ ومن مَلِک کما حکى عن خیال الطیف و سنان

«بر همگان چنان امری آمده است که باز گشتی ندارد، تا جایی که گویا چنان داوری کردند که قبلاً وجودی نداشته‌اند».

«و مُلک و پادشاهی چنان می‌ماند که فرد خواب‌آلود از خیال و گمان سخن

می‌گوید».

آغاز...

مرگ، دروازه ورود به جهان آخرت است.

لحظه‌های احتضار و در افتادن در کام مرگ

لحظهٔ احتضار و بیرون آمدن روح، شگفت‌انگیز است، همهٔ موجودات به دام آن گرفتار می‌شوند.

چه زندگی‌های با صفایی که مرگ آنها را تیره کرده است!
 چه قدم‌هایی که تلاش کرده‌اند، اما مرگ آن‌ها را ناکام گذاشته است!
 آیا پدران و نیاکان را در نور دیده است؟
 آیا دوستان را نربوده و رشتهٔ دوستی را قطع نکرده است؟
 آیا زنان را بیوه و کودکان را یتیم نکرده است؟
 مردم به هنگام احتضار و بیرون آمدن روح، صحنه‌های شگفت‌انگیزی را تجربه کرده‌اند!

مرگ پیامبرمان، محمد ﷺ

پس از آن که رسول خدا ﷺ از حجة الوداع بازگشت، روز به روز بیماری‌اش شدت می‌گرفت، و وی با جملاتی که بر زبان می‌آورد و نگاه‌هایی که می‌انداخت، جهان را وداع می‌گفت.

وقتی تب آن حضرت ﷺ شدید شد و به ترک دنیا یقین پیدا کرد، می‌خواست با مردم خداحافظی کند. بنابراین، سرش را بست و به فضل بن عباس دستور داد تا مردم را گرد آورد. مردم جمع شدند و آن حضرت ﷺ با کمک فضل به مسجد تشریف برده و بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

«اما بعد، ای مردم! من دارم از میان شما می‌روم و پس از این شما مرا در این جا نمی‌بینید. آگاه باشید، هر کسی را که من بر پشتش تازیانه زدم، این پشت من است و از آن قصاص بگیرد، و اگر مال کسی را برداشته‌ام، این مال من است، از آن بردارد و اگر آبروی کسی را ریخته‌ام، پس این آبرویم است و عوض خویش را بگیرد. کسی نگوید که من از کینه و عداوت می‌ترسم، زیرا کینه و بغض از شأن و اخلاق بدور است. همانا محبوبترین شما نزد من کسی است که حقش را دریافت نماید، اگر حقی بر من دارد

یا حلالم کند؛ زیرا من می‌خواهم در حالی نزد خداوند باز گردم که بر کسی ستم نکرده باشم»^۱.

بیماری وفات رسول الله ﷺ

روز به روز بیماری و شدت تب، جسم آن حضرت ﷺ را ضعیفتر و رنجورتر می‌کرد، اما با این حال بر خود فشار می‌آورد و به مسجد می‌آمد و نماز را برای مردم برگزار می‌کرد. تا این که روز جمعه نماز مغرب را برای مردم اقامه کرد و وارد خانه‌اش شد، در حالی که شدت بیماری به اوج خود رسیده بود. لذا برایش رختخوابی پهن نمودند و آن حضرت ﷺ بر روی آن خوابید.

رسول خدا ﷺ پیوسته بر همین رختخواب قرار داشتند تا این که بیماری او را بسیار ضعیف و رنجور کرده و بیماری وفاتش شدت یافته بود.

مردم برای نماز عشا جمع شده بودند و منتظر امامشان بودند تا آن حضرت ﷺ به مسجد تشریف بیاورد و برایشان نماز را اقامه کند. در حالی که شدت بیماری پیامبر ﷺ را در هم شکسته بود. تلاش کرد تا از رختخوابش بلند شود، اما نتوانست و از رفتن به مسجد تاخیر کرد. برخی از مردم صدا می‌کردند: نماز است، نماز است.

پیامبر ﷺ صدای آنان را شنید و از اطرافیانش پرسید: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ آنان پاسخ دادند: خیر، یا رسول الله! آنان منتظر شمایند.

نگاه کرد و دید که حرارت بدنش نمی‌گذارد تا از رختخواب بر خیزد. فرمود: طشت آبی برایم بیاورید. طشت آب آوردند. و از آن بر بدن آن حضرت ﷺ آب می‌ریختند.

و هنگامی که بدنش سرد شد با دستش اشاره نمود که کافی است و آنان نیز توقف کردند. چون مقداری احساس نشاط می‌کرد، خواست بلند شود، که دچار بی‌هوشی شد. وقتی به هوش آمد، فرمود: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: خیر، آنان منتظر شما هستند.

رسول الله ﷺ دوباره آب خواست و غسل نمود و آنان بر آن حضرت ﷺ آب می‌ریختند تا این که مقداری احساس نشاط و شادابی نمود. اما وقتی خواست بلند شود، برای بار دوم، بی‌هوش شد. چند لحظه بعد، وقتی به هوش آمد، اولین سوالی که

۱- معجم الکبیر طبرانی و مسند ابویعلی.

پرسید: آیا مردم نماز خواندند؟ گفتید: خیر، آن‌ها منتظر شما هستند. و مردم هم برای نماز عشا در مسجد، منتظر آن حضرت ﷺ بودند. فرمود: طشت آبی بیاورید. و آب سرد را بر بدنش می‌ریختند تا این که آب فراوان ریختند. و چون می‌خواست بر خیزد، باز هم بی‌هوش شد، در حالی که خانواده‌اش به او نگاه می‌کردند و قلب‌هایشان دچار اضطراب و دیدگانشان اشکبار بود و مردم در مسجد در انتظار و مشتاق دیدار امامشان بودند. با تکبیر او تکبیر گویند و همراه او به رکوع و سجده بروند. حال آن که پیامبر بی‌هوش بود.

اندکی بعد آن حضرت ﷺ به هوش آمد و پرسید: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ گفتند: خیر، یا رسول الله! آنان در انتظار شما به سر می‌برند. در حالی که شدت بیماری بدنش را در هم شکسته بود.

آری، بیماری بدن مبارکش را سخت رنجور گردانیده بود در حالی که با همین بدن دین خدا را یاری رسانده و برای رب العالمین جهاد کرده بود. بدنی که لذت عبادت و سختی روزگار را چشیده بود. بدنی که پاهایش از شدت قیام و ایستادن در نماز شکاف برداشته و چشم‌هایش از خوف خداوند گریه کرده و در راه خدا مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود و تشنه و گرسنه شده بود.

وقتی حال و وضعش را دید، کسی را نزد ابوبکر رضی الله عنه فرستاد تا نماز را برگزار کند. بلال برای نماز اقامه گفت و ابوبکر در محراب پیامبر صلی الله علیه و آله جلو رفت تا نماز را برگزار نماید در حالی که از شدت ناراحتی و گریه، مردم صدای ابوبکر را نمی‌شنیدند و با این وصف نماز عشا به پایان رسید.

باز مردم برای نماز فجر و دیگر نمازها جمع می‌شدند، و ابوبکر چند روزی نماز را برای آنان برگزار می‌کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنان در رختخوابش قرار داشت.

نماز جماعت

چون نماز ظهر یا عصر روز دوشنبه فرا رسید، مقداری نشاط به آن حضرت صلی الله علیه و آله دست یافته بود، لذا از عباس و علی خواست تا به کمک آن دو به مسجد بروند. لذا در حالی که پاهایش بر زمین کِش می‌خورد، با کمک آن دو به راه افتاد و پرده‌ای که بین او و مسجد بود را بالا گرفت و مردم را دید که نماز را اقامه نموده و مشغول نمازند.

یارانش را دید که در صفاها ایستاده و نماز می‌گزارند. به آنان نگاه می‌کرد در حالی که آنان با چهره‌ها و بدن‌هایی پاکیزه در برابر الله ایستاده‌اند. مدت‌های مدیدی را با این برگزیدگان و نخبگان به نماز ایستاده، و با آنان جهاد کرده و همنشین بوده است. چقدر از شب‌ها را او با آنان پاس داشته و بیدار مانده‌اند و چقدر از روزها را که به اتفاق هم روزه گرفته‌اند و چه بسیار با هم در برابر سختی‌ها ایستادگی کرده و شکیبا مانده‌اند و با وی خالصانه به دعا و زاری پرداخته‌اند و چه بسیار برای یاری دین خدا از اهل و برادرانشان جدا شده‌اند و وطن و دوستانشان را رها کرده‌اند! برخی به دیار باقی شتافته و عده‌ای در انتظار آن بسر می‌برند، ولی در آنان هیچ تغییر و دگرگونی صورت نپذیرفته است.

اینک آن روز فرا رسیده که آنان را رها می‌کند و به دیار ابدی می‌شتابد، چه بسیار آنان را برای این سفر تشویق نموده است!

وقتی آنان را مشغول نماز دید، خوشش آمد و تبسم بر لبانش نشست، تا حدی که چهره‌اش بسان پاره‌ای از ماه قرار گرفت، آن گاه پرده را پایین آورد و به رختخوابش باز گشت. در این هنگام فرشته مرگ از آسمان فرود آمد تا پاکترین و مطهرترین روحی که آفریده شده است را قبض نماید.

سکرات موت پیامبر ﷺ

سکرات موت آن حضرت ﷺ آغاز و روح با جسد دچار کشمکش شدند.
حضرت ام المومنین عایشه می‌گوید:

رسول خدا ﷺ را در آخرین لحظات عمرش دیدم، در حالی که ظرف آبی، پیش رو داشت و دست‌هایش را وارد آن ظرف می‌کرد و به صورتش می‌کشید، و در آن حال می‌گفت: «لا اله الا الله، همانا مرگ، سختی‌ها دارد». فاطمه در آنجا حضور داشت و گریه می‌کرد و می‌گفت: وای بر مصیبت پدرم! آن حضرت ﷺ رو به فاطمه کرد و فرمود: «مصیبتی از امروز به بعد به سراغ پدرت نخواهد آمد». من نیز بر چهره‌اش دست می‌کشیدم و برای بهبودی‌اش دعا می‌کردم. رسول خدا ﷺ می‌گفت: «نه بلکه من همراهی رفیق اعلی، همراهی جبرائیل، میکائیل و اسرافیل را می‌خواهم».

آن گاه وقتی نفسش به تنگی آمد و سكرات مرگ سخت گردید، جملاتی را بر زبان آورد و با آن جملات دنیا را وداع گفت. سخنانی را که برایش اهمیت داشت بر زبان آورد و از شرک برحذر داشت و فرمود:

«لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»^۱. «خداوند یهود و نصارا را لعنت کند، آنان قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند».

«اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»^۲. «خداوند بر قومی که قبور انبیای خود را مساجد قرار داده‌اند، سخت خشمگین شده است».

و نیز از آخرین جملاتی که بر زبان آورد این بود که فرمود: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»، «نماز را برپا دارید، نماز را برپا دارید، و بر زیر دستانتان رحم کنید».

آن گاه دنیا را وداع گفت. مادر و پدر و جانم فدای او باد. آری، سرور رسولان و امام متقیان و حبیب رب العالمین در حالی از دنیا رحلت فرمود که بر هیچ کسی ستمی روا نداشته بود، و کسی را با جمله‌ای نرنجانده بود، در حالی از دنیا رفت که خود را با مال حرام، غیبت و گناه آلوده نکرده بود. بلکه مردم را به سوی الله فرا می‌خواند و امیدوار رحمت پروردگارش می‌کرد و مردم را به نماز و عبادت خداوند فرا می‌خواند و از شرک و بت پرستی نهی می‌کرد.

خداوند در توصیف پیامبرمان چه زیبا فرموده است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸]. «بی‌گمان پیغمبری، از خود شما (انسان‌ها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است».

وفات سیدنا عمر رضی الله عنه

با هم به مدینه منوره می‌رویم تا با خلیفه راشد، حضرت عمر رضی الله عنه دیدار کنیم، کسی که دین خدا را یاری نمود و به خاطر الله جهاد کرد. کسی که آتشکده مجوسیان را

۱- بخاری.

۲- موطأ مالک (۲/ ۲۴۱).

خاموش کرد، کینه‌اش در دل کفار نشست. ابولؤلؤ مجوسی که از بردگان و نجاران و آهنگران مدینه بود و سنگ آسیا درست می‌کرد، از همه بیشتر کینه به دل شد.

این کافر به دنبال فرصتی می‌گشت تا انتقامش را از عمر رضی الله عنه بگیرد. روزی حضرت عمر رضی الله عنه او را در مسیر راه دید. از وی پرسید: شنیده‌ام که گفته‌ای اگر بخواهم آسیابی درست می‌کنم که با باد کار می‌کند؟ آن برده با چهره‌ای ترش به عمر نگاه کرد و گفت: برای چنان آسیابی درست می‌کنم که اهل مغرب و مشرق از آن باخبر شوند. آن گاه سیدنا عمر به یارانش نگاه کرد و گفت: این برده مرا به مرگ تهدید می‌کند.

لذا آن برده به راه افتاد و شمشیری دو لبه درست کرد که از هر جهت که ضربه بزند، طرف را به قتل می‌رساند و نیز آن شمشیر را زهرآگین نمود که یا با ضربه شمشیر کشته شود یا در اثر نفوذ سم‌ها جان دهد.

آن گاه در تاریکی شب آمد و برای کشتن عمر خود را در یکی از گوشه‌های مسجد پنهان کرد. او پیوسته خود را در آنجا پنهان کرده بود که ناگاه عمر وارد مسجد شد و مردم را برای نماز فجر متنبه سازد.

اقامه نماز گفته شد و عمر برای امامت جلو رفت و تکبیر گفت. وقتی قرائت را شروع کرد، مجوسی به وی هجوم آورد و در مدت کوتاهی سه ضربه را به وی وارد کرد، ضربه اول به سینه و ضربه دوم به پهلو و ضربه سوم به زیر نافش اصابت کرد. عمر فریاد برآورد و نقش زمین گشت، در حالی که این آیه را تکرار می‌کرد: ﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾ [الأحزاب: ۳۸]. «و فرمان خدا همواره روی حساب و برنامه دقیقی است و باید به مرحله اجرا در آید».

عبدالرحمن بن عوف جلو رفت و نماز مردم را کامل کرد، اما برده مجوسی با شمشیرش صفوف مسلمانان را درهم می‌کوبید تا راهش را برای فرار هموار کند، که در نتیجه سیزده نفر ضربه خورده و هفت نفر آنان جان دادند.

آن گاه شمشیرش را بالا گرفت که هر کسی نزدیک بیاید او را نیز مورد هجوم و ضربه قرار دهد. ناگاه فردی به وی نزدیک شد و چادر کلفتی را بر وی انداخت، برده مجوسی سراسیمه شد و چون متوجه گردید که دستگیر شده است، ضربه‌ای را بر خود وارد کرد و خونس فواره زد و مُرد.

عمر در حالی که بیهوش شده بود، به خانه‌اش منتقل گردید در حالی که مردم گریه می‌کردند و به دنبالش راه می‌رفتند. نزدیک به طلوع خورشید حضرت عمر به هوش آمد.

آیا مردم نماز خواندند؟

وقتی عمر به هوش آمد، به اطرافیانش نگاهی انداخت و نخستین سوالی که از آنان پرسید، گفت: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: بله یا امیرالمؤمنین. گفت: الحمدلله، اسلامی بدون نماز وجود ندارد.

آن گاه آب خواست و وضو گرفت و خواست برخیزد و نماز بخواند، اما نتوانست. آن گاه دست پسرش، عبدالله را گرفت تا بر او تکیه داده و نماز بخواند، اما خون از بدنش جاری شد.

عبدالله می‌گوید: به خدا سوگند من دستم را بر زخمش قرار دادم، اما شکاف زخم عمیق‌تر بود، لذا زخم‌هایش را با پارچه‌ای بست و نماز صبح را خواند، سپس فرمود: ای ابن عباس! ببین چه کسی مرا به قتل رساند؟ ابن عباس جواب داد: بردهٔ مجوسی ترا مورد هجوم قرار داد و جمعی از صحابه را نیز مورد حمله قرار داد و آن گاه خودش را نیز به قتل رساند. عمر گفت: خدا را سپاسگزارم که قاتل من فردی است که در حضور خدا، حتی با یک سجده‌ای که برای خدا انجام داده باشد، نمی‌تواند با من طرح دعوا نماید.

پزشک آمد تا جراحتهای عمر را معاینه کند، و بنگرد که آیا ضربه‌ها به معده و روده‌هایش اصابت کرده یا خیر؟ وقتی حضرت عمر آب نوشید، آب‌ها از زخم زیر نافش بیرون آمدند، پزشک گمان برد که شاید این‌ها خون باشند که بیرون می‌آیند، لذا شیر خواست، وقتی عمر شیرها را سر کشد، شیرها از زخم زیر نافش بیرون آمدند. پزشک پی برد که ضربه‌های شمشیر بدن وی را پاره کرده و شکمش هیچ غذا و آبی را نگه نمی‌دارد.

لذا رو به عمر کرد و گفت: یا امیر المومنین! وصیت بفرمایید؛ زیرا به گمانم امروز یا فردا مرگ به سراغت خواهد آمد. عمر با کمال نیروی ایمانی گفت: راست می‌گویی و اگر چیزی جز این می‌گفتی سخنت را باور نمی‌کردم.

سپس گفت: سوگند به الله، اگر تمام دنیا مال من می‌بود، از هول و هراس ایستادن در برابر الله، آن را فدیة می‌دادم.

تعریف و مدح ابن عباس از حضرت عمر

وقتی ابن عباس سخنان متواضعانه عمر را شنید که مشتاق و علاقمند دیدار خداوند است، گفت: اگر چه این را گفتم، خداوند به تو جزای نیکو دهد، آیا رسول خدا ﷺ دعا نموده بود، که خداوند دین و مسلمانان را وقتی که در مکه می ترسیدند، توسط تو عزت بخشد، و وقتی که اسلام آوردی، سلامت مایه عزت بود، و با اسلام تو، رسول خدا ﷺ و اصحابش آشکار گردیدند، و به سوی مدینه هجرت نمودی، و هجرت مایه فتح بود، بعد از آن از هیچ معرکه ای که رسول خدا ﷺ در نبرد مشرکین در روز فلان و فلان شرک ورزید، غایب نگردیدی. بعد از آن رسول خدا ﷺ در حالی وفات نمود که از تو راضی بود، و بعد از وی خلیفه رسول خدا ﷺ را با رأی و نظرت یاری و مساعدت نمودی، و با کسی که روی آورده بود، کسی را که روی گردانیده بود زدی، طوری که مردم به خوشی و ناخوشی داخل اسلام گردیدند. بعد از آن خلیفه در حالی درگذشت که از تو راضی بود. بعد از آن به شکل بهتری بر مردم والی شدی، و خداوند توسط تو شهرها را آباد نمود. و توسط تو اموال را جمع کرد، و توسط تو دشمن را نابود ساخت، و خداوند توسط تو بر هر خانواده توسعه در دین و فراخی در رزقشان آورد، و بعد از آن خاتمهات را با شهادت گردانید، و این برایت مبارک باشد!

آن گاه عمر گفت: به خدا سوگند، مغرور کسی است که او را فریب می دهید، بعد از آن گفت: ای عبدالله! آیا روز قیامت نزد خداوند برایم شهادت می دهی؟ گفت: بلی، عمر ﷺ گفت: بار خدایا، ستایش از آن توست. آن گاه مردم دسته دسته می آمدند و او را مورد ستایش قرار داده و با او خداحافظی می کردند.

نصیحت بر بستر مرگ

در این هنگام جوانی به نزد حضرت عمر ﷺ آمد و گفت: شادمان باش ای عمر! همراه و یار رسول الله بودی و سپس امارت را به دست گرفتی و عدالت کردی و سپس به شهادت رسیدی. عمر گفت: آرزویم این است که نیکی ها و بدی هایم برابر باشند، نه اجری داشته باشم و نه گناهی.

وقتی آن جوان برخاست و رفت، ازار شلوارش بر زمین آویزان بود، فرمود: این جوان را به نزد من بازگردانید، جوان بازگشت و حضرت عمر ﷺ از باب نصیحت و

خیرخواهی به وی گفت: ازارت را بالا بزن، زیرا این کار برای نظافت لباست زیباتر و برای تقوا و خداترسی پروردگارت بهتر است.

آن گاه درد عمر رضی الله عنه شدت یافت و گاه گاه بی‌هوش می‌شد. ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: پدرم بی‌هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم، وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، باز دوباره بی‌هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم و وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، من گفت: پدرجان! مگر زمین با سرم یکسان نیستند؟ گفت: چهره‌ام را بر خاک بینداز، شاید خداوند بر من رحم کند و هر گاه جان دادم، زود مرا به قبرم ببرید، زیرا اگر این کار برایم خیر است، مرا بدانجا می‌برید و اگر بد است مرا از گردن‌هایتان پایین می‌گذارید.

آن گاه گفت: وای بر عمر، وای بر مادر عمر، اگر مورد عفو و بخشش قرار نگیرد. آن گاه نفسش به تنگی افتاد و حالت احتضار و سكرات برایش شدت گرفت و در این هنگام روحش پرواز نمود و در کنار دو یارش، رسول الله صلی الله علیه و آله و ابوبکر رضی الله عنهما دفن گردید.

آری، عمر رضی الله عنه دنیا را به درود گفت، اما در حقیقت فردی مانند او نمرده است. به انجام عمل نیک و رفع درجات مبادرت ورزید، قراءت قرآن و گریه‌هایش از ترس خداوند، در قبر همدم و رفیق او هستند، نمازهایش یار و همدم او می‌شوند و جهادش درجات او را بالا می‌برد، اندکی خود را در دنیا خسته کرد، اما در آخرت مدت‌های طولانی استراحت می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت عمر رضی الله عنه را از جمله ده نفری قرار داده که به آنان مژده بهشت رسیده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌گوید: «خواب دیدم که در بهشت هستم. در آنجا چشمم به زنی افتاد که کنار قصری، وضو می‌گرفت. پرسیدم: این قصر، مال چه کسی است؟ (فرشتگان) گفتند: از آن عمر بن خطاب رضی الله عنه است. بیاد غیرت عمر افتادم. پس پشت کردم و رفتم». عمر رضی الله عنه با شنیدن این سخنان، به گریه افتاد و گفت: ای رسول خدا! آیا در مورد تو هم به غیرت می‌آیم؟!

ابوبکره ﷺ

حضرت ابوبکره ﷺ بیمار بود و بیماری اش شدت گرفت، خانواده اش گفتند: طبیب می آوریم، اما او انکار کرد و چون فرشتگان مرگ بر بالینش حاضر شدند، فریاد برآورد، کجاست طبیبتان؟ اگر راست می گوید: این ها را برگرداندا!

عامر بن زبیر ﷺ

عامر بن زبیر ﷺ بر رختخواب مرگ قرار داشت و آخرین لحظه های عمرش را سپری می کرد و خانواده اش در پیرامون او گریه می کردند، در این هنگام صدای مؤذن را شنید که برای نماز مغرب اذان می گفت، در حالی که روحش به حنجره رسیده بود و در وضعیتی سخت و دشوار قرار داشت، به اطرافیانش گفت: دستم را بگیرید. گفتند: کجا می روی؟ گفت: به مسجد. آنان گفتند: با این که تو در این وضعیت قرار داری به مسجد می روی؟ گفت: بله، سبحان الله، صدای مؤذن را بشنوم و او را اجابت نکنم. دستم را بگیرید، آن گاه دو نفر او را گرفتند و به مسجد بردند، یک رکعت با امام خواند و در سجده جان داد.

آری، وی در سجده جان داد، پس هر کس نماز بخواند و بر اطاعت پروردگارش صبر نماید، خداوند خاتمه اش را به خیر می کند.

عبدالرحمن بن اسود ﷺ

نیکان به هنگام مرگ و جدایی از اعمال صالح، حسرت می خوردند و آرزو می کردند تا زندگی شان طولانی می شد و توشه بیشتری را بر گرفته و حسنات و نیکی های افزونتری را برای خود اندوخته می کردند.

عبدالرحمن بن اسود ﷺ در حالت احتضار گریه می کرد، گفتند: چرا گریه می کنی، در حالی که تو عبادت فراوان اندوخته ای، و زهد و تقوا داشته ای و در برابر الله خاشع و فروتنی کرده ای؟ گفت: به الله سوگند! من در فراق نماز و روزه گریه می کنم، لذا پیوسته قرآن می خواند تا این که جان داد.

یزید الرقاشی

وقتی مرگش فرا رسید، به گریه افتاده و می‌گفت: ای یزید! اگر بمیری چه کسی
برایت نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد؟ و چه کسی برای گناهانت آمرزش می‌خواهد؟
آن گاه شهادتین را بر زبان آورد و جان داد.
از الله می‌خواهیم تا خاتمهٔ مان را به خیر بگرداند. آمین.

اندرز...

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲].

«(پرهیزگاران)، همان‌هایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان جانشان را می‌گیرند در
حالی که پاکیزه و شادان هستند. (فرشتگان) می‌گویند: درودتان باد! (در امان
خدايید) به خاطر کارهایی که می‌کرده‌اید به بهشت در آیید».

اندرزهایشان به هنگام احتضار

مرگ برای بزرگ و کوچک تفاوتی قایل نمی‌شود، همانگونه که بین پادشاه و وزیر، بازرگان و امیر امتیازی قایل نخواهد بود. پادشاهان به هنگام مرگ و احتضار اندرزهایی داشته‌اند.

هارون الرشید

وی کسی بود که در زمین حکمرانی نموده و کره خاکی را از سرباز و نظامی پُر کرده بود، کسی که سرش را بالا گرفته و به ابرها نگاه می‌کرد و آنها را چنین خطاب می‌کرد:

در هند بباری یا در چین، یا در هر جایی که خواسته باشی، هر جایی که بباری سوگند به الله! هر جا که بباری، در مملکت من باریده ای.

روزی هارون الرشید برای شکار به بیابان رفت و با مردی ملاقات کرد که به آن بهلول می‌گفتند. هارون گفت: مرا پندی ده.

گفت: ای هارون! پدران و نیاکانت از زمان رسول الله تا پدرت کجا رفته‌اند؟ هارون گفت: مرده‌اند. بهلول گفت: کاخ‌هایشان کجاست؟ هارون گفت: این است کاخ‌هایشان. بهلول پرسید: قبرهایشان کجاست؟ گفت: این است قبرهایشان.

بهلول گفت: این قصرهایشان است و این قبرهایشان، پس این قصرهایشان چه سودی برای قبرهایشان داشته است؟

هارون گفت: راست گفתי. هنوز هم به اندرزهایت ادامه بده. بهلول گفت:

اما قصورك في الدنيا واسعة فليت قبرك بعد الموت يتسع
«کاخ‌هایت در دنیا فراخ و وسیع هستند، ولی ای کاش که قبرت پس از مرگ نیز فراخ می‌شد».

در این هنگام هارون به گریه افتاد و گفت: هنوز هم به اندرزهایت ادامه بده. بهلول گفت:

هَبْ أَنْكَ مَلَكْتَ كَنُوزَ
وَعُمَّرْتَ سَنِينَ فَكَانَ مَاذَا
كَسْرَى أَلَيْسَ الْقَبْرِ غَايَةَ كُلِّ حَيٍّ
وَتَسْأَلُ بَعْدَهُ عَنِ كُلِّ هَذَا

«گیرم که تو مالک گنج‌های کسری شده و عمر طولانی‌ای را بسر برده باشی».

«ولی آیا سرانجام هر موجود زنده‌ای به‌سوی قبر نخواهد بود و آیا از همه این امور مورد بازخواست قرار نخواهی گرفت؟»

هارون الرشید گفت: بله.

آن گاه هارون از شکار بازگشت و بیمار شد و بر رختخوابش افتاد و چند روزی نگذشت و مرگ به سراغش آمد. وقتی در حالت احتضار قرار گرفت و سكرات مرگ را مشاهده می‌کرد، فریاد برآورد و به فرماندهان و نگهبانانش گفت: لشکر مرا گرد آورید. همه لشکریانش با شمشیرها و زره هایشان گرد آمدند، آن قدر زیاد بودند و قابل حصر و شمار نبودند و همگی تحت قیادت و فرماندهی او قرار داشتند. وقتی چشمش به آنها افتاد، گریه کرد و گفت: ای کسی که مُلک و پادشاهی‌اش زوال پذیر نیست، بر کسی که پادشاهی‌اش تمام شد، رحم کن.

آن گاه پیوسته گریه می‌کرد تا این که جان باخت. وقتی این خلیفه که پادشاهی دنیا را در اختیار داشت، وفات کرد و در حفره کوچکی گذاشته شد، وزیرانش با او همراه نشدند و همنشینانش با او همنشین نشدند، غذایی با او دفن نکردند، و رختخوابی برایش پهن نکردند و پادشاهی و دارایی‌اش او را بی‌نیاز نکرد.

عبدالملک بن مروان

وقتی مرگ خلیفه، عبدالملک بن مروان فرا رسید، از شدت سكرات بی‌هوش می‌شد و نفس‌هایش به تنگی افتاد، دستور داد تا پنجره‌های اتاقش را باز کنند. از پنجره کاخش، مرد فقیر و غسالی را در مغازه‌اش مشاهده کرد که لباس‌ها را می‌شست و بر دیوار می‌گذاشت تا خشک شوند.

در این هنگام عبدالملک به گریه افتاد و گفت: ای کاش من غسالی می‌بودم، ای کاش من نجاری می‌بودم، ای کاش من حمالی می‌بودم، ای کاش چیزی از امیر المؤمنین نصیب نمی‌شد و آن گاه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

آری، به خانه‌هایی منتقل شدند که در آن خدمتگزارانی نیست که آنان را خدمت کنند، و اهل و خانواده‌ای نیست که آنان را گرمی دارند، و وزیرانی نیست که با آنان همنشینی و شب نشینی کنند.

به خانه‌هایی منتقل شدند که همنشینان اعمال و طرف حسابشان، صحیفه‌هایشان خواهد بود.

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۶]. «و پروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی‌کند».

دسته‌ای دیگر از بندگان وجود دارند که خداوند به آنان رزق و روزی فراوان عطا نموده و صحت و تندرستی به آنان بخشیده است، اما از آماده‌گیری غفلت ورزیده‌اند تا این که ناگهان مرگ به سراغشان آمده و جمعشان را متفرق نموده و آنان را بر عمل زشتشان گرفته است. و چون در آستانهٔ مرگ قرار گرفته‌اند، آرزو کرده‌اند تا به دنیا باز گردند، آن هم نه برای تجارت و ثروت اندوزی، یا برای ملاقات با اهل و خانواده، بلکه برای اصلاح احوال و اوضاع خود و خشنود گرداندن خدای مقتدر و متعال، اما الله حکم فرموده است که هرگز آنان به زندگی باز نخواهند گشت.

انواع دیگری از حالت‌های احتضار

این‌ها گروه نافرمانان و گناهکاران، و انبوه غافلان و تباهکاران‌اند، کسانی که حب دنیا بر آنان سیطره انداخته است، لذا سکرات مرگ برایشان عذاب و پر هول و هراس بوده و میان آنان و آفریدگار جلیل فاصله انداخته است.

قرطبی آورده است که یکی از این افراد که به دنیای خود مشغول بوده و طول آرزوها او را فریفته است، وقتی در حالت احتضار قرار می‌گیرد و جانکندن برایش سخت می‌گردد، فرزندانش به دور او گرد می‌آیند تا با او خداحافظی نموده و می‌گویند: بگو: «لا إله الا الله». اما وی فریاد می‌زند و ناله می‌کند. دوباره آنان کلمهٔ «لا إله الا الله» را تکرار می‌کنند، ولی او فریاد می‌زند و می‌گوید: فلان منزل را این گونه درست کنید و در فلان باغ این درخت را بکارید و از فلان مغازه این چیز را بردارید، و پیوسته چنین می‌گوید تا این که جان می‌دهد.

آری، مُرد و باغ و مغازه را رها کرد تا وارثانش از آنها بهره ببرند و حسرتش برای او باقی بماند.

داستان فرد می خوار

ابن قیم می گوید: مردی که همنشین شراب خواران بود در حالت احتضار قرار گرفت، و چون زمان جدا شدن روح از جسدش فرار رسید، یکی از اطرافیانش به او نزدیک شد و گفت: فلانی! بگو: «لا إله الا الله».

اما چهره اش متغیر شده و رنگش عوض و زبانش سنگین شد. باز دوستش کلمه را تکرار نمود و گفت: ای فلان! بگو: «لا إله الا الله». اما او نگاهی انداخت و گفت: فلانی! نه... نه... اول تو بنوش سپس من من نوشم، اول تو بنوش سپس من من نوشم، و پیوسته این جمله را تکرار می کرد تا این که جان را به آفریدگارش سپرد^۱!

محمد بن معیث فردی فاسق و شراب خوار بود و پیوسته عمرش را در می خانه بسر می برد. وقتی بیمار شد و لحظه مرگش فرا رسید و توانایی اش سُست گردید، یکی از اطرافیانش از وی پرسید: آیا رمقی در بدنت مانده است؟ آیا می توانی بر پاهایت بایستی؟ گفت: آری، اگر بخواهم می توانم تا می خانه بروم! آن فرد گفت: پناه بر خدا! کاش می گفستی: می توانم تا به مسجد بروم! آن گاه آن مرد به گریه افتاد و گفت: این بر من غالب شده است، نصیب هر فردی از روزگار آن چیزی است که بر آن عادت کرده است و من هرگز عادت نداشته ام که به مسجد بروم^۲.

ابن ابی رواد می گوید: مردی، مرگش فرا رسید، اطرافیانش کلمه لا إله الا الله را به او تلقین می کردند، اما بین او و گفتن این کلمه حایل شد و گفتن آن بر زبانش سنگین گردید، آنان کلمه را تکرار می کردند و او را به یاد الله می انداختند، چون نفس هایش به شماره افتاد، فریاد بر آورد و گفت: من به لا إله الا الله کافر و آنگاه فریادی زد و مُرد. می گوید: وقتی او را دفن کردیم، در مورد او از اهلس پرسیدم، آنان گفتند: وی شراب خوار بوده است^۳.

از سوء خاتمه به الله، و بلکه از مادر خباثت ها و سرچشمه ناروایی ها و زشتی ها به الله پناه می بریم، چرا که هر کسی در دنیا شراب بنوشد، در آخرت از آن محروم

۱- الجواب الکافی لابن قیم.

۲- همان.

۳- همان.

می‌گردد و هر کس در دنیا شراب بنوشد، بر الله است تا او را از طینه الخبال بنوشاند. گفتند: یا رسول الله! طینه الخبال چیست؟ فرمود: «عرق و عصاره دوزخیان»^۱. مگر این که قبل از مرگش توبه کند و خداوند او را ببخشد. اما آنان که گرفتار موسیقی هستند، به هنگام مرگ گرفتار بلا و مصیبت خواهند شد.

بی نمازان

بی نمازان، جنایتکاران بزرگ و دست یاران شیطان هستند، فرق میان کفر و اسلام، نماز است، و وضعیت بی نمازان به هنگام مرگ سخت و رسوا کننده خواهد بود. ابن قیم می‌گوید: یکی از گناهکاران در حالت احتضار قرار گرفت، اطرافیانش داد و فریاد سر داده و او را به یاد الله می‌انداختند و کلمه لا إله الا الله را به او تلقین می‌کردند. اما او اشک می‌ریخت و چون بیرون آمدن روحش فرا رسید، با صدای بلند فریاد بر آورد و گفت: لا إله الا الله بگویم؟ لا إله الا الله چه سودی برایم خواهد داشت؟! یاد ندارم که یک بار برای الله نماز بخوانم، آن گاه جان سپرد^۲.

آیا جایز هست که انسان به خاطر ضرر جانی یا مالی که به وی رسیده است، آرزوی مرگ کند؟

برای چنین فردی جایز نیست که آرزوی مرگ کند، چون او نمی‌داند که شاید به دنبال این سختی وی، آسانی‌ای باشد؟ بلکه مناسب است تا دعای مأثوری که از آن حضرت علیه السلام نقل شده است را بر زبان آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ یک از شما به خاطر مصیبتی که به آن گرفتار می‌شود، آرزوی مرگ نکند. اما اگر چاره‌ای جز این ندارد، بگوید: خدایا! تا زمانی که زندگی به نفع من است، مرا زنده نگه دار و هنگامی که مرگ به نفع من است مرا بمیران».

۱- صحیح مسلم.

۲- الجواب الکافی.

و نیز فرمود: «هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکند و قبل از فرا رسیدن آن، برای آمدنش دعا نکند؛ زیرا هر گاه انسان بمیرد، عملش قطع می‌شود و عمر انسان چیزی جز خیر به وی نمی‌افزاید»^۱.

بیان ...

عمل انسان، نیک یا بد، در خاتمه نیک یا بد وی تأثیر دارد...

ایمان به مرگ

هر کس در مرگ بیندیشد، متوجه می‌گردد که این جامی بسیار بزرگ است که بر هر کس که ایستاده یا در حرکت است، دور می‌زند و بندگان را از زندگی دنیا به بهشت یا دوزخ می‌برد!

و ای کاش که مرگ فقط محروم گردانیدن و جدایی اجسام و فراموش کردن زیباترین شبها و روزها می‌بود، که در این صورت مرگ مشکل بزرگی بشمار نمی‌آمد، اما مرگ دروازه‌ای است که هر فرد در آن وارد می‌شود و مصیبت بزرگ آن است که پس از مرگ روی می‌دهد:

﴿فِي جَنَّتٍ وَنَهْرٍ﴾ [القمر: ۵۴]. «در باغها و نهرها». ﴿فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ [القمر: ۲۴]. «در گمراهی و عذاب».

مقتضای عدالت خداوند این است که اغلب، خاتمه بنده بر چیزی خواهد بود که بر آن زیسته و زندگی کرده است، پس هر کس در زندگی‌اش به ذکر و نماز و صدقه و روزه اشتغال داشته است، خاتمه‌اش با نیکی‌ها خواهد بود، و هر کس از اعمال خیر، روی برتافته و اعراض نموده است، بیم آن می‌رود که خاتمه بدی داشته باشد!

مرگ چیست؟

مرگ یگانه چیزی است که موجودات، اعم از جن، انس و حیوان آن را می‌فهمند و نیازی به تعریف طولانی و شرح و تفصیل ندارد.

بنابراین، تعریف مرگ به طور خلاصه، جدا شدن روح از جسد است.

همچنین روح با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه با جدا شدن از جسم، یا در نعمت بسر می‌برد یا مورد عذاب و شکنجه قرار می‌گیرد و گاهی این نعمت و عذاب مخصوص روح می‌شود و گاهی روح و جسد هر دو مورد انعام و اکرام یا عذاب و شکنجه قرار می‌گیرند.

ایمان داشتن به مرگ، متضمن ایمان داشتن به این است که نابودی همه مخلوقات، امری قطعی و یقینی است و هر نفسی باید طعم مرگ را به چشد.

خداوند می‌فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸]. «همه چیز جز دات او فانی و نابود می‌شود».

و نیز فرموده است: ﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ [الرحمن: ۲۶-۲۷]. «همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند. * و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس».

و نیز فرموده است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵]. «هرکسی مزه مرگ ار می‌چشد».

ابن عباس می‌گوید: رسول خدا فرمود: «خدایا! به عزت پناه می‌برم که معبودی غیر از تو نیست، تو ذاتی هستی که نمی‌میری و جن و انس می‌میرند»^۱.

مرگ به فرشته مرگ سپرده شده است.

«ملک الموت» فرشته مرگ کیست؟

هر یکی از فرشتگان خدای رحمن، وظیفه‌ای دارد که خداوند به او سپرده است، چنان که جبرئیل، مأمور آوردن وحی و میکائیل، فرشته مأمور باران و اسرافیل، مسئول دمیدن در صور است و برخی مأمور کوه‌ها و برخی دیگر مأمور مرگ هستند.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السجدة: ۱۱]. «بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می‌آید و) جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید».

برای فرشته مرگ همکارانی وجود دارد. خداوند در این مورد فرموده است: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ﴾ [الأنعام: ۶۱]. «و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما جان او را می‌گیرند، و کوتاهی نمی‌کنند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «آن گاه فرشته مرگ الطَّلحة می‌آید و بر بالینش می‌نشیند...»^۲.

۱- بخاری.

۲- مسند احمد با سند صحیح.

هیچ گاه فرشته مرگ، روح آدمی را قبل از فرا رسیدن آن قبض نمی‌کند. لذا هر کدام اجل مشخصی دارد که باید آن را به پایان برساند، نه به آن اضافه می‌گردد و نه از آن کم می‌شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا﴾ [آل عمران: ۱۴۵]. «و هیچ کسی را نسزد که بمیرد مگر به فرمان خدا و خداوند وقت آن را دقیقاً در مدت مشخص و محدودی ثبت و ضبط کرده است».

این اجل انسان زمانی نوشته و ثبت می‌گردد که انسان در شکم مادرش قرار گرفته است، آن گونه که در حدیث آمده است:

«نطفه هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر، جمع می‌شود. سپس تا چهل روز دیگر، به شکل خون بسته در می‌آید. و بعد از چهل روز دیگر، به پاره گوشتی، تبدیل می‌شود. آن گاه، خداوند، فرشته‌ای را می‌فرستد و او را به نوشتن چهار چیز، مأمور می‌کند. و می‌گوید: عمل، رزق، اجل و شقاوت یا سعادتش را بنویس».

هیچ کس نمی‌داند اجلس کجا فرا می‌رسد

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [القمان: ۳۴]. «و هیچ کسی نمی‌داند فردا چه چیز فراچنگ می‌آورد، و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمینی می‌میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است».

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه خداوند تبارک و تعالی بخواهد بنده‌ای را در جایی قبض روح کند، در آنجا برایش نیازی پیدا می‌کند»^۱.

و این یک امری ملموس و قابل مشاهده است، چقدر انسان نام شهری را می‌شنود، ولی فکر نمی‌کند که روزی بدانجا برود، اما خداوند در ازل مقدر نموده است که در آنجا بمیرد، لذا وقتی زمان مرگش فرا می‌رسد، به خاطر علاج، تجارت یا کاری دیگر او را بدانجا می‌برد و در آنجا روحش را قبض می‌کند.

یادآوری مرگ

آن حضرت ﷺ فرمود: «هضم کننده لذت‌ها - یعنی مرگ - را به کثرت یاد کنید»^۱.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله دستش را بر شانه ام گذاشت و فرمود: «در دنیا مانند مسافر و یا رهگذر، زندگی کن».

راوی می گوید: ابن عمر رضی الله عنهما می گفت: هنگامی که شب شد، منتظر صبح نباش. و هنگامی که صبح شد، منتظر شب نباش. و از وقت صحت، برای زمان بیماری، بهره برداری کن. همچنین در دوران زندگی، برای مرگ ات، آمادگی کن.^۲

آیا ناگوار دانستن مرگ، به معنای ناگوار دانستن دیدار با خداست؟

حضرت عایشه رضی الله عنها در این مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید.

آن حضرت رضی الله عنها چنین پاسخ دادند: «هر کس دیدار با خدا را دوست داشته باشد، خداوند نیز دیدار با او را نیز می پسندد، و هر کس دیدار با الله را ناگوار بداند، خداوند نیز دیدار با او را ناگوار می داند. عایشه رضی الله عنها می گوید: من گفتم: یا رسول الله! منظور ناگوار دانستن مرگ است؟ همه ما مرگ را ناگوار می دانیم و آن را نمی پسندیم! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: این گونه نیست، بلکه هر گاه مومن به رحمت، بهشت و خشنودی الله مژده داده شود، مشتاق دیدار و لقای الله می شود و هر گاه فرد کافر به عذاب و ناراضی الله مژده داده شود، دیدار الله را ناگوار می داند».^۳

واقعیت...

بسیاری به فرا رسیدن مرگ یقین دارند،
اما آنان که برای آن خود را آماده می کنند، اندک اند.

۱- ترمذی، نسایی و ابن ماجه با سند صحیح.

۲- بخاری.

۳- صحیح مسلم.

آمادگی برای مرگ

باید بنده خود را قبل از فرا رسیدن مرگ آماده کند، زیرا تردیدی نیست که مرگ بر ما فرود می‌آید و بر بزرگ و کوچک هجوم می‌آورد و بنده را مهلت نمی‌دهد و فرصتی برایش فراهم نمی‌کند تا حال و وضعیتش را بهتر کند.

بنابراین،

- انسان چگونه خود را برای مرگ آماده می‌کند؟
- اعمال سودمند پس از مرگ کدامند؟

درآمد

توبه و عمل صالح راهی است برای اصلاح فرد پس از مرگ.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾﴾ [المنافقون: ۱۰-۱۱]. «و از چیزهایی که به شما داده‌ایم بذل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می‌شود اگر مدت کمی مرا به تأخیر اندازی و زنده‌ام بگذاری تا احسان و صدقه بدهم و در نتیجه از زمره صالحان و خوبان شوم؟! * خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی‌اندازد هنگامی که اجلش فرا رسیده باشد. خداوند کاملاً آگاه از کارهایی است که انجام می‌دهید.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بدان، جوانی را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، توانگری را قبل از فقر، فراغت را قبل از کار و زندگی را قبل از مرگ»^۱.

اعمالی که پس از مرگ نیز سودآور خواهند بود

تلاش کردن در تربیت فرزندان، تا افراد نیک و صالحی ببار آیند و پس از مرگش برای او دعا کنند و نیز کوشش در فراگیری علوم مفید و سودمند و نشر کردن آن و

۱- روایت مستدرک حاکم با سند صحیح.

صدقات جاریه که رسول خدا ﷺ همگی این موارد را در این حدیث جمع‌آوری نموده است:

«هر گاه انسان بمیرد، عمل او جز از سه چیز قطع می‌گردد: صدقه جاریه، علمی که مفید و سودمند باشد، و فرزند نیک که پس از مرگش برای او دعای خیر کند»^۱. یکی از صدقات جاریه که پس از مرگ، به فرد مسلمان ملحق می‌گردد، چیزی است که در این حدیث وارد شده است:

«یکی از اعمال که پس از مرگ، به مؤمن ملحق می‌گردد، علمی است که آن را به دیگران آموخته و نشرش کرده است، یا فرزند صالح و نیکی که آن را برجا گذاشته است، یا قرآن کریمی که آن را به ارث گذاشته است، یا مسجدی ساخته و یا ساختمانی که آن را برای مسافران بنا نموده است، یا نهری را روان ساخته، و یا صدقه‌ای که آن را در حیات و صحتش بیرون آورده است، که پس از مرگش به وی ملحق می‌شود»^۲.

نوشتن وصیت نامه

یکی دیگر از مواردی که انسان خود را برای مرگ آماده می‌کند، نوشتن وصیت نامه است، و سنت است که انسان توصیه کند تا بخشی از مالش را صدقه نماید، چنان که برخی از صحابه به یک سوم و برخی دیگر به چهارم مالشان توصیه نموده‌اند و رسول خدا فرموده است:

«خداوند این اجازه را به شما داده است که به هنگام مرگتان به یک سوم اموالتان توصیه نمایید تا آن را صدقه کنید و به اعمال نیکتان افزوده گردد»^۳.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ، لَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ أَنْ يُوصِيَ فِيهِ، يَبِيْتُ لَيْلَتَيْنِ، إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ»^۴، «برای مسلمان روا نیست که قصد وصیتی داشته باشد و دو شب بیشتر بخوابد، مگر این که وصیتش را بنویسد و آن را در نزد خود نگه دارد».

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن ابن ماجه با سند حسن.

۳- سنن ابن ماجه با سند حسن.

۴- صحیح مسلم.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گویند: از زمانی که این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام، هیچ شبی بر من نگذشته است، مگر این که وصیت نامه خودم را نوشته و نزد خود نگه داشته‌ام.^۱

رابطه مرگ با روح

علما در مورد روح که در بدن انسان قرار دارد، اختلاف دارند. روح موجودی سبک و زنده است که در اعضای بدن مانند خون در رگ‌ها و روغن در زیتون جریان دارد، و حیات بدن به آن وابسته است، و نیز روح و نفس یک چیز و مسکن آنان بدن است، و هر گاه روح از بدن جدا شود، زندگی آدمی بسر می‌رسد.

روح مخلوق است، اما با جدا شدن از جسم نمی‌میرد، و مرگ ارواح به منزله جدایی و بیرون آمدن آن‌ها از اجساد است، اما نابود نمی‌شوند، بلکه پس از، از بین رفتن جسد باقی می‌مانند و یا در نعمت و یا در عذاب بسر می‌برند.

حقیقت...

هر کس دیدار الله را بیسندد، الله نیز دیدار او را می‌پسندد،
و هر کس دیدار الله را ناگوار بداند، الله نیز دیدار او را ناگوار می‌داند.

احکام میت

امروزه با گسترش دانش و پیشرفت علوم پزشکی، نشانه‌ها و علائم مرگ برای حاضران روشن گشته و به مرگش یقین می‌کنند.

اما گاهی انسان بدور از پزشک و دستگاه‌های پزشکی می‌میرد، بنابراین، لازم است تا انسان نشانه‌های مرگ را بشناسد تا فرد مرده با کسی که بی‌هوش شده است، متمایز گردد.

بنابراین، مرگ، احکام شرعی و مسائل فقهی ویژه‌ای دارد که بر مسلمان دانستن این مسائل و علائم و کیفیت غسل و دفن لازم است.

بنابراین،

- علائم مرگ کدامند؟
- غسل و کفن میت چگونه است؟
- کیفیت نماز و دفن میت چگونه است؟

نشانه‌های مرگ

مرگ نشانه‌هایی دارد که بر میت ظاهر می‌گردند و برخی از آن‌ها عبارتند از:

- خیره شدن چشم‌ها، گویا چشم به بالای خود نگاه می‌کند که چیزی به دور رفته است.

- کج شدن بینی به راست یا چپ.

- سست شدن فک پایین در اثر سست شدن اعضای بدن در اغلب.

- سرد شدن جسم در اغلب.

- سکون قلب و باز ماندن ضربات آن.

بنابراین، هر گاه این علامات یا پاره‌ای از آن‌ها ظاهر گردید، دلیل بر مرگ بوده و

وقوع آن نزدیک است.

بردن جنازه به سوی قبرستان

مستحب است که جنازه را زود تجهیز نموده و به قبرستان ببرند. رسول الله ﷺ فرمود: «هنگامی که جنازه آماده می‌شود و مردان آن را بر روی شانه‌هایشان می‌گذارند، اگر شخص نیکی باشد، می‌گوید: مرا زودتر ببرید. اگر شخص ناصالحی باشد، به فغان و ناله در می‌آید و می‌گوید: وای بر من، مرا کجا می‌برید؟ این آه و فغانش را بجز انسان، هر چیز دیگر می‌شنود. و اگر انسان‌ها آن را بشنوند، بیهوش می‌افتند»^۱. همچنین سنت است که میت را زود تجهیز نموده و به دفنش اقدام نمایند. چنان که رسول خدا فرمود: «در تجهیز و تدفین جنازه شتاب کنید، زیرا اگر نیک است، پس او را به سوی خیر می‌برید و اگر غیر از این است، پس چیز بدی را از گردن‌هایتان پایین می‌گذارید»^۲.

سه چیز میت را همراهی می‌کنند

انسان در زندگی‌اش به برخی امور اهمیت داده و اهتمام می‌ورزد، از قبیل: جمع مال، خرید اثاث و کالا، به دست آوردن ماشین‌های خوب، منزل و مسکن مرفه. همچنین به زن، فرزند و خانواده توجه خاصی مبذول می‌دارد و به کارش نیز اهمیت می‌دهد، چه کار خوبی باشد یا کار بدی.

اما هر گاه انسان بمیرد، سه چیز او را همراهی می‌کند، اموالش از قبیل: ماشین و... خانواده‌اش از قبیل برادران و فرزندان، و عملش، اعم از این که نیک بوده است یا بد. وقتی او را دفن می‌کنند، دو مورد باز می‌گردند و یکی با او می‌ماند.

آری، اهل و خانواده و مال و دوستان باز می‌گردند و عمل با او باقی می‌ماند و در قبر با او داخل می‌شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز میت را همراهی می‌کند، آن گاه دو تا باز می‌گردند و یکی باقی می‌ماند: اهل، مال و عمل او را همراهی می‌کنند و آن گاه اهل و مال باز می‌گردند و عمل باقی می‌ماند»^۳.

همین که روح میت از بدن جدا می‌شود، از حیات دنیا به حیات برزخی منتقل می‌شود.

۱- صحیح بخاری.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح مسلم.

بنابراین، حیات برزخی یعنی چه؟ اوضاع و احوال ساکنان قبور چگونه است؟
به یاری الله در صفحات آینده در این مورد بحث خواهیم کرد.
وقفه...

ای دریغااااا...

ما در دنیا به اموری اهمیت می‌دهیم که از ما پشت می‌کنند
و از آنچه در قبر با ما همراه می‌شود، غفلت می‌ورزیم.

عالم برزخ

برزخ حد فاصل میان دو چیز را می‌گویند، چنان که خداوند در مورد دریای شور و شیرین فرموده است: ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ [الرحمن: ۲۰]. «یعنی بین دریای شور و شیرین حایلی قرار دادیم که با هم مخلوط نشوند».

بنابراین، عالم برزخ حایلی است که بین دنیا و جهان آخرت فاصله انداخته است و فاصلهٔ میان مرگ انسان تا زنده شدن را برزخ می‌نامند، اعم از این که در قبر دفن شود یا سوخته شود یا در دریا غرق شود و یا درنده‌ای او را بخورد یا ...

پس هر کس بمیرد، او در عالم برزخ قرار دارد و تا روزی که مردگان زنده می‌شوند در این عالم بسر می‌برد. خداوند می‌فرماید: ﴿حَقِّ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ [۹۹] لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰]. «و زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گرانید. * تا این که کار شایسته‌ای بکنم و فرصت‌هایی را که از دست داده‌ام جبران نمایم. نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می‌راند. در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند»

قبر

قبر، منزل و مسکن انسان است که تا روز قیامت در آن بسر می‌برد، و از زمانی که فرزند آدم، برادرش را گشت و او را در زمین دفن کرد، انسان با قبر آشنا شده است. نیکان به هنگام زیارت قبور پند و اندرز می‌گیرند و چشمانشان اشکبار شده و دل‌هایشان نرم و فروتن می‌گردد؛ زیرا می‌دانند که روزی در آن سکونت خواهند کرد. بنابراین،

- قبر یعنی چه؟
- حال انسان در آن چگونه خواهد بود؟
- چرا پیامبر ﷺ به ما دستور داده است تا به زیارت قبور برویم؟

داستان

عمر بن عبدالعزیز در تشییع جنازه یکی از بستگانش حضور یافت و پس از آن که میت را دفن کردند، رو به مردم کرد و گفت:

ای مردم! قبر مرا صدا زد و گفت: ای عمر بن عبدالعزیز! آیا از من نمی‌پرسی با دوستان چگونه رفتار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کفن‌ها را دیدم، بدن‌ها را پاره کردم، خون‌ها را مکیدم و گوشت‌ها را خوردم.

آیا نمی‌پرسی با پیوندها و مفصل‌های بدن چکار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کف دست‌ها را از بازوها و بازوها را از اعضدها و اعضدها را از شانه‌ها، و مفاصل ران‌ها و زانوها و ساق‌ها و قدم‌ها را از همدیگر جدا کردم!

آن‌گاه عمر بن عبدالعزیز به گریه افتاد و گفت: آگاه باشید، همانا بقای دنیا اندک است و جوانی‌اش پیر می‌شود و زنده‌اش می‌میرد، بنابراین، مغرور و فریب خورده کسی است که به دنیا دچار غرور و فریب شود.

کجایند ساکنان زمین که مدائن و شهرها را بنا کردند، خاک با اجساد آنان و کرم‌ها با بندها و استخوان‌هایشان چه کردند، آنان در دنیا بر تخت‌های گسترده، فرش‌های منظم بسر می‌بردند، خدمتگزاران، آنان را خدمت کرده و اهل و خانواده گرمی‌شان می‌داشتند! وقتی از کنار آنان می‌گذری آنان را صدا بزنی، بین قبرهایشان چقدر با خانه‌هایشان نزدیک است، از ثروتمندشان بپرس که از سرمایه‌اش چه مانده است و از فقیر بپرس از فقرش چه مانده است؟!.

از زبان‌هایشان بپرس که با آن سخن می‌گفتند، و از چشمانشان که با آن به اشیای دیدنی و لذت‌ها می‌نگریستند، و از پوست‌های نازک، چهره‌های زیبا و بدن‌های نرمشان بپرس که کرم‌ها با آن‌ها چکار کردند؟ رنگ‌های زیبا نابود شده، گوشت‌ها خورده شده، چهره‌ها خاک گشته، محاسن از بین رفته، گردن‌ها شکسته شده، اعضا ظاهر شده و و مفاصل درهم شکسته‌اند.

خدمتگزاران و بردگان‌شان کجایند؟ سرمایه‌ها و گنج‌هایشان کجایند؟ سوگند به الله که برایشان فرشی نگسترانیدند و بالشت و متکایی تدارک ندیدند! آیا آنان در منازل تنهایی و دشت‌های زیر زمین بسر نمی‌برند؟ آیا شب و روزشان یکسان نیست؟ آیا بین آنان و عمل فاصله ایجاد نشده است؟ و آیا از دوستان و خانواده‌هایشان جدا نشده‌اند؟

زنانشان شوهر کردند، فرزندانشان در کوچه‌ها دور می‌زنند، و خویشاوندان زمین‌ها و سرمایه‌شان را تقسیم کردند! قبر برخی از آنان بی‌نهایت فراخ و وسیع گشته و در نعمت‌ها و لذت‌ها بسر می‌برند.

آنگاه عمر به گریه افتاد و گفت: ای کسی که فردا در قبر بسر می‌بری! چه چیزی از دنیا تو را فریب داده است؟ کجایند پینه‌های لباس‌هایت؟ کجایند خوشبوها و عطریات! با سختی‌های روزگار چگونه‌ای؟ ای وای! کرم‌ها اول کدام یک از دو گونه‌ات را از بین می‌برد؟ ای وای! از آن چیزی که ملک الموت برای بیرون بردن من از دنیا با من برخورد می‌کند و نامهٔ پروردگارم را برایم می‌آورد؟!.

آن گاه به سختی گریست و به خانهاش بازگشت و پس از یک هفته وفات کرد. خدایش رحمت کند.

اندرز...

قبر خانهٔ توست...

خواه آبادش کنی یا رهایش کنی.

حال انسان در قبر

قبر محل حوادث است، پیامبران علیهم السلام از خبر داده است، تا خود را آماده سازیم، و وضعیت مردم در اثر حالت‌های گوناگونشان در دنیا متفاوت خواهد بود...

رسول خدا صلی الله علیه و آله احوال میت، بیرون آمدن روح، حضور فرشتگان، چگونه دروازه‌های بهشت به روی مؤمنین باز می‌شود و به روی غیر مؤمنان بسته می‌شود و... همه این موارد را با تفصیل بیان نموده است.

بنابراین،

- تفاوت مؤمن با غیر مؤمن چیست؟
- روح با جسد چه ارتباطی دارد؟

حال مؤمن

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: ما به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشییع جنازه‌ای بیرون رفتیم، آن حضرت صلی الله علیه و آله در کنار قبر نشست، ما نیز در اطراف آن نشستیم، گویا بر سرمان پرندگان نشسته‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله او را در لحد می‌گذاشت.

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم. باز فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم. مرتبه سوم فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه ببرید» و ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می‌بریم.

آن‌گاه فرمود: «همانا وقتی بنده مؤمن از دنیا جدا شده و رهسپار آخرت می‌گردد، فرشتگانی سفید رو، گویا چهره‌هایشان بسان خورشید می‌درخشد، به نزد او فرود می‌آیند، و با خود از کفن‌ها و خوشبوهای بهشت همراه دارند و دور از وی می‌نشینند (و منتظر بیرون آمدن روح او می‌شوند).

آن‌گاه فرشته مرگ می‌آید و بر بالینش می‌نشیند و می‌گوید: ای روح پاکیزه! بیرون بیا! به طرف مغفرت و خوشنودی الله بیرون بیا. آن‌گاه روح بیرون می‌آید و مانند

قطره‌ای که از مشکیزه روان می‌گردد، روان می‌شود.^۱ آن گاه فرشته مرگ آن را بر می‌دارد ولی آن فرشتگان به اندازه یک چشم به هم زدن مجال نمی‌دهند و آن روح را از او می‌گیرند و در آن کفن‌ها و خوشبها قرار می‌دهند و مانند خوشبوترین خوشبویی که در زمین یافته شده است، از آن بیرون می‌آید.

سفری به آسمان

در ادامه آن حضرت ﷺ فرمود: آن را بالا می‌برند، و از کنار هر گروهی از فرشتگان که عبور می‌کنند، آنها می‌پرسند: ای چه خوشبویی ای است؟ آنان می‌گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او با بهترین نام‌هایش که در دنیا او را نام می‌بردند، یاد می‌کنند تا این که به آسمان اول می‌رسند، و اجازه ورود می‌خواهند و دروازه آسمان اول برایش گشوده می‌شود و مقربان هر آسمان وی را تشییع می‌کنند تا این که به آسمان هفتم می‌رسد و خداوند می‌فرماید: نامه بنده‌ام را در علین بنویسد و سپس او را به زمین بازگردانید؛ زیرا من آنها را از زمین آفریدم و دوباره آنها را به آن باز می‌گردانم و سپس بار دیگر از آنجا بیرونشان می‌کنم.

آن گاه دومرتبه روحش در جسد وی باز می‌گردد و دو فرشته به نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و از او می‌پرسند؟ پروردگار تو کیست؟ می‌گوید: پروردگار من الله است. می‌پرسند؟ دین تو چیست؟ می‌گوید: دین من اسلام است. می‌پرسند: این فردی که به سوی شما مبعوث گردید، که بود؟ می‌گوید: رسول الله. می‌پرسند: علمت چیست؟ می‌گوید: کتاب خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و تصدیقش کردم.

آن گاه منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: بنده‌ام راست گفت، برایش در بهشت فرش بگسترانید و از لباس‌های بهشت او را بپوشانید و دروازه‌ای از بهشت را به رویش بگشایید.

آن گاه از نسیم و خوشبویی بهشت به او می‌رسد و تا آخرین نگاه چشم در قبرش وسعت داده می‌شود و مردی خوب صورت، خوش لباس و خوشبو به نزد وی می‌آید و می‌گوید: مزده بگیر به چیزی که تو را شادمان می‌گرداند. این همان روزی است که به تو وعده داده می‌شد! می‌پرسد: تو کیستی، زیرا سیمایت از خیر حکایت دارد؟ می‌گوید:

۱- یعنی با کمال نرمی و آرامش و سکونت و احترام بیرون می‌آید.

من عمل نیک تو هستم، به خدا سوگند! تو در انجام طاعات و نیکی‌ها می‌شتافتی و در معصیت و نافرمانی الله گُند بودی. پس الله به تو جزای خیر داد.

آری، به او می‌گوید: من عمل نیک تو هستم، مگر عمل نیک وی چه بود؟ اعمال نیک او عبارت بودند از: نماز و روزه، نیکوکاری و صدقه، گریه و خوف الله، حج و عمره، قرائت قرآن و محبت الله، سحر خیزی و خواندن نماز شب برای الله، روزه گرفتن در روزها و ترس از خدای جبار، نیک رفتاری با والدین و تحصیل علم، دعوت الی الله و جهاد فی سبیل الله، اینها بودند اعمال نیک او.

وقتی مؤمن این سیمای زیبا و نورانی را می‌بیند که او را مژده می‌دهد و شادمان می‌گرداند و به پیرامونش می‌نگرد و می‌بیند که قبرش فراخ گشته و رختخواب‌های بهشت در آن گسترده شده است، به لباس‌هایش می‌نگرد که از بهشت برایش تدارک دیده شده‌اند، می‌داند که این نعمت‌ها در برابر آنچه در بهشت در انتظار او هستند، ناچیز و حقیرند، لذا می‌گوید: خدایا! قیامت را برپا کن تا به اهل و خانواده‌ام باز گردم.

حال کافر و گناهکار

آن گاه آن حضرت ﷺ فرمود: همانا وقتی بنده کافر و فاسق از دنیا جدا می‌شود و راهی آخرت می‌گردد، فرشتگانی سیاه رنگ که با خود لباس‌هایی خشن دارند، فرود می‌آیند و با فاصله دوری از وی می‌نشینند.

آن گاه فرشته مرگ بر بالینش می‌نشیند و می‌گوید: ای روح خبیث! به سمت خشم و ناراضی الله بیرون بیا، و آن در جسدش متفرق می‌شود. سپس آن را مانند آهنی که از پشمهای خیس شده می‌کشند، روحش را از بدنش بیرون می‌آورند، در این هنگام همه فرشتگانی که در بین زمین و آسمان قرار دارند و فرشتگان آسمان او را نفرین می‌کنند.

آن گاه فرشته مرگ او را می‌گیرد و بلافاصله آنان او را از دست وی می‌گیرند و او را در آن پارچه‌های خشن قرار می‌دهند و روح بسان بدبوترین حیوان مرده‌ای که بر روی زمین بوده است، از جسد بیرون می‌آید و او را بالا می‌برند و بر هیچ جمعی از فرشتگان عبور نمی‌کنند، مگر اینکه آنان می‌گویند: این روح خبیث و ناپاک چیست؟ آنان می‌گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او به بدترین نامی که در دنیا داشته است، اسم می‌برند تا این که به آسمان دنیا می‌رسند و می‌خواهند تا دروازه آسمان را به رویشان بکشایند، اما دروازه برایشان گشوده نمی‌شود. آن گاه رسول خدا این آیه را

تلاوت فرمود: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ [الأعراف: ۴۰]. «درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌گردد و به بهشت وارد نمی‌شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد».

آن گاه خداوند می‌فرماید: نامه‌اش را در «سجین» پایین‌ترین طبقه زمین بنویسد. در این هنگام روحش به سختی پایین انداخته می‌شود. در این هنگام رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهَوَّىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱] «کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تگه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند».

آن گاه دوباره روحش به جسد باز می‌گردد و دو فرشته به نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: پروردگارت کیست؟ او می‌گوید: های، های، نمی‌دانم، آنان می‌پرسند: دینت چیست؟ می‌گوید: های، های، نمی‌دانم! باز می‌پرسند: این مردی که به سوی شما مبعوث گردید، کیست؟ می‌گوید: های، های، نمی‌دانم! آنان می‌گویند: ندانستی و از حق هم پیروی نکردی!

آن گاه فرشته‌ای از آسمان ندا می‌دهد و می‌گوید: دروغ می‌گویند، پس برایش فرشی از آتش بگسترانید و دروازه‌ای از آتش برویش بکشایید، آن گاه از گرما و سوزش آتش به او می‌رسد و چنان قبرش تنگ می‌گردد که پهلوهایش شکسته و درهم فرو می‌روند و آن گاه مردی زشت رو و بدبو، با لباس‌هایی پلید و زشت به نزد او می‌آید و می‌گوید: مژده باد تو را به آن روزی که وعده داده شده‌ای و تو را ناراحت می‌کند، تو در اطاعت الله گُند و در معصیت و نافرمانی الله چالاک بودی، و خداوند تو را بدترین جزا داد. می‌پرسد: تو کیستی؟ زیرا چهره‌ات از شر و بدی حکایت دارد؟ می‌گوید: من عمل بد تو هستم.

آری، می‌گوید: من عمل زشت تو هستم! مگر عمل بدش چه بود؟
عمل بد وی شرک، سوگند به غیر الله، طواف قبور، نوشیدن شراب، زنا و فحشا، ربا، گوش دادن به موسیقی بود، او در برابر افراد خیر خواه متکبر، و بر رب العالمین جسور و بی‌باک بود!

در این لحظه بنده حسرت می‌خورد، ولی آیا حسرت خوردن دردش را درمان می‌کند؟!.

سخت نادم و پشیمان می‌گردد و آیا ریختن اشک برایش سودمند خواهد بود؟! چرا آن گاه که به محرمات می‌نگریستی و مرتکب فحشا و منکر می‌شدی، اشک نمی‌ریختی؟ چقدر تو را نصیحت کردند که از شرمگاهت حفاظت کن، چشم و گوشت را حفظ کن؟! اینک گریه بکنی یا خیر، از عذاب رهایی نخواهی یافت. ﴿أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الطور: ۱۶]. «به آتش وارد شوید و بدان بسوزید، چه شکیبایی هم کنید و چه بیتابی، به حال شما تفاوتی نمی‌کند. چرا که تنها برابر کارهایی که خودتان کرده اید کیفر داده می‌شوید».

در این هنگام این بنده مسکین متوجه می‌گردد که آنچه پس از قبر با آن برخورد می‌کند، سختتر و شدیدتر خواهد بود.

آن حضرت علیه السلام فرمود: «وی می‌گوید: خدایا! قیامت را برپا نکن، آن گاه فردی لال، کر و کور بر قبرش گماشته می‌شود که چکشی در دست دارد که اگر کوهی را با آن بزند، خاک می‌شود، با آن چکش چنان ضربه‌ای به او می‌زند که به خاک تبدیل می‌شود، باز دو مرتبه خداوند او را به همان حالت اولی باز می‌گردند و سپس ضربه‌ای دیگر بر او وارد می‌کند که در اثر آن صدا و ناله‌ای بر می‌آورد که جز جن و انس، همه موجودات آن را می‌شنوند»^۱.

وضعیت مردم در قبرهایشان این گونه خواهد بود و وقتی مؤمن از آن با خبر می‌شود، خود را آماده می‌کند و به آن ایمان می‌آورد و آرزو می‌کند که قبرش باغی از باغ‌های بهشت گردد، لذا بیشتر به انجام کارهای نیک مبادرت می‌ورزد.

دعا...

خدایا! قبرهایمان را باغی از باغ‌های بهشت بگردان،
و ما را از گودالی‌های آتش نجات بده.

رابطه روح و جسد

عذاب قبر و نعمت‌های آن حقیقتی انکار ناپذیر است که همه بندگان آن را خواهند دید، چه در قبر دفن شود یا خیر.

بنابراین،

- آیا عذاب قبر به روح مربوط است یا جسد؟
- محل استقرار ارواح کجاست؟
- ارواح مؤمنین و ارواح کفار کجا خواهند بود؟

درآمد

جز خداوند کسی از حقیقت و طبیعت روح خبر ندارد، چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (۸۵)

[الإسراء: ۸۵]. «از تو (ای محمد) در باره روح می‌پرسند (که چیست). بگو: روی چیزی است که تنها پروردگرم از آن آگاه است و جز دانش اندکی به شما داده نشده است».

عذاب یا نعمت‌های قبر به روح مربوط می‌شوند، چه پس از دفن با جسد متصل باشد یا خیر، ماند این که جسد بسوزد یا پاره پاره گردد. لذا روح، یا عذاب خواهد دید و یا در نعمت خواهد بود، بدون این که نیازی به جسد داشته باشد، از این رو، این روح است که نعمت یا عذاب را احساس می‌کند.

محل استقرار ارواح کجاست؟

پاسخ: محل استقرار مردم پس از مرگ متفاوت خواهد بود، چنان که برخی در بهشت و برخی در دوزخ و برخی در زمین و برخی در جایی دیگر خواهند بود.

ارواح انبیا

ارواح انبیا در حیات برزخی با رفیق اعلی، یعنی در اعلی علیین خواهد بود، چنان که رسول خدا ﷺ در شب معراج با آنها ملاقات فرموده و روح حضرت آدم در آسمان اول، یحیی و عیسی در آسمان دوم، یوسف در آسمان سوم، ادريس در آسمان چهارم،

هارون در آسمان پنجم، موسی در آسمان ششم و حضرت ابراهیم در آسمان هفتم بود.^۱

ارواح شهدا

اما ارواح شهدا در زمان حیات برزخی در شکم پرندگان سبز خواهد بود.

از رسول خدا ﷺ در مورد این آیه سوال شد: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۹]. «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارش روزی داده می‌شود».

آن حضرت ﷺ فرمود: «ارواح آنها در شکم پرندگان سبز رنگ خواهند بود که در چراغ‌هایی که بر عرش آویزان هستند، قرار دارند و از هر جای بهشت که بخواهند، می‌چرند و سپس به آن قندیل‌ها و چراغ‌ها باز می‌گردند. خداوند به سوی آنها توجه نموده و می‌فرماید: آیا چیزی می‌خواهید و به چیزی اشتها دارید؟ می‌گویند: چه چیزی اشتها بکنیم در حالی که ما از هر جای بهشت می‌چریم؟ خداوند تا سه بار سؤالش را تکرار می‌کند و وقتی می‌بینند که خداوند آنها را رها نمی‌کند تا از او چیزی نخواهند، می‌گویند: خدایا! می‌خواهیم به اجسادمان بازگردیم و بار دیگر در راه تو کشته شویم. وقتی بینند که خواسته‌ای ندارند، رها می‌شوند».^۲

تفصیل احوال شهدا

جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه، پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله در حیات برزخی خود، دو بال دارد و همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند.

جعفر رضی الله عنه برادر علی رضی الله عنه است، او و همسرش جزء مسلمانان نخستین اسلام به شمار می‌روند. عمرش از بیست و یک سال تجاوز نکرده بود که آزارها و شکنجه‌های گوناگونی را در مکه متحمل گردید. آن حضرت صلی الله علیه و آله به او اجازه داد تا به حبشه هجرت کند.

۱- این مطلب در صحیحین مذکور است.

۲- صحیح مسلم.

جعفر علیه السلام با این که در مکه در نزد قومش، فردی دارای جاه و منزلت بود، با خانواده‌اش به سرزمینی دور دست و نا آشنا، سرزمینی که او را نمی‌شناخت، و قبایلی که او آنها را نمی‌شناختند، و زبانی که با آن آشنا نبود و آن را نمی‌فهمید، هجرت کرد. سه سال در حبشه ماند و آن گاه در میان‌شان شایع گردید که مردم قریش اسلام پذیرفته‌اند، لذا با خانواده‌اش به حبشه باز گشت، اما متوجه گردید که قریش اسلام نیاورده‌اند و هنوز بر کفر خویش قرار دارند، لذا دو مرتبه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به حبشه باز گرداند. او به حبشه باز گشت و هفت سال خود را کامل گردانید.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد، فردی را به حبشه فرستاد تا آنان را خبر دهد که به مدینه باز گردند. وقتی وارد مدینه شدند، آن حضرت صلی الله علیه و آله با دیدن جعفر علیه السلام سخت شادمان گردید. در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پیشانی‌اش را بوسید و او را آغوش کرد و فرمود: «نمی‌دانم از کدام امر شادمان‌ترم، از فتح خیبر یا بازگشت جعفر»؟

حضرت جعفر علیه السلام شباهت زیادی با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، چنان که به جعفر می‌فرمود: «تو به سیرت و صورت من شباهت دارد»^۱.

رفتن جعفر به غزوة موته

هنوز جعفر علیه السلام به خوبی در مدینه استقرار نیافته بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که روم لشکر بزرگی را برای نبرد با مسلمانان آماده کرده است. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری را برای رویارویی رومیان آماده کرد و زید بن حارثه رضی الله عنه را امیر لشکر قرار داد و فرمود: اگر وی شهید شد، جعفر علیه السلام را امیر خود قرار دهید و اگر جعفر علیه السلام شهید شد، عبدالله بن رواحه رضی الله عنه را امیر خود سازید. لشکری سه هزار نفری آماده شد و با رسول خدا صلی الله علیه و آله خداحافظی نموده و رهسپار گردیدند.

مسلمانان به موته رسیدند و در رویارویی لشکر روم که صد هزار جنگجو بودند، قرار گرفتند. نبرد درگرفت و زید بن حارثه رضی الله عنه پرچم را به دست گرفت و شهید شد، آن گاه

۱- مسند احمد و روایانش نیز ثقه هستند. همچنین این روایت در طبقات ابن سعد نیز آمده است.

جعفر علیه السلام آن را به دست راست خود گرفت و وارد معرکه شد و چون نبرد به اوج خود رسید، در حالی که این اشعار را می‌سرود، از اسبش پایین آمد:

يا حنذا الجنة واقترابها طيبة وبارد شرابها
والروم روم قد دنا عذابها كافرة بعيادة انسابها
على ان لاقيتها ضرابها

«چه خوب است بهشت و نزدیک شدن به آن، نوشیدنی آن پاک و گوارا است». «روم، روم است و عذابش نزدیک شده است و آنان کافرند و از نسب‌های دری هستند».

«بر من لازم است که هر گاه با آنان برخورد کنم، آنان را مورد ضربه و هجوم قرار دهم».

بنابراین، همچنان که جعفر علیه السلام پرچم را به دست راست گرفته بود، با شمشیرش می‌جنگید تا این که از طرف رومیان ضربه‌ای به دست راستش وارد گردید و دستش قطع گردید، بلافاصله پرچم را با دست چپ گرفت و دست چپش نیز قطع گردید، آنگاه پرچم را با بازوهایش گرفت، و در حالی که سی سال از عمرش نگذشته بود، شهید شد. عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: جعفر علیه السلام را در حالی که شهید شده بود، دیدم که نود ضربه شمشیر، نیزه و تیر بر پیکرش وجود داشت و به خدا سوگند که یک ضربه بر پشتش نداشت. آن گاه عبدالله بن رواحه رضی الله عنه پرچم را به دست گرفت و او نیز شهید شد. در این هنگام خالد بن ولید پرچم را برداشت و لشکر را به عقب نشینی وادار کرد.

خبر شهدا در مدینه

این داستان مجاهدین موته بود، اما داستان مدینه را حضرت انس رضی الله عنه این گونه بازگو می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد ما آمد و بالای منبر تشریف برد و فرمود: «آیا شما را از لشکر مجاهدین خبر ندهم؟» ما گفتیم: بله، فرمود: «پرچم را زید به دست گرفت و شهید شد، برایش آمرزش بخواهید». ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. باز فرمود: «پرچم را جعفر بدست گرفت و او نیز شهید شد، برایش آمرزش بخواهید». باز ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. سپس فرمود: «پرچم را عبدالله بن

رواحه بدست گرفت و او نیز شهید شد، برایش آمرزش بخواهید». ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. پیامبر نیز برای آنها آمرزش طلبید و آن گاه از منبر پایین آمد و به خانه جعفر رفت.

اسما دختر عمیس، همسر جعفر می‌گوید: من فرزندانم را شسته و سرهایشان را روغن زده و آردم را خمیر کرده و منتظر آمدن جعفر بودم که ناگاه رسول خدا ﷺ به منزل ما تشریف آورد و فرمود: «فرزندانم را برایم صدا بزن».

اسما می‌گوید: آنها را در حالی که مانند جوجه بودند، به نزد پیامبر ﷺ آوردم و وقتی رسول الله ﷺ را دیدند، برای رسیدن به نزد وی از همدیگر سبقت می‌گرفتند و خود را به وی آویزان کرده و او را می‌بوسیدند. و آن حضرت ﷺ پیوسته بر سر آنان دست می‌کشید و گریه می‌کرد.

اسما می‌گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر از طرف جعفر خبری به تو رسیده است؟ آن حضرت ﷺ خاموش ماند. باز من گفتم: مگر از طرف جعفر خبری به تو رسیده است؟ فرمود: جعفر شهید شده است. من گفتم: فرزندان جعفر یتیم شدند، فرزندان جعفر یتیم شدند.

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا برایشان از فقر می‌ترسی؟ من در دنیا و آخرت دوست و یاور آنها هستم. آن گاه رسول خدا ﷺ از آنجا بیرون آمد و فرمود: «باید زنان گریه کننده برای جعفر گریه کنند»^۱.

آن گاه رسول خدا ﷺ به خانه‌اش باز گشت و فرمود: «برای آل جعفر غذایی درست کنید؛ زیرا برایشان مصیبتی رسیده است که آنان را به خود مشغول ساخته است»^۲. آری، جعفر شهید شد و از اهل و مالش جدا شد، اما وارد بهشتی گردید که پهنای آن به اندازه آسمان و زمین است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «جعفر را در بهشت دیدم که بال‌هایی آلوده به خون داشت و با آنها همراه با فرشتگان پرواز می‌کرد»^۳.

۱- الاستیعاب لابن عبدالبر. ۱/۲۴۳.

۲- مسند احمد و سنن ترمذی با سند صحیح.

۳- معجم الاوسط طبرانی و مستدرک حاکم با سند صحیح.

حمزه نیز این گونه است

رسول خدا ﷺ، سید الشهداء، حمزه بن عبدالمطلب ﷺ را در حیات برزخی دید که بر تختی تکیه زنده است. آن حضرت ﷺ فرود: «دیشب وارد بهشت شدم و به آن نگریستم و جعفر ﷺ را دیدم که در بهشت پرواز می کند و حمزه ﷺ بر تختی تکیه زنده است»^۱.

برخی از ارواح شهیدان در بهشت

برخی از ارواح شهدا در خیمه‌ای سبز رنگ در بهشت بسر می‌برند. رسول خدا ﷺ فرمود: «شهیدان بر کناره نهری در بهشت در زیر خیمه‌ای سبز رنگ قرار دارند و صبح و شام روزی‌شان از بهشت به آنان می‌رسد»^۲.

ارواح مؤمنان غیر شهدا

رسول خدا ﷺ فرمود: «روح مؤمن از درخت بهشت می‌خورد تا این که خداوند در روز قیامت او را به جسدش باز گرداند»^۳. بنابراین، ارواح مؤمنین در حیات برزخی بسان پرندگانی خواهد شد که از درختان بهشت می‌خورند.

آیا ارواح مؤمنان همدیگر را در بهشت می‌بینند؟

آری، در بهشت ارواح مؤمنان همدیگر را ملاقات می‌کنند و به زیارت یکدیگر می‌روند و با همدیگر سخن می‌گویند. رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی مؤمن در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان با تکه پارچه‌ای از ابریشم نرم و سفید به نزد او حاضر می‌شوند و می‌گویند: در حالی که خشنود هستی و از تو نیز خشنود گشته‌اند، به سوی روح و ریحان و پروردگاری که عصبانی نیست، بیرون بیا»^۴.

۱- مستدرک حاکم با سند صحیح.

۲- مسند احمد و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم. حاکم گفته است: این حدیث به شرط شیخین صحیح است.

۳- سنن نسائی و ابن ماجه با سند صحیح.

۴- در این جمله به وی مژده داده شده است، یعنی با بهترین شیوه و آسانترین راه به دیدار پروردگارت بیرون بیا.

آن‌گاه با حالت خوشبوترین عطر از جسد بیرون می‌آید و فرشتگان او را دست به دست می‌گیرند تا این که به دروازه آسمان می‌رسند و اهل آسمان می‌گویند: این خوشبوترین بویی که از زمین آورده‌اید، چیست؟ آن‌گاه ارواح مؤمنان را می‌آورند که با دیدن او شادمانتر می‌گردند بسان از کسی که عزیزش از سفر باز گردد. آنان از او می‌پرسند: فلانی فرزند فلانی چه شد؟ فلانی چه شد؟ باز با همدیگر می‌گویند: او را بگذارید؛ زیرا او هنوز در اندوه و رنج دنیا بسر می‌برد^۱. و وقتی او می‌گوید: مگر او به نزد شما نیامده است: آنان می‌گویند: او را به گودال دوزخ برده‌اند.

اما وقتی کافر در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان عذاب با پارچه‌هایی خشن و درشت می‌آیند و به او می‌گویند: درحالی که ناراضی و از تو ناراض شده‌اند، به سوی عذاب الهی بیرون بیا.^۲ آن‌گاه روحش بسان بدبوترین حیوان مرده‌ای بیرون می‌آید و پس از آن او را به دروازه‌های زمین می‌آورند. آنان می‌گویند: این چه بوی بدی است؟ تا این که او را به نزد ارواح کفار می‌آورند^۳.
آری، ارواح نیکان با هم ملاقات می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند.

شهدا

پروردگاران در مورد شهدا چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^(۱۱۳) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

۱- یعنی او را رها کنید تا مقداری از غم و اندوه دنیا استراحت کند آن‌گاه آنچه را که از او می‌خواهید به شما پاسخ می‌دهد. خلاصه این که ارواح مؤمنان از کسی که تازه به نزد آنها می‌رود، از دوستانی که در دنیا داشته‌اند می‌پرسند که چه شدند و حال و وضع آنان چگونه بوده است؟ او نیز می‌گوید: فلانی قبل از من مرده است، مگر به نزد شما در بهشت نیامده است؟ آنان می‌گویند: او را به دوزخ برده‌اند.

۲- یعنی فرشتگان پارچه‌های سخت و خشن از دوزخ با خود دارند و از روی زجر و تعذیب به او می‌گویند: به سوی عذاب الهی بیرون بیا.

۳- سنن نسائی. آلبانی نیز این حدیث را صحیح دانسته است. یعنی روح کافر و فاسق با حالت بوی بدی بیرون می‌آید تا جایی که فرشتگان می‌گویند: این چه بوی بدی است؟ و آن را به آسمان نمی‌برند، چون دروازه‌های آسمان به روی وی باز نمی‌شود، بلکه او را به دروازه‌های پایین زمین می‌برند

وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٦٩﴾
 ﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١٧١﴾ آل عمران:
 ۱۶۹-۱۷۱]. «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود * آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدیشان داده است، خوشحالند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده‌اند و بدیشان نپیوسته‌اند. این است که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان اندوهگین نخواهند شد. * شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می‌بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی‌دهد».

این آیات فضیلت و کرامت شهدا را به تصویر کشیده و فضل و احسانی را که خداوند بر آنان ارزانی داشته است را به نمایش گذاشته است و در ضمن بازماندگان آنان را تسلیت نموده و آنان را به صبر و شکیبایی فرا می‌خواند و آنان را آماده می‌کند تا خود را برای جهاد فی سبیل الله و کشته شدن آماده کنند.

بنابراین، تفسیر آیه این گونه است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ یعنی آنان که در جهاد با دشمنان خدا برای اعلائی دین خدا کشته می‌شوند، و هدفشان اعلائی کلمه الله است.

﴿أَمْوَاتًا﴾ یعنی گمان نبری که آنان مردند و نابود شدند، و لذت دنیا و بهره بردن از لذایذ آن را از دست دادند؛ بلکه اینک آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان در دارالکرامه بسر می‌برند.

﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ یعنی در درجات عالی از انواع نعمت‌ها بهره می‌برند.
 ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ به این وضعی که در آن بر می‌برند، شادمان هستند و به خاطر نعمت‌های فراوان، نیکو و با عظمت، چشمانشان خنک و روانشان فرخنده است.

وقتی نعمت‌های و شادمانی‌شان کامل شد، خداوند وضعیت آنان را چنین بیان کرد: ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ﴾ یعنی همدیگر را مزده می‌دهند به حضور برادرانشان که زنده‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند و آنچه را که آنان دریافت کرده‌اند، آنها نیز به آن خواهند رسید.

﴿أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ و آنان در نزد پروردگارشان بیم آن را نخواهند داشت که نعمت‌هایشان به پایان برسد و نگران نسل و فرزندان‌شان نیستند که آنان را در دنیا رها کردند.

در آخر آیات خداوند آنان را این گونه توصیف می‌نماید:

﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی: «شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می‌بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی‌دهد».

از خدا می‌خواهیم ما را سعادت‌مند زنده نگه داشته و مرگمان را با شهادت بگرداند و ما را با پرهیزگاران محشور داشته و با پیامبران همراه بگرداند.

نتیجه...

نعمت و عذاب قبر بر روح خواهد بود،
اما جسم با آن مشارکت خواهد داشت.

دلایل عذاب و نعمت قبر

قبر، نخستین منزلگاه آخرت است و برای کسی که عملش را نیکو بگرداند و برای دیدار الهی آماده باشد، محل سرور و شادمانی خواهد بود. و برای کسی که عملش را بد نموده و در اطاعت و فرمانبرداری از پروردگارش کوتاهی و غفلت نماید، محل تاریکی و وحشت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «قبر، نخستین منزل آخرت است، اگر بنده از آنجا نجات یافت، سفر پس از آن آسانتر خواهد بود، و اگر از آن رهایی نیافت، مسیر پس از آن سخت‌تر خواهد بود»^۱.

بنابراین،

- دلایل آنچه در قبر روی می‌دهد، چیست؟
- سوال در قبر از چه زمانی آغاز می‌گردد؟
- آیا مردگان متوجه زیارت زندگان خواهند شد یا خیر؟

درآمد

ایمان به عذاب و نعمت‌های قبر از جمله ایمان به غیب، و از اصول ایمان است و دلایل فراوانی در قرآن و احادیث پیامبر وجود دارند که بر اثبات عذاب و نعمت قبر دلالت دارند.

دلایل عذاب و نعمت قبر

خداوند در مورد آل فرعون می‌فرماید:

﴿الْتَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ

الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ [غافر: ۴۶]. «و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید».

۱- سنن ترمذی، ابن ماجه و حاکم با سند صحیح.

بنابراین، آنان صبح و شام بر آتش عرضه خواهند شد، آن گاه پس از برپایی قیامت به عذاب جهنم عرضه خواهند شد.

و نیز خداوند فرموده است: ﴿سُنْعَدِبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرْدُونَ إِلَىٰ عَذَابِ عَظِيمٍ﴾ [التوبة:

۱۰۱]. «ایشان را دو بار عذاب می‌دهیم. سپس (در آخرت) روانه عذاب بزرگی می‌گردند».

بنابراین، عذاب اول بر کافران و منافقان در دنیا است که خداوند آنان را غمگین و اندوهگین و سازد و عذاب دوم در قبر خواهد بود و آنکه‌ی پس از برپایی و فرا رسیدن قیامت، به عذاب بزرگ دوزخ برگردانده می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده‌ای را در قبرش می‌گذارند و دوستانش بر می‌گردند و می‌روند، میت صدای پاهایشان را می‌شنود»^۱.

در ادامه همین حدیث آمده است که وقتی از کافر و منافق می‌پرسند: درباره این

شخص، یعنی محمد ﷺ چه می‌گفتی؟ او می‌گوید:

من چیزی نمی‌دانم. هر چه مردم می‌گفتند، من نیز می‌گفتم. به او می‌گویند: تو ندانستی و نه سعی کردی که بدانی. سپس، با پتکی آهنی، ضربه محکمی بر فرق سرش، می‌کوبند. آنگاه، چنان فریادی سر می‌دهد که بجز انسان‌ها و جن‌ها، همه مخلوقات اطراف او، فریادش را می‌شنوند»^۲.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اگر بیم آن نبود که شما مردگان خویش را دفن نمی‌کردید، از الله می‌خواستیم تا عذاب قبری را که من می‌شنوم، شما را بشنواند»^۳.

آن حضرت ﷺ در دعاهایش این‌گونه می‌فرمود: «وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۵.

«خدایا از عذاب قبر به تو پناه می‌برم».

و نیز فرمود: «عذاب قبر حق است»^۱.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- یعنی خداوند قدرت شنیدن صدای مردگان را به پیامبر داده بود، لذا خواست دعا کند تا آنچه از عذاب مردگان را که می‌شنود، به امتش بشنواند تا مایه عبرت و اندرز آنان شود، اما از این امر بیمناک شد که مردم از ترس عذاب قبر همدیگر را پس از مرگ دفن نکنند.

۴- صحیح مسلم.

۵- متفق علیه.

چه کسانی از نعمت‌های قبر برخوردار می‌شوند؟

نعمت‌های قبر از آن مؤمنین خواهند شد. خداوند می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲]. «همان‌هایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان جانشان را می‌گیرند در حالی که پاکیزه (از کفر و معاصی) و شادان (از رویارویی با پروردگار) هستند. می‌گویند: درودتان باد! (در امان خدایید و از امروز به ناراحتی و بلایی دچار نمی‌آیید و) به خاطر کارهایی که می‌کرده‌اید به بهشت در آیید».

و نیز رسول خدا فرموده‌اند: «هنگامی که بنده‌ای را در قبرش می‌گذارند و دوستانش بر می‌گردند و می‌روند...»

در ادامه آمده است: «دو فرشته نزد او می‌آیند، او را می‌نشانند و از وی می‌پرسند: درباره این شخص، یعنی محمد ﷺ چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: من گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست. فرشته‌ها می‌گویند: به جایگاه خود در روزخ نگاه کن. خداوند آن را برای تو با جایی در بهشت، عوض کرده است»^۲.

همچنین رسول خدا ﷺ در احادیث بیان کرده است که مؤمن به سؤالات فرشتگان پاسخ می‌دهد: «آن‌گاه منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: بنده‌ام راست گفت، برایش فرشی را از بهشت پهن کنید و دروازه‌ای از بهشت برایش بگشایید و او را از لباس‌های بهشتی لباس بپوشانید، آن‌گاه از خوشبویی بهشت به مشامش می‌رسد و قبرش تا انتهای چشمش وسیع می‌شود»^۳.

چه افرادی در قبر عذاب می‌بینند؟

خداوند نافرمانان و گردنکشان را به عذاب قبر تهدید کرده است و در حقیقت عذاب قبر، از آن کافران است، اما مؤمنان نافرمان نیز به سبب گناهیانی که مرتکب شده‌اند، نیز در قبر عذاب می‌بینند.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه، یعنی اگر الله را نافرمانی می‌کردی، خداوند جایت را در دوزخ قرار می‌داد، ولی اینک تو را در بهشت جای داده است.

۳- ابوداود.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار دو قبر عبور کرد و فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می شوند اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلی، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی کرد و دیگری، سخن چینی می نمود». آنگاه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله شاخه تر درختی خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت. از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد»^۱.

آیا گذاشتن شاخه تر از عذاب قبر نجات می دهد؟

پاسخ: خیر، زیرا این کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، این از ویژگی های آن حضرت صلی الله علیه و آله بود، چون پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «امیدوارم که خداوند با شفاعت من در عذاب آنها تخفیف بیاورد».

و نیز کسی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله شاخه ای می گذارد، گویا خود را تزکیه می کند، زیرا او در چه جایگاهی قرار دارد که خداوند به وسیله او از عذاب بندگانش بکاهد؟ و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی بر قبر آنها، آن شاخه را گذاشت که از عذاب آنان باخبر گردید، اما اینک چه کسی می داند که صاحب قبر عذاب می بیند؟

چه زمانی در قبر از میت سوال آغاز می شود؟

جواب: زمانی که میت را دفن کنند و از دفن او فارغ شوند، آن گاه روحش به جسد وی باز می گردد و سؤال و پرسش از وی آغاز می شود. چنان که حضرت عثمان رضی الله عنه گفت: «هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از دفن میت فارغ می شد، در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: برای برادران آمرزش بخواهید و برایش دعای ثابت قدمی بخواهید؛ زیرا اینک وی مورد سوال قرار می گیرد»^۲.

۱- متفق علیه.

۲- ابوداود و حاکم با سند صحیح.

آیا مردم صدای عذاب قبر را می‌شنوند؟

پاسخ: جن و انس نمی‌توانند صدای عذاب قبر را بشنوند. چنان که رسول خدا ﷺ در مورد کافر فرمود: «چنان فریادی می‌زنند که جز جن و انس همه موجودات صدایش را می‌شنوند»^۱.

البته حیوانات صدای عذاب قبر را می‌شنوند.

در روایت آمده است که دو پیرزن از پیرزنان یهود نزد عایشه رضی الله عنها آمدند و با او در مورد عذاب قبر سخن گفتند، وقتی رسول خدا ﷺ به خانه تشریف آورد، عایشه رضی الله عنها از وی در مورد عذاب قبر پرسید. آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «آن دو راست گفتند: آنان در قبر چنان عذاب می‌بینند که حیوانات صدای آن را می‌شنوند»^۲.

آیا مرده صدای زندگان را می‌شنود؟

پاسخ: اهل علم در این مورد اختلاف نظر دارند، اما قول راجح این است که صدای آنان را نمی‌شنود. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]. «و تو نمی‌توانی مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانی».

اما وقتی او را دفن می‌کنند، صدای کفش‌هایشان را می‌شنود. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده‌ای را در قبرش می‌گذارند و دوستانش بر می‌گردند و می‌روند، میت صدای پاهایشان را می‌شنود»^۳.

آیا مرده به گریه اهلش عذاب می‌بیند؟

جواب، آری، چون رسول خدا ﷺ فرمود: «برای هر میتی که نوحه خوانده شود، به سبب آن نوحه، عذاب داده می‌شود»^۴.

اصل این است که میت به خاطر اعمالش مورد محاسبه قرار گرفته و عذاب می‌بیند یا از نعمت برخوردار می‌شود، پس چگونه در حدیث آمده است که میت به سبب عمل دیگران عذاب می‌بیند؟

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- متفق علیه.

۴- متفق علیه.

جواب: در زمان جاهلیت مرسوم بود که هر گاه کسی نزدیک بود، بمیرد، توصیه می‌کرد که برایم نوحه بخوانید و گریبانتان را پاره کنید، تا برای مردم ثابت گردد که او نزد آنها محبوب بوده و دوست داشتند زنده می‌بود.

چنان که یکی به هنگام مرگش به همسرش این گونه توصیه کرد:

إِذَا مِتُّ فَأَبْكِينِي بَمَا أَنَا أَهْلُهُ أَهْلُهُ وَشُقِّي عَلَيَّ الْجَلِيبَ يَا ابْنَ مَعْبَدٍ^۱

یعنی: ای دختر معبد! هر گاه من مردم چنان برایم گریه کن که شایسته من است و برایم گریبانت را پاره کن.

دیگری نیز گفته است:

إِذَا مِتُّ فَأَبْكِينِي بَثْتَيْنِ لَا يُقْلُ كَذِبٍ وَشَرِّ الْبَاكِيَّاتِ كَذُوبُهَا^۲

«هر گاه مُردم، دو سال کامل برایم گریه کن، اما باز هم دروغ می‌گویی، و بدترین زنان گریه کننده، دروغگوترین آنهایند».

پس اگر مسلمان چنان عملی را که اهل جاهلیت انجام می‌دادند، مرتکب شود، عملش معصیتی بشمار می‌رود و به خاطر آن در قبر عذاب می‌بیند.

برخی در تشریح این حدیث چنین گفته‌اند:

زمانی میت عذاب می‌بیند که از عادت آنان خبر داشته باشد که آنان بر او گریه می‌کنند و گریبانشان را پاره می‌کنند و قبلاً آنها را دیده است که بر مردگان خود چنین کرده‌اند و در عین حال آنان را قبل از مرگش از این کار باز ندارد، در این صورت عذاب می‌بیند.

و نیز برخی این گونه گفته‌اند که میت در اثر کار آنان دردمند شده و متاثر می‌شود.

از خداوند می‌خواهیم که رحمت و خشنودی خود را شامل حال ما بگرداند. آمین.

باور...

عذاب و نعمت قبر از جمله امور غیبی‌ای هستند

که ایمان آوردن به آن لازم است،

اگر چه با حواس پنجگانه ما درک نشود.

۱- به نقل از مشکاة المصابیح، ۹۶۶/۵.

۲- الأشباه والنظائر من أشعار المتقدمين والجاهليين والمخضرمين (ص: ۴۷)

احوال مردم در عالم برزخ و حیات برزخی

عالم برزخ به مدت زمان بین مرگ و برانگیخته شدن و زنده شدن انسان می‌گویند، اعم از این که در قبر دفن شود، یا خیر و این شامل همه جنیان و انسیانی می‌شود که می‌میرند.

حیات برزخی بر اساس اعمال بندگان متفاوت و گوناگون خواهد بود، و رسول خدا ﷺ ما را از این حالت‌های گوناگون خبر داده است. بنابراین،

- احوال مردم در قبر چگونه خواهد بود؟
- انواع نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر چگونه‌اند؟
- آیا پیامبر ﷺ در این مورد چیزی را دیده‌اند؟

درآمد

پیامبر ﷺ از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید، بلکه همه سخنانش از وحی الهی نشأت می‌گیرند، و در سخنانش ما را از رویدادهایی که در عالم برزخ اتفاق می‌افتند و بلکه خود آنها را مشاهده کرده، خبر داده است، یکی از آن اتفاقات، عذاب‌هایی است که انسان در قبر می‌بیند.

رحمت و مهربانی خداوند بر خشم و غضبش سبقت برده است؛ زیرا او بسیار آمرزنده، مهربان و سخی است، اما به هنگام خشم، جبار خواهد بود و کسی جز خودش نمی‌تواند خشمش را فروکش نماید.

پیامبر ﷺ از روی هشدار و یادآوری، ما را از برخی عذاب‌ها که در قبر روی می‌دهند، با خبر ساخته است، چنان که برخی از آنها را در خواب دیده است، برای ما بازگو نموده است، زیرا خواب انبیا، نوعی وحی به شمار می‌رود و خواب پیامبران راست و حقیقت است.

سمره بن جندب رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ پس از نمازها، رو به طرف مردم می‌کرد و می‌پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» اگر کسی خوابی دیده بود، بیان می‌کرد. و رسول الله ﷺ آن طور که خدا می‌خواست، آن را تعبیر

می‌کرد. روزی، رسول الله ﷺ حسب عادت پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» گفتیم: خیر، ما خوابی ندیده ایم.

آن حضرت ﷺ فرمود: «ولی من دیشب، خواب دیدم که دو نفر نزد من آمدند، دستم را گرفتند و مرا به طرف سرزمین مقدس بردند. در آنجا، یک شخص نشسته و شخص دیگری ایستاده و قلابی در دست داشت. شخص ایستاده، قلاب را در یک طرف دهان شخص نشسته، فرو می‌برد و تا پشت سر او می‌کشید و بعد، آن را در طرف دیگر دهانش قرار می‌داد و تا پشت سر او می‌کشید. در این فاصله، طرف اول دهانش درست می‌شد. و مرد ایستاده دوباره همان کارش را تکرار می‌کرد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: برویم جلوتر.

به راهنمان ادامه دادیم تا اینکه به شخصی رسیدیم که به پشت، خوابیده است و شخص دیگری کنارش ایستاده و تخته سنگی را که در دست دارد، بر سرش می‌کوبد. و آن سنگ می‌غلند و دور می‌افتد. و تا وقتی که آن شخص سنگ را می‌آورد، سرشکسته، دوباره به حالت اول برمی‌گردد و آن شخص، مجدداً آن سر را با سنگ می‌کوبد و این عمل همچنان تکرار می‌شود. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: جلوتر برویم. براه خود ادامه دادیم تا اینکه کنار خندقی که مانند تنور بود، رسیدیم. دهانه آن، تنگ و داخلش بسیار وسیع بود. و در زیر آن، آتشی افروخته شده بود. عده‌ای از زنان و مردان لخت و برهنه در آن خندق، بودند. هنگامی که آتش زبانه می‌کشید، آنها بالا می‌آمدند به طوری که نزدیک بود از دهانه خندق، بیرون بیایند. و هنگامی که آتش فروکش می‌کرد، داخل خندق فرو می‌رفتند. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

سپس، براه افتادیم تا اینکه به نهری از خون رسیدیم و شخصی را دیدیم که در وسط نهر، ایستاده و شخصی دیگر، کنار نهر ایستاده است. و مقداری سنگ، پیش رویش قرار دارد. مردی که وسط نهر بود، براه می‌افتاد و می‌خواست بیرون بیاید. اما شخصی که بیرون نهر بود، سنگی در دهانش می‌کوبید و او را به وسط نهر برمی‌گرداند. و این کار همچنان تکرار می‌شد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راهمان ادامه دادیم تا این که به مردی بسیار بدشکل و بدقیافه رسیدیم و او آتشی را روشن می‌کرد و برای آن هیزم جمع می‌کرد و پیوسته در این کار و زحمت بود و لحظه‌ای توقف نمی‌کرد. پرسیدم این کیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راه خویش ادامه دادیم تا اینکه به باغی بسیار سر سبز و شاداب رسیدیم که در آن، درخت بسیار بزرگی وجود داشت. و در زیر آن، یک پیرمرد و چند کودک نشسته بودند. آن دو نفر، مرا بالای درخت، به ساختمانی بردند که هرگز ساختمانی به زیبایی آن، ندیده بودم.

عده‌ای پیرمرد، جوان، زن و کودک در آن ساختمان زندگی می‌کردند. سپس، مرا از آن ساختمان، بیرون کردند و به ساختمانی دیگر بردند که از ساختمان اول، بسیار بهتر و زیباتر بود. در این ساختمان هم، تعدادی پیرمرد و جوان زندگی می‌کردند. گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

باز به راهمان ادامه دادیم، تا این که به درخت بزرگی رسیدیم، که مانند آن درخت بزرگ و زیبا ندیده بودم، آنان گفتند: بالای این درخت برو و ما بالای آن رفتیم، آن گاه به شهری بسیار زیبا رسیدیم، که از طلا و نقره درست شده بود، به دروازه آن وارد شدیم و اجازه ورود خواستیم و آنان در را برای ما گشودند، افرادی را دیدیم که نصف چهره‌هایشان بسیار زیبا و خوبصورت بود و نصف چهره‌هایشان بسیار بد قیافه و بد شکل بود، آن دو نفر گفتند: بروید و خود را در این نهر بیندازید، در آنجا نهری روان بود که آبش بسیار سفید و شفاف بود، آنان خود را در آن نهر انداختند و باز گشتند در حالی که آن قیافه بدشان عوض شده بود و بسیار خوب صورت بودند.

آنان گفتند: این جنت عدن هست و این منزل توست، آن گاه چشمانم را بالا گرفتم و کاخی بسان ابر سفید مشاهده کردم، آنان گفتند: این منزل توست. من گفتم: خدا به شما برکت دهد، بگذارید در آن داخل شوم، آنان گفتند، الان خیر، ولی در آن داخل خواهی شد.

گفتم: تمام شب، صحنه‌های مختلفی را به من نشان دادید. هم اکنون آن صحنه‌ها را برایم توضیح دهید.

آن دو نفر، گفتند: بله، شخصی که دهان او پاره می‌شد، دروغگویی بود که مردم دروغ‌های او را گوش کرده به دیگران می‌رساندند، به طوری که دروغ‌هایش به گوشه و کنار دنیا می‌رسید. و این مجازات دروغگو، تا روز قیامت است.

و کسی که سر او با سنگ کوبیده می‌شد، کسی بود که خداوند او را علم و معارف قرآن داده بود، اما او بدان، عمل نمی‌کرد. شبها می‌خوابید و روزها را به غفلت می‌گذراند و به احکام الهی عمل نمی‌کرد. او تا قیامت، در همین عذاب، گرفتار خواهد بود.

کسانی را که برهنه در تنور دیدی، زنا کاران بودند.

شخصی را که در نهر خون دیدی، ربا خوار بود.

و مرد کهنسالی را که با چند بچه زیر درخت دیدی، ابراهیم علیه السلام بود

و کودکانی که اطراف او جمع شده بودند، کسانی هستند که بر فطرت زاده شده‌اند.

در این هنگام صحابه پرسیدند: آیا فرزندان مشرکان نیز شامل می‌گردند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: آری، کودکان مشرکان نیز شامل خواهند بود.^۱

و آنان که نصف چهره‌شان زیبا و نصف چهره‌شان زشت بود، کسانی هستند که

عمل نیک و بد را با هم مرتکب شده‌اند و خداوند از آنان درگذر نموده است.^۲

از الله می‌خواهیم که ما را قرین رحمت خودش قرار دهد.

اندرز...

عذاب قبر سخت و دردناک است،

اما عذاب آخرت، سخت‌تر و پایدارتر است.

۱- یعنی فرزندان مسلمین که در سن کودکی و قبل از بلوغ قبل از سن ۱۵ سالگی می‌میرند، وارد بهشت می‌شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می‌گیرند، و منظور از فطرت، دین توحید، یکتاپرستی است از این رو صحابه از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فرزندان مشرکان پرسیدند و آن حضرت صلی الله علیه و آله جواب دادند که آنها نیز وارد بهشت می‌شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می‌گیرند.

۲- بخاری و ابن حبان و روایت از مجموع دو کتاب گرفته شده است.

اسباب عذاب قبر

عذاب قبر یا نعمت‌های آنان اسبابی دارند و خداوند حلال و حرام را برای ما با تفصیل بیان کرده‌اند و اسباب گمراهی و هدایت را روشن ساخته و بر هیچ کسی ستم روا نمی‌دارد.

بنابراین،

- اسباب عذاب قبر کدامند؟
- اسباب نعمت در قبر کدامند؟
- انسان چگونه خود را برای آنها آماده سازد؟

درآمد

هر کس در نصوص شریعت تأمل نماید، اعمالی را می‌بیند که در انجام آنها به عذاب دادن در قبر تهدید آمده و یا به نعمت در قبر وعده داده شده است و این بدان جهت است تا انسان بر حذر و بیدار باشد.
از جمله:

شرک و کفر

شرک، بزرگترین گناه است و آن این که بنده عباداتش از قبیل: نماز، دعا، قربانی، استغاثه و یاری خواستن را متوجه کسی غیر از الله بگرداند.

رسول خدا ﷺ در میان سخنانش به هنگام سخن راندن از کیفر کافر در قبر فرمود: «آن‌گاه خداوند فردی کور و لال را بر او مسلط می‌کند که گریز آهنین بدست دارد که اگر آن را به کوهی بزنند، خاک می‌شود، با آن گرز چنان ضربه‌ای بر وی وارد می‌کند که جز جن و انس، همه اهل مشرق و مغرب صدای آن را می‌شنوند و در اثر آن خاک می‌شود و دوباره روح به وی باز می‌گردد»^۱.

توضیح این گرز آهنین، در حدیث دیگری این گونه آمده است:

«اگر همه موجودات مشرق و مغرب جمع شوند، نمی‌توانند آن را حمل کنند. قبرش از آن شعله می‌گیرد و چنان تنگ می‌شود که پهلوهایش درهم می‌روند»^۱.

پرهیز نکردن از ادرار

یعنی توجه نکردن در نظافت به هنگام دفع ادرار که پس از ادرار اثر آن بر لباس باقی بماند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اغلب عذاب قبر به خاطر پرهیز نکردن در ادرار خواهد بود»^۲.

بنابراین، بر مسلمان لازم است که در نظافت بدن، لباس و جایی که نماز می‌خواند دقت کند و نظافتش را رعایت کند.

سخن چینی

سخن چینی یعنی رد و بدل کردن سخنان مردم به خاطر فتنه انگیزی و ایجاد دشمنی و عداوت و به راه انداختن فساد و فتنه.

ابن عباس فرمود:

نبی اکرم ﷺ از کنار باغی از باغ‌های مدینه یا مکه، عبور می‌کرد. (ناگهان) صدای دو نفر را شنید که در قبرهای‌شان گرفتار عذاب بودند. رسول الله ﷺ فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می‌شوند، اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلی، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی‌کرد و دیگری، سخن چینی می‌نمود».

آن گاه، رسول اکرم ﷺ شاخه‌تر درختی خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت.

از رسول الله ﷺ پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد»^{۳، ۴}.

۱- بیهقی در شعب الایمان. در سند این حدیث اشکال وجود دارد.

۲- مستدرک حاکم با سند صحیح.

۳- بخاری و مسلم.

۴- سؤال: آیا گذاشتن شاخه درخت در نجات از عذاب قبر دخالتی دارد؟

همچنین کسی که به بیماری غیبت مبتلا است، در عالم برزخ در قبرش عذاب می‌بیند. رسول خدا ﷺ فرمود:

«در شب معراج از کنار افرادی گذشتم که ناخن‌هایی از مس داشتند و با آن چهره‌ها و سینه‌های خود را می‌خراشیدند، گفتیم: ای جبرئیل! اینها چه افرادی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند و آبروی مردم را می‌ریختند»^۱.

خیانت در اموال غنیمت

دزدی کردن از اموال غنیمت که مجاهدان آن را در جهاد بدست می‌آورند و قبل از تقسیم آن مورد دستبرد قرار گیرند، از جمله اسبابی است که منجر به عذاب قبر می‌شود. خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل عمران: ۱۶۱]. «و هر کس (در اموال غنیمت) خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد»،

بنابراین، خیانت در اموال غنیمت از اسبابی است که مرتکب آن در قبر عذاب می‌بیند.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: ما در فتح مکه هیچ طلا و نقره‌ای را به غنیمت نبردیم، بلکه غنیمت ما در خیبر، گاو، شتر، کالا و باغ بود، آن گاه با رسول خدا ﷺ به وادی القری رفتیم، و با وی برده‌ای به نام مدعم همراه بود که فردی از بنی ضباب آن را به آن حضرت رضی الله عنه هدیه کرده بود. در این میان که او رحل پیامبر رضی الله عنه را پایین می‌آورد، ناگهان تیری شلیک شد و به آن برده اصابت کرد. مردم گفتند: شهادتش مبارک باد. رسول خدا ﷺ فرمود: به خدا سوگند! پارچه‌ای که در روز خیبر برداشته و سهم وی

جواب: خیر، چون این کاری که آن حضرت رضی الله عنه انجام دادند، از ویژگی‌های وی بود. چنان که امام مسلم روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: دوست داشتم که به خاطر شفاعتم در عذاب آنان تخفیف بیاید. نیز کسی که بر قبر شاخه‌تر می‌گذارد، گویا خود را تزکیه نموده و پاکی‌اش را به اثبات می‌رساند، زیرا او کیست که خداوند به وسیله او در عذاب دیگران تخفیف بیاورد؟ همچنین زمانی رسول الله رضی الله عنه بر قبر آنان شاخه گذاشت که متوجه شد که آنان عذاب می‌بینند، اما دیگران از کجا می‌دانند که صاحب این قبر عذاب می‌بیند؟

نبوده و مسئول تقسم غنایم به او نداده است، برایش آتشی شعله ور شده است. آن گاه مردی که این سخن پیامبر ﷺ را شنید، یک یا دو بند کفش را آورد و گفت: این چیزی است که من آن را برداشته‌ام، آن حضرت ﷺ فرمود: یک بند کفش یا دو بند کفش نیز به آتش دوزخ تبدیل خواهند شد»^۱.

افطار کردن رمضان بدون عذر

واجب است که مسلمان از طلوع فجر صادق تا غروب خورشید روزه بگیرد و بر کسی که روزه بر او واجب است، جایز نیست که قبل از غروب خورشید افطار کند، و گر نه گناه کار شده و مستحق کیفر می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در آن حال که من خواب بودم، دو نفر آمدند و بازوهایم را گرفتند و مرا به کوهی بردند و گفتند: بالا برو، گفتم: نمی‌توانم بالا بروم، آنها گفتند: ما آن را برای آسان می‌کنیم، من بالا رفتم و وقتی به وسط کوه رسیدم، سر و صد و جیغ داد به گوشم رسید! پرسیدم: اینها چه صداهایی هستند؟ آنان جواب دادند: اینها سر و صداهای دوزخیان‌اند، دوباره به راهنمان ادامه دادیم و به نزد افرادی رسیدیم که بر عصب کلفت پاشنه پای‌شان آویزان‌اند و دو طرف دهانشان پاره شده و از آنها خون جاری است. پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: اینها کسانی هستند که قبل از رسیدن وقت افطار، روزه خود را می‌خورند»^۲.

اینها پاره‌ای از احادیث بودند که از اسبابی پرده بر داشته بودند که منجر به عذاب قبر می‌شوند.

فایده...

آشنایی مسلمان از احوال اهل قبور،

باعث می‌گردد تا از اسباب عذاب پرهیز نماید.

۱- بخاری و مسلم.

۲- معجم طبرانی، مستدرک حاکم و صحیح ابن خزیمه با سند صحیح.

نجات از عذاب قبر

مسلمان وظیفه دارد تا از روی اطاعت و تقرب الی الله، بر اموری که بر او واجب‌اند عمل نموده و از آنچه نهی شده است، باز آید.

رسول خدا ﷺ نیز از اموری که انسان را از عذاب قبر می‌رهانند، خبر داده است.
بنابراین،

- آن اعمال کدامند؟
- چرا این اعمال بر اعمال دیگر مقدم شده‌اند؟
- فضیلت این اعمال چیست؟

درآمد

عموما کارهای شایسته و نیک برای بنده سودمند واقع شده و درجات وی را در دنیا و آخرت بالا می‌برند و نیز اعمال صالح مراتب و درجاتی دارند که برخی از برخی دیگر افضلتر است و رسول خدا ﷺ اعمالی را که باعث نجات آدمی می‌شوند، بیان نموده است که برخی از آنها عبارتند از:

نماز

نماز، بالاترین عبادت‌هاست و هر کس بر آن محافظت نماید، دینش را حفاظت نموده و هر کس آن را ضایع گرداند، اعمال دیگر را بیشتر ضایع خواهد نمود. نماز صاحبش را از عذاب قبر نجات می‌دهد.

زکات

زکات یکی از ارکان و ستون‌های اسلام مهم اسلام است، و این حق خداوند در مال است که اهل آن که هشت موردند و در قرآن ذکر شده‌اند، صرف گردد.

روزه

روزه نیز یکی از ارکان اسلام است و بزرگترین آن، روزه فرضی رمضان است و پس از آن روزه‌های نفلی است، مانند روزه دوشنبه و پنجشنبه، روز عاشورا، عرفه و دیگر روزهایی که فضیلت دارند.

انجام کارهای نیک

انجام کار نیک یک مفهوم عامی است که بسیاری از عبادات را شامل می‌گردد، از قبیل: امر به معروف، نهی از منکر، ایجاد صلح و آشتی بین مردم و...

صدقه و صلۀ رحم

صدقه، لفظ عامی است و شامل صدقه کردن مال، لباس، کالا و... می‌شود. و نیز بالاترین نوع صلۀ رحمی، صلۀ رحمی با والدین، و نیکوکاری و نرمی و ملامفت با آنان است.

کار نیک و معروف

کار نیک و معروف، لفظ عامی است و شامل هر عملی می‌شود که خداوند دستور داده است. بنابراین، لبخند، نصیحت و خیر خواهی، صدقه و... از جمله کارهای نیک و معروف به شمار می‌روند.

احسان و خوش رفتاری با مردم

این هم مفهوم عامی دارد و شامل دادن هدیه به مردم، خوش رفتاری با دیگران و... می‌شود.

رسول خدا ﷺ همه این فضایل را در حدیثی بیان فرموده‌اند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در قبضۀ اوست، البته وی صدای کفش‌های آنان را وقتی که پشت می‌کنند، می‌شنود، پس اگر مؤمن بوده است، نماز بالای سر، زکات قسمت راست، روزه سمت چپ، کارهای نیک، معروف و احسان و خوش رفتاری به مردم در قسمت پاهایش قرار می‌گیرند. وقتی عذاب از بالای سر می‌آید، نماز می‌گوید: از سمت من راهی برای عذاب نداری، وقتی از سمت راست می‌آید زکات می‌گوید: از طرف من راه نیست، چون از قسمت چپ می‌آید، روزه به دفاع پرداخته و می‌گوید: از سمت من نیز راهی برای عذاب نیست و وقتی از سمت پاها می‌آید، کارهای نیک و معروف و احسان به مردم، می‌گویند: از طرف ما هم راهی برای عذاب دادن نیست^۱».

۱- طبرانی، ابن حبان و حاکم که آن رال صحیح دانسته و ذهبی نیز با وی بر حسن بودن این حدیث موافقت کرده است.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «وقتی انسان وارد قبرش می‌شود، اگر مؤمن است، اعمالش از قبیل نماز و روزه او را احاطه می‌کنند، و وقتی فرشته عذاب از جانب نماز می‌آید، نماز او را بر می‌گرداند و چون از سمت روزه می‌آید، روزه نیز او را بر می‌گرداند و از صاحبش دفاع می‌کند»^۱.

پناه بردن به الله از عذاب قبر

دعا و پناه بردن به الله، برای بنده مفید است و او را از عذاب قبر نجات می‌دهد. از جمله این که از الله بخواهد تا او را از عذاب قبر نجات دهد.

یکی از دعاهای آن حضرت این بود: «اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۲. «بارخدا! من از سستی و کسالت، بزدلی و پیری، بخل و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم».

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ این کلمات را به ما مانند آموزش نویسندگی تعلیم داد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ». یعنی: «خدا! از بخل، بزدلی، فرتوت شدنی که باعث ذلت گردد، فتنه دنیا (دجال) و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم».

حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید: آن حضرت ﷺ به کثرت این دعاها را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى». یعنی «خدا! از فتنه جهنم و عذاب آن، از آزمایش قبر و عذاب آن، از فتنه مسیح دجال، از شر فتنه فقر و از شر فتنه سرمایه داری، به تو پناه می‌برم».

همچنین مشروع است که ما به هنگام نماز میت برای وی دعا کنیم که خداوند او را از عذاب قبر نجات دهد.

عوف بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که به هنگام نماز خواندن بر میتی این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ

۱ - مسند احمد و طبرانی با سند صحیح.

۲ صحیح مسلم.

مُدْخَلُهُ وَاغْسِلَهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرْدِ وَنَقَّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَأَبْدَلَهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَأَعَدُّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ»^۱. «خدایا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده، او را از عفو کن، و از وی درگذر و جای او را وسیع بگردان، او را گرمی بدار، و با آب و برف و یخ او را غسل ده، از گناهان چنان پاکش بگردان که پارچه سفید از چرکها پاک می شود، او را خانه ای بهتر از این خانه، خانواده ای بهتر از این خانواده، و همسری بهتر از این همسر عنایت فرما. پروردگار!! او را در بهشت داخل نما و از عذاب قبر و عذاب دوزخ نجات بده».

افرادی که از عذاب قبر نجات می یابند

رسول خدا ﷺ از اعمالی خبر داده اند که باعث نجات از عذاب قبر می شوند. همچنین در برخی از نصوص شریعت آمده است که خداوند برخی از مردم را از عذاب قبر نجات می دهد. برخی از آنان عبارتند از:

شهید

شهید کسی است که برای جهاد فی سبیل الله و با اخلاص به سوی دشمن پیش رود و فرار نکند و آن گاه کشته شود.

از رسول خدا ﷺ پرسیدند: حال آن افرادی چگونه است که در قبرهایشان عذاب داده می شوند، جز شهیدان؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «آزمایشی که در درخشش شمشیرها وجود دارد، کافی است»^۲.

یعنی پیامردی و ثبات مجاهدی که در راه خدا جهاد می کند و به هنگام شدت نبرد، به عقب فرار نمی کند، بیانگر عظمت ایمان در قلبش است و تا دم مرگ بر ایمانش ثابت قدم است، پس نیازی نیست که در قبرش مورد آزمایش و امتحان قرار گیرد یا از ایمانش به الله و تصدیقش به پیامبر از وی سوال شود.

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن نسائی.

کسی که در راه خدا مرزبانی می کند

کسی که در مرزهای اسلام، پاسداری می کند تا از دشمنان اسلام جلوگیری نماید. بنابراین، مرزداران مجاهدی که به خاطر دفاع از اسلام، اهل و فرزندانشان را رها کرده اند، از فضیلت بالایی برخوردارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پرونده عمل هر میتی مختومه می گردد، جز کسی که در راه مرزداری در راه الله جان دهد، زیرا عملش تا روز قیامت رشد می کند و از عذاب قبر نجات می یابد»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «پاسداری یک شبانه روز، از روزه داشتن آن روز و عبادت شب آن بهتر و بالاتر است، و اگر بمیرد، عملی که آن را انجام می داد، برایش جریان می یابد، و رزقش برای او ادامه می یابد و از فتنه انگیزی در امان می یابد»^۲.

فردی که با بیماری شکم بمیرد

خداوند، بلاها را باعث کفاره گناهان و رفع درجات قرار داده است، برخی از این بلاها، بیماری درد و یا مرگی است که به سبب این بیماری ها باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کسی در اثر بیماری شکم بمیرد، در قبرش عذاب داده نمی شود»^۳.

بیماری شکم عبارت است از سرطان شکم، کبد و دیگر و...

و نیز این حدیث رسول الله ﷺ این مطلب را تایید می کند که فرمود: «کسی که در اثر بیماری شکم بمیرد، شهید است»^۴.

خواندن سوره ملک در هر شب

همه قرآن، مبارک است، ولی رسول خدا ﷺ فضیلت خواندن برخی سوره ها را به صورت ویژه بیان کرده است که از جمله آنها یکی سوره ﴿تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ [الملک: ۱]. است؛ زیرا این سوره انسان را از عذاب قبر نجات می دهد.

۱- سنن ابوداود و ترمذی.

۲- صحیح مسلم.

۳- سنن ترمذی و نسائی با سند صحیح.

۴- صحیح بخاری.

رسول خدا ﷺ فرمود: «سوره ملک، از عذاب قبر جلوگیری می‌کند»^۱.
ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: هر کس، در هر شب سوره «تبارک الذی» را بخواند، این سوره از عذاب وی در قبر جلوگیری می‌کند. ما در زمان رسول خدا ﷺ به این سوره، «مانعه» می‌گفتیم. همانا در کتاب خدا سوره‌ای است که هر کس آن را بخواند عمل زیاد و خوب انجام داده است^۲.

هر کسی که در قبر دفن شود، قبر به او می‌چسبد

چنان که رسول خدا ﷺ در مورد سعد بن معاذ رضی الله عنه فرمود: «این کسی که عرش رحمان برایش به لرزه در آمد و دروازه‌های آسمان برایش گشوده شدند و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه‌اش حضور یافتند، به سختی در آغوش قبر چسبیده شد و سپس از آن رهایی یافت»^{۳، ۴}.

نور...

هر کس، اعمال نجات بخش از عذاب قبر را بر خود لازم بگیرد،
او خوشبخت بوده و از نعمت برخوردار خواهد شد.

۱- ابن مردویه با سند صحیح.

۲- سنن نسائی با سند صحیح.

۳- سنن نسائی با سند صحیح.

۴- اینک ۱۳۹۲/۱۰/۲۹ ش. که این مطالب را تصحیح می‌کنم و موضوع قبر و قیامت را پس از ترجمه ویرایش و بازنگری می‌کنم، که استاد بلند پایه حدیث، عالم ربانی، مخلص و مجاهد، استاد برجسته دارالعلوم حقانیه ایرانشهر، مولانا دوست محمد رئیسی، پس از عمری در خدمت عرصه علم و دین دارفانی را وداع گفت، روحش شاد و راهش پر رهرو باد. آمین.

مخلوقاتی که از بین نمی‌روند

پروردگاران زنده و پاینده است و جز ذات او هر چیزی نابود می‌شود و جز مُلک او همهٔ مُلک‌ها و فرمانروایی‌ها از بین می‌رود.

خداوند متعال فرموده است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾﴾ [الرحمن: ۲۶-۲۷]. «همهٔ چیزها و همهٔ کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند. * و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس».

آری، همهٔ موجودات روی زمین نابود و فنا می‌شوند، می‌میرند و خاک آنها را می‌خورد، اما از نصوص شرعی فهمیده می‌شود که برخی از این موارد مستثنی هستند.

- این امور کدامند؟
- معنای عدم فنای آنها چیست؟

درآمد

خداوند هر چه را بخواهد از بین می‌برد و هر چه را بخواهد باقی می‌گذارد، و پروردگارت هر چه را بخواهد بر می‌گزیند و اختیار می‌کند؛ بنابراین، همهٔ مخلوقات می‌میرند و از بین می‌روند، جز هشت مورد که عبارتند از:

آخرین استخوان ستون فقرات (دنبالیچه)

زیرا کل جسد انسان فنا شده و از بین می‌رود، جز همین قسمت از بدن که از بین نمی‌رود و خداوند انسان را از نو از همین استخوان می‌آفریند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همهٔ بدن فرزند آدم را خاک می‌خورد، جز آخرین استخوان ستون فقرات که از آن آفریده شده و خلقتش تکمیل می‌گردد»^۱.

ارواح

علم طبیعت و حقیقت روح را فقط الله می‌داند، اما قوام و حیات جسد، به آن وابسته است. لذا هر گاه روح از جسد جدا شود، جسد می‌میرد و روح به آسمان می‌رود

و اگر نیک باشد، درهای آسمان به رویش گشوده می‌شوند و اگر بد باشد، درهای آسمان به رویش بسته و گشوده نخواهند شد، اما در هر دو حالت، روح به جسد باز می‌گردد.

اما ارواح از بین می‌رود. رسول خدا ﷺ در مورد شهدا می‌فرماید: «ارواح شهدا در شکم پرندگان سبزی قرار دارد که درون قندیل‌هایی هستند که بر عرش آویزانند، هر موقع بخواهند در بهشت می‌چرند و سپس به آن قندیل‌ها باز می‌گردند»^۱.

اما رسول خدا ﷺ در مورد ارواح مؤمنین فرموده است: «همانا روح مؤمن پرنده‌ای می‌شود که در درختان بهشت قرار می‌گیرد تا این که خداوند در روز قیامت او را به جسدش باز می‌گرداند»^۲.

بهشت و دوزخ

خداوند آنها را برای اکرام و گرامی داشتن فرمانبرداران و تحقیر و ذلیل گردانیدن بدکاران آفریده است و برای همیشه باقی می‌مانند و از بین نمی‌روند. خداوند فرموده است: ﴿خَلِّدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ [النساء: ۵۷]، «در آنجاها جاودانه تا به ابد می‌مانند».

عرش

عرش، در لغت به تختی می‌گویند که پادشاهان بر آن قرار می‌گیرد، و پروردگاران نیز عرشی دارند که شایسته جلال و عظمت اوست. خداوند در هفت جا در قرآن کریم از استوای خویش بر عرش یاد کرده است.

چنان که در قرآن می‌خوانیم:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵]. «خداوند مهربانی است که بر عرش

مستوی شده است».

و نیز می‌فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾ [الأعراف: ۵۴]. «سپس بر عرش قرار

گرفت».

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن نسایی با سند صحیح.

عرش، نخستین مخلوقی است که خداوند آن را برای بقا آفریده است، نه برای فنا؛ لذا عرش به هنگام دمیدن در صور دوم که همهٔ مخلوقات نابود شده و از بین می‌روند، نابود نمی‌شود.

کرسی

کرسی، محل دو قدم پروردگامان است، آن گونه که بن عباس رضی الله عنه گفته است. بنابراین، کرسی باقی است و از بین نمی‌رود.^۱

حورالعین

عبارتند از زنان بهشتی که برای بهشت آفریده شده‌اند و مانند سایر مخلوقات از بین نمی‌روند.

لوح

لوح، عبارت است از لوح محفوظ که خداوند در آن تقدیر بندگان را نوشته و از بین نمی‌رود.

قلم

قلم مخلوقی است که خداوند آن را آفریده و به آن دستور داده است تا اعمال بندگان را بنویسد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نخستین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود و به آن دستور داد و فرمود: بنویس، گفت، خدایا! چه بنویسم؟ الله فرمود: تقدیر بندگان را تا روز قیامت بنویس»^۲.

سیوطی این هشت مورد را که از بین نمی‌روند، در این دو بیت شعر جمع کرده است:

ثمانية حكم البقاء يعمها	من الخلق والباقون في حيز العدم
هي العرش والكرسي نار وجنة	وعجب والأرواح كذا اللوح والقلم

۱- صفات الله الواردة في الكتاب والسنة، العلوی للسقاف، ۲۲۳.

۲- ابوداود و ترمذی، با سند صحیح.

«هشت موردند که از میان مخلوقات، حکم بقا شامل آنها می‌شوند و باقی از بین رفته و نابود می‌شوند».

«و آنها عبارتند از: عرش، کرسی، بهشت، دوزخ، استخوان دنبالیچه (آخرین استخوان ستون فقرات)، ارواح، لوح و قلم».

باور...

پروردگاران هر چه بخواهد، می‌آفریند،

و هر چه بخواهد جاوید نگه داشته

و هر چه را بخواهد نابود می‌گرداند.

هفت مسأله در مورد قبر

اشتباهات و باورهای غلطی در میان مردم رواج دارد که در جاهایی از کشورهای جهان گسترش یافته‌اند و دوست داشتم در پایان بحث قبور به آنها اشاره کنم.

- باورها و مسائلی در مورد قبر خطاها و اشتباهات مردم در این مورد
- علاج و درمان این اشتباهات چیست؟

درآمد

خداوند پیامبران را به عنوان معلم و خیرخواه به سوی انسان‌ها فرستاده است، تا آنان را به سوی خیر و هدایت رهنمون شوند و از راه‌های غلط و اشتباه آنان را باز دارند. بنابراین، احکام و رهنمودهایی از پیامبران مربوط به قبور به اثبات رسیده است که برخی از این قرارند:

مسأله اول

دریافت عذاب و بهره‌مندی در قبر از جمله امور غیبی هستند که با عقل و خرد قابل درک و فهم نیستند و ایمان به غیب یکی از صفات مهم و بارز مؤمنان است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْمُزْوا سَبِيحًا وَلَا نَجَسًا﴾ [البقرة: ۱-۳]. «الف. لام. میم. * این کتاب هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است. * آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند».

مناسب است بدانیم که مراد از عذاب قبر، همان عذاب برزخ است، بنابراین، هر کس بمیرد و مستحق عذاب باشد، قطعاً آن عذاب دامنگیر وی می‌شود، چه در قبر دفن شود یا این که درنده‌ای او را طعمه خویشت سازد، یا بسوزد و خاکستر گردد و ذرات بدنش در هوا پراکنده گردند، یا به وسیله اعدام از بین برود یا در دریا غرق شود. لذا همان گونه که فرد در قبر گرفتار عذاب می‌شود، روح و جسد این افراد نیز عذاب می‌بینند.

مسأله دوم

یکی از امور حرام و ناجایز که اغلب مردم به ویژه زنان به آن گرفتار می‌شوند، سر و صدا و نوحه سرایی و گریه و شیون است.

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که (هنگام مصیبت) به سر و صورت خود بزند و گریبانش را پاره کند و سخن جاهلی بر زبان بیاورد، از ما نیست»^۱.

و نیز فرموده است: «زن نوحه خوان اگر قبل از مرگش توبه نکند، در روز قیامت در حالی بر می‌خیزد که پیراهنی از قطران و چادری از جرب خواهد داشت»^۲.

بنابراین، هر کسی که مصیبتی برایش روی داد و فرزند و عزیزی را از دست داد، باید صبر پیشه کند و از الله امید پاداش داشته باشد، و در قبال صبر و شکیبایی‌اش، از الله پاداش بزرگ را امید داشته باشد.

رسول الله ﷺ فرمود: «خداوند متعال می‌فرماید: هرگاه، یکی از عزیزان بنده مؤمنم را در دنیا قبض روح نمایم و او به نیت اجر و ثواب، صبر کند، نزد من پاداشی، جز بهشت ندارد»^۳.

مسأله سوم

زیارت قبور، امری مشروع است و باید آدمی به نیت پند و اندرز گرفتن بدانجا برود نه به قصد تبرک به قبر یا خاک قبر یا بهره‌مند شدن از صاحب آن.

درست نیست که انسان یک روز را مشخص را برای زیارت قبور اختصاص دهد، زیرا از رسول خدا ﷺ ثابت نیست که آن حضرت ﷺ یک روز برای زیارت قبرستان اختصاص داده باشند.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۴ «هر کس در دین ما چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است».

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- متفق علیه.

۴- صحیح بخاری.

برخی از مردم، به هنگام زیارت قبرستان، سوره فاتحه را می‌خوانند، در صورتی که این بدعت هست و ثابت نیست که آن حضرت ﷺ به هنگام زیارت چیزی از قرآن را خوانده باشند، بلکه فقط برای مردگان دعا می‌کرد و برایشان آمرزش می‌طلبید. سفر کردن برای زیارت قبور جایز نیست، چنان که آن حضرت ﷺ فرمود: «رخت سفر نبندید مگر برای زیارت سه مسجد: ۱- مسجد الحرام ۲- مسجد النبی ﷺ ۳- مسجد الاقصی»^۱.

مسأله چهارم

برخی دیگر از بدعت‌ها و مخالفت‌های شرعی در جناز:

- گذاشتن گل بر جنازه یا قبر، که این کار با عمل کفار شباهت دارد و از شعایر آنهاست. آن حضرت ﷺ فرمود: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۲ «هر کس خود را به گروهی شباهت دهد، از همان گروه محسوب می‌گردد».
- همچنین سیاه پوش شدن، توقف و سکوت برای ارواح شهیدان و ... برای ترحم کردن، چون این کار نوعی بدعت و هماهنگی با شعائر کفار است. بنابراین، کافی است که برایشان دعا و استغفار نماییم.
- همچنین جایز نیست که تصویر مردگان و حتی زندگان را به عنوان یادگاری در خانه‌های خود آویزان نمود. چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی فرمود: «أَنْ لَا تَدَعَ صُورَةً إِلَّا طَمَسْتَهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ»^۳ «هر تصویری دیدی، آن را از بین ببر و هر قبر برجسته‌ای را که دیدی آن را با زمین یکسان نما».
- بلند نمودن صدا با تکبیر و تهلیل به صورت دست جمعی، به هنگام تشییع جنازه، زیرا آنچه مشروع است، این است که انسان آهسته برای آن میت دعا کند».
- اذان گفتن در قبر یا پس از گذاشتن میت در آن، که این کار بدعت است و از آن حضرت ﷺ و یارانش ثابت نیست. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي

۱- متفق علیه.

۲- مسند احمد.

۳- صحیح مسلم.

أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۱ «هر کس در دین ما چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است».

• یکی دیگر از بدعت‌ها، دعای دست جمعی برای میت پس از دفن آن است و اصل این است که مرده را در کفنش دفن نمایند، بدون این که او را در تابوت بگذارند، مگر این که نیازی برای گذاشتن آن در تابوت باشد، مانند این که جسد میت تکه و پاره شده یا قانون کشور دفن در بیرون تابوت را اجازه نمی‌دهد که در این صورت اشکالی نخواهد داشت.

مسئله پنجم

هرگاه فرد زنده، عمل نیکی را انجام داد و پاداش آن را برای مرده‌ای اهدا نمود، این کار جایز است و اشکالی ندارد، اما باید این کار وی فقط در چارچوب شریعت باشد، مانند این که برایش دعا نموده و حج و عمره بگذارد یا صدقه بدهد و قربانی کند، یا روزه‌هایی که بر او واجب بوده‌اند را ادا نماید.

اما اگر به این قصد نماز بخواند که پاداش آن به مرده برسد، این کار جایز نیست، چون این کار از پیامبر ﷺ ثابت نیست.

یکی دیگر از بدعت‌ها این است که قاری قرآن را اجاره نموده و برای میت قرآن بخواند.

مسئله ششم

قبل از این که میراث میت تقسیم گردد، واجب است تا هزینه تجهیز و قرض‌های وی پرداخت گردد و بر وصیت وی عمل کنند. آن حضرت ﷺ فرمود: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدِينِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ»،^۲ «روح مؤمن به دیونش آویزان است تا این که از او پرداخت گردد».

۱- صحیح بخاری.

۲- مسند احمد.

مسأله هفتم

این یک مسأله بسیار بزرگ و مصیبتی عظیم یعنی شرک در نزد قبور است، چنان که عده‌ای قبر را طواف می‌کنند و برخی نیازهایشان را از آنها می‌خواهند و عقیده دارند که اولیا در قبورشان زنده‌اند و مصایب را از بندگان دور نموده و نیازهایشان را برآورده می‌سازند.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۴]. «همانا آنهایی را که به جز خدا فریاد می‌دارید، بندگان‌ای همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جویید) اگر راست می‌گویید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند (و نیاز شما را برآورده کنند)».

برخی از قبر پرستان، دور قبر طواف می‌کنند و بر گوشه‌های آن خود را می‌مالند و برای آن سجده و کرنش می‌کنند، و در حالت فروتنی و انکساری در برابر قبر می‌ایستند و نیازهایشان را از آن می‌خواهند، تا بیماری آنان را شفا داده یا به آنان فرزند عنایت کند. و چه بسا که افرادی صاحب قبر را این گونه به فریاد می‌خوانند و می‌گویند: ای سرورم! من از راه دور و کشوری دور به زردت آمده‌ام، پس مرا دست خالی بر مگردان.

آن گاه از وی می‌خواهد تا بیماری‌اش را شفا دهد یا فرد غایبش را باز گرداند، اما فراموش کرده و غافل است از این که این دعا را در نماز از خدایش بخواهد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ﴾ [الأحقاف: ۵]. «چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خوانندگان غافل و بی‌خبرند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدًّا دَخَلَ النَّارَ»،^۱ «هر کس بمیرد در حالی که به غیر الله کسی را به عنوان شریک خوانده است، وارد دوزخ می‌شود».

نباید انسان فریب این گونه شایعات را بخورد که فلان نیازمند به نزد فلان قبر رفت و صاحب آن به فریادش رسید، یا فلان بیمار شفا یافت یا فلان فرد صاحب فرزند شد، بلکه آدمی با دعایش متوجه خداوند یگانه و بی‌انبار شود و او را در نماز، در مسجد، به هنگام ادای حج و عمره به فریاد بخواند نه این که از روی تبرک الله را به نزد قبر بخواند.

ساختن مسجد به نزد قبرها و مزارها جایز نیست

حتی گزاردن نماز در مسجدی که در داخل یا صحن و یا جهت قبله‌اش قبر وجود دارد، جایز نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود: «آگاه باشید، همانا امت‌های قبل از شما قبور انبیا و نیکان را به عنوان مسجد انتخاب می‌کردند، آگاه باشید، قبرها را به عنوان مسجد انتخاب نکنید و من شما را از این کار نهی می‌کنم»^۱.

از این رو، ساختن بنا و ساختمان بر قبرها به هر شکلی که باشد، حرام و ناجایز است، زیرا رسول خدا ﷺ نهی فرموده‌اند از این که قبرها را با گچ درست کنند یا بر آن‌ها بنشینند و یا بنا سازند»^۲.

بلکه آنچه مشروع است، این است که میت را در قبر بگذارند و سپس خاکی که از آن بیرون کرده‌اند، دوباره بر آن بگذارند و ارتفاع آن را از یک وجب بیشتر نکنند.

کما این که حرام است که بر قبرها قبه بگذارند، چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی دستور داد: «هر تصویری دیدی، آن را از بین ببر و هر قبر برجسته‌ای را که دیدی آن را با زمین یکسان نما».

و نیز رسول خدا ﷺ نهی فرموده‌اند از این که قبرها را با گچ درست کنند یا بر آنها بنشینند و یا بنا سازند»^۳.

پروردگاران، فرمانروای هستی می‌فرماید:

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح مسلم.

﴿أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَالِمُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلَكُمْ فَأَدْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَمْ أَرْجُلُ يَمشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾﴾ [الأعراف: ١٩١-١٩٨].

«آیا چیزهایی را انباز خدا می‌سازند که نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده می‌شوند؟ * انبازهای آنان نه می‌توانند ایشان را یاری دهند و نه می‌توانند خویشتن را کمک نمایند. * شما اگر انبازهای خود را به فریاد خوانید تا شما را هدایت کنند، نمی‌توانند شما را پاسخ دهند و خواسته شما را برآورده کنند. برای شما یکسان است، خواه آنها را به فریاد خوانید، و خواه خاموش باشید * معبودانی را که به جز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگانِ همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جوئید) اگر راست می‌گوئید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند. * آیا این معبودان دارای پاهایی هستند که با آنها راه بروند؟ یا دارای دست‌هایی هستند که با آنها چیزی را بگیرند (و دفع بلا از شما و خویشتن کنند)؟ یا چشم‌هایی دارند که با آنها ببینند؟ یا گوش‌هایی دارند که با آنها بشنوند؟ (پس آنها نه تنها با شما برابر نیستند، بلکه از شما هم کمتر و ناتوانترند. در این صورت چگونه آنها را انباز خدا می‌کنید و آنها را می‌پرستید)؟. بگو: این بت‌هایی را که شریک خدا می‌دانید فراخوانید و سپس شما و آنها همراه یکدیگر در باره من نیرنگ و چاره جویی کنید و اصلاً مرا مهلت ندهید (اما بدانید که اینها موجودات غیرمؤثری هستند و کمترین تأثیری در وضع من و شما ندارند) * بی‌گمان سرپرست من، خدایی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است، و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می‌کند. * چیزهایی را که شما به جز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، نه می‌توانند شما را یاری دهند و نه می‌توانند خویشتن را کمک کنند. *

و اگر از آنها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی‌شنوند (و به ظاهر پیکره) آنها را می‌بینید که (انگار با چشمان خود) به شما نمی‌نگرند، و لیکن چیزی را نمی‌بینند».

سخنی راست...

مقتضای ایمان تو این است که الله یکی است

و شریکی ندارد

و تنها و بدون واسطه او را بخوانی.

پس از آن که آدمی مدّت زمانی را که خداوند مقدر نموده است، در عالم برزخ می‌گذراند، رستاخیز که خداوند اجازه داده تا مردگان محشور گردند و در صور دمیده شود، فرا می‌رسد.

بنابراین،

- قیامت کی برپا می‌شود؟
- دمیدن در صور یعنی چه؟
- بندگان چگونه از قبرها بیرون می‌شوند؟
- آنان که در قبور دفن نمی‌شوند، مانند غرق شدگان، سوخته شدگان، این افراد چگونه زنده می‌شوند؟
- آیا خداوند فقط بندگان را محشور می‌دارد، یا همه مخلوقات را؟
- حشر جنیان چگونه خواهد بود؟
- و ... سؤالات و پرسش‌های فراوانی که دریچه ذهن آدمی را می‌کوبند که ما در مورد آنها در فصل‌های آینده با تفصیل بحث خواهیم کرد.

جایگاه ایمان به روز آخرت

درآمد

ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ایمان است، چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَلَكِنَّ الْإِبْرَءَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾
[البقرة: ۱۷۷]

«بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد».

آن حضرت ﷺ نیز در توضیح ایمان فرمودند: «ایمان آن است که به الله، فرشتگان، کتابها، رسولان و روز واپسین ایمان داشته باشی و به تقدیر خیر و شر باور داشته باشی»^۱.

معنای ایمان به روز آخرت

ایمان به روز آخرت این است که تصدیق قطعی و جازم داشته باشی مبنی بر این که قیامت و رویدادهای آن حتماً فرا می‌رسند و به مرگ و حوادث پس از آن باور داشته و علامات قیامت را تصدیق نمایی».

و هر کس روز آخرت را انکار یا در آن شک و تردید داشته باشد، وی مرتکب بزرگترین کفر شده و این باور، او را از دایره اسلام خارج می‌سازد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶]. «و هر کس که به خدا و فرشتگان و کتاب‌های خداوندی و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است».

بنابراین، روز آخرت بدون تردید به وقوع خواهد پیوست و هر کس در وقوع آن تردیدی داشته باشد، مرتکب بزرگترین کفر شده است؛ زیرا وی الله و پیامبرش را

تکذیب نموده است و الله بیان نموده است کفار روز آخرت را تصدیق نمی‌کنند و خداوند بندگان را پس از مرگشان دوباره به حیات باز می‌گرداند.

خداوند از زبان کفار می‌فرماید: ﴿إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُصْتَبِقِينَ﴾ [الجاثية: ۳۲]. «ما تنها گمانی (در باره آن) داریم و به هیچ وجه یقین و باور نداریم (که قیامت فرا برسد)».

بنابراین، به وقوع قیامت ایمان قطعی و یقینی داشت، بدون آن که در آن شک و تردیدی همراه باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: ۴]. «آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند».

از این جهت رستاخیز آمدنی است و در آمدن آن تردیدی نیست. خداوند فرموده است: ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷]. «و (این که بدانید) بدون شک قیامت فرا می‌رسد و جای هیچ گونه تردیدی نیست، و خداوند تمام کسانی را که در گورها آرمیده‌اند دوباره زندگی می‌گرداند».

روشنگری ...

هر کس به بعث و نشور، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد، او نسبت به دین اسلام کافر شده است.

اوصاف و ویژگی‌های روز آخرت

خداوند کتابش را فرود آورده است تا هر چیزی را بیان کند و پیامبرانش را به عنوان ترساننده و مزده آور فرستاده است، از این رهگذر خداوند امور اخروی را برای ما روشن ساخته و اوصاف و ویژگی‌های آن را برای ما اظهار داشته است.

درآمد

روز آخرت، همان روزی است که در صور دمیده می‌شود و قیامت برپا می‌شود و خداوند آن را با چندین صفت برای ما توصیف کرده است که حالت آن روز و مردمان را روشن می‌سازد. برخی از آن صفات عبارتند از:

روزی که در برپایی آن تردیدی وجود ندارد

آری، سوگند به الله که در آن روز تردیدی نیست و قطعاً خواهد آمد، همان‌گونه که خداوند در قرآن وعده داده و فرموده است: ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ [فاطر: ۵]. «ای مردمان! وعده خدا حق است، پس زندگی دنیوی شما را گول نزنند و اهریمن شما را در باره خدا نفریبند».

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «وَالسَّاعَةُ حَقٌّ»، «و قیامت حق می‌باشد»

برای کافران روزی دشوار خواهد بود

در آن روز اعمال قطع شده و اجل‌ها به پایان می‌رسد و هر عمل‌کننده‌ای، جزای عمل نیک و بد خود را دریافت می‌کند و نمی‌تواند به اعمال نیکش بیفزاید یا از اعمال بدش بکاهد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَذَلِكِ يَوْمِمْدِ يَوْمِ عَسِيرٍ ﴿۹﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرٌ يَسِيرٌ ﴿۱۰﴾﴾ [المدثر: ۹-۱۰]. «آن روز، روی سختی خواهد بود. * برای کافران آسان نخواهد بود (و بلکه پر مشقت و دردسر خواهد بود)».

اما برای مؤمنان، آسان خواهد بود، زیرا نگرانی بزرگ آنان را غمگین نخواهد کرد و عده‌ای در زیر سایه عرش قرار می‌گیرند که در آینده از آنان سخن خواهیم گفت.

روزی که هر انسان جزای کامل عملکرد خویش را دریافت می کند

انسان‌ها جزای کامل اعمالشان را دریافت می کنند، اگر عمل خیر بوده پاداش خیر، و اگر عمل بد بوده است، جزای بد را می بینند، چرا که همگی در دفتر اعمال که از تغییر و دروغ محفوظ است، ثبت شده اند.

خداوند فرموده است: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وُوقِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۲۵]. «پس (حال آنان) چگونه خواهد بود (و چه کار خواهند کرد) وقتی که ایشان را در روزی که هیچ شکی در (وقوع) آن نیست، جمع می آوریم و به هر کسی (پاداش و پادافرة) آنچه کرده و فراچنگ آورده است به تمام و کمال داده شود و بر آنان ستم نرود».

روزی که زمان وقوع آن از جانب الله مشخص شده است

هرگز از آن زمان جلوتر نیامده و مؤخر نخواهد شد. چنان که خداوند می فرماید: ﴿قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْقُدُمُونَ﴾ [سبأ: ۳۰]. «بگو: وعده شما روز مشخصی است که نه ساعتی از آن پسی می گیرید، و نه ساعتی از آن پیشی می گیرید».

آن روزی نزدیک است

آری، قیامت نزدیک است، هر چند که ما آن را دور می بینیم، خداوند آن را به امت‌های پیشین وعده داده است و زمان آنان بسر رسیده و امت ما آمده است، آن حضرت ﷺ فرمود: «من و قیامت به اندازه‌ی این دو مبعوث شده ایم و انگشت سبابه و وسطی خود را با هم نزدیک کرد»^۱.

خداوند نیز فرموده است: ﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ [المعارج: ۵-۷]. «آنان آن روز را بعید و دور می دانند. * و ما آن را ممکن و نزدیک می دانیم».

به صورت ناگهانی خواهد آمد

هر چند که علم بشر پیشرفت کند و درک و فهمشان افزون گردد، اما باز هم محال است که بدانند، زمان وقوع قیامت کی خواهد بود؛ زیرا وقوع قیامت یکی از اسرار بزرگی است که خداوند آن را بر پیامبران گرانقدر و فرشتگان بزرگ پنهان نموده است و در مورد آن علم دانش سوال شده از علم کننده بیشتر نیست.

خداوند می‌فرماید: ﴿بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۰]. «(قیامت به اطلاع قلبی فرا نمی‌رسد و) بلکه ناگهانی به سراغ ایشان می‌آید و آنان را مات و مبهوت می‌کند و توانایی دفع و برگرداندن آن را نخواهند داشت و دیگر مهلت و فرصت (توبه و معذرت) بدیشان داده نمی‌شود».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً﴾ [الأعراف: ۱۸۷].

«در باره قیامت از تو می‌پرسند و می‌گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می‌رسد و) قیامت رخ می‌دهد؟ بگو: تنها پروردگارم از آن آگاه است، و کسی جز او نمی‌تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد (و از پایان این جهان و سرآغاز آن جهان مردمان را بی‌گانهاند. اطلاع از هنگامه قیامت) برای (ساکنان) آسمان‌ها و زمین سنگین و دشوار است (و هرگز دانش ایشان بدان نمی‌رسد). قیامت ناگهانی به وقوع می‌پیوندد و برسرشان می‌تازد».

روزی بزرگ است

آن بزرگ‌ترین روزی است که بر آفریدگان می‌گذرد، نه قبل از آن چنین روز بزرگی را دیده‌اند و نه بعد از آن شاهد چنین روزی خواهند بود. در آن روز، حوادثی هولناک و حالت‌هایی بزرگ روی خواهد داد.

خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿﴾ [المطففين: ۵-۶] «در روز بسیار بزرگ و هولناکی (به نام قیامت). * همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) برپا می‌ایستند».

خورشید به بندگان نزدیک می‌شود

در روز قیامت همه چیز به هم می‌خورد و امور هستی متغیر شده و دگرگون می‌شوند، آسمان سرخ و شعله ور می‌شود، و خورشید به مخلوقات نزدیک می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه قیامت فرا رسد، خورشید به بندگان نزدیک می‌شود و به اندازه یک یا دو میل قرار می‌گیرد».

سُلیم می‌گوید: نمی‌دانم که مراد از میل کدام است، میلی که آله سنجش مسافت زمین است یا میلی که با آن در چشم سرمه می‌گذارند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «پس خورشید آنان را ذوب می‌کند، و به میزان اعمالشان در عرق فرو می‌رود. چنان که عده‌ای تا قدم‌ها و برخی تا زانو و گروهی تا زیر ناف، در عرق فرو می‌روند و برخی تا دهانشان غرق در عرق خواهند بود»^{۱ ۲}.

روزی که هیچ کس بدون اجازه خداوند سخن نمی‌گوید

آری، همه مخلوقات، اعم از جن و انس، نیک و بد، فرشتگان بزرگوار و پیامبران گرانقدر، به خاطر عظمت و جلال پروردگار با عظمت و باشکوه خاموش‌اند و سخن نمی‌گویند.

کسی سخن نمی‌گوید جز آن که خداوند فرمانروا به او اجازه دهد. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۵]. «روزی که آن روز فرا می‌رسد کسی یارای سخن گفتن و دم برآوردن ندارد، مگر با اجازه خدا. (در چنین روزی) دسته‌ای از آنان (به انواع عذاب گرفتارند و) بدبختند، و دسته‌ای (غرق در نعمت‌های گوناگونند و) خوشبختند».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ [طه: ۱۰۸]. «در آن بدون کم‌ترین سرپیچی، از منادی (الهی) پیروی می‌کنند و صداها به سبب (جلال و شکوه خداوند) مهربان فروکش می‌کند، و جز صدای آهسته (چیزی) نمی‌شنوی».

۱- احمد و ترمذی با سند صحیح.

۲- یعنی در آن روز بندگان بر حسب اعمال نیکشان در سختی و عرق قرار می‌گیرند، برخی تا قدم‌هایشان در عرق فرو رفته‌اند و عده‌ای تا زانوها و برخی تا ناف و جمعی سر تا پا غرق عرق هستند.

روزی که شاهی فقط از آن خداوند خواهد بود

در آن روز، شاهی شاهان سقوط می‌کند و کمر فرمانروایان کسرا در هم می‌شکند و آرزوهای فرمانروایان قیصر فروکش می‌کند. در آن روز جاه و منزلت، فرمانروایی و دیوان، و حکم و داوری، فقط مخصوص فرمانروای دین خواهد بود.

آری، فرمانروایی فقط از آن الله قهار خواهد بود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَمِنَ الْمَلِكِ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَحِيدِ الْقَهَّارِ﴾ [غافر: ۱۶]. «ملک و حکومت، امروز از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای چیره و تواناست».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾ [الفرقان: ۲۶]. «در آن روز حکومت واقعی و ملک حقیقی، از آن خداوند مهربان است، و آن روز برای کافران روز سختی خواهد بود».

روزی که روی گردانان و اعراض کنندگان پشیمان می‌شوند

هر کس که روی گردانده و طغیان پیشه کرده و از راه‌های بد پیروی نموده است، روز قیامت پشیمان و شرمنده می‌شود و عذاب برایش محقق می‌شود. از این که با رفیقان بد همراهی کرده و از پیامبر روی گردانده است، نادم می‌گردد. چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (۲۷) ﴿يَوْمَئِذٍ لَمِنَ الَّذِينَ لَمْ يَتَّخِذُوا فُلَانًا حَلِيلًا﴾ (۲۸) ﴿لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ [الفرقان: ۲۷-۲۹]. «و در آن روز ستمکار، هر دو دست خویش را (از شدت ندامت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش! با رسول خدا راه (بهشت) را برمی‌گزیدم * ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم. * بعد از آن که قرآن به دستم رسیده بود، مرا گمراه کرد. (آری!) شیطان انسان را (به رسوایی می‌کشد و) خوار خوار می‌دارد».

نتیجه...

از اوصاف روز قیامت، وضعیت آن روز و حالت برخی مردمان برای ما واضح گردید.

قیامت کی برپا می‌شود؟

هیچ کسی از مخلوقات، از زمان برپایی قیامت خبر ندارد و جز خداوند یگانه، هیچ کس نمی‌داند که رستاخیز کی فرا می‌رسد. چنان که خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ﴾ [القمان: ۳۴]. «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می‌باراند، و آگاه است از آنچه در رحم‌های (مادران) است».

و نیز الله تعالی فرموده است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ۚ فِيهَا آنتَ مِنْ ذِكْرِنَهَا ۚ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۚ إِنَّمَا آنتَ مُنذِرٌ مَنِ يَحْشَاهَا ۚ﴾ [النازعات: ۴۲-۴۵]. «از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ * تو چیزی از آن نمی‌دانی. * آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می‌گردد. * وظیفه تو تنها و تنها بیم دادن و هوشدار باش به کسانی است که از قیامت می‌ترسند».

بنابراین،

- آیا ممکن است کسی بداند که چه زمانی قیامت برپا می‌شود؟
- و آیا ما می‌دانیم چه روزی فرا می‌رسد؟

درآمد

جبرئیل از رسول خدا ﷺ پرسید: قیامت کی خواهد آمد؟ «رسول الله ﷺ فرمود: «در این مورد من داناتر از شما نیستم»^۱.

ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «کلیدهای غیب پنج مورد هستند و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ ۚ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ ۚ عَدَا ۚ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾» [القمان: ۳۴]. «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می‌باراند، و آگاه است از آنچه در رحم‌های (مادران) است، و هیچ کسی نمی‌داند فردا

چه چیز فراچنگ می‌آورد، و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمینی می‌میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است»^۱.

آیا این که زمان برپایی قیامت را بدانیم، سودی به ما می‌رسد؟

پاسخ: هر کس بمیرد، قیامت او برپا می‌شود، بنابراین، زمانی که انسان نمی‌داند که مرگش کی فرا می‌رسد، پس چه سودی عاید وی شود که زمان فرا رسیدن قیامت را بداند؟ فرض کنیم که او می‌داند که سال آینده قیامت برپا می‌شود، اما چه کسی تضمین می‌کند که وی تا سال آینده زنده خواهد بود؟

از این رو، هر گاه کسی نزد رسول خدا ﷺ می‌آمد و در مورد زمان وقوع قیامت سوال می‌کرد، رسول خدا ﷺ سوال را متوجه وی می‌کرد که برایش مفید و سودمند بود، آن حضرت ﷺ می‌پرسید: چه چیزی برای قیامت و پس از آن آماده کرده‌ای؟

انس رضی الله عنه می‌گوید: مردی بادیه نشین نزد نبی اکرم ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! قیامت کی برپا خواهد شد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو، چه چیز برای آن آماده کرده‌ای؟» گفت: هیچگونه آمادگی ای ندارم. فقط خدا و رسولش را دوست دارم. فرمود: «تو با کسانی خواهی بود که آنها را دوست داری». ما (صحابه) گفتیم: ما هم اینگونه خواهیم بود؟ فرمود: «بلی». در آن روز ما به شدت خوشحال شدیم^۲.

قیامت در چه روزی برپا می‌شود؟

احادیث فراوانی وارد شده است که فرا رسیدن روز قیامت را مشخص می‌کنند، در احادیث آمده است که قیامت در روز جمعه برپا می‌شود. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «قیامت جز در روز جمعه برپا نخواهد شد»^۳.

از این رو همه مخلوقات از این روز می‌ترسند. آن حضرت ﷺ فرمود: «روز جمعه بهترین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده است، در همین روز آدم آفریده شده و در همین روز از آسمان به زمین فرود آمده و نیز در همین روز توبه‌اش پذیرفته شده است و در همین روز وفات کرده و قیامت در همین روز برپا می‌شود. و جز جن و انس،

۱- روایت از بخاری.

۲- صحیح بخاری.

۳- صحیح مسلم.

هیچ جنبنده‌ای نخواهد بود، مگر این که در این روز از طلوع تا غروب از ترس قیامت منتظر است و گوش فرا می‌دهد»^۱.

طول آن روز

روز قیامت، روزی بزرگ و هولناک است، بلکه سخت‌ترین، با عظمت‌ترین و طولانی‌ترین روز خواهد بود.

طول آن روز پنجاه هزار سال خواهد بود، روزی که در آن بین بندگان داوری می‌شود و خصومت‌هایشان حل و فصل می‌گردد.

آن حضرت ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره‌ای که در دنیا حق آن را پرداخت نکرده است، روز قیامت صفحه‌هایی از آتش برای او گشوده می‌شود و بر آنها آتش گذاشته می‌شود و با آن پهلوی و پیشانی و پشتش داغ داده می‌شود و هر گاه سرد شود دوباره این عمل تکرار می‌شود آن هم در روزی که پنجاه هزار سال خواهد بود تا این که خداوند در میان بندگان داوری کند و آن گاه او مسیرش را به سمت بهشت یا دوزخ خواهد دید»^۲.

اما آن روز، با وجود سختی و طولانی‌اش، برای مؤمنان سهل و آسان خواهد بود و برای آنان به اندازه نماز ظهر و عصر بیشتر نخواهد بود. چنان که ابوهیره از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند: «طول روز قیامت برای مؤمنان به اندازه نماز ظهر تا عصر خواهد بود»^۳.

۱- ابوداود.

۲- صحیح مسلم.

۳- مستدرک حاکم با سند صحیح.

نام‌های روز قیامت

روز آخر، بزرگ‌ترین، سخت‌ترین و هولناک‌ترین روزی است که بر مخلوقات می‌گذرد. و به خاطر عظمت آن، نام‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است و این نامها، اوصاف و ویژگی‌های آن به شمار می‌روند؛ زیرا نام‌ها بیانگر اوصاف و ویژگی‌ها هستند.

بنابراین،

- نام‌های قیامت کدامند؟
- دلیل کثرت نام‌های قیامت چیست؟

درآمد

در میان عرب‌ها مشهور است که کثرت نام‌های یک شیء، بیانگر عظمت شأن آن است و هر چند که به عظمت آن افزوده گردد، به نام‌هایش نیز افزوده می‌گردد. مانند شمشیر که به آن، مُهَنْد، حُسام، صارم و... می‌گویند و نیز شیر که به آن، هِزْبِر، لیث، غضنفر و... می‌نامند.

در حالی که اشیای حقیر اسمای متعددی ندارند.

از این رو، روز قیامت، به خاطر عظمت و جلالتش نام‌های متعددی دارد که یوم القیامه از مشهورترین نام‌های آن به شمار می‌رود؛ زیرا بندگان در برابر پروردگار می‌ایستند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ﴾ [القیامة: ۱]. «سوگند به روز قیامت».

خداوند خبر داده است که در آن روز مردمان در برابر او می‌ایستند. چنان که فرموده است: ﴿یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَلَمِینَ﴾ [المطففین: ۶]. «همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) برپا می‌ایستند».

برخی دیگر از نام‌ها قیامت عبارتند از:

اليوم الآخر (روز آخرت)

چون آن روزی است که روز دیگری بعد از آن از روزهای دنیا نخواهد بود. خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ [البقرة: ۶۲]. «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ است».

يوم الدين (روز جزا)

زیرا در آن روز خداوند جزا و پاداش بندگان را می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴]. «مالک روز سزا و جزا است».

يوم الجمع (روز گردآوری)

زیرا خداوند در آن روز اولین و آخرین بندگان را در آن گرد می‌آورد. خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ﴾ [التغابن: ۹]. «زمانی، خداوند شما را در روزهای گردهمایی (جملگی پیشینیان و پسینیان) جمع می‌آورد. آن روز، روز زیانمندی (کافران) است».

يوم الفتح (روز بازگشایی)

زیرا در آن روز صحیفه‌های اعمال گشوده شده و کارهای بسته و پنهان برملا می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [السجدة: ۲۹]. «بگو: در روز فیصله (کار) و قضاوت، ایمان آوردن کفار سودی به حالشان ندارد و (لحظه ای) بدیشان مهلت داده نمی‌شود».

واقعه

چون وجود قیامت حتمی است و حتما واقع خواهد شد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الواقعة: ۱]. «هنگامی که واقعه (ی عظیم قیامت) برپا شود».

یوم الفصل (روز قضاوت و فیصله)

چون خداوند در آن روز بین بندگان قضاوت و فیصله می‌کند. خداوند می‌فرماید:

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمِ أُجِّلَتْ ۙ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۙ﴾ [المسرات: ۱۲-۱۴].

«(این کارها) برای چه روزی پس انداخته و در نظر گرفته شده‌اند؟ * برای روز قضاوت (در میان مردم) و جدایی انداختن (میان حق و باطل). * تو چه می‌دانی روز داوری و جدایی چیست؟»

الصاخة (گوش خراش)

چون در آن روز چنان صدای بلندی بر می‌خیزد که نزدیک است، گوش‌ها را کر کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ ۙ﴾ [عبس: ۳۳]. «هنگامی که صدای هراس انگیز گوش خراش (نفخه صور دوم) بر آید».

الطامة الكبرى (بلاي سخت و طاقت فرسا)

چون به هر هولناک و وحشتناک پایان می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ۙ﴾ [النازعات: ۳۴]. «هنگامی که بزرگ‌ترین حادثه (و بلاي سخت طاقت فرسای قیامت) فرا می‌رسد».

قارعه (کوبنده و بلاي بزرگ)

چون حوادث را با هول و هراس‌هایش می‌کوبد: ﴿الْقَارِعَةُ ۙ مَا الْقَارِعَةُ ۙ﴾ [القارعة: ۱-۲]. «بلاي بزرگ! * بلاي بزرگ چیست و چگونه است؟!»

حاقه (رخداد راستین)

زیرا به همه وعد و وعیدها تحقق می‌بخشد. خداوند می‌فرماید: ﴿الْحَاقَّةُ ۙ﴾ [الحاقه: ۱-۲]. «رخداد راستین! * رخداد راستین چگونه رخدادی است؟!»

ساعه

چون به صورت ناگهانی بر مخلوقات پدیدار می‌گردد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ۙ﴾ [لقمان: ۳۴]. «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است».

یوم الآخرة (روز آخرت)

چون آخرین روزهای دنیاست و پس از آن روزی نخواهد بود. خداوند فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: ۴]. «آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز آخرت اطمینان دارند».

یوم التغابن (روز حسدورزی)

زیرا در روز قیامت، دوزخیان بر نعمتهایی که نصیب اهل بهشت شده است، بر آنان حسد می‌ورزند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ﴾ [التغابن: ۹]. «و آن روز حسدورزی است».

یوم الحسرة (روز حسرت)

زیرا در آن روز فرد گناهکار و نافرمان به خاطر اعمال نیکی که از دست داده و اعمال بدی که مرتکب شده است، حسرت می‌خورد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: ۳۹]. «(ای پیغمبر!) ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان. آن هنگامی که کار از کار می‌گذرد و ایشان در غفلت (عمر گرانیامیه را) به سر برده‌اند و (به بهشت و دوزخ) ایمان نداشته‌اند». اینها پاره‌ای از اسم‌های قیامت بودند که نام‌های دیگری هم دارد و هر نامی، یکی از رویدادهای قیامت را به تصویر می‌کشد یا از احوال بندگان پرده بر می‌دارد که دارای چه وضع و حالی خواهند بود یا به عظمت و جایگاه آن روز اشاره دارد.

ایستگاه‌های روز قیامت

روز قیامت، روزی طولانی خواهد بود و مواقف و حالت‌های گوناگونی از اوضاع مردم را دربر خواهد داشت و با انواع و توده‌های مردم متفاوت خواهد بود و گاهی یک فرد مواقف و مواضع گوناگونی را پشت سر می‌گذارد.

در پاره‌ای از مواقف از هیچ کسی از عملش پرسیده نخواهد شد، بلکه با اعمالش مواجه می‌گردد بدون این که مورد مناقشه قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا

يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْ سَأَلَ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾ [الرحمن: ۳۹]. «در آن روز هیچ پیری و انسانی از گناهش پرسش نمی‌گردد».

در موقعی دیگر از عملکردشان پرسیده می‌شوند، اما نه از روی استفهام، بلکه از روی توبیخ، نکوهش، تحقیر، ذلیل گردانیدن و اعتراف گرفتن. خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصفات: ۲۴]. «آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الأعراف: ۶]. «(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می‌پرسیم».

و در برخی مواقف خلاق مورد بازخواست قرار می‌گیرند و آنان به اعمال و کردارشان در دنیا اعتراف می‌کنند و از خداوند چیزی را کتمان نمی‌کنند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۴۲]. «نمی‌توانند (کردار یا) گفتاری را از خدا پنهان سازند».

و در پاره‌ای از مواقف کفار مورد سوال قرار می‌گیرند و آنان دروغ می‌گویند و منکر این مطلب می‌شوند که در دنیا کفر ورزیده‌اند؛ اما کجا این کارشان سودی برایشان خواهد داشت، در حالی که آنان در برابر خداوند ایستاده‌اند که از اسرار و خفایای آنان خبر دارد و نجوایشان را می‌شنود و پوشیدگی‌هایشان را برملا می‌سازد. خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ [أنظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون] [الأنعام: ۲۳-۲۴]. «سپس عاقبت کفر آنان چیزی جز این نیست که می‌گویند: به خداوند که پروردگار ما است سوگند که ما مشرک نبوده ایم! * بنگر که چگونه با خویشتن نیز دروغ می‌گویند، و نشانی از شرکا و انبازانی نماند که آنان به هم می‌بافتند».

در برخی از صحنه‌های قیامت خبرها از یاد تکذیب گران تبه‌کار می‌رود و سخنانشان را فراموش می‌کنند و دچار اضطراب و استرس قرار می‌گیرند و مسایلشان را خلط می‌کنند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾ [فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ] [القصص: ۶۵-۶۶]. «(خاطرنشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟

* در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خبرها از یادشان می‌رود و نمی‌توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند».

لذا دلیل و حجت را از یاد می‌برند و نمی‌دانند به پروردگارشان چه می‌گویند و چه دلیلی را عرضه می‌کنند و حرفی برای گفتن ندارند و هیچ راه فرار و گریزی ندارند.
شفقت...

قیامت، با وجود طولانی و سختی اش،
بر مؤمنان آسان خواهد شد.

دمیدن در صور

دمیدن در صور، نخستین رویداد برپایی قیامت و ایجاد دگرگونی در هستی و اضطراب جهان خواهد بود.
بنابراین،

- صور چیست و در چه چیزی دمیده می‌شود؟
- چند بار در صور دمیده می‌شود و پس از دمیدن در صور چه اتفاقی می‌افتد؟
- آیا همهٔ بندگان دچار بی‌هوشی می‌شوند؟

درآمد

صور شاخی است که در آن دمیده می‌شود. مراد از شاخ همان چیزی است که بر سر گوسفند قرار دارد.
بادیه نشینی به محضر پیامبر آمد و پرسید: صور یعنی چه؟ فرمود: «شاخی است که در آن دمیده می‌شود»^۱.

مسئول دمیدن در صور

اسرافیل فرشته‌ای است که مسئول دمیدن در صور است و در هر لحظه منتظر فرمان پروردگار است تا به او فرمان دهد تا در صور بدمد.
رسول خدا ﷺ به ما خبر داده است که اسرافیل از زمانی که خداوند او را آفریده است، در انتظار دمیدن در آن بسر می‌برد. آن حضرت ﷺ فرمود:

«همانا فرشته‌ای که مسئولیت دمیدن در صور به او سپرده شده است، چشمانش آماده‌اند و به عرش می‌نگرند و چشمانش را باز و بسته نمی‌کند تا مبادا قبل از آن که آنها را بگشاید، خداوند به او فرمان دهد، از این رو چشمانش مانند دو ستارهٔ درخشان هستند»^۲.

در این زمان که ما در قرب قیامت بسر می‌بریم، اسرافیل بیشتر خود را برای دمیدن در صور آماده می‌کند.

۱- احمد و ابوداود و حاکم با سند صحیح.

۲- مستدرک حاکم با سند صحیح.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چگونه شادمان باشم از نعمت برخوردار شوم در حالی که اسرافیل صور را به دهان گرفته و پیشانی‌اش را کج کرده و گوش به فرمان است تا به او دستور رسد تا به صور بدمد؟ آنان گفتند: پس یا رسول الله! در این هنگام ما چه بگوییم؟ فرمود: «بگوئید: حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَوَكَّلْنَا عَلَى اللهِ رَبِّنَا»^۱.

دلایلی از قرآن و حدیث بر نفخ صور

دمیدن در صور امری حقیقی و واقعی است که رعب و وحشت فراوانی دربر دارد و برای اثبات آن آیات و روایات فراوانی وارد شده است.
از آن جمله:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللهُ ثُمَّ نَفْحَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸].

«در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) به پا می‌خیزند و می‌نگزند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد)».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللهُ وَكُلُّ أَتَوَةٍ دَاخِرِينَ﴾ [النمل: ۸۷]. «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند».

و نیز فرموده است ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: ۵۱]. «(برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «در این هنگام در صور دمیده می‌شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می‌کند و به آن گوش فرا می‌دهد. نخستین کسی که آن را می‌شنود،

مردی است که در حال درست کردن حوضچه‌ی شترش است. او بی‌هوش می‌شود و مردم نیز بی‌هوش می‌شوند»^۱.

تعداد دفعات دمیدن در صور

اسرافیل دو بار به صورت وحشتناک در صور می‌دمد.

نفخه اول

در این نفخه اول، همه‌ی موجودات، اعم از انسان‌ها، جنیان، حیوانات، پرندگان و حشرات و همه‌ی موجودات از بین می‌رود و صفحه‌ی جهان هستی پیچیده می‌شود و فقط پروردگار جبار و مقتدر باقی می‌ماند.

نفخه دوم

این نفخه بعث و نشور است که مردگان زنده شده و از قبرهایشان بر می‌خیزند. خداوند در قرآن از هر دو نفخه و آنچه در میان این دو نفخه روی می‌دهد را ذکر نموده و می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸]. «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند».

و نیز حالت مردم را توصیف کرده است که چگونه از قبرهایشان بر می‌خیزند. می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: ۵۱]. «(برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه‌ی آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند».

همچنین خداوند نفخه اول را «راجفه» و نفخه دوم را «رادفه» نامیده و فرموده است: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۖ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾ [النازعات: ۶-۷].

«در آن روزی که (نفخهٔ اوّل، در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند). * سپس (نفخهٔ دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزلهٔ نخستین) زلزلهٔ دیگری به دنبال خواهد داشت».

در جایی دیگر خداوند نفخهٔ اول را «صیحه = صدا و فریاد» و نفخهٔ دوم را «صور» نامیده و فرموده است: ﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿١٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٢١﴾﴾ [یس: ۴۹-۵۱]. «انتظار نمی‌کشند مگر صدایی را که (ناگهان طنین انداز می‌گردد و) ایشان را در بر می‌گیرد (و نابودشان می‌گرداند) در حالی که با یکدیگر (به معامله و کار و بار روزمرهٔ زندگی، سرگرم و) درگیرند. * (این حادثه به قدری سریع و غافلگیرانه است که) حتّی توانایی وصیت نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتّی فرصت مراجعه به سوی خانواده و فرزندانشان را پیدا نخواهند کرد. * (برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همهٔ آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند».

مدّت زمان بین دو نفخه

نص صریحی بین این دو نفخه نیامده است تا مدّت بین دو نفخه را مشخص نماید، اما در حدیثی از طریق حضرت ابوهریره رضی الله عنه به صورت اشاره آمده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «فاصلهٔ میان دو صور، چهل است». گفتند: ای ابوهریره! چهل روز است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی‌گویم. پرسیدند: چهل سال است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی‌گویم. پرسیدند: چهل ماه است؟ باز هم گفت: در این مورد، چیزی نمی‌گویم.

ابوهریره رضی الله عنه فاصلهٔ بین دو صور را بیان نکرد، چون آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده بود، آن گاه در تکمیل حدیث گفت: «آن گاه خداوند از آسمان آبی فرود می‌آورد و انسان‌ها مانند گیاه می‌رویند».

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرود: «تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دُمَش که آفرینش، از آن شروع می‌شود»^۱.

در چه روزی در صور دمیده می‌شود؟

هر دو نفخه اول و دوم، یعنی نفخه اماته که همه خلایق از بین می‌روند و نفخه بعث و نشور که موجودات زنده می‌شوند و از قبرها بر می‌خیزند، در روز جمعه روی می‌دهند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «بهترین روزتان، روز جمعه است، در همین روز آدم آفریده شد و در همین روز وفات کرد، نفخه اول و دوم در همین روز انجام می‌پذیرد، پس در همین روز به کثرت برایم درود و سلام بفرستید، چون درود و سلامتتان در این روز به من می‌رسد. اصحاب گفتند: یا رسول الله! چگونه درود و سلام ما به تو می‌رسد، در حالی که استخوان‌هایت به خاک تبدیل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیا را بخورد»^۱.

و نیز در حدیثی آمده است: «قیامت جز در روز جمعه برپا نمی‌شود»^۲.
در روایت دیگری آمده است: «در روز جمعه هر جنبنده‌ای گوش به زنگ است و منتظر برپایی قیامت است»^۳.

نخستین کسی که نفخه اول را می‌شنود

نفخه اول در حالی انجام می‌پذیرد که مردم به صورت عادی و طبق معمول مشغول زندگی و گذراندن حیات عادی خودشان هستند. چنان که یکی به بازار رفته و پارچه را می‌گیرد تا آن را بخرد، دیگری شترش را دوشیده و در حال رفتن به خانه‌اش است تا آن را بنوشد، فرد دیگری حوضچه‌ای را در کنار چاهی درست کرده تا آب را در آن جمع کند و به شترش بدهد، شخص دیگری در کمال آرامش و امنیت سفره را پهن نموده تا یک لقمه را پس از دیگری در دهانش بگذارد، که ناگهان در این هنگام اسرافیل در صور می‌دمد و ترس و وحشت بزرگی، هستی را فرا می‌گیرد و دل‌های مردم می‌ترکد و ارواح از اجساد بیرون می‌جهند و انسان‌ها می‌میرند.

۱- نسایی، ابوداود و ابن ماجه. یعنی به خاطر عظمت و جلالت قدری که در نزد خداوند دارند، خداوند بر زمین حرام گردانیده است تا اجساد آنان را بخورد.

۲- صحیح مسلم.

۳- احمد و نسایی.

و قیامت، چنان ناگهانی فرا می‌رسد که دو نفر، پارچه‌هایشان را بین یگدیگر پهن می‌کنند ولی هنوز معامله‌ای انجام نداده‌اند و آنها را جمع نکرده‌اند که قیامت برپا می‌شود.

و چنان ناگهانی است که شخصی، شترش را می‌دوشد اما قبل از اینکه شیرش را بنوشد، قیامت برپا می‌شود. و چنان ناگهانی است که فرد، شکاف‌های حوض‌اش را می‌گیرد اما قبل از اینکه دام‌هایش را آب بدهد، قیامت برپا می‌شود. و حتی به اندازه‌ای ناگهانی است که شخصی، لقمه‌اش را بسوی دهانش می‌برد اما موفق به خوردنش نمی‌شود».

رحمت و شفقت خداوند بر مؤمنان

ترس و وحشت بزرگی در آن روز دامنگیر بندگان می‌شود، از این رو خداوند با آرامی و نرمی جان مؤمنان را می‌گیرد و فقط انسان‌های بد و شرور باقی می‌مانند. رسول خدا ﷺ با تفصیل از حوادث قبل از نفخه اول و در اثنای آن پرده برداشته و می‌فرماید: «دجال در امت من ظهور می‌کند و میان آنها تا چهل (نمی‌دانم چهل روز، ماه یا سال) خواهد ماند. آن‌گاه خداوند عیسی بن مریم را که به عروه بن مسعود شباهت دارد، فرو می‌فرستد. او دجال را فرا می‌خواند و او را نابود می‌کند. سپس هفت سال میان مردم می‌ماند. در میان دو نفر دشمنی و عداوتی وجود ندارد. آن‌گاه خداوند باد خنکی از طرف شام می‌فرستد و هر کس که به اندازه‌ی ذره‌ای ایمان یا خیر در قلب او باشد، قطعاً این که این باد جان او را در زمین می‌گیرد، حتی اگر شخصی در دل کوه خود را پنهان کند، این باد در آن‌جا نیز می‌رود و جانش را می‌گیرد. آن‌گاه انسان‌های بد به سبکی پرنده و دشمنی و تجاوزگری درندگان (نسبت به گناه) باقی می‌مانند که هیچ معروفی را معروف و منکری را منکر نمی‌دانند. در این هنگام شیطان بر آنان ظاهر می‌شود و می‌گوید: آیا از من اجابت نمی‌کنید؟ آنها می‌گویند: به چه چیزی دستور می‌دهی؟ آنان را به پرستش بت‌ها فرا می‌خواند، در حالی که در وفور نعمت و زندگی خوب و مرفه به سر می‌برند.

در این هنگام در صور دمیده می‌شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می‌کند و به آن گوش فرا می‌دهد. نخستین کسی که آن را می‌شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه‌ی شترش است. او بی‌هوش می‌شود و مردم نیز بی‌هوش می‌شوند. آن‌گاه خداوند بارانی بسان شب‌نم فرود می‌آورد و اجسادشان می‌روید.

سپس دو مرتبه در صور دمیده می‌شود که بناگاه مردم ایستاده و نگاه می‌کنند. آن گاه گفته می‌شود: ای مردم! به سوی پروردگارتان بشتابید. آنان را نگاه دارید که مورد بازخواست قرار گیرند. آن گاه گفته می‌شود: اعزامیان به دوزخ را بیرون آورید. می‌پرسند: تعداد آنان چقدر است؟ می‌گویند: از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر! این، آن روزی است که کودکان پیر می‌شوند و روزی است که شدت هول قیامت نمایان می‌گردد»^۱.

دمیدن در صور، کاری وحشتناک است و حوادثی که پس از آن روی می‌دهند، بسیار هراس‌انگیز خواهند بود و رسول خدا ﷺ به ما آموخته‌اند که بگوییم: حسبنا الله و نعم الوکیل. یعنی کافی است که به الله پناه ببریم؛ زیرا اوست که افراد وحشزده را امان می‌بخشد.

وقفه ...

اسرافیل، علی‌رغم خلقت عظیم و درجه بزرگ و عبادت پیوسته اش، در اثر خوف و عظمت آفریدگارش می‌لرزد.

بعث و نشور

پس از دمیدن دومین بار در صور، بندگان برای بعث و نشور بر می خیزند.
بنابراین،

- بعث چیست؟
- دلایل وقوع آن کدامند؟
- نشور یعنی چه؟
- کیفیت آن چگونه است؟
- حال آنان که در بیرون قبرها بوده‌اند، چگونه است؟

درآمد

بعث و نشر به معنای بیرون آوردن مردگان از قبرهایشان به صورت زنده، و زنده گردانیدن همهٔ مردگان، حتی آنان که سوخته‌اند، یا غرق شده و ماهیان آنان را بلعیده‌اند، یا درندگان آنان را خورده‌اند، چرا که هیچ چیزی پروردگارمان را درمانده و ناتوان نمی‌گرداند.

دلایل وقوع بعث

ایمان به برانگیختن بندگان برای حساب و جزا، یکی از اصول ایمان است، و تکذیب و انکار آن به منزلهٔ تکذیب و کفر ورزیدن خداوند است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۱]. «واقع قضیه این است که آنان قیامت را دروغ می‌دانند، و ما برای کسی که قیامت را دروغ بداند آتش شعله‌ور و سوزانی را آماده کرده‌ایم».

خداوند در آیات فراوانی از بعث و نشور یاد کرده است، از جمله:

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَعْلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴].

«(این امر) روزی (تحقق می‌پذیرد که) ما آسمان را در هم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نامه‌ها در هم پیچیده می‌شود. همان گونه که آفرینش را سر دادیم، آفرینش

را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

﴿قُلْ يَتَوَفَّلَكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾^(۱۱)
[السجدة: ۱۱].

«بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می‌آید و) جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شود».

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّنْ يُعْثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾^(۱۷) [التغابن: ۱۷].

«کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهایی که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است».

- رسول خدا ﷺ فرمود: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ». ^۱ «هر انسانی بر هر عقیده‌ای که مرده است، محشور می‌گردد».
- «إِنَّمَا يُبْعَثُ النَّاسُ عَلَىٰ نِيَّاتِهِمْ». ^۲ «مردم بر نیت‌هایی که داشته‌اند، برانگیخته می‌شوند».

دلایلی بر ممکن بودن بعث و برانگیختن

خداوند در برابر دیدگانمان دلایل فراوانی را قرار داده است که این دلایل ما را وادار می‌کنند تا به بعث و نشور ایمان بیاوریم. پاره‌ای از این دلایل عبارتند از:

- فرود آمدن باران بر زمین، که پس از نزول آن به اجازه الله زنده می‌شود. ما به سرزمینی خشک، بی‌حاصل و مرده گذر می‌کنیم که در آن نه گیاهی وجود دارد و نه کشت و حیاتی، و چون خداوند باران را فرود می‌آورد، به اهتزاز در آمده و زندگی و حیات به آن باز می‌گردد و سرزمینی زنده و سرسبز قرار می‌گیرد. پس همانگونه که زمین خشک و بی‌حاصل بود، سرسبز و خرم گردید، به همین شکل، خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و به این استخوان‌های پوسیده و اجساد

۱- صحیح مسلم (۸ / ۱۶۵).

۲- صحیح ابن ماجه، صحیح (۱۰ / ۲۴).

خشکیده حیات خواهد بخشید. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَدِّ مَيْتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ [الأعراف: ۵۷].

«او کسی است که بادها را به عنوان مزده رسانهای رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد. هنگامی که بادها ابرهای سنگین (بر دوش خود) برداشتند، آنها را به خاطر زمینی (خشکیده همچون) مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را (از خاک تیره) پدید می‌آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را پرجنب و جوش و زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم. در باره این امثال که بیانگر نمونه معاد در این دنیا است بیندیشید) تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید».

در حدیثی از طریق ابی رزین رضی الله عنه روایت شده است که گفتیم: یا رسول الله! چگونه خداوند مردگان را زنده می‌کند؟ فرمود: آیا به سرزمین خشکی گذر نکرده‌ای؟ گفتیم: بله، فرمود: آیا دوباره گذرت بر آن سرزمین نیفتاده است که سرسبز و شاداب باشد و دو باره گذر نمایی که خشکیده و بار دیگری آن را سرسبز و خرم ببینی؟ گفتیم: بلی، فرمود: خداوند این گونه مردگان را زنده خواهد کرد»^۱.

استدلال به آغاز آفرینش بر اعاده آن

ذاتی که ابتدا وقتی خواست، آفریدگان را آفرید و آنان را صورت بخشید، تواناست که باری دیگر، در چه وقت و چگونه آنان را زنده گرداند؛ زیرا اعاده کردن از آفرینش نخستین آسان‌تر است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧٤﴾ [الأنبياء: ۱۰۴].

«(این امر) روزی (تحقق می‌پذیرد که) ما آسمان را در هم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نامه‌ها در هم پیچیده می‌شود. همان گونه که آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ ﴿٢٧﴾ [الروم: ۲۷].

«او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس او را باز می‌گرداند، و این برای او آسانتر است».

زنده گردانیدن برخی از مردگان در دنیا

در دنیا نیز برای برخی از بندگان مرگ صورت گرفته و خداوند آنان را زنده گردانیده است، مانند مانند زنده کردن فردی که در بنی اسرائیل کشته شد و وقتی پاره‌ای از گوشت گاو را به او زدند، زنده شد.^۱ چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ ﴿۷۳﴾ [البقرة: ۷۳]. «پس گفتیم: پاره‌ای از آن (قربانی) را به آن (کشته) بزنید. (و این کار را کردید و خدا کشته را زنده کرد). خداوند مردگان را (در روز قیامت) چنین زنده می‌کند و دلایل (قدرت) خود را به شما می‌نماید تا این که (حقیقت و اسرار شریعت را) دریابید».

۱- مردی در بنی اسرائیل وجود داشت که فرزندی نداشت وی سرمایه فراوانی داشت و جز یک برادرزاده وارث دیگری نداشت. لذا برادرزاهش در میراث عمویش شتاب نموده و او را به قتل رساند و شبانه نعشش را برداشت و بر دروازه فرد دیگری گذاشت و صبح آن روز ادعی نمود که او آن را کشته است. در نتیجه آن نبرد بزرگی بین آنان درگرفت، تا جایی که دست به اسلحه برده و در مصاف هم قرار گرفتند. آنگاه خردمندان آنان گفتند: چرا به جان هم افتاده و اختلاف می‌کنید در حالی که پیامبر خدا، موسی در میان شماست.

لذا در نزد موسی آمدند و ماجرا را برای وی تعریف کردند. آن گاه خداوند برای موسی وحی فرستاد و فرمود: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۶۷﴾ [البقرة: ۶۷]. «و (به یاد آورید) آن هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی را سرببرید، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از این که جزو نادانان باشم».

اگر آنان از موسی اطاعت کرده و اعتراض نمی‌کردند و گاوی را می‌کشتند، این کار برای آنان کفایت می‌کرد، اما آنان سختی کردند و در نتیجه کار برایشان دشوار گردید تا این که به گاوی که آن ویژگی‌ها را دارا بود، را پیدا کرده و صاحبش فقط صاحب همان یک گاو بود. گفت: به خدا سوگند آن را به کمتر از پری پوستش از طلا نخواهم فروخت. لذا آن گاو را به همان قیمت خریده و آن را ذبح نموده و پاره‌ای از آن را به مقتول زدند، آن گاه او برخاست. از او پرسیدند: چه کسی تو را به قتل رسانده است؟ به برادرزاده‌اش اشاره نمود و گفت: این. آن گاه دوباره به زمین افتاد و مرد. تفسیر ابن کثیر، سوره بقره، (۱/۱۴۵).

همان گونه که فردی از روستایی گذر نمود که ویران شده و سقف خانه‌هایش بر زمین افتاده بود.^۱

یا این داستان که خداوند از حضرت ابراهیم یادآور نموده است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيُظْمِنَ قَلْبِي﴾ [البقرة: ۲۶۰]. «و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی. گفت: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا! ولی تا اطمینان قلب پیدا کنم (و با افزودن آگاهی بیشتر، دلم آرامش یابد)».

از کمال قدرت الهی این است که چیزی را از ضد آن بیرون می‌آورد

یعنی خداوند تواناست که جسدی زنده و تر و تازه را از استخوانی خشک و مرده بیرون آورد، آن گونه که آتش را از درخت سبز بیرون می‌آورد.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ [۷۸] قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿۷۹﴾ الَّذِي جَعَلَ

۱- این ماجرا را خداوند در این آیه بیان فرموده است: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِئُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۵۹]. «یا (آیا آگاهی از) همچون کسی که از کنار دهکده‌ای گذر کرد، در حالی که سقف خانه‌ها فرو تپیده بود و دیوارهای آنها بر روی سقف‌ها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صدسال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گفت: چه مدت درنگ کرده‌ای؟ گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز. فرمود: (نه) بلکه صدسال درنگ کرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (و ببین که با گذشت این زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشانه (گویایی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم و سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی که (این حقائق) برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است».

لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿۸۰﴾ [یس: ۷۸-۸۰]. «برای ما مثالی می‌زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می‌کند و می‌گوید: چه کسی می‌تواند این استخوان‌هایی را که پوسیده و فرسوده‌اند زنده گرداند؟! * بگو: کسی آنها را زنده می‌گرداند که آنها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آنها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او بس آگاه از (احوال و اوضاع و چگونگی و ویژگی) همهٔ آفریدگان است. * آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن، آتش روشن می‌کنید. (او که قادر بر رستخیز انرژي‌ها است، قادر به برانگیختن مردگان و بازگرداندن به زندگی دوبارهٔ ایشان است)».

قدرت خداوند بر آفرینش آسمان‌ها و زمین

خداوند آسمان‌ها و زمین با آن عظمت، شگفتی و استحکامی که دارند، را خداوند آفریده است، پس ذاتی که بر آفریدن این اشیای بزرگ و با عظمت تواناست، بر آفریدن چیزی کمتر و حقیرتر بیشتر قدرت دارد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾ [یس: ۸۱]. «آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان‌های خاک شده را دوباره) به گونهٔ خودشان بیافریند؟ آری! (می‌تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و دانا است».

وضعیت کسانی که در قبرها قرار نگرفتند

کسی که در آب غرق شده و ماهی‌ها وی را بخورند و در شکمشان متلاشی گردند، یا سوخته و خاکستر گردد، یا درندگان وی را بخورند، یا هر کسی که به مرگ طبیعی خویش نمیرد و مانند سایر مردم در قبر دفن نشود، قطعاً بعث و نشور شامل این گونه افراد نیز خواهد شد.

رسول خدا ﷺ داستان فردی از گذشتگان را نقل کرده و می‌فرماید: «... خداوند به او مال و فرزند بخشید، وقتی زمان مرگش فرا رسید، رو به فرزندانش گفت: من چگونه پدری برایتان بوده‌ام؟ آنان می‌گویند: تو برایمان بهترین پدر بوده‌ای. می‌گوید: پس من هیچ عمل خیری را انجام نداده‌ام. لذا هر گاه مردم، مرا بسوزانید، و چون به زغال تبدیل شدم، آن گاه مرا خُرد نمایید، و هرگاه طوفانی آمد، خاکسترهایم را به دریا بیندازید، سوگند به الله! اگر خداوند بر برانگیخته کردن من قدرت پیدا کند، چنان

عذاب و کیفری به من دهد که به هیچ یک از جهانیان نداده است.^۱ از این رو از آنان پیمان گرفت که پس از مرگش چنین بکنند».

چون این فرد وفات کرد، فرزندان به وصیتش عمل کردند و در روزی طوفانی ذرّه‌های بدنش را به باد دادند. خداوند به زمین دستور داد: همه آنچه را که در درونت داری، گرد آور و زمین نیز به فرمان الهی عمل نمود، ناگهان آن فرد در بارگاه الهی حاضر شده و ایستاد. خداوند از او پرسید: ای بنده من! چه چیزی تو را وادار کرد که چنین کاری انجام دهی؟ گفت: خدایا! از ترس تو چنین کاری انجام دادم. از این رو خداوند نیز او را به خاطر این کارش بخشید.^۲

آری، همه آفریدگان زنده بر می‌خیزند، و به تجمع گاه رستاخیز سوق داده می‌شوند تا جزای اعمالشان را ببینند و در میانشان داوری صورت گیرد.

کیفیت و چگونگی بعث

امور غیبی فقط از طریق وحی گرفته می‌شوند و رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث ما را با تفصیل از کیفیت بعث و فاصله مدت زمان دو دمیدن در صور خبر داده است. چنان که در حدیثی فرموده‌اند:

فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می‌ریزد و آنان مانند گیاهان می‌رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دُم‌ش که آفرینش، از آن شروع می‌شود.^۳

بنابراین، پس از دمیدن صور اول، همه موجودات در اثر آن زنده می‌میرند، و مدت زمانی که مقدار آن را جز خداوند کسی نمی‌داند، با همین حال باقی می‌مانند. آن گاه خداوند آبی می‌فرستد که در اثر آن اجسادشان می‌روید.

۱- یعنی این فرد از شدت دیدار خداوند چنین فرمانی را صادر نمود و چون هیچ عمل نیکی را برای آخرتش ذخیره نکرده بود، یا این کار می‌خواست از بعث و نشور فرار کند، تا سوخته و خرد گردد و خاکسترش در دریا متلاشی شود و خداوند نتواند دوباره او را زنده گردانده و برانگیزد.

۲- متفق علیه.

۳- متفق علیه.

و چون اجسادشان کامل شود، چه در قبرها یا در دریاها و بیابانها، یا کوهها و درّه‌ها، چنان که خداوند فرموده است: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُمْ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴]. «همان‌گونه که (نخستین بار) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم».

آن‌گاه خداوند در صور دوم می‌دمد و روح‌ها به بدن‌ها پریده و زندگی به آنها باز می‌گردند، و زمین شکافته شده و آنان زنده از قبورشان بیرون می‌آیند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكُمْ حَسْرَةٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ [اق: ۴۴]. «روزی زمین را روی مردمان می‌شکافد و کنار می‌رود، و ایشان به سرعت (از میان خاکها) بیرون می‌آیند. آن روز، روز گردهم آیی است و برای ما سهل و آسان است».

و نیز خداوند فرموده است: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: ۵۱]. «(برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند».

بنابراین، آنان از قبرهایشان بیرون آمده و راهی قیامت می‌شوند.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند: «آن‌گاه در صور دمیده می‌شود، هرکس آن را بشنود، گردنش را خم می‌کند و به آن گوش فرا می‌دهد. نخستین کسی که آن را می‌شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه شترش است. او بی‌هوش می‌شود و مردم نیز بی‌هوش می‌شوند. سپس خداوند بارانی را بسان شب‌نم فرود می‌آورد، و اجساد مردم از آن می‌روید، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) به پا می‌خیزند و می‌نگرند^۱. سپس به آنان گفته می‌شود که به سوی پروردگارتان بشتابید و آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند»^۲.

۱- این دمیدن دوم است که در اثر آن مردم از قبرهایشان بر می‌خیزند.

۲- مسلم، (۲۰۱/۸ - ۷۵۶۸).

اجساد به سان گیاهان می‌رویند

آری، همان گونه که گیاهان از بذرهایشان می‌رویند، اجساد نیز این گونه‌اند و خداوند بر آنها بارانی فرود می‌آورد و استخوان بیخ دمش می‌روید تا این که کامل می‌شود. خداوند این ماجرا را این گونه بیان داشته است: ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ [الأعراف: ۵۷].

«او کسی است که بادها را به عنوان مژده رسانهای رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد. هنگامی که بادها ابرهای سنگین (و پر آب را بر دوش خود) برداشتنند، آنها را به خاطر (آبیاری) زمینی مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را پدید می‌آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم). تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید».

انسان از بیخ دمش که استخوانی سفت و گرد مانند است و در آخر ستون فقراتش از پایین قرار دارد، مانند گیاه می‌روید.

جلوتر نیز این جریان را در این حدیث بیان کردیم که آن حضرت ﷺ فرمود: فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می‌ریزد و آنان مانند گیاهان می‌رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دمش که آفرینش، از آن شروع می‌شود^۱.

و نیز آن حضرت ﷺ در حدیثی فرمودند: «زمین، فرزند آدم را می‌خورد، جز بیخ دمش را که از آن آفریده می‌شود و اجزایش کامل می‌شود»^۲.

آیا بندگان از آفرینش نخستین‌شان متفاوت آفریده می‌شوند؟

آنچه از ظاهر آیات و روایت صحیح بر می‌آید این است که طبیعت بندگان پس از زنده شدن از مرگ، از نظر نیروی بدنی و تحمل و... از آفرینش نخستینشان متفاوت خواهد شد. این امر به معنای آن نیست که آنان که در روز رستاخیز برای حساب و دریافت جزا زنده می‌شوند موجودات یا اشخاصی دیگر، جز آنانی می‌شوند که در دنیا

۱- متفق علیه.

۲- ابوداود، نسائی و مالک با روایت صحیح.

بوده‌اند، بلکه مقصود این است که خداوند خود همان بندگان را که در دنیا بوده‌اند، را می‌آفریند، بلکه در کیفیت ساختار و توانایی جسمی‌ای که در دنیا داشته‌اند، متفاوت آفریده خواهند شد. از جمله:

بخشیدن قدرت بینایی‌ای اموری که آنها را در دنیا نمی‌دیدند؛ چون آنان در روز رستاخیز فرشتگان، جنیان و موجوداتی که خداوند می‌داند را می‌بینند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق: ۲۲]. «پس ما پرده از جلو چشمان تو به کنار زده‌ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده‌اند».

و همچنین اهل بهشت آب دهان ندارند و از ادرار و مدفوع پاک هستند. و در عین حال که رستاخیز بسیار طولانی خواهد بود، اما از شدت گرسنگی و تشنگی نمی‌میرند و همچنین کفار و نافرمانان با این که در آتش می‌سوزند، اما نمی‌میرند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾ [ابراهیم: ۱۷]. «و (موجبات) مرگ از هر سو بدو روی می‌آورد و حال این که نمی‌میرد».

نخستین کسی که زمین از وی شکافته می‌شود

پس از آن که در صور دوم دمیده می‌شود، و قبرها شکافته می‌شوند تا مردم بیرون آیند، آن هم پس از آنکه خلقت آنان در داخل قبرها کامل می‌گردد، اولین کسی که زمین برایش شکافته شده و زنده می‌شود، پیامبرمان، حضرت محمد ﷺ است.

چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ»^۱ «من سرور فرزندان آدم در روز رستاخیز خواهم بود، و اولین کسی هستم که قبر برایش شکافته می‌شود و نخستین سفارش کننده و سفارش پذیرفته من خواهم بود».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: دو نفر که یکی مسلمان و دیگری یهودی بود، یکدیگر را دشنام دادند. مسلمان گفت: سوگند به ذاتی که محمد ﷺ را بر تمام جهانیان برگزیده است. یهودی گفت: سوگند به ذاتی که موسی را بر تمام جهانیان برگزیده است. در این هنگام، مسلمان دستش را بالا برد و یک سیلی به صورت یهودی

زده^۱. یهودی نزد نبی اکرم ﷺ رفت و آنچه را که پیش آمده بود، به اطلاع ایشان رساند. رسول اکرم ﷺ آن مسلمان را بحضور طلبید و از او در این باره پرسید. مسلمان نیز ماجرا را تعریف کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «مرا بر موسی ترجیح ندهید؛ زیرا همه مردم روز قیامت بیهوش می‌شوند. من نیز همراه آنها بیهوش می‌شوم. و اولین کسی هستم که بیهوش می‌آیم و موسی را می‌بینم که گوشهٔ عرش را بدست گرفته است. ولی نمی‌دانم که او از کسانی است که بیهوش شده و قبل از از من بیهوش آمده است یا از کسانی است که خدا او را استثناء نموده است»^۲.

و در روایت دیگری این گونه آمده است: «در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد. باز دو مرتبه در صور دمیده می‌شود و من نخستین کسی خواهم بود که زنده می‌شود که ناگهان موسی خود را به عرش گرفته است. نمی‌دانم که آیا در بی‌هوش شدن طور مورد محاسبه قرار گرفته است یا قبل از من زنده شده است»^۴.

۱- چون آن یهودی حضرت موسی را بر رسول خدا ترجیح داد، از این جهت مسلمان وی را زد.

۲- یعنی نمی‌دانم که آیا حضرت موسی مانند سایر فرزندان آدم با دمیدن صور دوم بی‌هوش شده است، یا خداوند او را از سایر بندگان مستثنی قرار داده است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ [الزمر: ۶۸]. «در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد.» همچنان که قبلاً توضیح دادیم که از جمله آنان که بی‌هوش نمی‌شوند، روح، عرش و حور العین که در مبحث دمیدن صور با تخیل سخن گفتیم.

۳- متفق علیه.

۴- متفق علیه.

یعنی زمانی که در کوه طور بی‌هوش شده بود. زمانی که حضرت موسی در کوه طور بسر می‌برد و با خداوند سخن می‌گفت، از پروردگاش خواست تا به او بنگرد. خداوند به او خبر داد که او در دنیا نمی‌تواند خداوند را ببیند و او توان رؤیت خداوند را ندارد. آن گاه خداوند در آن کوه سخت تجلی یافت که در اثر آن کوه متلاشی شده و به صورت ریگ‌ها و شن‌هایی در آمد و صخره‌ها و تخته سنگ‌هایش درهم شکست. چون موسی این ماجرا را دید، از هول آن بی‌هوش بر زمین افتاد. لذا رسول خدا ﷺ در این حدیث برای ما بیان فرمودند که نمی‌دانم موسی با همین دمیدن صور که

حکم کسی که زنده شدن پس از مرگ را انکار می‌کند

ایمان به روز آخرت و زنده شدن پس از مرگ، یکی از اصول ایمان است و کسی که زنده شدن و بعث را انکار نماید، خداوند و قرآن را انکار کرده است. خداوند می‌فرماید: «فرزند آدم مرا تکذیب کرد و این کار، شایسته او نبود. و فرزند آدم مرا دشنام داد حال آنکه این کار، شایسته او نبود. اما تکذیب، این است که می‌گوید: من نمی‌توانم دوباره او را زنده کنم. و دشنام‌اش این است که می‌گوید: خداوند فرزند انتخاب کرده است، حال آن که بی‌نیازی هستم که زاینده‌ام و زاینده نشده‌ام و برایم شریک و همسری نیست»^۱.

ایمان به بعث، متضمن این است که خداوند مردم را پس از مرگشان زنده می‌گرداند و شامل ایمان به حساب، جزا، بهشت و دوزخ نیز هست.

در پایان...

همانا خداوند پس از دمیدن در صور و زنده شدن مردگان، از همه نقاط کره خاکی دستور می‌دهد تا در یک مکان گردهم آیند.
بنابراین،

سایر مردم بی‌هوش شده‌اند، بی‌هوش شده و سپس قبل از آن حضرت ﷺ به هوش آمده است، یا بی‌هوشی‌اش را در کوه طور گذرانده و خداوند او را از این بی‌هوشی عمومی معاف کرده است. خداوند در قرآن این ماجرا را توضیح داده است.

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظُرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۴۳﴾﴾ [الأعراف: ۱۴۳]. «هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! به من بنمای تا تو را ببینم. (خداپیش بدو) گفت: (تو) هرگز مرا نمی‌بینی. ولیکن به کوه بنگر، اگر برجای خود استوار ماند، تو هم مرا خواهی دید. اما هنگامی که پروردگارش خویشتن را به کوه نمود، آن را در هم کوبید و موسی بیهوش و نقش زمین گردید. وقتی که به هوش آمد گفت: پروردگارا! تو منزهی. من (از این پرسش پشیمانم و) به سوی تو بر می‌گردم و من نخستین مؤمنان (به عظمت و جلال یزدان در این زمان) هستم».

- این مکان کجاست؟
- در آنجا چه اتفاقی می افتد؟
- دلیل این باور کدام است؟

دلیل

دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر زنده شدن پس از مرگ وجود دارد، بنابراین بر منکران تکذیب اتمام حجت شده است.

هول و هراس‌های روز قیامت

در روز قیامت، آسمان و زمین، به آسمان و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند و حرکت نظام تمام جهان مختل می‌گردد و خداوند جبار برای داوری بین بندگان نازل می‌شود. بنابراین،

- حال آسمان‌ها چگونه می‌شود؟
 - زمین چگونه تبدیل شده و چه وضعی به آن می‌گیرد؟
 - در چنین وضعی بندگان در چه وضعی قرار می‌گیرند؟
- خداوند ما را از هول و هراس قیامت خبر داده است، روزی که برای بندگان سخت شده و دل‌هایشان دچار استرس و آشفتگی می‌شوند.
- زمین دچار زلزله شده و شکاف بر می‌دارد، کوه‌ها به حرکت در آمده و نابود می‌شوند، دریاها منفجر شده آتش می‌گیرند، آسمان‌ها شکاف برداشته و به جنبش در می‌آیند، خورشید در هم پیچیده و بی‌نور می‌شود، ماه خاموش شده و تابش‌اش از بین می‌رود، ستارگان تیره شده و درخشش‌شان را از دست می‌دهند، و خداوند زمان را با دستش و آسمان‌ها را با دست راستش می‌گیرد.

وضعیت آسمان‌ها و زمین در روز رستاخیز

نصوص قرآن و سنت بیانگر این مطلب هستند که خداوند زمین را در دست گرفته و آسمان‌ها را درهم می‌پیچد.

خداوند در مورد آسمان‌ها فرموده است: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴]. «ما آسمان را در هم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نامه‌ها در هم پیچیده می‌شود».

﴿وَالسَّمَوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ﴾ [الزمر: ۶۷]. «و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود».

یعنی مانند نویسنده‌ای که در برگ‌هایش می‌نویسد، و چون از نگارش دست می‌کشد، آن‌ها را با دستش می‌پیچد، در روز قیامت همین اتفاق می‌افتد و خداوند آن‌ها را در هم پیچیده و در دستش قرار می‌دهد.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَيَطْوِي السَّمَوَاتِ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، أَيْنَ مُلُوكِ الْأَرْضِ؟»^۱ «(روز قیامت) خداوند، زمین را در مشت‌اش می‌گیرد. سپس می‌فرماید: من پادشاه هستم. پادشاهان زمین کجایند؟»

و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند آسمان‌ها را درهم می‌پیچد، و آن‌ها را با دست راست خود می‌گیرد، آن گاه می‌گوید: منم فرمانروا، کجایند فرمانروایان؟ کجایند جباران؟ کجایند ستمگران؟ آن گاه زمین را با دست چپش می‌پیچد و می‌گوید: منم فرمانروا، کجایند فرمانروایان؟ کجایند جباران»^۲؟

وضعیت زمین

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد وضعیت زمین فرموده است: «زمین در روز قیامت به یک قرص نان، تبدیل می‌شود و خداوند جبار آن را با دستش می‌گرداند و بعنوان مهمانی به اهل بهشت، تقدیم می‌نماید همانطور که یکی از شما نانی را که در سفر می‌پزد، از این دست به آن دست می‌کند و جمع و جور می‌نماید».

پس از آن، مردی از یهودیان آمد و گفت: ای ابو القاسم! خداوند تو را مبارک گرداند. آیا از مهمانی اهل بهشت در روز قیامت، تو را مطلع نسازم؟ فرمود: «بلی». آن مرد، همانگونه که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بود، گفت: زمین به یک قرص نان، تبدیل

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

می‌شود. نبی اکرم ﷺ بسوی ما نگاه کرد و خندید تا جایی که دندان‌های مبارک‌اش، آشکار شد. آنگاه مرد یهودی گفت: آیا از خورش بهشتیان تو را باخبر نسازم؟ خورش آن‌ها بالام و ماهی است. صحابه پرسیدند: آن، چیست؟ مرد گفت: ماهی و گاوی هستند که از گوشه‌ی کبد آن‌ها هفتاد هزار نفر می‌خورند»^۱.

از بین رفتن کوه‌ها

چون در روز قیامت در صور دمیده می‌شود، زمین و همه آنچه بر آن قرار دارد از کوه‌های سخت، درختان برافراشته، گیاهان و نباتات، به یکباره برداشته شده و فاش فاش می‌شوند.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَاحِدَةً ۗ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۗ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۗ﴾ [الحاقة: ۱۳-۱۵]. «هنگامی که یک دم در صور دمیده شود.* و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند.* بدان هنگام است که آن واقعه (بزرگ قیامت در جهان) رخ می‌دهد (و رستاخیز برپا می‌شود)».

بنابراین، کوه‌ها بسان ریگ‌ها و شن‌های نرمی در می‌آیند. چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَ تَرَجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا ۗ﴾ [المزمل: ۱۴]. «روزی، زمین و کوه‌ها سخت به لرزش و جنبش در می‌آید و (چنان کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود که) کوه‌ها به توده‌های پراکنده و تپه‌های ریگ روان تبدیل می‌گردند».

حتی که کوه‌ها در اثر شدت هول و هراس و اضطراب، مانند پشم‌های نرم و پشم رنگارنگ حلاجی شده در می‌آیند، پس از آن که سخت و سفت و ثابت بودند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ۗ﴾ [الفارعة: ۵]. «و کوه‌ها، همسان پشم رنگارنگ حلاجی شده می‌شوند».

و خداوند کوه‌ها را از جایشان بر می‌کند و هیچ کوهی در زمین باقی نمی‌ماند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَسِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۗ﴾ [النبأ: ۲۰]. «و کوه‌ها به حرکت انداخته می‌شوند (و روان می‌گردند و در فضا به شکل غباری در می‌آیند) و یک سراب بزرگی را تشکیل می‌دهند».

آری، کوه‌ها به شکل سرابی در می‌آیند که برای بیننده بسان آبی می‌ماند که چون انسان به آن نزدیک می‌شود، چیزی نمی‌یابد، سپس کوه‌ها از بین رفته و به خاکی تبدیل می‌شوند که باها با آن بازی می‌کنند. چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۖ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۖ لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۗ﴾ [طه: ۱۰۵-۱۰۷]. «(منکران رستاخیز) از تو در باره کوه‌ها می‌پرسند (که به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت؟). بگو: پروردگرم آنها را از جا می‌کند و (در هوا) پراکنده می‌دارد (و بر باد می‌دهد). * سپس زمین را به صورت فلات صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد. * در آن هیچ گونه پستی و بلندی نمی‌بینی».

به هنگام برپایی قیامت، وضعیت کوه‌ها این گونه خواهد بود، اما دریاها که سه چهارم کره خاکی را به خود اختصاص داده‌اند، وضعیتی شگفت‌انگیزتر از کوه‌ها خواهند داشت.

منفجر شدن و آتش گرفتن کوه‌ها

دریاهای بزرگ و هواناک، بسیار عمیق و رعب آور، که در درون خود وضعیت‌هایی هولناکتر از زندگان دارند، در روز قیامت منفجر شده و آتش می‌گیرند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۖ﴾ [الانفطار: ۳]. «و هنگامی که دریاها شکاف برمی‌دارند و به هم می‌پیوندند».

منفجر شدن دریاها به معنای پرشدن آنها و پوشیدن قسمت‌های خشکی است، یا این که به معنای منفجر شدن آب آن است، چون از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن تشکیل یافته است که آتش‌زا هستند^۱.

و آتش گرفتن آنها به معنای شعله‌ور شدن آتش آن است، و این ممکن است در اثر زلزله و شکاف برداشتن بخش‌ها و قسمت‌های درون دریا روی دهد که آب دریا در آن داخل می‌شود که مواد آتش‌زا آن با مایعات درون زمین برخورد کرده و در نتیجه دریاها آتش گرفته و بر سطح دریاها پدیدار می‌گردد.

۱- آن گونه که امروز بمب‌های اتمی و هیدروژنی منفجر می‌شوند.

جنبش و شکاف برداشتن آسمان

در روز قیامت آسمان سخت تکان خورده و دچار اضطراب می‌شود، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ [الطور: ۹]. «روزی آسمان سخت به تکان و جنبش می‌افتد و تند در هم می‌لود».

از این رو آسمان به حرکت افتاده و مانند آسیا در جای خودش به چرخش می‌افتد و شکاف برداشته و پاره پاره می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾ [الانفطار: ۱]. «هنگامی که آسمان شکافته می‌گردد.» و نیز می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَمِ﴾ [الفرقان: ۲۵]. «روزی را که آسمان به وسیله ابر پاره پاره می‌گردد».

ما نمی‌دانیم شکاف برداشتن آسمان به چه کیفیتی خواهد بود، اما در حقیقت حالتی بسیار وحشتناک و دشوار خواهد داشت. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾ [الانشقاق: ۱-۲]. «هنگامی که آسمان می‌شکافد. * و فرمان پروردگارش را می‌برد، و چنین هم می‌سزد و حق هم همین است».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۶]. «و آسمان از هم می‌شکافد و می‌پراکند، و در آن روز سست و ناستوار می‌گردد».

بنابراین، آسمان شکاف برداشته و سست و ضعیف می‌گردد، پس از آن که مستحکم و استوار بود.

در آن روز آسمان چه رنگی خواهد داشت؟

رنگ آبی و نیلگونی و زیبای آسمان در آن روز متغیر شده و به رنگ‌های مختلف در می‌آید، گاهی زرد شده و گاهی سرخ و گاهی تیره می‌گردد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ [الرحمن: ۳۷]. «بدان‌گاه که آسمان شکافته شود، و گلگون گردد همچون روغن گداخته».

در هم پیچیده شدن خورشید

به هنگام برپایی قیامت نور خورشید خاموش شده و روشنایی‌اش از بین می‌رود. لذا جمع شده و پیچیده می‌گردد و نورش از بین رفته و پیچیده می‌گردد. چنان که

خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ [التکویر: ۱]. «هنگامی که خورشید درهم پیچیده می‌شود».

ممکن است مراد آیه چیزی دیگر باشد، والله اعلم.

وضعیت ماه

ماه نیز بی‌نور گشته و روشنایی‌اش از بین می‌رود. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ﴾ [۷] وَخَسَفَ الْقَمَرُ [۸] وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ [۹] يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُوقُ [۱۰] كَلَّا لَا وَزَرَ [۱۱] إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ [۱۲] [القیامة: ۷-۱۲]. «هنگامی که چشم‌ها سراسیمه و آشفته می‌شود. * و ماه بی‌نور و روشنایی می‌گردد. * و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد. * انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟ * خیر! (اصلاً گریزگاهی در میان نیست و) هیچ‌گونه پناهگاهی وجود ندارد. * در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است».

و نیز مراد از آیه: ﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ [۸] این است که جهت ماه و خورشید یکی خواهد بود و بدون این که نوری داشته باشند، از سمت مغرب طلوع می‌کنند.

سیارات و ستارگان

ستارگان آسمان با وجود اشکال و اجرام گوناگونشان، و علی‌رغم روشنایی و زیبایی‌شان، به هنگام برپایی قیامت، نورشان از بین رفته و تیره می‌گردند و جاذبه خود را از دست می‌دهند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ [التکویر: ۲]. «و هنگامی که ستارگان تیره و تار می‌گردند و فرو می‌افتند».

و نیز فرموده است: ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ [المرسلات: ۸]. «هنگامی که ستارگان محو و تاریک می‌گردند».

و در نتیجه فرو ریختن ستارگان، با جاذبه آنها دیگر ستارگان و سیاره‌ها نیز از هم می‌پاشند و فرو می‌ریزند. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ﴾ [الانفطار: ۲]. «و هنگامی که ستارگان از هم می‌پاشند و پخش و پراکنده می‌شوند».

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَا إِنَّ أَمْسَكُهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ [فاطر: ۴۱]. «خداوند

آسمان‌ها و زمین را نگاهداری می‌کند و نمی‌گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود شوند. هرگاه (هم بخوانند از مسیر خود) خارج و نابود شوند، جز خدا هیچ کس نمی‌تواند آنها را نگاه و محفوظ دارد. خداوند بردبار و آمرزنده است».

کدام ستارگان گرفتار این فاجعه خواهند شد؟

والله اعلم، معلوم نیست ستارگان کهکشان ما گرفتار این فاجعه خواهند شد، یا این که همه ستارگان آسمان، و تعداد ستارگان و مواضع آنها را کسی جز خداوند نمی‌داند. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾ [الواقعة: ۷۵-۷۶]. «سوگند به جایگاه‌های ستاره‌ها، و محل طلوع و غروب آنها * و این قطعاً سوگند بسیار بزرگی است».

اما ما ایمان داریم که ستارگان بی‌نور شده و روشنایشان از بین می‌رود. همه این حوادث و رویدادها قبل از حشر و گردآوری مخلوقات و بندگان روی می‌دهد و قبل از این که در میدان محشر جمع شوند. اما چگونه محشر می‌گردند و چه اتفاقی در سرزمین محشر روی خواهد داد؟

باور...

کرسی پروردگاران از آسمان‌ها و زمین وسیعتر است
و هر طور که بخواهد در جهان و هستی انجام می‌دهد.

حشر

حشر، کلمه‌ای کوچک است، اما معانی بزرگی را در خود جای داده و به کثرت در قرآن و احادیث تکرار شده است.
بنابراین،

- حشر یعنی چه؟
- مردم چگونه و کجا حشر می‌شوند؟
- سرزمین محشر کجاست؟
- انواع و اصناف مردم در محشر چگونه خواهد بود؟

درآمد

حشر به معنای گردآوردن اشیای متفرق و قرار دادن آنها در یک جاست. و حشر قیامت به معنای جمع آوری مخلوقات در یک مکان برای محاسبه و داوری در میان آنان است.

خداوند روز قیامت را «یوم الجمع» نامیده است. زیرا خداوند همهٔ بندگان را در آن روز گرد می‌آورد. چنان که می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾ [هود: ۱۰۳]. «آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند، و روزی است که مشاهده می‌گردد».

خداوند همگی موجودات، و اولین و آخرین آنها را گرد می‌آورد، چنان که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿۱۹﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۲۰﴾﴾ [الواقعة: ۴۹-۵۰]. «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند».

و هیچ چیزی خداوند را عاجز و ناتوان نمی‌گرداند، هر جا که بندگان بمیرند و از بین بروند، خداوند آنان را از اطراف فضا، تاریکی‌های آب، اعماق زمین، شکم پرندگان، حیوانات و ماهیان گرد می‌آورد و همه‌ی این موارد برای الله یکسان است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ﴿البقرة: ۱۴۸﴾. «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد (و به حساب همگان رسیدگی می‌کند). خدا بر همه چیز تواناست».

علم خداوند، همه جا را فرا گرفته است و هیچ کسی را فراموش نمی‌کند، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿۹۳﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿۹۴﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿۹۵﴾﴾ [مریم: ۹۳-۹۵]. «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، بنده خداوند مهربان (و فرمانبردار یزدان) می‌باشند. * او همه آنان را سرشماری کرده است، و دقیقاً تعدادشان را می‌داند. * و همه آنان روز رستاخیز تک و تنها در محضر او حاضر می‌شوند».

آری، خداوند مخلوقات را سرشماری کرده است، نر و ماده، بزرگ و کوچک آنان را می‌داند، کردار، گفتار و نفس‌های آنان را شمار کرده و همگی در تحت قهر و سلطه او قرار دارند و هر کدام به تنهایی به بارگاه الله حاضر می‌گردند و هر طور که بخواهد در میان مخلوقاتش حکم و داوردی می‌کند. چنان که می‌فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۴۷]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم».

هرگاه رستاخیز برپا شود، خداوند همه مخلوقات را در یک مکان محشور می‌گرداند.

دلایل حشر

در جاهای متعدد قرآن کریم آیاتی وجود دارد که حشر را به اثبات می‌رسانند، ما در اینجا چند مورد را ذکر می‌کنیم:

﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۴۷]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم».

﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿۴۹﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۵۰﴾﴾ [الواقعة: ۴۹-۵۰].

«بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند».

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ [الکهف: ۹۹]. «و در صور دمیده می‌شود، و ما ایشان را به گونه شگفتی (برای حساب و کتاب در یکجا) گرد می‌آوریم».

رسول خدا ﷺ فرمود: «يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، يُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ وَيَنْفُذُهُمُ الْبَصَرَ»،^۱ «خداوند، اولین و آخرین انسان‌ها را در یک میدان، جمع می‌کند طوری که صدا به همه آنها می‌رسد و چشم، همه آنها را می‌بیند».

صفت سرزمین محشر

مخلوقات، در روز قیامت در سرزمینی سفید و صاف گرد آورده می‌شوند. رسول خدا ﷺ فرمود: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضٍ بَيْضَاءَ عَفْرَاءَ، كَقُرْصَةِ نَقِيٍّ، لَيْسَ فِيهَا مَعْلَمٌ لِأَحَدٍ»^۲ «روز قیامت، مردم روی زمینی کاملاً سفید که مانند نان آرد بدون سبوس است، حشر خواهند شد. در آن زمین، هیچ کس، خط و نشانی ندارد».

محل سرزمین محشر

سرزمین محشر در شام خواهد بود، زیرا آن حضرت ﷺ به سمت شام اشاره نموده و فرمود: «به این سمت، سواره و پیاده و در حالت کشیده شده به صورت‌هایتان به این سمت محشور می‌گردید، در روز قیامت دهانتان بسته می‌شود و هفتاد امت خواهید بود، و شما بهترین و گرمی‌ترین آنها قرار خواهید گرفت، و اولین چیزی که زبان می‌گشاید و سخن می‌گوید، ران پا خواهد بود»^۳.

مقدار زمان روز قیامت

در روز قیامت بین مخلوقات داوری شده و حقایق برملا خواهد شد و در میان خصومت‌ها و دادخواهی‌های بندگان قضاوت خواهد شد. آن روز، روزی بسیار طولانی، یعنی پنجاه هزار سال خواهد بود. چنان که خداوند فرموده است: ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ [المعارج: ۴]. «فرشتگان و جبرئیل به سوی او (پر می‌کشند و) بالا می‌روند و در مدتی که پنجاه هزار سال (معمولی برای انسانها) طول می‌کشد».

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- سنن نسایی. مؤلف محترم به بخاری حواله داده بود ولی من آن را در بخاری نیافتیم.

در آن روز مردم همچنان در ترس و اضطراب بسر می‌برند، جز کسی که الله بر او رحم نموده و در امانش قرار دهد.

در اثر طول مدت آن روز، مردم مدت زمانی را که در دنیا زیسته‌اند، از یاد می‌برند، زیرا هیچ چیزی با مقدار آن روز برابری نمی‌کند، از این رو مردم گمان می‌برند که به نسبت طول روز قیامت و هول و هراس آن، جز یک ساعت از روز، در دنیا درنگ نکرده‌اند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [یونس: ۴۵]. «روزی که آنان را گرد می‌آورد، انگار جز ساعتی از روز نمانده‌اند که با همدیگر آشنا شوند به راستی کسانی زینبارند که رویارویی با خدا را تکذیب کرده‌اند و راهیاب نبوده‌اند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ﴾ [الروم: ۵۵]. «روزی که قیامت برپا می‌شود، گناهکاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی در (دنیا و جهان برزخ) ماندگار نبوده‌اند! این چنین آنان (در دنیا توسط شیاطین) بازداشته شده‌اند!».

در آن صحنه، هیچ کس به دیگری توجه نمی‌کند، بلکه هر کس در فکر نجات خودش هست، انسان از برادر، مادر و پدر، زن و فرزندان و قبیله‌ای که خود را به آن نسبت می‌داد، و از همه اهل زمین می‌گریزد، تا نجات یابد، اما کسی نیست که او را نجات دهد!

وای بر هول و هراس آن روز، دوست، دوستش را از یاد می‌برد، و مادر، فرزند و زن حامله، بارش را فراموش می‌کند!

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٦﴾ وَأُمِّهِ ﴿٣٥﴾ وَصَلْبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ أُمَّرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ ﴿٣٧﴾﴾ [عبس: ۳۴-۳۷]. «در آن روز که انسان فرار می‌کند از برادر خود. * و از مادر و پدرش! * و از همسر و فرزندان. * در آن روز هر کدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می‌کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد».

و نیز می‌فرماید: ﴿يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِنَبِيٍّ ﴿١١﴾ وَصَلْبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾﴾

[المعارج: ۱۱-۱۴]. «(دوستان صمیمی و خویشاوندان نزدیک) به همدیگر نشان داده می‌شوند و معرفی می‌گردند (اما هرکس گرفتار کار خویشان است) شخص گناهکار آرزو می‌کند کاش می‌شد برای رهایی خود از عذاب آن روز، پسران خود را فدا سازد. * همچنین همسر و برادرش را. * همچنین فامیل و قبیله و عشیره‌ای که او را در پناه خود می‌گرفتند. * و حتی تمام کسانی را که در روی زمین هستند (همگی را فدا کند) تا این که مایه نجاتش شود».

انسان مجرم و تبه کار آرزو می‌کند که مادر و فرزندان را فدا سازد، برایش مهم نیست که آنان هلاک شوند، بلکه مهم این است که او نجات یابد. قطعاً روزی بسیار سخت و طاقت فرساست. چنان که الله می‌فرماید: ﴿يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۰]. «روزی بس ترشرو و سخت اخمو خواهد بود».

انواع حشر

قبلاً توضیح دادیم که حشر به معنای جمع کردن و گرد آوردن است و انسان‌ها به هنگام برپایی قیامت بر دو دسته خواهند بود: گروه اول، کسانی هستند که مرده‌اند و در قبرهایشان بسر می‌برند، و دسته دوم زندگانی هستند که قیامت بر آنان برپا می‌شود و با دمیدن اول در صور می‌میرند.

و مسلماً قیامت بر بدترین انسان‌ها برپا می‌شود؛ زیرا قبل از برپایی قیامت، خداوند باد پاکیزه‌ای را می‌فرستد که در اثر آن جان مؤمنان گرفته می‌شود و آن گاه حشر انسان‌های زنده آغاز می‌گردد.

در قرآن و احادیث، کیفیت حشر و گردآوری آنها با تفصیل بیان شده است و خداوند هیچ راهی را برای گمان و تخمین بندگان نگذاشته است. بنابراین، حشر بر دو نوع است:

نوع اول، حشر زندگان

این نوع، حشر زندگان است که از همه دنیا به سرزمین محشر، یعنی شام گردآوری می‌شوند که آتشی که از «قعرة العدن» آنها را سوق می‌دهد و به سمت شام می‌برد.^۱

۱- این مطلب را در کتاب پایان جهان با تصویر و نقشه توضیح داده ام.

رسول خدا ﷺ فرمود: «تا زمانی که هفت نشانه بزرگ از نشانه‌های قیامت ظاهر نشود، قیامت برپا نمی‌شود، ... و آتشی که از «قعره العدن» بیرون می‌آید و مردم را به سمت محشر گرد می‌آورد و هر جا که آنان شب یا روز بخوابند، در آنجا توقف می‌کند و منتظر می‌ماند»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین علامت قیامت، آتشی است که مردم را از سمت مشرق به سمت مغرب سوق می‌دهد»^۲.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «شما سواره و پیاده محشر می‌شوید و به این سمت - و با دستش به سوی شام اشاره فرمود - بر چهره‌هایتان کشانده می‌شوید»^۳.
منظور این است که این آتش مردم را از اطراف و اکناف گیتی در یک جا و در سرزمین شام گرد می‌آورد، و آن گاه صور اول دمیده می‌شود که در نتیجه آن انسان‌ها می‌میرند.

آخرین افرادی که حشر می‌شوند

وقتی این آتش به سمت مردم می‌آید و آنان را سوق می‌دهد، طبق معمول خودشان، مشغول امور زندگی و کار و بارشان هستند که ناگهان این آتش به سراغشان می‌آید. رسول خدا ﷺ از آخرین افرادی که حشر آنان انجام می‌پذیرد، خبر داده و می‌فرماید:

«و آخرین کسانی که حشر می‌شوند دو چوپان از طایفه مزینه خواهند بود که با گوسفندانشان به سوی مدینه می‌روند و گوسفندانشان را فریاد می‌زنند ولی آنها را

۱- این آتش از قعرهٔ عدن بیرون می‌آید و شعله ور می‌شود و دامنهٔ آن در زمین امتداد پیدا می‌کند، لذا مردم از دست آن فرار می‌کنند و به سمت شام می‌آیند، و چندین شبانه روز این آتش آنان را دنبال می‌کند و هر جا که آنان جهت استراحت و خوابیدن توقف نمایند، آن آتش نیز توقف می‌کند.

۲- مسلم.

۳- صحیح بخاری.

۴- احمد، ترمی و حاکم با سند صحیح، مراد سرزمین شام است که بندگان به سوی آن گردآورده می‌شوند.

وحشی می بینند، و هنگامیکه به ثنیه الوداع می رسند، به چهره، بر زمین می افتند و بیهوش می شوند»^{۱، ۲}.

بنابراین، رسول خدا ﷺ توضیح دادند که این دو چوپان مشغول چرای گوسفندان هستند و آنها را فریاد می زنند، ولی متوجه می شوند که آنها وحشی شده اند و از صاحبشان فرار می کنند در حالی که قبلا با آنان مانوس بودند و به حرفشان گوش می دادند. لذا این دو چوپان به سمت شمال و شام می روند و از کنار مدینه منوره عبور می کنند و وقتی به ثنیه والوداع^۳ می رسند، بر زمین افتاده و بیهوش می شوند.

این نوع اول از حشر بود که زندگان محشور گشته و به سمت محشر سوق داده می شوند، اما مردگانی که در قبورشان بسر می برند، آنان نوع دیگری از حشر دارند.

نوع دوم، حشر مردگان

پس از آن که در صور اول دمیده می شود، و مدت زمانی به مقدار چهل، می گذرد، آن گاه خداوند بارانی را از زیر عرش فرود می آورد، در اثر آن اجساد بندگان که در اطراف و گوشه های دنیا در زمین دفن هستند، می رویند.

۱- بخاری، مزینه یکی از قبایل عربی است که تاریخشان در جاهلیت و اسلام مشهور است و بسیاری از صحابه و تابعین و شعرا به این قبیله منتسب هستند.

۲- مترجم محترم مختصر صحیح بخاری جمله: *فَيَجِدَانَهَا وَحْشًا*، را ترجمه کرده اند: آن را پر از جانوران وحشی می بینند، در صورتی که دکتر عریفی می گویند: مراد از حدیث این است که گوسفندانشان به صورت وحشی در می آیند. مترجم.

۳- ثنیه، به مکان مرتفع می گویند. مورخان در حقیقت این مکان اختلاف دارند؛ چون ثنیه در لغت راهی را می گوید که در کوه باشد و اماکن زیادی در مدینه منوره وجود دارد، چنان که یکی در جبل السلع وجود دارد و مسافرانی که از سمت خیبر، تبوک و شام به سوی مدینه می آیند، از آنجا رد می شوند و نیز کسانی که به سمت دانشگاه اسلامی مدینه و دانشکده تربیت می روند، از آنجا می گذرند، و قابل تشخیص نیست جز ارتفاعات اندکی که در اطراف آن وجود دارد و امروزه که آن منطقه آسفالت شده، خیلی کم برای مردم واضح می گردد؛ چون زمین مسطح شده است؛ اما در عین حال آن منطقه برای مردم مدینه به ثنیه الوداع مشهور است، هر چند که دیگران آن را با این نام نمی شناسند.

و آن گاه که رشد اجساد آنان کامل می‌گردد، در صور دوم دمیده می‌شود، آن وقت مردگان از قبرهایشان بیرون می‌آیند، و به سرزمین محشر سوق داده می‌شوند تا با زندگانی که با صور اول مرده‌اند، ملاقات کنند.

کیفیت حشر مخلوقات

همه موجودات، اعم از انسانها، حیوانات، پرندگان، آبزیان، بزرگ و کوچک، مسمان و کافر، همگی محشور شده و برای روزی که در آن تردیدی نیست، گردآوری می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ الْنَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾ [هود: ۱۰۳]. «آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند، و روزی است که (از سوی مردمان و فرشتگان و پریان) مشاهده می‌گردد».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾﴾ [الواقعة: ۴۹-۵۰]. «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند».

و خداوند عزوجل ذات بزرگ و با عظمتی است و چیزی او را ناتوان نمی‌کند، و هر کجا بندگان بمیرند و نابود شود، خداوند می‌تواند آنان را گرد آورد. چنان که می‌فرماید: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۴۸]. «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد (و به حساب همگان رسیدگی می‌کند). خدا بر همه چیزی توانا است».

خداوند متعال انواع حشر را توضیح داده است که برخی از آنان عبارتند از:

- **محشور ساختن همه مخلوقات:** خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۴۷]. «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم».
- **محشور ساختن حیوانات و وحوش:** خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥٠﴾﴾ [التکویر: ۵]. «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می‌شوند».
- **محشور شدن مجرمان و جنایت کاران:** نافرمانانی که انواع گناه و جنایت را مرتکب شده‌اند، چه آن گناهشان به حد کفر رسیده باشد، یا خیر، اما در هر صورت حشرشان سخت و دشوار خواهد بود و از هول آن صحنه چشمانشان

کبود و نیلگون خواهد بود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ [طه: ۱۰۲]. «و گنهکاران را کبودرنگ در آن روز (در گستره رستاخیز) گرد می‌آوریم».

• **حشر ستمگران و امثال آنان:** چنان که در آن روز زناکاران با زناکاران، و رباخواران با هم نوعان خودشان و... محشور خواهند شد، خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [صافات: ۲۲-۲۳]. «(ای فرشتگان من!) کسانی را که به خود ستم کرده‌اند، به هم کیشانشان، و به همراه آنچه غیر از خدا می‌پرستیده‌اند، جمع آوری کنید. آن گاه آنان را به راه دوزخ راهنمایی کنید (تا بدان در آیند)».

آیا حیوانات هم محشور خواهند شد

پاسخ: آری، حیوانات نیز در روز قیامت، مانند سایر مخلوقات محشور می‌گردند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أُمَّالُكُمْ مَّا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ نُمُّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۸]. «و هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند وجود ندارد مگر این که گروه‌هایی همچون شما، هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم، پس آنان در پیشگاه پروردگارشان جمع آورده می‌شوند».

و نیز خداوند در مورد حشر حیوانات وحشی فرموده است: ﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التکویر: ۵]. «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می‌شوند».

و نیز فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۲۹]. «برخی از نشانه‌های (پی بردن به خدا و قدرت) او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و همه جنبندگانی است که در آن دو پدیدار و پراکنده کرده است، و او هر وقت که بخواهد می‌تواند آنها را گرد آورد».

لازم نیست که در گرد آوردن حیوانات، مانند انسان‌ها، کيفر و پاداشی در کار باشد، یا وارد بهشت یا دوزخ شوند، بلکه حشر آنان صرفاً جهت قصاص گرفتن از همدیگر در میدان محشر خواهد بود، مانند این که گوسفند شاخ داری به گوسفند بی‌شاخ حمله

کرده و به او ضربه زده است که قصاص می‌شود، و آن گاه به آنها گفته می‌شود: خاک شوید و آنان به خاک تبدیل می‌شوند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجُلْحَاءِ، مِنَ الشَّاةِ الْقُرْنَاءِ»^۱ «حق هر صاحب حقی به صورت کامل به آن داده می‌شود، تا جایی که قصاص گوسفند بی‌شاخ از گوسفند شاخ دار گرفته می‌شود».

مراد از وحشت بزرگ‌تر (الفرع الاکبر) چیست؟

پاسخ: مراد مصیبتی است که بندگان به آن گرفتار می‌آیند، اما نیکوکاران مانند دیگران گرفتار آن مصیبت نخواهند بود؛ زیرا آنان آمادگی آن روز را گرفته‌اند و خود را برای دیدار الله آماده کرده‌اند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾^(۱۱) فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرٌّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقْنَهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا﴾^(۱۲) وَجَزَّيْنَهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾^(۱۳) [الإنسان: ۱۰-۱۲]. «ما (از عذاب) پروردگاران می‌ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشرو و سخت احمویی (که قیامت نام دارد). * به همین خاطر، خداوند آنان را از شرّ و بلای آن روز محفوظ می‌دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می‌رساند. * و در برابر صبری که نموده‌اند، خداوند بهشت و جامهٔ ابریشمین را پاداششان می‌کند».

رسول خدا ﷺ فرمود: (خداوند فرموده است: سوگند به عزت و جلال من! هیچ گاه برای بنده ام، دو امنیت یا دو خوف و ترس را جمع نمی‌کنم. اگر او در دنیا از من در امان باشد، در روزی که بندگانم را گرد می‌آوردم، او را می‌ترسانم. و اگر او در دنیا از من بترسد، در روزی که بندگانم را گرد می‌آورم، او را در امن و امان قرار می‌دهم»^۲.

۱- صحیح مسلم (۴/۱۹۹۷).

۲- مسند الشامیین (۴۶۲)، الصحیحة (۷۴۲)، صحیح الجامع (۴۳۲۲). این حدیث صحیح لغیره است.

پرچم پیامبر ﷺ در میدان محشر

یکی از گرامی داشت‌های خداوند نسبت به پیامبران ﷺ در میدان محشر این است که سایر پیامبران در زیر لوای او قرار خواهند گرفت، بنابراین، پیامبر ما ﷺ امام و خطیب و صاحب شفاعت پیامبران در سرزمین محشر خواهد بود.

چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ شَفَاعَتِهِمْ، غَيْرُ فَخْرٍ»،^۱ «چون روز قیامت فرا می‌رسد، من امام، خطیب و صاحب شفاعت پیامبران قرار خواهم گرفت و بر این امر افتخار نمی‌کنم». و نیز در روز رستاخیز، لوی حمد را به دست خواهد گرفت و تمام پیامبران تحت لوای او قرار می‌گیرند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «من سرور فرزندان آدم هستم و در این فخری نیستم، و لوی حمد به دست من خواهد بود و بر این افتخار نمی‌کنم، و هیچ پیامبری از زمان آدم تا آنان که پس از او آمده‌اند، نخواند بود، مگر این که زیر لوای من قرار می‌گیرند و در این هم فخری نیستم و من نخستین کسی خواهم بود که زمین از وی شکافته می‌شود و در این هم فخر نیستم».^۲

حال و وضع انسان‌ها در میدان محشر

روز حشر، روزی طولانی، دشوار و بزرگ خواهد بود و مردم وضعیت‌هایی گوناگون و متفاوت خواهند داشت، اما همگی در وضعیتی که رسول خدا ﷺ آن را بیان کرده است، خواهند بود.

آن حضرت ﷺ فرمود: «شما پا برهنه، عریان و ختنه نشده، حشر خواهید شد». سپس، این آیه را تلاوت کرد: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُمْ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴]. یعنی همانگونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت».^۳

۱- سنن الترمذی و مسند احمد.

۲- ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح.

۳- متفق علیه.

در احادیث آمده است که انسان با همان لباس‌هایی که از دنیا رفته است، مبعوث خواهد شد. چنان که روایت شده است که وقتی ابوسعید خدری در حالت احتضار قرار گرفت لباس‌های جدیدی خواست و گفت: از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام که فرمود: «مرده با همان لباس‌هایی که در آنها مرده است، مبعوث می‌شود»^۱.
و در حدیث قبلی آمده بود که لخت محشور می‌گردند.

بنابراین، چگونه این دو حدیث متعارض با هم جمع می‌شوند؟
پاسخ این است که خداوند آنان را لخت و عریان محشور می‌کند و سپس وقتی خداوند آنان را در روز قیامت لباس می‌پوشاند، نخستین لباسی که می‌پوشند، از جنس همان لباسی بود که به هنگام مرگ آن را پوشیده‌اند.

و نیز در جواب این سؤال گفته شده است که منظور این حدیث شهیدان هستند، چنان که رسول خدا ﷺ دستور دادند: آنان را در همان لباس‌هایی که جان داده‌اند، دفن کنید، زیرا با همان لباس‌ها حشر می‌شوند تا از دیگران تشخیص داده شوند.
و نیز برخی گفته‌اند: این اجتهاد حضرت ابوسعید در فهم این حدیث بوده است، زیرا مراد از لباس در این حدیث اعمال نیکی است که در دنیا انجام داده است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهَّرَ﴾ [المدثر: ۴]. «و جامهٔ خویش را پاکیزه دار». یعنی اعمال را پاکیزه نگه دار، زیرا انسان بر هر عملی که جان داده است، محشور می‌گردد، و اگر عملش نیک بوده است، عاقبتش نیز خیر خواهد بود و اگر عملش بد بوده است، سرانجامش نیز بد خواهد بود.

این فرمودهٔ نبوی این گفتهٔ ما را تایید می‌کند: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ»^۲، «بنده بر همان چیزی که مرده است، زنده می‌شود».

از این رو مستحب است که کسی که در حالت احتضار قرار دارد، کلمهٔ «لا إله إلا الله» تلقین داده شود تا آخرین کلمه‌اش از این دنیا باشد و با همین کلمه زنده شود.

۱- روایت از ابوداود با سند صحیح.

۲- صحیح مسلم (۲۲۰۶/۴).

وقتی انسان‌ها عریان حشر می‌گردند، آیا می‌توانند به همدیگر بنگرند یا خیر؟

پاسخ: وقتی حضرت عایشه رضی الله عنها این حدیث را از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنید، گفت: یا رسول الله! همه زنان و مردان این گونه خواهند بود؟ آیا به همدیگر نگاه نمی‌کنند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عایشه! در آن روز وضعیت سختتر از این خواهد بود که به همدیگر بنگرند»^۱.

یعنی چنان ترس و وحشتی بر دل‌های آنان حکمفرما خواهد بود، که هر کس به خودش مشغول بوده و به دیگری می‌نگرد.

شدت وحشت مردم

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز حال و وضع مردم را این گونه بیان داشته و می‌فرماید: «در روز رستاخیز، خورشید به مخلوقات به اندازه یک میل نزدیک می‌شود و مردم به میزان اعمالشان در عرق فرو می‌روند، برخی تا پاشنه پاها، و گروهی تا زانوها، عده‌ای تا کمر، و جمعی سر تا پا غرق در عرق خواهند بود»^۲.

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَعْرِقُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَذْهَبَ عَرْقُهُمْ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ ذِرَاعًا، وَيُلْجِمُهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ آذَانَهُمْ»^۳. «روز قیامت، مردم به اندازه‌ای عرق می‌کنند که عرق به گوش‌هایشان می‌رسد و هفتاد ذراع در زمین فرو می‌رود».

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بعضی از مردم، چنان بر می‌خیزند که تا بناگوش خود، غرق در عرق خواهند بود»^۴.

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز رستاخیز خورشید به اندازه یک میل یا دو میل نزدیک می‌شود، و آنان را ذوب می‌کند»^۵.

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح مسلم. سلیم بن عامر که یکی از راویان حدیث است، در توضیح مقدار میل می‌گوید: به خدا قسم که من نمی‌دانم، مراد از میل مسافت زمین و آسمان است یا میلی است که با آن چشمها را سرمه می‌کنند.

۳- بخاری / ۶۵۳۲.

۴- متفق علیه.

۵- سنن ترمذی، یعنی خورشید چنان به آنان نزدیک می‌شود که پی‌های بدنشان ذوب شده و در عرق، غرق می‌شوند.

در آن روز مؤمنین چه وضعیتی خواهند داشت؟

با وجودی که ترس و وحشت شدیدی در میدان محشر حکمفرماست و هر کدام از دیگری اظهار بیزار می‌کند، اما با این حال مؤمنان وضعیت متفاوتی خواهند داشت، زیرا فرشتگان گرانقدر با آنان ملاقات می‌کنند و وحشت آنان را آرام می‌کنند و بر دل‌هایشان سکون و اطمینان می‌بخشند.

چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۳]. «هراس بزرگ (رستاخیز نه تنها) ایشان را غمگین نمی‌سازد، و بلکه فرشتگان (و برای تبریک و شاد باش) پذیرایشان می‌گردند (و بدیشان می‌گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد».

آری، این بدان جهت خواهد بود که در دنیا دل‌های این افراد مملو از ترس و خوف خداوند بوده و از عظمت شأن خداوند مالمال بود و خود را برای ایستادن در بارگاه الله آماده کرده بودند.

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۰]. «ما (از عذاب) پروردگاران می‌ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشو و سخت اخمویی (که قیامت نام دارد)».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ﴾ [المعارج: ۲۷-۲۸]. «کسانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک و ترسانند. * آخر، عذاب پروردگارشان امان نمی‌دهد (کسی را که در آن بیفتد)».

و نیز می‌فرماید: ﴿فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾ [الإنسان: ۱۱]. «به همین خاطر، خداوند آنان را از شرّ و بلای آن روز محفوظ می‌دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می‌رساند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که من دو ترس یا امنیت را در بندهام جمع نمی‌کنم. اگر او در دنیا از من در امان قرار گرفت، روزی که بندگانم را گرد می‌آورم، او را می‌ترسانم، و اگر او در دنیا از من ترسید، روز که بندگانم را گرد می‌آورم، او را امنیت و آرامش نصیب می‌گردانم.»^۱

چگونگی حشر کفار

هر انسان در روز رستاخیز، بر حسب اعمالش محشور می‌گردد، لذا حشر مؤمنان آسان و حشر کفار سخت خواهد بود، بلکه در اثر شدت خشمی که بر کفار طاری خواهد شد و دلهره شدید و سختی بزرگش که آنان را فرا خواهد گرفت، برخی از آنان چنان بر می‌خیزند که ذلت و رسوایی آنان نمایان است.

برخی از کفار بر چهره‌هایشان محشور می‌گردند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ

زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ [الإسراء: ۹۷]. «و ما در روز رستاخیز ایشان را بر روی رخساره (کشانده و) کور و لال و کر (از گورها) جمع می‌گردانیم (و به صحرای محشر گسیل می‌داریم). جایگاهشان دوزخ خواهد بود. هر زمان که زبانه آتش (به سبب سوختن گوشت و استخوان ایشان) فروکش کند، (با تجدید گوشت و استخوانشان) بر زبانه آتششان می‌افزاییم».

حضرت انس رضی الله عنه می‌گوید: مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله! آیا کافر بر چهره‌اش محشور می‌گردد؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، کسی که در دنیا قادر است او را بر پاهایش حرکت دهد، در روز قیامت قادر خواهد بود تا او را بر چهره‌اش به حرکت در آورد»^۱.

همچنین کفار در قیامت تشنه حشر خواهند شد. چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا﴾ [مریم: ۸۶]. «و گناهکاران را (همچون شتران

تشنه‌ای که به سوی آب‌شخور به سرعت بروند) تشنه کام به سوی جهنم می‌رانیم»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی شفاعت حال کفار و مشرکانی که غیر الله را می‌پرستیدند، این گونه بیان فرموده است:

«خداوند به آنان می‌گوید: چه می‌خواهید؟ می‌گویند: خدایا! تشنه ایم. آن گاه به آنان اشاره می‌شود: آیا آب نمی‌نوشید؟ و آن گاه به دوزخ که بسان سرابی است و آن را آب می‌پندارند، و خود را در هم می‌شکند، محشور می‌گردند و آن گاه در آن فرو می‌افتند»^۲.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

نخستین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود

اولین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود، حضرت ابراهیم خواهد بود. چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «شما پا برهنه، عریان و ختنه نشده، حشر خواهید شد». سپس، این آیه را تلاوت کرد: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴]. یعنی: «همانگونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده‌ای است که ما می دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت». و اولین کسی که روز قیامت، لباس پوشانیده می شود، ابراهیم است.^۱ و نیز خداوند مؤمنان را لباس می پوشاند؛ زیرا آنان در نزد خداوند گرامی تر از این هستند که عریان باشند؛ لذا بر حسب اعمالشان از لباس‌های گرانبهای پوشانده می شوند و سواری و مرکب‌هایی برایشان تدارک دیده می شود که هر کس را به جایگاه آرام و محل عزت و کرامش می رسانند.

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، پدرمان، آدم خواهد بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، آدم هست، آن گاه به فرزندانش نشان داده می شود و گفته می شود: «این پدرتان، آدم است. آدم می گوید: خدایا، حاضرم و خیر و خوشبختی از آن توست، الله تعالی می گوید: کسانی از نسل تو که به دوزخ می روند، بیرون کن، آدم می گوید: خدایا! چقدر از آنان را بیرون کنم؟ خداوند می گوید: از هر صد نفر، نود و نه نفر را بیرون کن! آن گاه صحابه پرسیدند: یا رسول الله! وقتی از میان هر صد نفر ما، نود و نه نفر راهی دوزخ شوند، پس چه چیزی از ما باقی می ماند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: همانا امت من در میان امت‌های دیگر مانند موی سفیدی در گاو سیاهی خواهد بود».^۲

۱- متفق علیه.

۲- صحیح بخاری. یعنی چون آدم ابوالبشر قرار دارد، خداوند این دستور را به وی می دهد، و صحابه با شنیدن این سخن که از هر هزار نفر یک نفر نجات می یابد، سراسیمه و نگران شدند که آن یک نفر نجات یافته چه کسی خواهد بود. از این رو رسول خدا ﷺ فرمود که آنان در مقایسه با امت‌های دیگر اندک خواهند بود.

اعمالی که سختی محشر را آسان می‌کند

با وجود این سختی‌های در میدان محشر، انسان‌ها به اموری نیاز دارند تا آن سختی‌ها و هول و هراس‌ها را برایش تخفیف دهد.

در روایات آمده است که برخی اعمال سبب ورود بهشت شده و ترازوی اعمال را سنگین می‌کنند، و در تخفیف سختی‌های میدان محشر نقش دارند.

اعمال مؤمنان متفاوت خواهد بود، چنان که در برخی نصوص آمده است که برخی از اعمال وقوف و ایستادن در میدان محشر را آسان می‌کنند. بنابراین، برخی از مؤمنان شامل این افراد خواهند بود:

برخی از مؤمنان کسانی خواهند بود که خداوند آنان را در آن روز سخت، طولانی، وحشتناک و بسیار گرم در زیر سایه خود جای می‌دهد، روزی که مردم سخت در عرق غرق شده‌اند، خداوند برخی از مؤمنان را جدا می‌کند و آنان را در زیر سایه عرش جا می‌دهد. در این مورد احادیث فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: «خداوند، هفت گروه را روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد، در زیر سایه خود، جای می‌دهد. ۱ - فرمانروای عادل. ۲ - جوانی که در سایه اطاعت و بندگی خدا، رشد یافته باشد. ۳ - کسی که همواره دل بسته مسجد باشد. ۴ - دو مسلمانی که صرفاً بخاطر خوشنودی الله با یکدیگر دوست باشند و بر اساس آن، با هم جمع یا از یکدیگر جدا می‌شوند. ۵ - کسی که زنی زیبا و صاحب مقام، او را به فحشاء بخواند ولی او نپذیرد و بگوید: من از خدا می‌ترسم. ۶ - کسی که با دست راستش طوری صدقه دهد، که دست چپش نداند. ۷ - کسی که در تنهایی بیاد خدا باشد و از ترس او، اشک بریزد»^۱.

برخی از اهل علم گفته‌اند: مراد کسانی هستند که بر اثر گناهانشان شایستگی آن را دارند تا وارد دوزخ شوند، اما برخی از آنان مورد آمرزش قرار گرفته و عده‌ای مورد شفاعت قرار می‌گیرند، یا برخی ابتدا وارد دوزخ می‌شوند و سپس برای همیشه به بهشت وارد می‌شوند.

۱ - صحیح بخاری، البته مقصود حدیث این نیست که فقط همین هفت نفر در زیر سایه عرش قرار می‌گیرند و بس؛ زیرا احادیث فراوانی آمده است که خداوند افراد دیگری را نیز در زیر سایه عرش جای خواهد داد و علامه ابن حجر صفات افرادی را که در زیر سایه عرش قرار می‌گیرند، در کتاب «معرفة الخصال الموصلة الى الظلال» آنها را ذکر نموده است.

کسانی که فقط برای خوشنودی الله با هم دوستی و رفاقت برقرار می‌کنند، آنان که صرفاً همدیگر را برای رضای الله دوست می‌دارند، نه به خاطر مال، رنگ، پست و مقام یا منفعت دنیوی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «الله تعالی در روز قیامت می‌فرماید: کجا ایند کسانی که به خاطر شکوه و جلال من با همدیگر محبت می‌کردند؟ امروز آنان را در زیر سایه‌ام که جز آن سایه‌ای نیست، جای می‌دهم»^۱.

تاجری که به تنگدست مهلت می‌دهد یا قرضش را می‌بخشد

ترحم بر فقیر و سخت‌نگرفتن وی، دارای فضیلت است، و از جمله این ترحم، مهلت دادن آن و مطالبه نکردن دین و قرض از اوست، تا این که فرصتی برای پرداخت دینش بیابد و یا این که بخشی از آن را از عهده مستمند درگذرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس تنگدستی را مهلت دهد یا قرضش را ببخشد، خداوند در روز قیامت او را در زیر سایه قرار می‌دهد»^۲.

و نیز در روایت دیگری فرموده است: «هر کس دین مدیونش را فرو گذارد، یا آن را ببخشد، روز قیامت در زیر سایه عرش خواهد بود»^۳.

کسی که بر تنگدست آسان می‌گیرد

این فرد مشابه شخص قبلی است، وی فرد تاجری است که با فقرا ملاحظت و نرمی می‌کند، و در مطالبه دیونش سختگیری نمی‌کند، و بلکه بخشی از مالش را به آنان می‌بخشد.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می‌گفت: فرمود: «خداوند در روز قیامت فردی را می‌آورد که به او مال داده است، و به او می‌گوید: تو در چه کردی؟ می‌گوید: خدایا! من کاری نکردم، جز این که تو به من مال عطا کردی و من با آن با مردم خرید و فروش کردم، و اخلاق من این بود که من بر توانگر آسان

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح مسلم و احمد.

۳- مسند احمد.

می‌گرفتم و تهیدست را مهلت می‌دهم. خداوند می‌فرماید: من به این کار سزاوارترم، آن‌گاه فرماید از بندهام درگذرید»^۱.

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مردی اصلاً کار نیک انجام نداده است، وی در دنیا با مردم معاملهٔ قرضی انجام داده و به قاصدش (منشی) گفته است: از هر کسی توانگر بود، بگیر و هر کسی را که تهیدست بود، رها کن و از او درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. وقتی از دنیا می‌رود، خداوند می‌گوید: آیا کار خیری انجام داده‌ای؟ می‌گوید: خیر، مگر این که من برده‌ای داشته‌ام و با مردم معاملهٔ قرضی انجام داده‌ام و به او سفارش کرده‌ام که از توانگران بگیر و تهیدستان را رها کن و از آنان درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. خداوند می‌فرماید: من هم از تو گذشته‌ام»^۲.

هر کسی که در صدد برآورده ساختن نیاز برادرش است

خداوند مردم را متفاوت آفریده است، برخی را توانگر و عده‌ای را تهیدست، برخی را نیرومند و جمعی را ضعیف قرار داده و برخی ارتباطات قویتری داشته و آشنایان فراوانی دارند و عده‌ای بر عکس.

بنابراین، هر کس را که خداوند به نعمتی برتری داده است، باید با کسانی که خداوند آنان را از این نعمت محروم ساخته است، مساعدت نماید، تا خداوند او را در زیر سایه‌اش جای دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس، یک سختی از سختی‌های دنیوی را از مؤمنی بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی‌های قیامت را از وی دور می‌سازد، و هر کس بر تهیدستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بندهاش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک بردادرش باشد»^۳.

۱- مستدرک حاکم با اسناد صحیح و اصل روایت در صحیحین موجود است.

۲- نسائی، ابن حبان و حاکم با سند صحیح.

۳- صحیح مسلم.

دادگران

عدالت، صفت بزرگان، و اخلاق حکیمان است، و هر کس بدان عمل نماید، سودمندی همنشین و توفیق یارش خواهد بود، درونش در دنیا آرام بوده و منزلتش در آخرت بالا خواهد بود، دشمنان و بدخواهانش اندک و دوستان و محبانش فراوان خواهند بود.

اما ستمگری، صفت ابلیس، و زداینده پاکی و قداست است، سرانجامش وخیم و پایانش بی اساس است، صاحبش را نابود و انجام دهنده اش را از پای در خواهد آورد. خداوند چنان با عدالت و دادگری محبت دارد که عادلان و دادگران را در روز قیامت از دیگران متمایز و جدا می گرداند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا دادگران در نزد خداوند، بر منبرهایی از نور، در جانب راست خداوند - که هر دو دست خداوند راست هستند - قرار خواهند گرفت، آنان که در داوری و اهلشان وقتی متولی آن قرار گیرند، عدالت می کنند»^۱.
 آنان عدالت را پیشه می کنند در:

- داوری شان، وقتی در میان خصومتگران حکم و داوری کنند،
 - خانواده شان، بر همسر و فرزند ستم نمی کنند،
 - آنان که در تحت سرپرستی و تکفل آنان قرار دارند، از قبیل فرمانروایان، رؤسای دولتها، مدیران شرکتهای، مدارس، و...
- بنابراین، این افراد اگر عدالت را پیشه کنند، خداوند آنان را بر منبرهایی از نور بالا خواهد بود.

فرو بردگان خشم

خشم صفت بد و مذموم است و سرانجام بدی خواهد داشت. رسول خدا ﷺ به یکی از یارانش توصیه می کرد و پیوسته به او می فرمود: «خشم نگیر، خشم نگیر، خشم نگیر»^۲. چون از عاقبت خشم خبر داشت.

زیرا چقدر مشاهده شده است که خشم، دوستان را از هم جدا کرده، و جانها را نابود ساخته، و درگیری و اختلاف را رواج داده است!

۱- روایت مسلم.

۲- صحیح بخاری.

و تردیدی نیست که انسان خردمند و شجاع کسی است که نفسش را کنترل کند و به هنگام خشم و غضب بر آن تسلط داشته باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پهلوان آن نیست که طرف را بر زمین بزند، بلکه پهلوان کسی است که به هنگام خشم نفسش را مهار کند»^۱.
بنابراین، آنان که خشمشان را فرو برده و درون خود را کنترل می‌کنند، خداوند در روز آخرت آنان را جزا می‌دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که خشمش را فرو می‌برد، در حالی که می‌تواند، آن را به اجرا در آورد، خداوند در روز رستاخیز در جمع تمام خلائق او را فرا می‌خواند، و به او اختیار می‌دهد که هر کدام از حوریان عین را برای خود انتخاب نماید»^۲.

مؤذنان

اذان گفتن، نوعی عبادت و تقرب الی الله است، و اگر مردم فضیلت اذان را می‌دانستند به سوی آن می‌شتافتند و حتی برای آن قرعه می‌انداختند؛ چرا چنین فضیلتی نصیب مؤذن نباشد، در صورتی که او ندای توحید را بلند می‌کند و آن را در میان مردم آشکار می‌سازد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت گردن مؤذنان از دیگران درازتر خواهد بود»^۳.
دراز بودن گردن در جمال و زیبایی می‌افزاید، و این زیبایی برازنده کسی است که عمل شایسته اذان را بر عهده دارد، چنان که کلمات توحیدی اذان را به گوش مردم می‌رساند و آنان را به سوی نماز فرا می‌خواند و در روز قیامت، هر موجود تر و خشکی در دنیا که اذان را شنیده است، برای مؤذن گواهی می‌دهد.

حضرت ابوسعید خدری رضی الله عنه به عبدالرحمن بن صعصعه گفت: «من می‌بینم که تو با گوسفند و بیابان دوستی و علاقه داری، پس هر گاه با گوسفندان یا در بیابان بودی و برای نماز اذان گفتی، صدایت را بلند کن؛ زیرا هر جن و انس و هر چیزی که صدای مؤذن را بشنود، در روز قیامت برای او گواهی می‌دهد»^۴.

۱- متفق علیه.

۲- سنن ترمذی.

۳- صحیح مسلم.

۴- صحیح بخاری.

کسانی که در اسلام پیر شوند

ثبات و پایداری بر اسلام و مردن بر آن، سعادت بسیار بزرگی است، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» [آل عمران: ۱۰۲]. «ای کسانی که ایمان آورده اید، آن چنان که باید از خدا ترسید، از خدا بترسید و شما (سعی کنید که) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید»

خداوند دستور داده تا سالخوردگان را گرمی داشته و جایگاهشان را پاس داریم. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر جوانی، سالخورده‌ای را به خاطر سنش گرمی دارد، خداوند کسی را می‌گمارد که در سن پیری او را گرمی دارد»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مسلمان پیر، حافظ قرآن که در آن زیاده روی و کوتاهی نکرده است، و پادشاه عادل را گرمی بدارد، خداوند را گرمی داشته است»^۲. و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر کوچکان ما رحم نکند و بزرگان ما را احترام نکند، از ما نیست»^۳.

خداوند مسلمان پیر را در روز قیامت گرمی می‌دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مویش در اسلام سفید شود، در روز قیامت برایش نوری خواهد شد»^۴.

وضو گیرندگان

وضو، کلید نماز، تلاوت قرآن، طواف و بسیاری از عبادتهاست، و جز مؤمن کسی بر وضو محافظت نمی‌کند.

وضو گرفتن شعار امت اسلام است، و وضو گیرندگان زمانی که در پیشگاه پروردگارشان بایستند، اثر وضوی خویش را می‌بینند.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می‌گفت: فرمود: «امت من روز قیامت فرا خوانده می‌شوند در حالی که اعضای وضوی آنها بر اثر وضو می‌درخشد. لذا هرکس خواست این نور بیشتر گردد، آن را بیشتر کند»^۱.

۱- سنن ترمذی.

۲- سنن ابوداود.

۳- سنن ترمذی.

۴- سنن ترمذی.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «زیبایی و جمال مؤمن تا جایی خواهد بود که وضو به آنجا می‌رسد».^۲

منظور حدیث از جمال و زیبایی، نورانیتی است که در روز قیامت او را در میان مردم مزین جلوه می‌دهد.

بنابراین، در روز قیامت، آن گاه که امت‌ها موج می‌زنند، و کار بر آنان دشوار می‌گردد، و انسان‌ها با همدیگر اختلاط می‌کنند، در آن لحظه امت محمد ﷺ با یک ویژگی خاصی از دیگران شناخته و متمایز می‌گردند و آن ویژگی وضو و نماز است که آن، همان نورانی بودن و درخشندگی است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت، من نخستین کسی خواهم بود که اجازه سجده داده می‌شوم، و من نخستین کسی خواهم بود که اجازه داده می‌شوم تا سرم را بردارم، آن گاه در پیشاپیش خود می‌نگرم و امتم را در میان سایر امت‌ها می‌شناسم، همچنین آنان را از پشت سر و سمت راست و چپم می‌شناسم.» آن گاه فردی گفت: یا رسول الله! چگونه امت را در میان سایر امت‌ها از زمان نوح تا آخر می‌شناسی؟ فرمود: «اندام‌های وضوی آنان در اثر وضو گرفتن می‌درخشد».^۳

اهل قرآن

قرآن، مایه عزت در دنیا و نجات در آخرت است و هر کس شب و روزش را به حفظ و تدبر در قرآن صرف نماید، روز قیامت با انسان کسل و روی گردان یکسان نخواهد شد.

رسول خدا ﷺ تلاوت کننده سوره بقره و آل عمران را ستوده و فرموده است که این دو سوره، صاحب خود را در میدان محشر نجات داده و سختی آن را برایش آسان می‌کنند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «قرآن را بخوانید، زیرا این قرآن در روز قیامت برای صاحبش شفاعت می‌کند، دو سوره بقره و آل عمران را تلاوت کنید؛ زیرا این دو سوره در روز

۱- صحیح بخاری.

۲- صحیح مسلم.

۳- مسند احمد با اسناد صحیح.

قیامت مانند ابر پُربار خواهند آمد، یا مانند پرندگان به صف کشیده بوده و از تلاوت کننده خود دفاع خواهند کرد. سور بقره را بخوانید؛ زیرا تلاوت این سوره مایه برکت و ترک آن سبب حسرت خواهد بود و کسی که پیوسته این سوره را می‌خواند، ساحران نمی‌توانند بر او تأثیر بگذارند»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، صاحب قرآن آورده می‌شود، قرآن می‌گوید: خدایا! وی را بپوشان، آن گاه لباس کرامت به او پوشانده می‌شود. باز قرآن می‌گوید: خدایا! به او بیشتر بده، آن گاه به او تاج کرامت پوشانده می‌شود. باز می‌گوید: خدایا! از او راضی باش و آن گاه خداوند از او راضی می‌شود»^۲.

نیکوکاران

نیکوکاران، و سخاوتمندانی که خداوند به آنان مال، منزلت و علم عطا کرده است، به دنبال ضعیفان می‌گردند و به تهیدستان کمک کرده و به یاری ستمدیدگان می‌شتابند و داد محرومان می‌رسند و از سختی مصیبت زدگان می‌کاهند و اندوه افراد غمزده را تخفیف می‌دهند و خداوند نیز در روز رستاخیز در دشواری‌های آنان تخفیف آورده و سختی‌های آنان را آسان می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس یک سختی از سختی‌های دنیوی از مؤمن را بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی‌های قیامت را از وی دور می‌سازد، و هر کس بر تهی دستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بنده‌اش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک بردادارش باشد»^۳.

۱- صحیح مسلم.

۲- سنن ترمذی و حاکم با سند حسن.

۳- صحیح مسلم.

یاری دهندگان ضعفا

خداوند، انسان‌ها را در مراتب گوناگونی آفریده و برخی را بر برخی برتری داده است، چنان که گاهی توانمندان بر ضعیفان تسلط یافته و با برداشتن اموال یا آزار دادن جسمی و یا بازداشتن حقوقشان، به آنان ستم می‌کنند. و در عین حال در میان توانمندان، افراد مؤمن و پرهیزگاری یافته می‌شود که به یاری ضعیفان اقدام نموده و از حقوقش دفاع می‌کنند و رسول خدا ﷺ این گونه انسان‌ها را مژده داده و می‌فرماید: «هر کس برادرش را در غیاب او یاری دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری می‌دهد»^۱.

در پایان...

این‌ها برخی از وضعیت‌های مؤمنان و پرهیزگاران در آن روزی است که زن و فرزند برای انسان سودی نمی‌رسانند، جز آن کس که با قلبی سلیم به درگاه الله تعالی حضور یابد.

آری، قلبی که از شرک، حسادت و غش سالم بوده و از ایمان، صداقت و تقوا پر باشد.

حال نافرمانان در روز قیامت

کسی که با عقیده توحید و بدور از شرک و پرستش غیر الله بمیرد، اما انواع گناهان صغیره و کبیره را مرتکب شده است، او تحت مشیت الله قرار دارد، اگر بخواهد، او را می‌بخشد و اگر بخواهد معافش می‌کند.

در احادیث فراوانی وضعیت نافرمانان در میدان محشر توصیف شده است که آنان احوال و اشکال گوناگونی خواهند داشت، و در برخی احادیث مژده و ترغیب و در پاره‌ای انذار و تهریب آمده است، و آن حضرت ﷺ از اعمالی که مرتکبان آن وضعیت وخیمی خواهند داشت، برحذر داشته است. از آن جمله:

آنان که زکات مالشان را نمی‌پردازند

این افراد بر خطر بزرگی قرار دارند، زیرا حق خداوند را در مال نمی‌پردازند و حق فقرا و تهیدستان را نمی‌دهند؛ بنابراین این افراد در اثر بخل و آز شدید و ضعف

۱- مسند احمد و حاکم و دیگران با سند صحیح.

ایمانشان، مانع حقوق شده و حالشان در میدان محشر آن گونه خواهد بود که رسول خدا ﷺ فرموده است.

آن حضرت ﷺ فرمود: «کسی که خداوند به او ثروت داده است اگر زکات مالش را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل ازدهایی سمی که دارای دو نیش زهرآگین می باشد، در می آید و به گردن او می پیچد و دو طرف چهره اش (گونه هایش) را گرفته، می گوید: من مال و خزانه تو هستم. سپس، رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل عمران: ۱۸۰]. یعنی: «آنان که نسبت به آنچه خداوند به آنها عنایت کرده است، بخل می ورزند، گمان نکنند که این کار، برایشان خوب است. بلکه این کار، برای آنها بد است. و این مالی که نسبت به آن بخل ورزیده اند و حق آنرا ادا نکرده اند، روز قیامت، طوقی بر گردنشان خواهد بود»^۱.

و نیز خداوند فرموده است: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَتَّيَّرَهُمْ جَعَابٌ أَلِيمٌ ﴿۳۴﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [التوبة: ۳۴-۳۵]. «ای مؤمنان! بسیاری از علما دینی یهودی و مسیحی، اموال مردم را به ناحق می خورند، و دیگران را از راه خدا باز می دارند و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده. * روزی (فرا خواهد رسید که) این سگه ها در آتش دوزخ، تافته می شود و پشانی ها و پهلوها و پشت های ایشان با آنها داغ می گردد (و) بدیشان گفته می شود: این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می کردید، پس اینک بچشید مزه چیزی را که می اندوختید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره ای که حق آن را (زکاتش) نپرداخته است، در روز قیامت برایش تکه هایی از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ داده شده، و با آن پهلو و پشانی و پشتش داغ داده می شود و چون سرد شود، دوباره داغ

داده می‌شود، در روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است تا زمانی که در میان بندگان داوری صورت گرفته و او راهش را به سوی بهشت یا دوزخ ببیند».

گفته شد: یا رسول الله! آیا شتر هم همین حکم را دارد؟

آن حضرت ﷺ فرمود: «و هر صاحب شتری که حق آن را ادا نکند و از جمله حق آن دوشیدن آن است روزی که به آب وارد شود، چون روز قیامت فرا رسد، در میدان فراخی در برابر شتران انداخته می‌شود در حالی که شتر به چاقترین حالت دنیایش در می‌آید، و هیچ بچه شتری را گم نمی‌کند، مگر این که وی را به کف پایش زده و با دهانش گاز می‌گیرد، و چون اولی بگذرد، دیگران این کار را انجام دهند، در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است و این کار ادامه دارد تا این که در میان مردم حکم و داوری شود و مسیر وی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص گردد.

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! در باره گاو و گوسفند چه؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «و هر صاحب گوسفند و گاوی که حق آن را نداده است، چون قیامت در رسد، در میدان فراخی در برابر آنها بر رویش انداخته می‌شود و هیچ یک از آنها را گم نمی‌کند، مگر شاخدار و بی‌شاخ و شاخ شکسته‌اش آمده و او را به شاخ‌هایش زده و با نوک پایش او را درهم می‌مالد و چون اولی می‌گذرد، دیگران چنین می‌کنند، در روزی که طول آن پنجاه هزار سال است و او چنین وضعیتی خواهد داشت تا این که در میان مردم حکم گردیده و مصیر وی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص می‌گردد»^۱.

متکبر

تکبر، بیماری بزرگی است و خداوند فرد متکبر را دوست ندارد و برایش ارزشی قایل نیست و بلکه هر کس که اندازه دژه‌ای در قلبش کبر باشد، او را وارد بهشت نمی‌کند.

انسان‌ها نیز از فرد متکبر بیزارند و خردمندان وی را منفور می‌دارند و بزرگ و کوچک او را ناخوشایند می‌دانند.

رسول خدا ﷺ حال متکبران را بیان نموده و می‌فرماید: «در روز قیامت، متکبران مانند مورچه‌های کودک حشر می‌شوند، در شکل و صورت مردانی که ذلت و حقارت آنان را فرا گرفته است»^۱.

بدان جهت از مورچه کوچک نام برد که مردم بدون آن که متوجه آنان شوند، آنان را در زیر پاهایشان له می‌کنند. متکبران نیز در روز قیامت این گونه خواهند بود که در اثر شدت ذلت و حقارت در زیر پاهای مردم له می‌شوند.

گناهای که خداوند با مرتکب شوندگانشان سخن نمی‌گوید

آری، در روز قیامت افرادی با خداوند دیدار می‌کنند که مرتکب گناهای شده‌اند که سزاوار آن هستند که در اثر شدت حقارت و زشتی اعمال و پستی مرتبه‌شان، خداوند با آنان سخن نمی‌گوید.

بنابراین، عذاب و کیفری که متوجه این گناهکاران تکذیب گران می‌شود، گوناگون می‌شود، از جمله این که خداوند از آنان روگردان شده و با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نمی‌نگرد.

خداوند برخی از آنان را در قرآن کریم ذکر فرموده و رسول خدا ﷺ نیز در احادیث از آنان یادآوری فرموده است تا انسان‌ها از آن اعمال خودداری نموده و بر حذر باشند. برخی از این افراد عبارتند از:

علماء، دانشمندان و راهبان

آنان که علوم شرعی را کتمان نموده و فتوای شرعی را برای خشنود گردانیدن مردم یا تحقق منافع شخصی و یا اغراض دنیوی عوض می‌کنند و با وجود این که توانایی آشکار ساختن حق را دارند، آن را آشکار نمی‌سازند.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِءَ ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْلِيَّكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۴]. «کسانی که آنچه را خدا از کتاب (آسمانی) نازل کرده است، پنهان می‌دارند و آن را به بهای کم (و ناچیز دنیا) می‌فروشند، آنان جز آتش

چیزی نمی‌خورند. و روز رستاخیز خدا (از آنان روگردان بوده و) با ایشان سخن نمی‌گوید و آنان را پاکیزه نمی‌دارد. و ایشان را عذاب دردناکی است.»

و نیز خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْأٰخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۷]. «کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی (از مادیات و مقام‌های دنیوی) بفروشد، بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با ایشان در آخرت (با مرحمت) سخن نمی‌گوید، و به آنان در قیامت (با محبت) نمی‌گرد، و ایشان را (از آلودگی‌های گناه) پاک نمی‌سازد، و عذاب دردناکی دارند.»

کسی که شلوارش از شتالنگ پایین‌تر است

آن حضرت علیه السلام از اسبال ازار و دراز کردن شلوار پایین‌تر از شتالنگ پا نهی نموده و در حدیثی فرموده است: «هر کس، ازارش پایین‌تر از شتالنگ‌هایش باشد، در جهنم است.»^۱

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله از این عمل برحذر داشته و افرادی را که مرتکب این عمل می‌شوند، آنان را به عذاب‌هایی در میدان محشر هشدار داده است.

کسی که کالایش را به سوگند دروغین می‌فروشد

عموما سوگند خوردن زیاد مکروه و ناپسند است، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ﴾ [المائدة: ۸۹]. «و سوگندهایتان را پاس دارید.»

پس چه برسد که سوگند خورنده، در سوگندش دروغگو باشد، که در چنین صورتی گناهش بزرگتر و مسأله سنگین‌تر خواهد شد.

بنابراین، کسی که کالایش را با سوگند دروغ می‌فروشد، و برای زیبا و مرغوب جلوه دادن کالایش به الله سوگند یاد می‌کند، تا مردم آن را بخرند، او بسیار دروغ‌گوست.

مَنان

کسی که به مردم چیزی می‌دهد و سپس به آنان منت می‌گذارد و به خاطر تحقیر مردم پیوسته از نیکی‌هایش یاد کرده و آنها را به رخشان می‌کشد.

حضرت ابوذر رضی الله عنه در رابطه با این هر سه مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرموده است: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود».

من عرض کردم: یا رسول الله! آنان چه کسانی خواهند بود؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله تا سه مرتبه فرمود: «آنان زیان کرده و ناامید شدند! کسی که ازارش پایین تر از شتالنگش است، و کسی که کالایش را با سوگند دروغین می فروشد و منتگر»^۱.

کسی که به آب بخل می ورزد

معمولا بخل ورزیدن صفت زشتی است، و بیانگر پستی درون و خباثت نفس است، به ویژه زمانی که انسان نسبت به چیزی بخل ورزد که بذل و بخشش آن زیانی نداشته باشد و مردم نیز سخت بدان نیاز داشته باشند، از جمله این که انسان به آب بخل ورزد، آبی که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: همه انسان ها در آن شریک هستند.

کسی که بیعت را می شکند

عهدها و پیمان ها، توافق ها و قراردادهای بیعت با متولیان امور در امر طاعت و فرمانبرداری، دارای جایگاه بزرگی هستند، و بازی گرفتن عهدها و پیمان ها یا بکار بردن حيله و مکر در آنها، خطری بزرگ و زیانی سترگ را به دنبال خواهند داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد همه این افراد می فرماید: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و با نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذابی دردناک را مهیا کرده است؛ کسی که آب اضافی دارد و آن را از مسافر مانع می گردد، و کسی که کالایش را بعد از عصر با سوگند دروغین می فروشد، و مردی که با امامی بیعت کرده و اگر به او بدهد، به عهدش وفا می کند و اگر به او ندهد، عهدش را می شکند»^۲.

۱- صحیح مسلم.

۲- احمد، ترمذی و ابوداود. مفهوم حدیث این است که مسافری که در طول راه هزینه اش در طول سفرش تمام می کند و به نوشیدن جرعه ای آب نیاز پیدا می کند و از کسی که آب اضافی با خود دارد، می خواهد تا به او آب بدهد و او از روی بخل و آز، به او آب نمی دهد.

دوم کسی که بعد از عصر به خرید و فروش می پردازد و در اثنای معامله سوگند دروغین یاد می کند تا مشتری را به خرید آن قانع سازد. و نیز سوگند خوردن زیاد در معامله، اگر چه راست باشد،

پیرمرد زناکار

مراد از پیرمرد، کسی است که پا به سن پیری گذاشته و در اثر کهولت سنی، قوای جسمانی اش ضعیف شده‌اند.

برخی از مردم در اثر خباثت درون و ضعف ایمان و جرأتشان بر معصیت خداوند و بی‌پروایی نسبت به امور دین، و در عین حال ضعف داعیه گناه، باز هم مرتکب گناه و معصیت می‌شوند.

این موضوع را با مثالی توضیح می‌دهیم:

مردی که پا به سن پیری گذاشته، استخوان‌هایش نرم شده، و نیروی شهوانی اش ضعیف و سست گشته است، چنین فردی با این اوصاف مرتکب زنا می‌شود، گناه این فرد از جوانی که نیروی شهوانی اش قوی است، بیشتر، بزرگتر و زشتتر خواهد بود. با وجود این که زنا، یکی از گناهان کبیره به شمار می‌رود، و زنا کار پیر باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، پرده‌ای را که بین او و الله بوده است را دریده و خود را از مخلوق پنهان کرده اما و حرمت نگاه آفریدگار را پاره کرده است.

فرمانروای دروغگو

در مورد فرمانروای دروغگو وعید و تهدید آمده است، زیرا علاقه داشتن به بزرگی و مرتبه بلند در میان مردم، چیزی است که باعث می‌گردد تا انسان دورغ بگوید و داستان‌ها و دلاورمردی‌های ساختگی را خلق نماید تا شأن و مرتبه‌اش در میان مردم بالا رود یا بدان جهت دروغ می‌گوید تا توجه مردم را به خود جلب نماید و یا با این کار دنیا و کالای دنیا را به دست آورد.

اما پادشاه و فرمانروا از این کار بی‌نیاز است، زیرا مردم بدون چنین کاری به او روی می‌آورند و بدون چنین کاری در میان مردم جایگاه دارد، و دنیا در برابر او حاضر است،

حرام است، و اگر از روی دروغ باشد، که گناهی بس بزرگ و عظیم دارد، و مراد از سوگند بعد از عصر به اعتبار اغلب است؛ زیرا بیشتر معاملات پس از عصر انجام می‌گیرند، و اگر نه سوگند خوردن در معاملات در تمام اوقات حکم واحدی دارد.

سوم مردی که با امامی بیعت می‌کند و او را به عنوان امیر خود انتخاب می‌کند از او اطاعت نموده و به حرفش گوش فرا دهد، اگر امیر به او اموال و هدایایی بدهد به پیمانش وفا می‌کند و اگر امام به او چیزی ندهد، به او خیانت می‌کند و پیمانش را می‌شکند،

بنابراین، چرا دروغ بگویند؟ جز این که خباثت درون، و بی‌اهمیت بودن شریعت در نگاه او و عدم توجه به عظمت پروردگار، او را به این کار وادار می‌کند. اما این بدان معنی نیست که دروغ گفتن برای غیر پادشاهان جایز است، هرگز، زیرا دروغ انسان را به فجور می‌کشاند، و گناه و فجور انسان را به دوزخ می‌اندازد.

فقیر متکبر

همچنین انسان عیالمند که فقیر و تهیدست باشد، لباس‌هایی کهنه، رختخوابی ناملایم، سواری‌ای محقر و خانه‌ای فرسوده را داشته باشد، اما با این حال بر مردم فخر و غرور فروخته و در مقابل دیگران خودنمایی می‌کند، و از روی کبر و خودبزرگتر بینی با گوشه دستش با مردم سلام می‌گوید، و در زمین با ناز و خرامان راه می‌رود با وجودی که چنان مالی که او را به کبر و غرور بکشاند را نیز در اختیار ندارد. با وجود این که تکبر به صورت مطلق حرام است، چه متکبر فرد تهی دستی باشد یا ثروتمند و سرمایه داری.

رسول خدا ﷺ در مورد هر سه مورد می‌فرماید: «سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و آنان را پاک نمی‌کند و به آنان نمی‌نگرد و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود: پیرمرد زناکار، فرمانروای دروغگو و فقیر متکبر»^۱. از آن جهت خداوند با آنان سخن نمی‌گوید که گناهشان بسیار سنگین است.

گناهایی که خداوند به انجام دهندگان نشان نمی‌نگرد

همان گونه که خداوند در روز قیامت با افرادی سخن نمی‌گوید، افراد دیگری خواهند بود که خداوند از روی تحقیر و ذلیل گردانیدنشان، به آنان نمی‌نگرد. رسول خدا ﷺ پاره‌ای از گناهان را بر شمرده است که خداوند به انجام دهندگان آنها نمی‌نگرد، و هر گاه خداوند از بنده اعراض نماید، به او نمی‌نگرد و او رسوا شده و دچار زیان و ضرر بزرگی می‌شود. برخی از آنان آنها افرادی خواهند بود که رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث از آنان یاد کرده است:

کسی که از روی تکبر شلوارش را از شتالنگ پایینتر می‌کند

اسبال ازار و پایین کردن شلوار از شتالنگ، از جمله گناهان بر شمرده شده است و باید مسلمان شلوارش را بالاتر از شتالنگ قرار دهد.

و هر گاه گناه پایین بودن شلوار با تکبر و غرور همراه باشد، گناهش بیشتر و بزرگتر می‌شود، از این رو خداوند از روی تحقیر و اهانت به وی، در روز قیامت به او نمی‌نگرد. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس، از روی تکبر، لباسش را بر زمین بکشد، خداوند، روز قیامت به او نگاه نخواهد کرد»^۱.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اسبال در ازار، پیرآهن و عمامه، هر کس یکی از اینها را از روی تکبر و غرور دراز کند، خداوند در روز قیامت به او نمی‌نگرد»^۲.

کسی که از پدر و مادرش نافرمانی می‌کند

نافرمانی والدین از جمله گناهان بزرگ و در واقع انکار خوبی‌هاست، و خداوند حقوق والدین را به دنبال حقوق خود ذکر نموده و می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: ۲۳]. «پروردگارت

فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید».

و نیز خداوند تشکر از والدین را قرین تشکر و سپاسگزاری از خود قرار داده و فرموده است: ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ [القمان: ۱۴]. «هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به سوی من است».

خوشرفتاری با والدین راه سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس که می‌خواهد روزی‌اش زیاد گردد و عمرش طولانی شود، باید که صله رحم داشته باشد»^۳.

و نیز رسول خدا ﷺ از حال نافرمان پدر و مادر خبر داده است که خداوند با نگاه رحمت به او نمی‌نگرد.

۱- متفق علیه.

۲- سنن نسائی، ابودارود و ابن ماجه.

۳- متفق علیه.

زنی که خود را با مردان شبیه سازد

شبهت دادن یکی از زن و مرد در نحوه لباس پوشیدن، سخن گفتن، رفتار و... امری بسیار زشت و ناپسند و نشانه عدم ثبات در شخصیت و دروازه‌ای برای فساد و فحشا در جامعه است.

این امر در زمان ما از طریق اینترنت، و برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای که ترویج دهنده فحشا و فساد است، نمایان گشته است، چنان که مردان لباس زنان، و زنان لباس مردان را می‌پوشند.

بزرگتر و شگفت‌انگیزتر از همه این است که زن و مرد تغییر جنسیت داده و خلقتی را که خداوند به آنان بخشیده است را عوض نمایند و از طریق جراحی‌های انجام شده و داروهای هرمونی و... زن تغییر جنسیت داده و مرد شود و مرد نیز خود را به جنس زن تغییر دهد.

رسول خدا ﷺ از تمام این نوع تغییرات بر حذر داشته و خبر داده است که خداوند در روز قیامت به این دسته از افراد نمی‌نگرد.

دیوث

دیوث کسی را گویند که خباثت و فحشا را در خانواده‌اش از قبیل: همسر، دختر و فرزندان مشاهده می‌نماید و به پاسداری آنان از فساد توجه نکرده و آنها را به حجاب و پرده دستور نمی‌دهد. حتی برخی از زنان به روابط نامشروع و امور ناشایست مبتلا شده، مرد غیرت به خرج نمی‌دهد و بر آنان به خشم نمی‌آید. چنین فردی فاقد مردانگی است و دیوث نامیده می‌شود.

رسول خدا ﷺ در توصیف این هر سه نفر می‌فرماید: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت به آنان نگاه نخواهد کرد: نافرمان والدین، زن مردنما که خود را با مردان شبهت می‌دهد و دیوث. و سه نفر هستند که وارد بهشت نمی‌شوند: نافرمان والدین، شراب‌خوار و کسی که چیزی می‌دهد و سپس منت می‌گذارد»^۱.

کسی که از راه پشت با همسرش نزدیکی می‌کند

خداوند فطرت زن و مرد را چنان آفریده است که به همدیگر میل و گرایش دارند و روابط آنان را در چارچوب شرع ابراز داشته است و آنچه را که خارج از این چارچوب باشد را حرام ساخته است. و از جمله بزرگترین گناهان کبیره این است که انسان از راه پشت با همسرش همخوابی کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نفرین شده است کسی که با همسرش از راه پشت همخوابی کند»^۱.

همچنین رسول خدا ﷺ کسی را که مرتکب چنین عملی شود، وعید داده است که خداوند در روز قیامت به او با نگاه رحمت نمی‌نگرد. آن حضرت ﷺ فرمود: «آن کس که با همسرش از راه پشت جماع کند، خداوند در روز قیامت به او نمی‌نگرد»^۲.

گناهایی که انجام دهندگان خود را لگام می‌کند

لگام افساری است که بر دهان اسب گذاشته می‌شود.

آنان که در روز قیامت افسار آتش در دهانشان انداخته می‌شود - پناه بر خدا - کسانی هستند که مردم مسایل خود را از آنان پرسیده و استفتا می‌کنند و آنان علم را کتمان می‌کنند و آن را به مردم نمی‌آموزند، آن هم با وجود قدرت بر نشر علم دارند و بدون آن که زبانی متوجه آنان گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس از او چیزی پرسیده شود و آن را کتمان کند، روز قیامت با افساری از آتش لگام می‌شود»^۳.

افرادی با خداوند ملاقات می‌کنند در حالی که الله نسبت به آنان خشمگین است

از خشم الله به خود او پناه می‌بریم، و از الله می‌خواهیم بردباری و رحمتش را شامل حال ما گرداند. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس که با سوگند دروغ، مال مسلمان را تصاحب کند، در حالی خدا را ملاقات می‌کند که خدا بر وی، خشمگین است»^۴.

۱- مسند احمد و ابوداود با سند صحیح.

۲- سنن نسایی با سند صحیح.

۳- ابوداود و ترمذی با سند صحیح.

۴- متفق علیه.

ثروتمندان در ناز و نعمت

برخوردار بودن از نعمت‌های خداوند، در صورتی که اعتدال رعایت گردد و در آن اسراف صورت نگیرد، امری مباح و جایز است و چه بسا که آدمی در این کار ماجور می‌گردد اگر شکر نعمت را بجا آورده و خداوند را در قبال آن سپاس گوید. اما مبالغه و زیاده روی در خوردن، نوشیده و اسراف کردن، امری ناجایز و نکوهیده است.

فردی در محضر رسول خدا ﷺ آروغ زد و آن حضرت ﷺ آن را شنید و چنین به نظر رسید که آن را ناگوار دانسته است، از این رو فرمود: «از آروغ زدن باز بیا؛ زیرا آنان که در دنیا بیشتر سیر هستند، در روز قیامت در گرسنگی طولانی‌تری بسر می‌برند»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که در دنیا از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از اجر و پاداش کمتری برخوردار خواهند بود، جز آن که خداوند به او مال عطا کرده و آن را به سمت راست، چپ، پیش رو و عقب پخش کرده و انفاق می‌کند و در آن به خوبی تصرف می‌نماید»^۲.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از جایگاه پایینتری برخوردار خواهند بود، جز آن که به این شکل و به این شکل بدهد (و آن را در میان نیازمندان انفاق نماید) و کسبش پاک باشد»^۳.

حالت خیانت‌گر در روز قیامت

غدر و خیانت از صفات منافقین است و هر گاه فرد منافق وعده‌ای بدهد در آن خیانت می‌کند، و اگر مردم او را امین اموال خود بگردانند یا با او عهد و پیمان ببندند، او غدر و خیانت می‌کند، چنین فردی در روز قیامت رسوا شده و به شدت خوار و ذلیل می‌گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی خداوند در روز رستاخیز اولین و آخرین را در روز قیامت گرد می‌آورد، برای هر خیانت‌کننده‌ای پرچمی را بر می‌افزاید، و گفته می‌شود: این خیانت فلانی است، این خیانت فلانی است.»^۱

۱- سنن ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح، آروغ زدن نشانه‌ی پری معده است.

۲- صحیح بخاری.

۳- سنن ابن ماجه.

بنابراین، خیانتگر کسی است که وعده می‌دهد و به آن وفا نمی‌کند، وعده می‌دهد و خلاف آن عمل می‌کند.

پرچم چیزی است که فرمانده جنگ آن را در میدان جنگ برداشته و دیگر مردم به دنبال او رهسپار می‌گردند.

روز قیامت برای خیانتگر پرچمی برافراشته می‌شود تا واضح گردد که او خیانتکار است و بدین شکل در روز قیامت رسوا می‌گردد و این پرچم در پشت او قرار می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت هر خیانتکاری پرچمی خواهد داشت که در قسمت مقعدش قرار می‌گیرد»^۲.

و هر چند که خیانت بزرگتر باشد، به همان تناسب، پرچم نیز بزرگتر می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت، برای هر خیانتکاری پرچمی خواهد بود که به میزان خیانتش برافراشته می‌شود؛ آگاه باشید! هیچ خیانتگری از امیر عامه مردم بزرگتر نخواهد بود»^۳.

منظور از امیر عمومی، حاکم و فرمانروای مردم است؛ چون ضرر او متوجه انسان‌های زیادی می‌شود و از آن جایی که او صاحب قدرت و اقتدار می‌باشد، نیازی به خیانت نیست، و همچنین اگر او به کسی خیانت کند، آن فرد نمی‌تواند از او انتقام بگیرد، یا حقش را از او باز ستاند؛ چون او دارای قدرت و سلطه است.

این وعید شامل هر رئیسی می‌شود، اعم از این که آن فرد، رئیس کارگران شرکتی باشد، یا مدیر مدرسه یا دانشگاه باشد، یا هر صاحب سلطه‌ای که پس از عقد قراردادها در آنها دخل و تصرف نموده و آنها را به بازی بگیرد.

خیانتکار زمان جاهلیت

عرب‌ها در زمان جاهلیت در موسم حج و در محافلشان، پرچمی را برای خیانتکار بر می‌افراشتند و جنایتکار را با جنایتش در میان مردم می‌چرخاندند، مثلاً اگر کسی دزدی کرده بود او را با آن چیزی که دزدیده بود، در میان مردم می‌چرخاندند، تا رسوا شده و دوباره این کار را انجام ندهد.

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح مسلم.

خیانتگر در اموال غنیمت

خیانت در اموال غنیمت این است که کسی قبل از تقسیم اموال غنیمت در میان مجاهدان، چیزی را بدزدد.

غنیمت، مال و کالایی است که مجاهدان اسلامی پس از پیروزی و غلبه بر دشمن آن را به دست می‌آورند.

خداوند کسانی را که در اموال غنیمت خیانت می‌کنند، تهدید کرده و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْلُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۱]. «و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد، سپس به هر کسی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می‌شود، و بدانان ستم نخواهد شد».

از آن جایی که خیانت در اموال غنیمت، گناهی بسیار بزرگ است، رسول خدا ﷺ به شدت یارانش را از این کار نهی می‌کرد.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ میان ما برخاست و از خیانت در غنیمت، سخن گفت و آن را گناه بزرگی برشمرد و بزرگ دانست و فرمود: «نبینم یکی از شما را در روز قیامت که گوسفندی، بر دوش دارد و آن گوسفند، بع بع می‌کند، یا اسبی بر دوش دارد و آن اسب، شیهه می‌کشد و آن شخص، می‌گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می‌گویم: نمی‌توانم کاری برایت انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.

و نبینم که یکی از شما شتری بر دوش دارد و آن شتر، صدا می‌دهد. و آن شخص، می‌گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می‌گویم: نمی‌توانم کاری برایت انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.

و نبینم یکی از شما را که طلا و نقره بر دوش دارد و می‌گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می‌گویم: نمی‌توانم کاری برایت انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.

و یا نبینم یکی از شما را که قطعه پارچه‌ای بر دوش دارد و آن پارچه، به اهتزاز در می‌آید و آن شخص، می‌گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می‌گویم: نمی‌توانم کاری برایت انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم»^۱.

زیرا همه این افراد دزد و خیانتکارند و هر کدام در حالی می‌آید که آنچه را دزدیده است، بر دوش خود حمل می‌کند و با حمل آن شکنجه می‌بیند و از سنگینی آن خسته می‌شود و از صدای آن وحشت زده می‌شود و با اظهار خیانتش در میان همه مخلوقات رسوا می‌گردد.

برخی از خیانت‌ها عبارتند از:

- خیانت حکام در بیت المال مسلمین.
- خیانت کارمندان در اموال محل کارشان.
- خیانت متولیان امور و مسئولان اموال عمومی.

در این مورد وعیدها و تهدیدهای فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ برخی از صحابه را به باده‌ها و قبایل می‌فرستاد تا اموال زکات را جمع‌آوری نمایند. فردی به نام ابن لثبیه را به سوی قبیلهٔ ازد فرستاد تا اموال زکات را جمع‌آوری کند. او به نزد صاحب شتر و گوسفند می‌آمد و مال زکات را از او دریافت می‌کرد، و صاحب شتر یا گوسفند سهم زکات را به او می‌داد تا آن را به نزد رسول خدا ﷺ ببرد تا آن حضرت ﷺ آن را بین فقرا و نیازمندان تقسیم کند و هدیهٔ خاصی را به ابن لثبیه بدهد.

وی اموال زیادی از قبیل شتر و گوسفند جمع‌آوری نمود و مقداری هدیه برای خود نیز جمع کرد و آن گاه به مدینه آمد و گفت: این‌ها مال شما هستند و این‌ها متعلق به خود من می‌باشند.

در این هنگام رسول خدا ﷺ به خشم آمد که چگونه او برای خود هدیه بر می‌دارد در حالی که او کارمند است و از بیت المال حقوق دریافت می‌کند؟ و اگر دروازهٔ هدیه به روی جمع‌کنندگان زکات باز شود، چه بسا که آنان در شغلشان تساهل و سهل‌انگاری نموده و چه بسا که رشوه بگیرند یا مرتکب خطای دیگری شوند. از این رو رسول خدا ﷺ کاری کرد تا دروازهٔ دریافت هدیه مسدود گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چرا ما برخی از جمع‌کنندگان زکات را برای کاری می‌فرستیم و آنان می‌گویند: این‌ها مال من هستند و این‌ها مال شما؟ پس چرا او در خانهٔ پدر یا مادرش ننشست تا ببیند که آیا برایش هدیه‌ای آورده می‌شود یا خیر؟ سوگند به ذاتی که جان محمد در قبضهٔ اوست، هیچ چیزی را بر نمی‌دارد مگر این که

در روز قیامت در حالی می‌آید که آن را بر گردنش حمل می‌کند، اگر شتری بوده است، و یا گاو و یا گوسفندی، آن حیوان صدا می‌زند و فریاد بر می‌آورد»^۱.

این حدیث بزرگی است و هشدار است برای آنان که از مردم هدیه می‌پذیرند، از قبیل این که معلم از دانش آموز، استاد دانشگاه از دانشجو، کارمند شهرداری، بیمارستان، مسئولین امنیتی و انتظامی از مراجع ذی ربط خود هدیه دریافت کنند.

چرا که همه این موارد رفاقت و دوستی را بین آن دو نفر جلب نموده و باعث ابتعاد و دوری دیگران می‌شود و در این صورت فرد ثروتمند و قدرتمند مورد اکرام و نوازش قرار گرفته و حق ضعیف و تهدیست اهمال می‌گردد.

بنابراین، به هیچ عنوان نباید هدیه را بپذیری در صورتی که تو در جایگاه مسئول و عهده بردار مقام و منزلت قرار داری، مگر این که در روز قیامت در حالی می‌آیی که آن را بر گردنت حمل می‌کنی، و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد.

زمین خوار

امروز ما گرفتار افرادی هستیم که با زور و قدرت زمین‌های مردم یا اراضی عام المنفعه را تصاحب می‌کنند و با مدارک بی‌اساس یا این که با مکر و حيله آنها را در تصرف خود در می‌آورند.

در مورد کسانی که چنین عملی را مرتکب می‌شوند، وعید و تهدید آمده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس، زمین دیگری را به ناحق، تصرف کند، روز قیامت در هفت زمین، فرو برده می‌شود»^۲.

کسی که تکدی‌گری می‌کند، بدون آن که نیاز داشته باشد

تهدیستی که از روی کرامت نفس به خرج روزانه‌اش بسنده می‌کند و به خاطر آبرو و عزت خود از مردم چیزی نمی‌خواهد، و خود را در برابر دیگران ذلیل نمی‌گرداند، بهتر است از کسی که به‌سوی مردم دست دراز می‌کند و از آنان کمک می‌خواهد و شکایت فقر و ناداری‌اش را به نزد دیگران می‌برد.

۱- بخاری و مسلم.

۲- صحیح بخاری.

اما زشتتر و قبیحتر این است که انسان با وجود برخورداری از پوشاک، غذا و نوشیدنی اش به حد کافی، دست نیاز را به سوی دیگران دراز کند.

رسول خدا ﷺ این گونه افراد را از چنین کاری بر حذر داشته و می‌فرماید: «هر کس بدون آن که نیازی داشته باشد، به سوی مردم دست دراز کند، در روز قیامت در حالی می‌آید که پوست چهره‌اش خراش برداشته است.» صحابه پرسیدند: یا رسول الله! چه مقدار داشته باشد که او را از پرسیدن بی‌نیاز می‌کند؟ فرمود: «پنجاه درهم یا قیمت آن از طلا»^۱.

کسی که پایبند نماز نیست

نماز یکی از ارکان و ستون‌های مهم اسلام است، نماز خنکی چشمان موحدان و مایه لذت ارواح محبان است.

نماز عبادتی است که خداوند امر آن را بزرگ نموده و اهل آن را مفتخر گردانیده است.

نماز آخرین چیزی است که از احکام دین و شریعت از میان برداشته می‌شود و آخرین چیزی است که رسول خدا ﷺ توصیه فرمود و نخستین چیزی است که در مورد آن در روز قیامت در بارگاه پروردگار دانا و مقتدر پرسیده می‌شود.

پس ما سپاس می‌گوییم پروردگار عظیمی را که به ما اجازه داده تا در پیشگاه وی بایستیم و با دل‌هایمان به‌سوی او روی آوریم و شکوه نیازهای مان را به درگاه او عرضه نماییم.

نماز، ارتباط و دیدار در میان بنده در زمین و خداوند در آسمان است.

و هر گاه امر مهمی برای آن حضرت ﷺ روی می‌داد، به نماز روی می‌آورد.

نماز به اهل خود در میدان محشر سود می‌دهد، چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر کس بر نماز محافظت کند، نماز برای او نور، برهان و مایه نجات می‌گردد و هر کس بر نماز محافظت نکند، نماز نه برایش نوری خواهد بود و نه برهانی و نه مایه نجات، بلکه حشر وی با فرعون، قارون، هامان و ابی بن خلف خواهد بود»^۲.

۱- سنن ابوداود.

۲- مسند احمد و ابن حبان با اسناد صحیح.

غیبت‌کننده و سخن‌چین

غیبت آن است که کسی را پشت سر چنان یاد کنند که او ناراحت می‌شود. سخن‌چین کسی است که اخبار و سخنان بد مردم را به قصد اختلاف و ایجاد فتنه رد و بدل می‌کند.

این‌ها اموری هستند که عموماً مردم به آن‌ها مبتلا هستند و به سبب آن‌ها فتنه‌های بزرگی برخاسته است.

این افراد از جمله بدترین انسان‌ها هستند و بیشترین سهم ایجاد فتنه و فساد را بر عهده گرفته‌اند؛ چون زبان دورویی دارند که بر حسب هوا و شهوت می‌چرخد و سخن می‌گوید.

این افراد در میدان محشر وضعیتی وحشتناک خواهند داشت، چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا گوشت برادرش را بخورد، در روز قیامت نزدیک کرده می‌شود و به او گفته می‌شود: همان گونه که مرده بود او را می‌خوردی، اکنون که زنده است نیز او را بخور، و او وی را می‌خورد در حالی که چهره‌اش عبوس و ترش است و داد و فریاد می‌زند»^۱.

دورو

انسان دو رو و ذوالوجهین، کسی است که با گروهی با یک رنگ و چهره و با گروهی دیگر با رنگ و چهره‌ای دیگر ملاقات می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا دو رو باشد، در آخرت، دو زبان از آتش خواهد داشت»^۲.

تصویرپردازان

تصویر، انواع و اشکال گوناگونی دارد، و علماً بنابر انواع و اشکال گوناگون آن اختلاف دارند، اما همگی بر حرمت مجسمه‌سازی اتفاق نظر دارند، به ویژه زمانی که مجسمه بزرگان و رهبران باشد.

۱- ادب المفرد بخاری و معجم الاوسط طبرانی با اسناد حسن.

۲- ابوداود با سند صحیح.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسانی که این تصاویر را درست می‌کنند، روز قیامت عذاب و کیفر داده می‌شوند. به آنان گفته می‌شود: زنده کنید، آنچه را که آفریده اید»^۱.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «هرکس، تصویر و مجسمه‌ای بسازد، او را عذاب داده و به او دستور می‌دهند تا در آن، روح بدمد و لی او نمی‌تواند»^۲.

در پایان ...

نجوای قلب...

عمل انسان در دنیا، مسیرش را در قیامت مشخص می‌کند.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

گشایش صحیفه‌ها

در روز رستاخیز نامه اعمال هر فرد به خود او سپرده می‌شود که در آن اعمالی که در دنیا مرتکب شده است ثبت شده‌اند و به او گفته می‌شود: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجاثية: ۲۹]. «این نامه اعمال که دریافت می‌دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می‌کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می‌دادید».

بنابراین،

- نامه اعمال چیست؟
- در آن‌ها چه چیزی ثبت شده است؟
- بندگان آن‌ها را چگونه دریافت می‌کنند؟

در آمد

هر انسانی نامه‌ای دارد که اعمال نیک و بدش در آن ثبت می‌شوند، و این نامه، چنان صحیفه‌ای است که هیچ عمل بزرگ و کوچکی را ترک نمی‌کند مگر این که آن را ثبت می‌کند و این نامه در روز محشر به او داده می‌شود تا آن را بخواند به آن بنگرد. بندگان در شیوه دریافت این نامه متفاوت خواهند بود، چنان که مؤمن پس از حساب و کتاب، نامه اعمالش را از جلو و به دست راست دریافت می‌کند و شاد و خندان به نزد اهلیش باز می‌گردد، اما گناهکاران و منافقان، نام اعمالشان را با دست چپ و از پشتشان دریافت می‌کنند که در این هنگام، برای خود دعای نابودی و هلاکت می‌کنند.

از این رو، پس از آن که بندگان از عملکردشان مورد سؤال و بازپرسی قرار می‌گیرند، نامه اعمالشان چه نیک یا بد گشوده می‌شود. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أُلِّصِقُ نُفُوسُهُمْ﴾ [التکویر: ۱۰]. «و آنگاه که نامه‌های اعمال گشوده می‌شود».

در آن روز هر انسانی مسئول عمل خود بوده و جزای آن را می‌بیند، چه نیک باشد یا بد. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَكُلٌّ لِّنَاسٍ أَلْزَمْنَهُ طَبِيرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ [الإسراء: ۱۳-۱۴]. «ما اعمال هر کسی را به گردنش آویخته‌ایم و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. * (در آن روز بدو گفته می‌شود: کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی».

بنابراین، هر انسانی خود نامه اعمالش را می‌خواند و سرانجامش را می‌داند و از نتیجه و انجام کارش باخبر می‌شود.

گروهی نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می‌کنند

این افراد به آسانی مورد محاسبه قرار می‌گیرند و نجات یافته و شادمان به نزد اهل و خانواده‌شان باز می‌گردند، در حالی که قلبش شادمان و در میان مردم سربلند است. چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْكٌ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾ كُلُوا وَأَشْرَبُوا وَهَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ [الحاقة: ۱۹-۲۴]. «و اما هر کس که نامه اعمالش به دست راست او داده شود، (فریاد شادی سر می‌دهد و) می‌گوید: (آهای اهل محشر بیایید) نامه اعمال خود مرا بگیرید و بخوانید! * آخر من می‌دانستم که (رستاخیزی در کار است و) من با حساب و کتاب خود رویاروی می‌شوم. * پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود. * در میان باغ والای بهشت، جایگزین خواهد شد. * میوه‌های آن در دسترس است. * در برابر کارهایی که در روزگاران گذشته (دنیا) انجام می‌داده اید. بخورید و بنوشید، گوارا باد»!

گروهی نامه اعمالشان را با دست چپ و از پشت سرشان دریافت می‌کنند

این افراد، انسان‌های ذلیل و خار، نابود شده و بدکاری خواهند بود که عمرشان را تباه کرده و آخرتشان را به باد داده‌اند، در این روز در تنگنا قرار گرفته و رویشان در برابر مخلوقات سیاه می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ ﴿٢٥﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿٢٦﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿٢٧﴾ [الانشقاق: ۱۰-۱۲]. «و اما کسانی که از پشت سر نامه اعمالشان بدو داده شود. * مرگ را فریاد خواهد داشت و هلاک خود را خواهد طلبید. * و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ ﴿٢٥﴾ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَةَ ﴿٢٦﴾ يَلَيْتَنِي كَأَنَّ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَةَ ﴿٢٨﴾ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةَ ﴿٢٩﴾﴾ [الحاقة: ۲۵-۲۹]. «و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی‌شد! * و هرگز نمی‌دانستم که حساب من چیست! * ای کاش پایان بخش عمرم، همان مرگ بود و بس! * دارایی من، مرا سودی نبخشید، و به درد (بیچارگی امروز) من نخورد. * قدرت من، از دست من برفت».

رسول خدا ﷺ حال و وضع مؤمن را در آن روز توصیف نموده و می‌فرماید: «آن گاه نامه نیکی‌هایش به دست راست او داده می‌شود، اما منافق و کافر در حضور همه مخلوقات فریاد می‌زند: ﴿هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [هود: ۱۸]. «اینان بر پروردگار خود دروغ بسته‌اند. هان! نفرین خدا بر ستمگران باد»!

عدالت...

«این (نامه اعمال که دریافت می‌دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می‌کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می‌دادید». جاثیه : ۲۹.

عرض و حساب اعمال

هرگاه بندگان نامه اعمالشان را دریافت کنند، آن گاه عرض اعمال و حساب آن آغاز می‌گردد، و به دنبال آن وزن اعمال و گذشتن از پل صراط، و راهی شدن به سمت بهشت یا دوزخ روی می‌دهد. در این لحظه عرضه داشتن صورت می‌گیرد.

بنابراین،

- عرضه داشتن یعنی چه؟
- چه چیزی عرضه می‌شود؟
- بنده در هنگام عرض چه حالتی خواهد داشت؟

درآمد

عرضه داشتن دو معنی دارد:

۱- عرضه شدن همه مخلوقات به بارگاه خداوند،

در این عرضه شدن نه حسابی در کار خواهد بود و نه مناقشه‌ای در اعمال، بلکه فقط در برابر رب العالمین خواهند ایستاد، بنابراین، همه مخلوقات، اعم از جن، انسان، حیوانات و... به همان شکلی که آفریده شده‌اند، عرضه می‌شوند و هیچ چیزی از آنان بر خداوند پنهان نخواهد بود.

چنان که خداوند فرموده است: ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸]. «در آن روز (برای خداوند) نموده می‌شوید، و چیزی از کارهای نهانیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَعُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا﴾ [الكهف: ۴۸].. «مردمان (برای حساب و کتاب) صف صف به پروردگارت عرضه می‌شوند (و ایشان را صدا می‌زنیم: ای مردمان!) به همان شکل و هیئتی که نخستین بار شما را آفریده بودیم، به پیش ما برگشته اید. شما گمان می‌بردید که هرگز موعدی برای شما ترتیب نمی‌دهیم».

۲- عرض و حساب

در این عرضه داشتن، اعمال مورد مناقشه قرار می‌گیرند و از بندگان پرسیده خواهد شد که چه پاسخی به پیامبران داده‌اید؟ چه اعمالی را در دنیا انجام داده‌اید؟ اینها لحظات سختی برای بندگان خواهند بود، در این هنگام قدم‌ها می‌لغزند و کودکان پیر می‌شوند و زبان‌ها بند می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿۲۵﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿۲۶﴾ [الغاشية: ۲۵-۲۶]. «مسئلاً بازگشت آنان (پس از مرگ و رستاخیز) به سوی ما خواهد بود. * آن گاه حساب (و کتاب و سروکار) ایشان با ما خواهد بود».

معنای حساب

حساب یعنی شمار کردن، و عدالت خداوند متقاضی است که بندگان در روز رستاخیز مورد محاسبه قرار گیرند؛ از این رو کسی که عمل نیک انجام داده و خود را به الله نزدیک کرده است، با کسی که نافرمانی نموده و طغیان پیشه کرده است، یکسان نخواهند بود، اعمال همگی شمرده شده و کردارشان رصد می‌شود.

انواع حساب در روز رستاخیز

مردم در نوع محاسبه‌شان متفاوت خواهند شد، چنان که برخی بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، و عده‌ای به آسانی از آنان محاسبه خواهد شد و حساب برخی سخت خواهد شد.

- برخی از آنان کسانی خواهد بود که بدون حساب راهی بهشت می‌شوند و تعداد آن‌ها هفتاد هزار نفر خواهد بود، این افراد برگزیدگان این امت در صبر، تقوا، ایمان و جهاد خواهند بود.

رسول خدا ﷺ در مورد این گروه می‌فرماید: امت‌ها در محشر بر من عرضه شدند، و من امتم را دیدم که کثرت و هیئت آنان مرا در شگفت وا داشت، آنان دشت‌ها و کوه‌ها را پر کرده بودند. خداوند فرمود: ای محمد! راضی شدی؟ من گفتم: بله ای بار خدایا! الله متعال فرمود: با این‌ها هفتاد هزار نفر دیگر خواهد بود که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، آن‌ها کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی‌خواهند، داغ نمی‌کنند».

عکاشه بن محسن گفت: ای رسول خدا! از الله بخواه تا مرا از آنان قرار دهد، آن حضرت ﷺ فرمود: «خدایا! او را از آنان قرار بده».

مردی دیگر برخاست و گفت: از الله بخواه تا مرا از آنان قرار دهد، رسول خدا ﷺ فرمود: فرمود: «در این باره، عکاشه از تو سبقت گرفت»^۱.

لذا این‌ها هفتاد هزار نفر خواهند بود که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند و مانند دیگران مورد مذاقه و بازپرسی قرار نمی‌گیرند، از الله می‌خواهیم تا ما را از آنان قرار دهد. آمین.

• برخی دیگر از آنان گروهی خواهند بود که در اعمالشان مورد محاسبه قرار می‌گیرند، اما حسابشان آسان خواهد بود بدون این که در آن مناقشه و مذاقه‌ای باشد، بلکه فقط اعمالشان به آنان عرضه خواهد شد و خداوند از آنان درگذر می‌فرماید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت خداوند مؤمن را نزدیک می‌کند، و الطاف و عنایاتش را متوجه او می‌گرداند و پرده‌اش را می‌پوشاند و آن گاه به او می‌گوید: آیا این گناه را می‌شناسی؟ می‌گوید: بلی ای رب! تا این که از گناهانش از او اعتراف می‌گیرد، مؤمن در قلبش گمان می‌برد که نابود شده است، اما خداوند می‌فرماید: من در دنیا پرده‌ات را پوشیدم، امروز نیز تو را می‌بخشم، آن گاه نامهٔ نیکی‌هایش را به او می‌سپارد»^۲.

مؤمن باید در دعایش از الله بخواهد تا خداوند حسابش را بر می‌سبک بگرداند و بگوید: خدایا! حسابم را آسان بگردان.

چنان که مادرمان عایشه می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در نمازش این‌گونه دعا می‌کرد: «خدایا! به آسانی از من حساب بگیر»، وقتی آن حضرت ﷺ از نمازش فارغ شد، من عرض کردم: ای پیامبر خدا! حساب آنان چیست؟ فرمود: «این که به کتابش نگاه شود و سپس از او در گذر شود»^۳.

از الله می‌خواهیم تا حساب ما را آسان بگرداند و با بخشش و حلمش با ما معامله کند. آمین.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- مسند احمد با سند صحیح.

• برخی دیگر از آنان این افراد کسانی هستند که حسابشان سخت بوده و مورد توبیخ قرار می‌گیرند و نامه اعمالشان مورد مناقشه و مذاقه قرار می‌گیرد؛ چرا در نماز کوتاهی کردی؟ زکات مالت را چگونه پرداختی؟ نافرمانی والدین، حقوق بندگان و... در این نوع حساب بنده عذاب می‌بیند و گرفتار استرس و ترس و واهمه می‌شود.

چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هرکس که محاسبه شود، هلاک می‌گردد». عایشه می‌گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر نه این است که خداوند فرموده است: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿۸﴾ [الانشقاق: ۷-۸]. «در آن وقت، هرکس نامه اعمالش به دست راستش داده شود. * با او حساب ساده و آسانی خواهد شد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «این عَرْضَةُ اعمال است، ولی اگر حساب دقیق به عمل آید، هلاک می‌گردد».^۱

منظور از عذاب در این حدیث، عذاب دوزخ نیست، بلکه مراد ترس و وحشتی است که دامنگر وی شده و رسوایی رویت گناهان و ذلت یادآوری اعمال بدش است.

• برخی دیگر از آنان کسانی‌اند که به سبب کثرت و سنگینی گناهان، یا اصرارشان بر گناه و ارتکاب آشکارشان به معصیت، یا به سبب نیت‌های فاسد، حسابشان طولانی و سخت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین کسی که در روز قیامت بر او حکم می‌شود، مردی است که شهیده شده و آورده می‌شود و خداوند نعمت‌های خود را به او می‌شناساند و او هم آن را می‌شناسد.

الله تعالی می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می‌گوید: در راه تو جنگیدم تا شهید شدم.

الله تعالی می‌فرماید: دروغ گفتی، بلکه تو جنگیدی تا گفته شود که او با جرأت است و گفته شد. پس در مورد وی دستور صادر شده و وی چهره‌اش کشانده شده به دوزخ انداخته می‌شود.

و دوم مردی که علم آموخته و آن را تعلیم داده و قرآن خوانده است. او آورده می‌شود و الله نعمت‌هایش را به او می‌شناساند و او هم آن‌ها را می‌شناسد. خداوند می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می‌گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضای قرآن خواندم. الله تعالی می‌فرماید: دروغ گفתי، بلکه تو بدان جهت علم آموختی تا گفته شود که عالم هستی و قرآن خواندی تا گفته شود، قاری هستی، چنین نیز گفته شد. سپس در مورد وی دستور داده می‌شود تا به چهره‌اش کشانده شده و به دوزخ انداخته می‌شود. سوم مردی که خداوند به وی روزی فراخ داده و از انواع مال به وی ارزانی داشته است، وی آورده می‌شود و الله آن‌ها را به وی می‌شناساند و او هم آن‌ها را می‌شناسد. الله تعالی می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می‌گوید: هیچ راهی را که دوست داشتی در آن خرج شود، نگذاشتم، مگر اینکه در آن برای رضای تو خرج کردم.

خداوند می‌فرماید: دروغ گفתי! بلکه تو بدان جهت چنین کردی تا گفته شود که سخی است و گفته شد و در مورد وی دستور داده می‌شود و بر چهره‌اش کشیده شده و به دوزخ انداخته می‌شود»^۱.

آیا همه مؤمنان مورد محاسبه قرار می‌گیرند؟

خداوند یک گروهی را استثنا نموده و آن‌ها را مورد محاسبه قرار نمی‌دهد. رسول خدا فرمود: هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، آن‌ها کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی‌خواهند، فال نمی‌گیرند، و به پروردگارشان، توکل می‌نمایند»^۲.

۱- صحیح مسلم.

۲- منق علیہ. تعویذ و دم خواستن جایز است، اما در حدیث به این مطلب تشویق شده است که انسان خودش را با اوارد و وظایف دم کند، زیرا این کار افضلتر است، چون بنده با این کارش به الله توکل می‌نماید و چون هر گاه رسول خدا ﷺ دچار بیماری می‌شد، خودش را دم می‌کرد، و وقتی بیماری‌اش شدت یافت، عایشه دعا می‌خواند برای حصول برکت با دست‌ان حضرت ﷺ می‌مالید.

مراد از این که فال بد نمی‌گیرند، یعنی به هیچ چیزی اعم از دیدنی، شنیدنی، چشیدنی و بوییدنی فال بد نمی‌گیرند؛ زیرا عربها عادت داشتند که با پرندۀ فال می‌گرفتند و اگر چنانچه

و در روایت دیگری آمده است: «با هر هزار نفر، هفتاد هزار نفر همراه خواهد بود»^۱.

قانون محاسبهٔ بندگان

هنگامی که بندگان در برابر فرمانروای عالم در آن صحنهٔ وحشتناک، پای لخت و بدون کفش، جمع شده و حضور می‌یابند، و با پای پیاده بدون این که سوار چیزی باشند، حرکت می‌کنند، و بدن‌هایشان بدون این که چیزی پوشیده باشند، لخت خواهد بود، و بدون این که ختنه باشند، همان گونه که از مادر زاییده شده بودند، به بارگاه الله می‌رسند.

صحنه‌ای بسیار وحشتناک خواهد بود، چشمان نافرمانان خیره شده و دل‌های گردنکشان مضطرب و مستکبران ذلیل می‌گردند، چشمانشان به این سمت و آن سمت نمی‌نگرد و دل‌هایشان آرام نمی‌گیرد. چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ عَنفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾ مَهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْعِدْتُهُمْ هَوَاءَ ﴿٤٣﴾﴾ [ابراهیم: ۴۲-۴۳]. «گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است. (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالت می‌کند که چشم‌ها در آن (از شدت خوف و هراس) باز می‌ماند. * (ستمگران در اثر هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندا دهنده) می‌شتابند و چشمانشان (از مشاهدهٔ عذاب) فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد».

آری! چشمانشان فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد».

چه هول و هراس بزرگی!!

مرغ به سمت چپ پرواز می‌کرد، فال بد و شوم می‌گرفتند، در حالی که فال گرفتن حرام است و جایز نیست که کسی به روز، ماه یا چهره فال بگیرد.

مراد از این که بر پروردگارشان توکل می‌کنند، یعنی در تمام کارهایشان بر خداوند یکتا و یگانه اعتماد می‌کنند و هر کس بر الله توکل نماید، خداوند او را کفایت می‌کند و هر کس را که الله کفایت کند، او را در برابر هر چیزی حفاظت می‌کند و برایش کافی می‌شود.

۱- مسند احمد و ترمذی با سند صحیح.

بلکه دل‌ها به حنجره می‌رسد. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَذْقَانِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينٍ﴾ [غافر: ۱۸]. «آنان را از روز نزدیک بترسان (که قیامت است). آن زمانی که دل‌ها (از شدت وحشت) به گلوگاه می‌رسند (و از شدت بغض)، خاموشند و چیزی نمی‌گویند».

این زمین عوض می‌شود، کوها از بین می‌روند، آسمان (همچون پوست حیوان) برکنده می‌شود، ستارگان تیره شده و از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند، دریاها آتش می‌گیرند، خورشید بی‌نور می‌گردد، فرشتگان با عظمت در رعب و وحشت بسر می‌برند، و برای پیامبران تعیین وقت می‌گردد (تا برای ادای شهادت بر ملت خود، حاضر شوند).

همگی در دادگاه بزرگ، محکمه قیامت می‌ایستند، آن‌گاه که دل‌ها به گلوگاه می‌رسد، و خورشید به انسان‌ها نزدیک می‌شود، و وضعیتی بسیار سخت و دشوار در برابر الله تعالی خواهند داشت!

دادگاهی که در آن دشمن کینه توز حضور می‌یابد، و گواهان نیز حاضر می‌شوند، نامه‌های اعمال گشوده می‌شود، و عذرها و بهانه‌های بیکار می‌مانند، دل‌ها به وحشت افتاده و زبان‌ها اعتراف می‌کنند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱]. «و از (عذاب و عقاب) روزی بپرهیزید که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید؛ سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می‌شود، و به آنان ستم نخواهد شد».

به هنگام اندیشیدن در آیات قرآن و احادیث پیامبر به اصول و قواعد عمومی‌ای دست پیدا می‌کنیم که از خلال آن‌ها بنده مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

قاعده اول: عدالتی کامل که هیچ ستمی با آن همراه نخواهد بود

زیرا پروردگار کریم ما عادل است و به کسی ستم روا نمی‌دارد.

خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۱]. «سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می‌شود، و به آنان ستم نخواهد شد».

و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾ [النساء: ۴۰]. «خداوند هرگز به اندازه ذره‌ای ستم نخواهد کرد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۴]. «کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند و کمترین ستمی بدانان نمی‌شود».

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند تعالی فرمود: ای بندگانم من ظلم و ستم را بر خویش حرام کردم، آن را نیز در میان شما حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگانم همه شما گمراهید، جز آن که من او را هدایت کرده‌ام، پس از من هدایت بطلبید تا شما را هدایت کنم!».

ای بندگانم همه شما گرسنه‌اید، مگر آن که من او را غذا بدهم، پس از من بخواهید تا به شما غذا بدهم.

ای بندگانم! همه شما برهنه‌اید، مگر کسی که من او را بپوشانم، پس از من بخواهید تا من شما را بپوشانم!».

ای بندگانم! شما شب و روز خطا می‌کنید و من همه گناهان را می‌آمرزم، از من آمرزش بخواهید، تا شما را بیامرزم!».

ای بندگانم! شما به من قدرت ضرر رساندن ندارید تا به من ضرر برسانید و هم شما قدرت نفع رساندن به من را ندارید تا به من نفع رسانید!

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر پرهیزگارترین قلب یک مرد جمع شوید، این امر به مُلک من چیزی نمی‌افزاید! و اگر اول و آخر و انس و جن شما بر عاصی‌ترین قلب یک مرد جمع شوید، این هم به مُلک من نقصی وارد نمی‌کند!».

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر یک جا بایستند و از من درخواست کنند و آنگهی به هر فرد، خواسته‌اش را بدهم از آنچه در نزد من است، کم نمی‌کند، جز به اندازه‌ای که یک سوزن که در دریا فرو شود و از آب دریا کم نماید!».

ای بندگانه، همانا این اعمال شمامست که آن را بر می‌شمارم و شما را به نتایج آن می‌رسانم، پس کسی که خیری یافت، باید حمد و ثنای حق تعالی را بجا آورد، و اگر کسی غیر از این را یافت، باید جز خویش کسی را ملامت نکند»^۱!

قاعدهٔ دوم، هیچ کس به گناه دیگری مواخذه نمی‌شود

آری، مقتضای عدالت آن است که هر فرد مسئول عملکرد خودش باشد، و هیچ کس به گناه و ستم دیگری مواخذه نگردد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ [الأنعام: ۱۶۴]. «هیچ کسی جز برای خود کار نمی‌کند، و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد».

و نیز فرموده است: ﴿مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ [الإسراء: ۱۷]. «هر کس (به راه حق) هدایت یابد، راهیابی‌اش به سود خودش است، و هرکس (از راه حق) گمراه شود، گمراهیش به زیان خودش است. و هیچ کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد».

و نیز فرموده است: ﴿أَمْ لَمْ يُتَّبِعْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ وَفَّاءُ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ [النجم: ۳۶-۴۱]. «آیا بدانچه در تورات موسی بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟ * یا از آنچه در صحف ابراهیم بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟ ابراهیمی که (وظیفهٔ خود را) به بهترین وجه ادا کرده است. * (در صحف ایشان آمده است) که هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد. * و این که برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است. * و این که قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد. * سپس (در برابر کارش) سزا و جزای کافی داده می‌شود».

وقتی انسان فقط در قبال عملکرد خودش مواخذه نخواهد شد، پس پاسخ این آیه چیست که خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾ [النحل: ۲۵]. «آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را (به سبب پیروی نکردن از پیغمبر) به تمام و کمال بر دوش کشند، و هم

برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون (دلیل و برهان و) آگاهی گمراه ساخته‌اند. هان! (ای مردمان! بدانید که آنان) چه بار گناهان بدی را بر دوش می‌کشند؟! و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ﴾ [العنکبوت: ۱۳]. «آنان بارهای سنگین خود را بر دوش می‌کشند، و بارهای سنگین دیگری را افزون بر بارهای سنگین خودشان».

بنابراین، خداوند در این آیات خبر داده‌اند که آدمی با وجود گناهان خود، بار گناهان دیگران را نیز بر خود حمل خواهد کرد، پس راه حل این تعارض چیست؟ پاسخ: هر گاه انسان برای گمراه ساختن دیگران تلاش نماید و عمداً سبب گردد تا فردی را فاسد نموده و آن فرد شراب بنوشد، یا راه فساد را برایش هموار سازد، یا ارتباط و همنشینی با زنان بیگانه را برایش زیبا جلوه دهد، این فرد در قبال این تشویق‌ها و به فساد کشیدن‌های آن انسان مواخذه می‌گردد و مانند بار گناه انجام دهنده نیز بر دوش خود گناه حمل می‌کند.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مردم را به سوی هدایتی فرا خواند، برای او مانند پاداش کسانی که از او پیروی می‌کنند، داده می‌شود بدون این که از پاداش آنان چیزی کاسته شود. و هر کس مردم را به سوی گمراهی فرا خواند، برای او مانند گناه کسانی که از او پیروی کرده‌اند، خواهد رسید بدون این که از گناه آنان چیزی کاسته شود»^۱.

آری، هر کس مردم را به گمراهی و فساد بکشد، گناه خود و آنان را بر دوش خواهد کشید، همان‌گونه که اگر کسی مردم را به سوی خیر و خوبی فرا خواند، مانند پاداش آنان را دریافت خواهد کرد، و این جزایی کامل است. پس پاک است دادگر عدالت گستر و ذات با شکوه و با عظمت.

قاعده سوم: آگهی یافتن بندگان از اعمالی که از پیش فرستاده‌اند

هیچ چیزی بر پروردگار با عظمت و جلالمان مخفی نمی‌ماند، و نامه‌های اعمال، همه اعمال نیک و بد را در خود ثبت می‌کنند، و آنان همه عملکردشان را در نزد خود حاضر می‌بینند.

خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾ [آل عمران: ۳۰]. «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایهٔ سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصلهٔ زیادی می‌بود».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾ [الانفطار: ۵]. «آن‌گاه هر کسی می‌داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده است، و چه چیزهایی را واپس نهاده است و بر جای گذاشته است.»

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَوَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۴۹]. «آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند.»
زمانی بندگان از عملکرد خود اطلاع می‌یابند که نامه‌های اعمالشان را دریافت می‌کنند و محتوای آنها را مطالعه می‌نمایند.

که خداوند می‌فرماید: ﴿وَكُلٌّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا﴾ [۱۳-۱۴]. «اعمال هر کسی را (همچون گردن بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. * (در آن روز بدو گفته می‌شود): کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی».

این کتاب، که همان نامهٔ اعمال باشد، همهٔ اعمال بزرگ و کوچک را بر شمرده و در خود جای داده است، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۴۹]. «و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می‌شود (و مؤمنان از دیدن آن شاد و خندان می‌گردند) و بزهکاران (کفر پیشه) را می‌بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می‌شوند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را بر شمرده است و آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند.»

قانون چهارم: نیکی‌ها افزوده می‌گردند، اما بدی‌ها خیر

از فضل فرمانروای کریم و محسن نسبت به بندگان این است که رحمتش بر خشمش سبقت برده است، و عفو و بخشش‌اش بر کیفرش غالب شده است و بردباری و گذشت از بندگان، در نزد وی از کیفر و عذاب محبوب‌تر و پسندیده‌تر است.

از این رو خداوند به انجام نیکی بنده شادمان شده و آن را چندین برابر افزایش می‌دهد و از بدی ناراحت می‌شود، اما آن را افزایش نمی‌دهد، بلکه آن را می‌آمزد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ

لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۷﴾ [التغابن: ۱۷]. «اگر به خدا قرض الحسنه‌ای بدهید، آن را برایتان چندین برابر می‌سازد، و شما را می‌آمزد. خداوند سپاسگزار و بردبار است.»

کمترین افزایشی که در نیکی انجام خواهد گرفت، ده برابر خواهد بود. خداوند

می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ [الأنعام: ۱۶۰]. «هر کس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست کم) ده برابر دارد.»

اما جزای بدی به همان اندازه خود بدی خواهد بود. چنان که الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ جَاءَ بِالْسَيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۶۰]. «و هر کس

کار بدی کند، پادافره او (به سبب عدل و داد یزدان) جز همسنگ و همسان آن داده نمی‌شود و به ایشان ظلم و ستم نمی‌گردد.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا پروردگارتان ذات مهربانی است، هرکس، اراده نماید

که کار نیکی انجام دهد ولی آن را عملی نکند، خداوند برای او نزد خودش، یک نیکی کامل، ثبت می‌نماید. و اگر آن انجام دهد، خداوند نزد خود، ده تا هفت صد نیکی و

چندین برابر بیشتر از این، برایش ثبت می‌نماید. و هرکس، قصد انجام عمل بدی را بکند و آن را عملی نسازد، خداوند، یک نیکی کامل، نزد خود، برایش ثبت می‌کند. و

اگر مرتکب آن شود، خداوند برایش یک بدی، ثبت می‌نماید یا آن را محو می‌گرداند و جز فرد نابود شونده کسی در برابر الله تبار و هلاک نخواهد شد»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند عزوجل می‌فرماید: هر کس عمل نیکی انجام

دهد به او ده برابر یا افزونتر پاداش کی دهم و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس

جزای بدی برابر آن برای اوست، و یا او را می‌بخشم، و هر کس یک وجب با من نزدیک شود، من به او یک دست نزدیک می‌شوم و هر کس به اندازه یک دست به من نزدیک شود، من به اندازه دو دست به او نزدیک می‌گردم، هر کس پیاده به سوی من بیاید، من شتابان به سوی او می‌روم»^۱.

و نیز الله تعالی گاهی از فضل خودش برخی نیکی‌ها را به هفتصد برابر و یا بیشتر افزایش می‌دهد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۱]. «مثل کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه بر آرد و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می‌گرداند، و خدا (قدرت و نعمتش) فراگیر (و از همه چیز) آگاه است».

قاعده پنجم: اقامه شهود

در دادگاه حسابرسی و دریافت جزای قیامت، گواهان حضور می‌یابند، این گواهان افرادی هستند که در دنیا با بندگان همراه بوده و هرگز از او جدا نبوده‌اند، در حالی که انسان متوجه آن‌ها نیست و آن‌ها را با خود احساس نمی‌کند. آن گواهان، فرشتگان محافظ و نویسندگان و اعضای بدن انسان خواهند بود که در روز قیامت به نفع او یا علیه وی گواهی می‌دهند. آری، اگر عمل نیکو انجام داده است، به نفع او و اگر عمل بد انجام داده است، بر علیه او گواهی می‌دهند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [یونس: ۶۱]. «ای پیغمبر! تو به هیچ کاری نمی‌پردازی و چیزی از قرآن نمی‌خوانی، و (شما ای مؤمنان!) هیچ کاری نمی‌کنید، مگر این که ما ناظر بر شما هستیم، در همان حال که شما بدان دست می‌یازید و سرگرم انجام آن می‌باشید. و هیچ چیز در زمین و در آسمان از

پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، چه ذره‌ای باشد و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن، (همهٔ اینها) در کتاب واضح و روشنی (در نزد پروردگارتان) ثبت و ضبط می‌گردد».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۳۳]. «بی‌گمان خدا بر هر چیزی حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و کردار شما) بوده است».

و خداوند از رسولان و از مخلوقاتش، هر کسی را که بخواهد، بر بندگانش می‌فرستد، چنان که خداوند از گواهی پیامبران بر اقوامشان خبر داده و می‌فرماید: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱]. «(ای محمد! حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملتی گواهی (از پیامبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم؟»

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ [القصص: ۷۵]. «(در آن روز، ما) از هر امتی گواهی (از میانشان) بیرون می‌کشیم و (به پیش خود احضار می‌کنیم، و خطاب به مشرکان) می‌گوییم: دلیل خود را (بر شرک و کفر دنیوی) بیاورید».

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ [اق: ۲۱]. «(در آن روز هر انسانی همراه با راهنما و گواهی می‌آید)».

و نیز انشیای دیگری که گواهی می‌دهند:

زمین: هر آنچه بر روی آن انجام گیرد، بازگو خواهد کرد: ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾ [الزلزلة: ۴]. «(در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند)».

شب و روز: چنان که هر چه در آنها انجام گیرد، گواهی خواهند داد.

مال و سرمایه: بر علیه صاحبش گواهی می‌دهد که آن را از چه راهی به دست آورده و کجا خرج نموده است.

فرشتگان: هر آن چه را که بندگان انجام می‌دهند، گواهی می‌دهند.

اگر چنانچه بنده چیزی از اعمالش را انکار نماید:

در روز رستاخیز، بندگان برخی از اعمالی را که در نامه‌های اعمال درج شده‌اند انکار نموده و چنین می‌پندارند که آن اعمال را مرتکب نشده‌اند و هرگاه آدمی در

انکارش اصرار ورزد، و گواهانی را که علیه او گواهی می‌دهند، انکار نماید، خداوند بر دهانش مُهر می‌زند و به اعضا و اندام‌هایش دستور می‌دهد تا سخن گویند و آنان از اعمالی که انسان مرتکب گشته است، خبر می‌دهند! آن لحظه، لحظه‌ای بسیار دشوار و شرم آور خواهد بود!

دست می‌گوید: من به چیز حرام دست زده‌ام و پا می‌گوید: من به سوی حرام حرکت کرده‌ام، چشم می‌گوید: من به سوی حرام نگریسته‌ام و گوش می‌گوید: من به حرام گوش داده‌ام و به همین ترتیب، بینی، پوست و... آآه، خدایا، بر ما لطف نموده و سترهایمان را ببوشان.

خداوند می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یس: ۶۵]. «امروزه بر دهان‌هایشان مهر می‌نهم، و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که انجام می‌داده‌اند و) چیزهایی که فراچنگ می‌آورده‌اند، گواهی می‌دهند».

ابوموسی اشعری می‌گوید: در روز قیامت انسان کافر و منافق برای حسابرسی آورده می‌شود و خداوند عملش را بر وی عرضه می‌داد و او آن را انکار می‌نماید و می‌گوید: خدایا! به عزّت و جلالت سوگند که این فرشته چیزی را علیه من ثبت نموده است که من آن را انجام نداده‌ام، آن گاه فرشته می‌گوید: آیا تو در فلان روز در فلان جا، فلان عمل را انجام ندادی؟ می‌گوید: خدایا! به عزّت تو سوگند که من آن عمل را انجام نداده‌ام، وقتی چنین انکار می‌کند، بر دهانش مُهر زده می‌شود و آن گاه اعضایش به سخن در می‌آیند، آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ﴾

رسول خدا فرمود: «بنده می‌گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی‌دهی؟ الله می‌فرماید: بلی، بنده می‌گوید: خدایا! من جز گواهی خودم، گواهی کسی دیگر را نمی‌پذیرم، خداوند می‌فرماید: امروز گواهی خودت برای خودت و گواهی فرشتگان گرامی قدر کافی است، آن گاه بر دهانش مُهر زده می‌شود و به اعضایش گفته می‌شود: سخن بگویند: آنها نیز اعمالی را که مرتکب شده‌اند، بازگو می‌کنند. آن گاه دهانش گشوده

می‌شود تا سخن بگوید و در این هنگام او به اعضایش می‌گوید: دوری و نفرین بر شما باد، من به خاطر شما دفاع می‌کردم»^۱!

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [فصلت: ۲۰]. «هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های ایشان بر کارهایی که (در دنیا) می‌کرده‌اند، گواهی می‌دهند».

اموری که بندگان از آن‌ها سؤال خواهند شد

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: ۲۴]. «نگاهشان دارید که اینک مورد بازخواست قرار می‌گیرند».

آری، بندگان از اعمال، نیت‌ها و گفتارهایشان مورد بازخواست قرار می‌گیرند، و نیز در نصوص از اشیایی ذکر شده است که بندگان از آن‌ها مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند.

بزرگ‌ترین گناه، شرک

بزرگ‌ترین گناه نزد الله تعالی این است که بنده برای خداوند شریک قرار دهد و خداوند هرگز شرک را نمی‌بخشد، چنان که در این آیه فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۴۸]. «بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هر کس که خود بخواهد می‌بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.»

و در آن روز معبودان از عبادت‌گزارانشان بی‌زاری می‌جویند و خداوند مشرکین را توبیخ نموده و آنان را تفریح می‌کند. چنان که الله می‌فرماید:

﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: ۹۲-۹۳].

«و بدیشان گفته می‌شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آن‌ها را عبادت می‌کردید؟ * (معبودهای) غیر از خدا. آیا آن‌ها (در برابر این شدائد و سختی‌های که

اکنون با آن روبرو هستید و هستند) شما را کمک می‌کنند تا خویشتن را یاری می‌دهند»؟

و نیز الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [القصص: ۷۴]. «روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: انبازهایی که برای من گمان می‌بردید کجایند؟!».

و نیز آنان که به نام غیر الله، از قبیل بت یا قبر، حیوان را ذبح می‌کنند، مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ﴾ [النحل: ۵۶]. «(کافران) برای بت‌هایی که چیزی نمی‌دانند (زیرا که جمادند)، بهره‌ای (از حیوانات) که ما بدیشان داده‌ایم قرار می‌دهند، به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتان‌ها بازپرسی خواهید شد».

بنده از هر عملی که در دنیا انجام می‌دهد، پرسیده می‌شود

بنده از اعمال نیک یا بدی که در دنیا انجام می‌دهد، سوال خواهد شد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۹۲﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الحجر: ۹۲-۹۳]. «به پروردگارت سوگند! که حتماً از جملگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد. * از کارهایی که (در دنیا) می‌کرده‌اند».

آری، همگی مورد بازخواست قرار می‌گیرند، فقیر و ثروتمند، فرمانروا و امیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، برده و آزاد، همگی از عملکردشان سؤال خواهند شد.

حتی پیامبران در مورد پیروان، و پیروان در مورد پیامبرانشان سوال خواهند شد.

چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿۶﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿۷﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿۹﴾﴾ [الأعراف: ۶-۹]. «(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که

پیامبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر؟) و حتماً از پیامبران هم می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده اید؟). * مسلماً (اعمال همه را) آگاهانه برای آنان شرح می‌دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده‌ایم * سنجش درست (و دقیق اعمال) در آن روز انجام می‌گیرد. پس هر که (کفه حسنات) ترازوی او

سنگین شود (و برکفه سیئات او رحجان پذیرد) این چنین کسانی رستگارند. * و کسی که (کفه حسنات او از کفه سیئات) ترازوی او سبک شود، این چنین کسانی که به سبب پیوسته انکار کردن آیات ما (سرمايه وجود) خود را از دست داده‌اند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت تا لحظه‌ای قدم‌های بنده می‌خکوب است که از عمرش پرسیده شود آن را در کدام راه صرف نموده و از علمش که چگونه بر آن عمل کرده و از مالش که آن را از کدام راه به دست آورده و به کدام راه صرف نموده و از بدنش که آن را در کدام راه پیر کرده است»^۱.

از نعمت‌هایی که برخوردار بوده است، پرسیده می‌شود

خانه‌های وسیع، ماشین‌های فاخر، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، لباس‌های نرم، خدمتگزاران و زیردستان، شکم‌های پر، آب سرد، سایه‌های منازل، اندام‌های زیبا، لذت خواب، و حتی از نوشیدن عسل.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ [النکات: ۸]. «سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین سوالی که در روز قیامت از بنده می‌شود، این است که آیا ما به تو جسم سالم و تندرست عطا نکردیم و تو را از آب سرد برخوردار نکردیم»^۲؟

بنابراین، برای بنده مناسب نیست که چیزی از نعمت‌ها را تحقیر نماید. فردی از عبدالله بن عمرو پرسید: آیا ما از فقرای مهاجرین نیستیم؟ عبدالله گفت: آیا همسری نداری که در کنارش آرام می‌گیری؟ گفت: بلی، پرسید: آیا خانه‌ای نداری که در آن سکنی می‌گزینی؟ گفت: بلی، عبدالله گفت: پس تو از ثروتمندان هستی؟ آن فرد گفت: من خدمتکاری هم دارم، عبدالله گفت: پس در این صورت تو از شاهان هستی»^۳.

۱- سنن ترمذی.

۲- سنن ترمذی.

۳- عمدة التفسیر احمد شاکر با اسناد صحیح، ۶۵۷/۱.

آدمی از نعمت چشم، گوش و قلب پرسیده می شود

انسان‌ها در نوع نعمتها، توانایی‌ها و حواسشان متفاوت هستند، و هر چند که توانایی بنده بیشتر باشد، حسابش دقیقتر و باریکتر می شود. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶]. «از چیزی دنباله روی مکن که از آن ناآگاهی. بی گمان چشم و گوش و دل همه مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد».

قتاده می گوید: وقتی ندیده‌ای، مگو: دیدم، و وقتی نشنیده‌ای، مگو: شنیدم، و ندانسته‌ای، مگو: دانستم؛ زیرا الله تو را از همه این موارد بازخواست می کند^۱.

کدام امت قبل از همه مورد محاسبه قرار می گیرد؟

پس از آن که در روز قیامت انتظار مردم طولانی شده و همگی در ترس و وحشت بسر می برند، و دوزخ را در جلو خویش می بینند، انبیا نیز در رعب و وحشت قرار داشته و اولیا سراسیمه و نگران، و مؤمنان حیران و پریشان، و نافرمانان و گناهکاران غرق در عرق هستند، انتظارشان بسر رسیده و حساب و کتاب شروع می شود. از رحمت و محبت خداوند فرمانروا نسبت به پیامبران ﷺ، این است که قبل از همه امتها، امت آن حضرت ﷺ مورد حساب و کتاب قرار می گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «ما آخرین امت هستیم، ولی اولین امت خواهیم بود که مورد محاسبه قرار می گیریم، لذا گفته می شود، کجاست امت امی و پیامبرشان، پس ما آخرین امت (از نظر وجود بر کره زمین) و اولین (امت از نظر حساب و کتاب در میدان محشر) هستیم»^۲.

اولین گناهی که در میان مردم انجام شده و محاسبه آن انجام می گیرد

یکی از بزرگترین گناهان، ریختن خون ناحق است، و با کمال تأسف، امروز در عصر ما با گسترش سلاح و اسباب قتل و کشتار و بکارگیری آسان آنها، برخی مردم تساهل

۱- تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ [الإسراء: ۳۶].

۲- ابن ماجه با سند صحیح.

نموده و راحت و سریع مرتکب این گناه می‌شوند، در حالی که رسول خدا ﷺ خبر داده‌اند که این امر از علامات قرب قیامت به شمار می‌روند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که هرج زیاد شود». پرسیدند: یا رسول الله! هرج یعنی چه؟ فرمود: «قتل و کشتار، قتل و کشتار»^۱. و از آن جایی که ریختن خون نا حق کاری بسیار سنگین است، رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین چیزی که در روز قیامت در مورد حقوق مردم، داوری خواهد شد، خون‌ها خواهند بود»^۲.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت فردی را می‌آورند، در حالی که دست دیگری را گرفته است و می‌گوید: خدایا! این مرا کشته است، الله تعالی به قاتل می‌گوید: چرا او را کشته‌ای؟ او جواب می‌دهد: خدایا! او را کشتم تا عزت از آن تو باشد،^۳ الله می‌گوید: عزت و جلال از آن من است. باز کسی دیگر را می‌آورند در حالی که دست دیگری را گرفته و می‌گوید: خدایا این مرا کشته است، الله تعالی می‌پرسد: چرا او را کشته‌ای؟ می‌گوید: خدایا! به خاطر این که عزت و سربلندی از آن فلانی باشد. الله تعالی می‌گوید: عزت و سربلندی از آن فلانی نیست،^۴ آن گاه به گناهش گرفتار می‌شود»^۵.

بنابراین، باید انسان از ریختن خون ناحق بپرهیزد، و از درگیری‌ها و خصومت‌ها و مواضع اتهام بپرهیزد و به هنگام خشم و غضب خود را کنترل نماید و از خداوند سلامتی و عافیت بخواهد.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- یعنی بدان جهت او را کشتم که کافر بود و با مسلمانان می‌جنگید، یا مرتکب چنان عملی گردید که کشتنش را واجب می‌گردانید. مصنف ابن ابی شیبة، ۲۲ / ۳۴۰، (مترجم).

۴- یعنی او را با انگیزه غلبه فلانی بر مردم یا بنابر دستور فلانی کشته‌ام. المصنف ابن ابی شیبة، ۲۲ / ۳۴۰، (مترجم).

۵- سنن نسائی با سند صحیح.

حال و وضع بندگان در روز داوری و محاسبه

روز محشر و داوری، روز فیصله و قضاوت، روزی بس دشوار و سخت خواهد بود، جز کسی که خداوند آن را برایش آسان بگرداند. در آن روز مردم حالت‌های گوناگونی خواهند داشت.

زیرا به هنگام عرضه شدن در محضر خداوند کریم، در آن ایستگاه مخوف و سراسیمگی گناهکار، انسان‌ها از همدیگر اعلام بیزاری و برائت می‌کنند، و هر فرد نسب و قرابت خویش را فراموش می‌کند. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱]. «هنگامی که (برای بار دوم) در صور دمیده شود، هیچ‌گونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هر کسی در اندیشه نجات خویشتن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند».

هر چند که دو نفر در صداقت و رفاقت خویش رابطه‌ای قوی و محکم داشته باشند، اما در صحنه قیامت از همدیگر تبری می‌جویند و هر کدام، نفسی نفسی می‌گویند. چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا﴾ [المعارج: ۱۰]. «و هیچ دوستی از دوستش نمی‌پرسد».

بلکه انسان از اهل و دوستانش می‌گریزد و از برادران و یارانش فرار می‌کند و همگی گردن‌ها در برابر فرمانروا ذلیل و خوار شده و دشواری‌ها نرم و ملایم گشته و صاحبان درک و خورد فروتن شده‌اند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ [طه: ۱۱۱]. «در آن روز همهٔ چهره‌ها در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و گرنش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر را بر دوش کشد، (از لطف خدا) ناامید می‌گردد».

چه صحنه‌ای بس وحشتناک خواهد بود!! خدایا بر ما رحم بفرما!!

مردم می‌لرزند، پیامبران تضرع و زاری می‌کنند، زبان‌ها بند آمده، خرد‌ها بیدار شده‌اند، در حالی که اعمالی متنوع و مختلف انجام شده است!.

در آن روز، بندگان اعمالی را که انجام داده‌اند، حاضر می‌بینند، چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۳۰].

۳۰]. «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایهٔ سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصلهٔ زیادی می‌بود، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می‌دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

بنابراین، در آن روز هیچ عملی که انسان در حیاتش انجام داده است، پنهان نمی‌شود.

آثار به جا مانده

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءِثْرَهُمْ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ

مُبِينٍ ﴿۱۲﴾ [یس: ۱۲]. «ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم، و چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهایی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزهایی را که (در آن) بر جای نهاده می‌نویسیم. و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نماییم و می‌نگاریم».

خداوند این‌گونه حال و عمل انسان را توصیف می‌می‌نماید، هر آنچه را که قبل از مرگش از پیش فرستاده و اعمالی که پس از مرگش برجا گذشته که آثار او به شمار می‌آیند را ثبت می‌کند.

آری، محاسبه دقیق انجام می‌شود، به طوری که اعمالی که قبل از مرگ انجام داده و اعمالی که پس از مرگش رها نموده است، همه حاضر می‌شوند. پس از اگر قرآنی را برجا گذاشته، چاهی را حفر نموده، نهری را به جریان انداخته، یتیمی را سرپرستی نموده، علمی را نشر نموده، فرزند صالحی را برجا گذاشته است، همهٔ این موارد باقی می‌مانند و برایش صدقهٔ جاری به شمار می‌روند.

همین‌گونه خواهد بود حال کسی که چیزی حرام را ترک نموده است، مانند این که مرده و محل فروش شراب را برجا گذاشته، یا رقاص خانه‌ای بنا نموده، یا شبکهٔ ماهواره‌ای را راه اندازی نموده که فساد را نشر می‌کند، و یا کتاب‌های فاسدی از وی بر جا مانده است.

همگی را انسان در جلوش حاضر می‌بیند، چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿۱۳﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ بَصِيرَةٌ ﴿۱۴﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾ [القیامة: ۱۳-۱۵]. «در آن روز انسان را آگاه می‌سازند از چیزهایی که

پیشاپیش فرستاده است و از چیزهایی که برجای گذاشته است. * اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است. * در حالی که (به زبان) عذرهایی برای (دفاع از) خود می‌آورد». هر چندت که انسان گناه را حقیر و ناچیز بداند، اما خداوند آن را در روز قیامت بزرگ می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «از گناهان کوچک و حقیر بپرهیزید، زیرا گناهان صغیره مانند گروهی هستند که در درّه‌ای جمع می‌شوند و هر کدام تکه چوبی را می‌آورد، تا این که آن مقدار چوب جمع می‌کنند که نشان را می‌پزند، و هر گاه بنده از گناهان صغیره مورد مؤاخذه قرار گیرد، نابود می‌شود»^۱.

انواع حقوقی که در روز قیامت ادا شوند

حق، به چیزی گفته می‌شود که از انسان خواسته می‌شود تا آن را به دیگران بپردازد، و خداوند برای انسان حقوقی را قرار داده و نیز حقوقی را برای بنده تضمین نموده و او را هشدار داده است تا اگر در این حقوق کوتاهی نماید، او را محاسبه خواهد نمود.

حقوق الله تعالی

حق خداوند بر بنده این است که او را عبادت کند و کسی را با او شریک نکند، نماز بخواند، زکات مالش را بپردازد و... بنابراین، نخستین سؤالی که از بندگان می‌شود، این است که شما در دنیا چه کسی را معبود خود ساخته اید و چه پاسخی به پیامبران داده‌اید؟

همچنین از حقوق الله بر بندگان این است که عباداتی را که بر آنان واجب گردانید، را به جا آورد.

بنابراین، نماز نخستین عبادتی است که خداوند او را در مورد آن بازخواست خواهد کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین عملی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه می‌شود، نماز اوست، پروردگار عزوجل به فرشتگان دستور می‌دهد: در نماز بندهام بنگرید، آیا آن را کامل کرده است یا ناقص؟ اگر آن را کامل کرده بود، کامل ثبت

می‌گردد، و اگر در آن نقصی وجود داشت، بود، الله تعالی می‌فرماید: بنگرید، آیا نمازهای نفلی دارد؟ اگر نمازهای نفلی داشت، خداوند می‌فرماید: آن را از آن‌ها کامل کنید، و سپس بقیه اعمالش بدین ترتیب می‌باشد»^۱.

حقوق بندگان

خداوند حقوقی را از برخی بندگان بر عهده برخی دیگر قرار داده است، چنان که پدر حقوقی بر پسر دارد و همچنین همسایه بر همسایه، زن و شوهر بر همدیگر، و نیز حیوانات، درختان و... حقوقی دارند. و برخی از این حقوق مباح و برخی حرام هستند. نخستین سؤالی که از حقوق بندگان می‌شود، خون‌ها هستند، بنابراین، کسی که کشته شده، یا مجروح شده و خونش ریخته شده، یا سرش شکسته است، این نخستین موردی خواهد بود که در مورد آن داوری انجام می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین داوری‌ای که در روز قیامت در مورد حقوق انجام می‌گیرد، خون‌ها خواهند بود»^۲.

کسی که مردم را می‌زند: کسی که با زدن مردم را مورد تجاوز قرار می‌دهد، به همین ترتیب در روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که از روی ستم مردم را با شلاغ و تازیانه می‌زند، روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود»^۳.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده‌ای را بزند، در روز قیامت از او قصاص گرفته می‌شود»^۴.

ام المؤمنین، ام سلمه رضی الله عنها گفت: رسول خدا ﷺ در منزل من بود و در دستش مسواکی داشت، آن گاه کنیزک خود یا ام سلمه را صدا زد تا جایی که آثار خشم بر وی نمایان بود.

ام سلمه در جستجوی وی به حجره‌های ازواج مطهرات رفت و او را در حالی یافت که با حیوانی بازی می‌کرد.

۱- سنن ترمذی.

۲- متفق علیه.

۳- بیهقی و بخاری در ادب المفرد با روایت صحیح.

۴- مسند بزار با روایت صحیح لغیره

گفت: تو اینجا بازی می‌کنی، در حالی که رسول خدا ﷺ منتظر توست.
کنیزک آمد و عرض کرد: به خدا سوگند من صدای شما را نشنیده‌ام که مرا صدا
بزنید.

آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «از ترس قصاص نمی‌بود، تو را با این مسواک تنبیه
می‌کردم»^۱.

وقتی رسول خدا ﷺ که پیامبر مقرب الله است، از قصاص می‌ترسد، پس حال دیگر
بندگان چگونه خواهد بود؟

مدیون: حقوق مردم ضایع نمی‌شود، بلکه خداوند حق هر صاحب حقی را می‌دهد،
اگر چه چیز اندکی باشد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر کس که ظلمی به برادرش نموده باشد، خواه به
آبروی او لطمه زده و یا حق دیگری از او پایمال کرده است، همین امروز (در دنیا) از او
طلب بخشش کند قبل از اینکه روزی (قیامت) فرا رسد که در آن، درهم و دیناری،
وجود ندارد. زیرا اگر اعمال نیکی داشته باشد، (در آنروز) به اندازه ظلمی که نموده
است، از آنها کسر می‌گردد. و اگر اعمال نیکی نداشته باشد، گناهان مظلوم را به دوش
او (ظالم) می‌گذارند»^۲.

بنابراین کسی که بمیرد و بر عهده‌اش دیونی است که در دنیا آن‌ها را پرداخت
نکرده است، در روز قیامت، طلبگاران، به میزان طلبشان از نیکی‌هایش بر می‌دارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در حالی بمیرد که دینار یا درهمی از مردم بر
عهده‌اش باشد، از نیکی‌هایش فیصله می‌شود، زیرا در آنجا درهم و دیناری نخواهد
بود»^۳.

کسی که به مردم تهمت می‌زند: کسی که زن یا مردی را به زنا یا از این قبیل موارد،
متهم نماید، در دنیا از او قصاص گرفته می‌شود، و اگر کسی برده‌اش را به زنا متهم
نماید، و در این اتهام دروغ بگوید، در روز قیامت حد شرعی بر وی اجرا می‌شود.

۱- مسند ابویعلی الموصلی.

۲- صحیح بخاری.

۳- سنن ابن ماجه با سند صحیح.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که برده‌اش را به زنا متهم نماید، در روز قیامت حد شرعی بر وی اجرا می‌شود، مگر این که در گفته‌اش راستگو باشد»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده‌اش را تهمت بزند، در حالی که او از آن کار بری است، روز قیامت به او شلاق زده می‌شود، مگر آن که واقعیت همان گونه باشد که او گفته است»^۲.

سلطه‌گر بر ضعیفان: هر کس از قدرت و جایگاه یا زیرکی‌اش، سوء استفاده کرده و با نیرو و سلطه‌اش بر ضعیفان ستم روا داشته و بر آنان غلبه کند، خداوند در روز قیامت از او انتقام می‌گیرد.

چنان که در حدیث حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است: «مردی به محضر آن حضرت ﷺ آمد و نشست و گفت: یا رسول الله! من دو برده دارم که با من دروغ می‌گویند و به من خیانت می‌کنند و از من فرمان نمی‌برند، من نیز آنان را ناسزا می‌گویم و آنان را می‌زنم، پس حال من با آنان چگونه است؟

خیانتها، دروغ‌ها و نافرمانی‌های آنان با تو محاسبه می‌گردد، اگر کیفر دادن تو به آنان به اندازه گناهانشان بود، این برایت کفایت می‌کند و نه به نفع تو می‌شود و نه به زیانت، اما کیفر دادن تو نسبت به آنان کمتر بود، این برایت فضیلت است، و اگر کیفر دادن تو به آنان بیش از گناهانشان بود، به اندازه کیفر اضافی تو به آنان، از تو قصاص گرفته می‌شود.

آن‌گاه آن مرد مقداری عقب رفت و گریه می‌کرد و فریاد می‌زد:

آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: مگر آیه قرآن را نخوانده‌ای که الله تعالی فرموده است:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۷]. «و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کم‌ترین ستمی نمی‌شود، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر باشیم».

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح بخاری.

آن گاه آن مرد گفت: «یا رسول الله! من راه بهتری بین خود و آنان از این نمی‌یابم جز این که از آنان جدا شوم، شما را گواه می‌گیرم که آنان آزادند»^۱.

بنابراین، وقتی ظلم و ستم چنین سرانجامی خواهد داشت، پس مناسب است تا ما از ستم روا داشتن بر دیگران بترسیم و از آن بر حذر باشیم.

در عین حال که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند که ستم روا داشتن بر دیگران در روز قیامت برای ستمگر تاریکی‌هایی خواهد شد. آن حضرت ﷺ فرمود: «از ظلم و ستم پرهیزید، زیرا ظلم و ستم در روز قیامت به تاریکی‌هایی تبدیل خواهد شد»^۲.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر برادرش ستمی روا داشته، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشته، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش درهم یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشته باشد، به عوض ستمش از آن برداشته می‌شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بر وی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می‌شود»^۳.

حقوق حیوانات و چهارپایان

از جمله عدالت خداوند و باریکی حکمتش در میان مخلوقات این است که نه تنها این که حقوق بندگان را از یکدیگر می‌گیرد، بلکه حقوق حیوانات را نیز از یکدیگر می‌گیرد و از آنها قصاص می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت حق هر صاحب حقی به اهل آن می‌رسد، حتی برای گوسفند بی‌شاخ از گوسفند شاخ دار قصاص گرفته می‌شود»^۴.

حتی بین انسان‌ها و حیوانات داوری می‌شود، چنان که اگر کسی در دنیا حیوانی را آزار داده است، در روز قیامت محاکمه شده و به کیفر گناهش می‌رسد.

۱- سنن ترمذی و مسند احمد با سند صحیح.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح بخاری.

۴- متفق علیه.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «زنی به خاطر این که گربه‌ای را زندانی کرده و تا این که مرده بود، عذاب داده شده و وارد دوزخ گردید، چون نه خود به او غذا و آب داده و نه او را رها کرده تا از حشرات زمین تغذیه کند»^۱.

بنابراین، این اوج عدالت و انصاف است، زیرا خداوند بین دشمنی‌های بندگان داوری می‌کند و حق ستم‌دیده را از ستمگر می‌گیرد، و حق هر صاحب حقی را به او می‌دهد، حق کسی را که مالش دزدیده شده است را از دزد و سارق می‌گیرد و حق مستضعف را از ستمگر باز پس می‌گیرد.

گواهان دادگاه قیامت

در روز رستاخیز، زمین با نور پروردگارش می‌رخشد، آن گاه که خداوند برای داوری بین مخاوقاتش متجلی می‌گردد و آن گاه پیامبران و گواهان آورده می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجَاءَءَ بِالنَّبِيِّنَ وَالشَّهَدَاءِ﴾ [الزمر: ۶۹]. «و زمین با نور (تجلی) خداوندگارش روشن می‌شود، و کتاب (و نامه اعمال به دست صاحبانش) گذاشته می‌شود و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند».

آن گاه در آن محکمه و دادگاه قیامت در میان آفریدگان داوری می‌شود و خداوند بر بندگان گواه است و از احوالشان آگاه است و چیزی بر او پنهان نمی‌ماند. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ۹۸]. «و خداوند بر اعمال شما گواه است».

پیامبر ما ﷺ و امتش بر دیگر امت‌ها گواهی می‌دهند

خداوند پیامبران را برای انسان‌ها به عنوان رحمت فرستاده است تا آنان را به رحمت الله مژده داده و از عذابش بترسانند. همچنین برخی از اقوامشان راه هدایت را پیشه کرده و برخی اعراض نموده و رویگردان شده‌اند.

وقتی در روز قیامت پیامبر با امتش گرد آورده می‌شود و همگی در برابر پروردگار مقتدر و حکیم می‌ایستند، آن گاه وضعیتشان آن گونه خواهد بود که الله تعالی فرموده است: ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا

كُنَّا غَائِبِينَ ﴿۷﴾ [الأعراف: ۶-۷]. «به طور قطع از کسانی که پیامبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می‌پرسیم. * مسلماً آگاهانه برای آنان شرح می‌دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده ایم».

وقتی امت‌ها راه تکذیب را پیش گرفته و منکر این امر می‌شوند که پیامبران چیزی را به آنان ابلاغ ننموده‌اند، آن‌گاه پیامبران ﷺ و امتش گواهی می‌دهند که پیامبران پیام الله را به آنان رسانده‌اند، چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [البقرة: ۱۴۳]. «تا گواهانی بر مردم باشید».

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، نوح فراخوانده می‌شود. می‌گوید: لبیک ای پروردگارم! آماده خدمتم. خداوند می‌فرماید: آیا (آنچه را که به تو گفته بودم) ابلاغ کردی؟ می‌گوید: بلی. سپس از امتش می‌پرسند: آیا به شما ابلاغ کرد؟ می‌گویند: هیچ ترساننده‌ای نزد ما نیامده است. خداوند به نوح می‌گوید: چه کسی گواه تو است؟ می‌گوید: محمد و امت‌اش. آن‌گاه شما گواهی می‌دهید که او ابلاغ نموده است و پیامبر نیز گواه شماست. اینجاست که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: ۱۴۳]. یعنی «شما را یک ملت میانه رو قرار دادیم تا روز قیامت، بر مردم، گواه باشید. و پیامبر اکرم ﷺ بر شما گواه باشد»^۱.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت پیامبری می‌آید که یک نفر با او همراه است و پیامبری می‌آید که دو نفر همراه‌اند و پیامبری می‌آید که تعداد بیشتری با او همراه‌اند، آن‌گاه قومش فرا خوانده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: آیا پیامبرتان پیام الله را به شما ابلاغ کرده است؟ آنان می‌گویند: خیر، آن‌گاه به پیامبر گفته می‌شود: چه کسی گواهی می‌دهد که تو پیام الله را به آنان رسانیده‌ای؟ او می‌گوید: محمد و امتش، آن‌گاه امت محمد ﷺ فرا خوانده می‌شود و از آنان پرسیده می‌شود: آیا این پیامبر پیام الله را به امتش ابلاغ نموده است؟ آنان جواب می‌دهند: بلی، الله تعالی می‌فرماید: شما

از کجا می‌دانید؟ آنان می‌گویند: پیامبرمان ﷺ به ما خبر داده است که پیامبران پیام الله را به امت‌هایشان رسانیده‌اند و ما او را تصدیق کرده ایم»^۱.

پیامبرمان ﷺ بر امتش گواهی می‌دهد

رسول خدا ﷺ بر امتش گواهی می‌دهد که او پیام خدا را به آنان رسانیده و احکام الله را برایشان ابراز داشته و آنان را انذار و تبشیر نموده است، آنان را به هر کار خیر راهنمایی کرده و از هر کار بدی بر حذر داشته است. چنان که الله تعالی می‌فرماید:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱].

«(ای محمد!) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملّتی گواهی بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم»؟

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ آیه: ﴿يَوْمَئِذٍ نُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾ [الزلزلة: ۴]. «آن روز که زمین از اخبارش سخن می‌گوید» را تلاوت نموده و آن گاه فرمود: آیا می‌دانید: اخبار زمین چیست؟ صحابه گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. آن حضرت ﷺ فرمود: اخبار زمین این است که علیه هر برده و کنیزی آنچه را که بر پشتش انجام داده است، گواهی می‌دهد و می‌گوید: وی فلان و فلان روز بر پشت من این عمل و این عمل را انجام داده است، این است اخبار آن»^۲.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «از زمین خود را محافظت نمایید؛ زیرا زمین مادر شماست، و هیچ کسی هیچ عمل خوب یا بدی را انجام نمی‌دهد مگر این که زمین آنها را بازگو خواهد کرد»^۳.

پس وقتی بنده می‌داند که او با الله تعالی ملاقات می‌کند و خدایی که چیزی بر او پنهان نمی‌ماند، پس چگونه بر آن کار جرأت پیدا می‌کند»؟

۱- مسند احمد با سند صحیح.

۲- سنن ترمذی و گفته این حدیث حسن و صحیح است.

۳- مسند احمد.

گواهی اعضای بدن علیه انسان

چشمی که با آن می‌نگرد، گوشی که با آن می‌شنود، دستی که با آن می‌گیرد و کسب می‌کند، پایی که با آن می‌رود، و حتی پوست بدنش از هر موضعی، علیه انسان گواهی می‌دهد و همچنین ساق دست، شکم، پشت و ران سخن می‌گویند.

چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یس: ۶۵]. «امروزه بر دهان‌هایشان مهر می‌نهم، و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که انجام می‌داده‌اند و) چیزهایی که فراچنگ می‌آورده‌اند، گواهی می‌دهند».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النور: ۲۴]. «در آن روزی که علیه آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهایی که کرده‌اند گواهی می‌دهند».

ای دریغ! از صحنه‌ای که اعضای بدن گواهی داده و به سخن در می‌آیند!

انس ﷺ می‌گوید: ما در محضر رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که آن حضرت ﷺ به خنده در آمد و آن گاه فرمود: «آیا می‌دانید: من چرا خندیدم؟ صحابه گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: من از خطاب بنده به پروردگارش به خنده آمدم، آن گاه که می‌گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی‌دهی؟ خداوند می‌گوید: بلی، او می‌گوید: خدایا! من کسی جز گواهی خودم را قبول ندارم.^۱ خداوند می‌فرماید: امروز کافی است که خودت، گواه خودت باشی و نویسندگان گرانقدر گواهی دهند، آن گاه بر دهانش مهر زده می‌شود و به اعضای بدنش دستور داده می‌شود که سخن بگویند، آنها اعمالی را که انجام داده‌اند، بازگو می‌کنند، آن گاه به او اجازه داده می‌شود تا سخن گویند، او به اعضایش می‌گوید: دوری باد بر شما و گم شوید، من به خاطر شما دفاع می‌کردم»^۲.

۱- یعنی این انسان بر اثر شدت دروغگویی‌اش، شهادت هیچ کسی از فرشتگان و ... نمی‌پذیرد، و می‌گوید: جز خودم گواهی کسی دیگر را قبول ندارم، من خودم به عملکردم گواهی می‌دهم، آن گاه دهانش قفل می‌شود و به اعضایش دستور می‌رسد که سخن بگویند.

آری، به اعضایش، از قبیل دست ، پا و... دستور می‌رسد تا نسبت به آنچه انجام داده‌اند، سخن بگویند. آن‌گاه آن‌ها زبان گشوده و آدمی رسوا می‌شود و از زشتی‌ها پرده بر می‌دارند و امور پنهان آشکار می‌شوند و انسان‌های مغرور رسوا می‌شوند. وقتی اعضای بدن اعتراف نموده و سخن می‌گویند در حالی که آدمی می‌شنود و اختیاری ندارد تا زبان اعتراض بگشاید، چون زبان قفل شده و از سخن گفتن باز داشته شده است. آن‌گاه به او اجازه داده می‌شود تا سخن بگوید، آن‌گاه به نکوهش و سرزنش آنان می‌پردازد، و می‌گوید: من از شما دفاع می‌کردم و می‌خواستم شما را از آتش دوزخ برهانم!

رسول خدا ﷺ در میان سخنانش در مورد مورد سؤال قرار گرفتن بندگان در روز قیامت فرمود:

«آن‌گاه با نفر سوم ملاقات می‌کند و به او نیز چنین می‌گوید. وی می‌گوید: خدایا! من به تو و کتابت و پیامبران ایمان آوردم و نماز خواندم و روزه گرفتم و در راه تو انفاق کردم و تا می‌تواند از خیر و خوبی‌ها سخن می‌گوید. آن‌گاه به او گفته می‌شود: آیا گواهانمان را علیه تو بیاوریم؟ او در خودش می‌اندیشد که آن گواهان چه کسانی خواهند بود؟ چه کسی علیه من گواهی می‌دهد؟ آن‌گاه بر زبانش مهر زده می‌شود و به ران، گوشت و استخوان‌هایش گفته می‌شود: سخن بگویند و ران، گوشت و استخوان آنچه را که انجام داده‌اند، بر زبان می‌آورند، این بدان جهت است تا برایش عذری باقی نماند و این فرد منافق است و کسی است که خداوند بر او خشمگین می‌شود»^۱.

گواهی سنگ‌ها و درختان

درختان و سنگ‌ها به نفع یا زیان انسان گواهی دهند از جمله این که در روز قیامت بر مؤذن گواهی می‌دهند و این از فضیلت اذان است که هر کسی از جن، انسان، درختان و سنگ‌ها که اذان را بشنود، برای او گواهی می‌دهد. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هیچ جن و انسان و چیزی دیگری صدای اذان را نمی‌شنود، مگر این که در روز قیامت برای او گواهی می‌دهد»^۲.

نجوا...

۱- صحیح مسلم.

۲- صحیح بخاری.

خویشتن را محاسبه کنید قبل از آن که مورد محاسبه قرار گیرید،
و اعمالتان را وزد نمایید، قبل از آن که علیه شما وزن شوند،
و خود را بر عرضۀ بزرگ در نزد خداوند آماده کنید.



دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

متولد ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۹۰ هـ ق)

دارنده‌ی مدرک دکترا در عقیده و مذاهب معاصر با رتبه‌ی ممتاز از دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض.

دارنده‌ی اجازه‌ی قرائت و روایت حدیث از شیوخ برجسته‌ی مصر و یمن و مغرب. عضو اتحاد جهانی علمای مسلمان.

عضو هیئت‌علیای توسعه‌ی انسانی، وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامی.

عضو مجلس امانا در هیئت‌علیای رسانه‌ی اسلامی وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامی.

عضو تعدادی از دفاتر دعوت و هیئت‌های اسلامی.

مشاور پاره وقت در تعدادی از هیئت‌های اسلامی در سطح جهان.

استاد پاره‌وقت در دانشگاه‌های عربستان سعودی و جهان.

خطیب جمعه در مسجد جامع بواردی در ریاض از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

عضو هیئت تدریس در دانشگاه ملک سعود از سال ۱۹۹۳ تاکنون.

امام و خطیب مسجد جامع دانشکده‌ی امنیتی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۶ م.

ایشان علاوه بر تحصیل آکادمیک از محضر شیوخ بزرگواری همچون دکتر عبدالکریم

اللاحم، دکتر عبدالله بن جبرین، علامه عبدالعزیز بن باز، علامه ابن عثیمین، شیخ

عبدالله بن قعود و تعدادی دیگر از شیوخ گرامی استفاده علمی برده است.

دارای نزدیک به سی عنوان کتاب و رساله‌ی علمی و دعوی به زبان‌های زنده‌ی دنیا.

دکتر عریفی همچنین از طریق شبکه‌های اجتماعی به امر دعوت مشغول هستند.

حساب کاربری تویتر ایشان رکورد بیشترین دنبال کننده را در کشورهای عربی دارا

می‌باشد.



Arefe.Fa@gmail.com



facebook.com/ArefeFa
facebook.com/3refe



@ArefeFa
@MohamadAlarefe



youtube.com/user/Arefefa